

فصلنامه رسانه و سبک زندگی اسلامی ایرانی

ویژه‌نامه تربیت جنسی
سال سوم، شماره ۹، زمستان ۱۴۰۱
کد: ۲۹۵۱

صاحب امتیاز:
اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه

مدیر مسئول:
حجت‌الاسلام صادق لیراوی

جانشین مدیر مسئول:
حجت‌الاسلام سلمان رضوانی

سر دبیر:
حجت‌الاسلام عبدالله جلالی

شورای سیاستگذاری:
حجت‌الاسلام دکتر ابراهیم اخوی،
دکتر فریده پیشوایی، حجت‌الاسلام دکتر
عبدالله جلالی، حامد حجتی، دکتر محسن
ربانی، حجت‌الاسلام سلمان رضوانی

همکاران این شماره:
حجت‌الاسلام عبدالرضا آتشین‌صدف،
حجت‌الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی،
دکتر فریده پیشوایی، حجت‌الاسلام
دکتر عبدالله جلالی، سیده‌مریم چاوشی،
دکتر سیدحسین شرف‌الدین، دکتر ابراهیم
شفیعی سروستانی، رسول صادقی،
حجت‌الاسلام دکتر علی‌نقی فقیهی،
دکتر منصوره کریم‌زاده، دکتر مهدی
منتظر قائم، حجت‌الاسلام دکتر رضا مهکام

ویراستار:
اعظم خوشگفتار

صفحه‌آرا:
زهرة نیک‌خلق احمدی

طراح جلد و نامواره:
امیر اکبرزاده

چاپ: زلال کوثر
شمارگان: ۲۸۰
بها: ۶۰۰۰۰۰ ریال



• دفتر مرکزی:
قم، بلوار امین، مجموعه صداوسیما،
اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه
• تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۱۵۵۱۰
• دفتر تهران:
تهران، جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرین
• تلفن: ۰۲۲۰۱۴۷۳۸
• نمابر: ۰۲۲۱۶۴۹۹۷
• دفتر خراسان:
مشهد، خیابان امام خمینی، جنب باغ‌ملی، ساختمان صبا، طبقه سوم
• تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۱۵۱۰۸ - نمابر: ۰۳۲۲۱۵۱۰۶
• سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۲۵۵

www.irc.ir

info@irc.ir

[@iribirc](https://www.instagram.com/iribirc)

[@irc_ir](https://www.instagram.com/irc_ir)



اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه
سازمان صدا و سیما - تهران

سخن نخست	۳
گفتار اول: تربیت جنسی در آموزه‌های اسلامی	۵
تربیت جنسی در قرآن کریم / فریده پیشوایی	۵
اهمیت تربیت در کلام معصومان <small>علیهم‌السلام</small> / عبدالله جلالی	۱۰
مبانی تربیتی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی / عبدالله جلالی	۱۴
تربیت در اندیشه استاد صفایی حائری / عبدالله جلالی	۱۸
بررسی سلامت جنسی کودکان با رویکرد تربیت دینی / عبدالرضا آتشین صدف	۲۰
گفتار دوم: گزارش نشست‌های علمی	۴۳
گزارش نشست بررسی زیرساخت‌های فکری نفی استقلال فرهنگی	۴۳
گفت‌وگو با کارشناسان درباره تربیت جنسی و جایگاه رسانه ملی	۵۳
پروژه نفوذ و نفی استقلال فرهنگی، زمینه‌ها و اهداف (گزارشی از سند ۲۰۳۰)	۷۰
گفتار سوم: تربیت جنسی و رسانه	۹۸
جهت‌گیری محتوایی تربیت جنسی در رسانه ملی / عبدالله جلالی	۹۸
خشونت جنسی، مسئله‌ای ساختاری در جامعه آمریکا / رسول صادقی	۱۰۳
تربیت جنسی؛ چیستی، راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای آن / ابراهیم شفیعی سروستانی	۱۱۳
موضوعات و محورهای پیشنهادی برنامه‌سازی / سیده‌مریم چاوشی	۱۴۶
سؤالات تربیت جنسی / سیده‌مریم چاوشی	۱۵۳
گفتار چهارم: تربیت جنسی در آثار علمی	۱۶۴
گزارش اجمالی از تحقیقات علمی در مسائل مربوط به تربیت جنسی کودکان و نوجوانان / فریده پیشوایی	۱۶۴
معرفی کتاب / سیده‌مریم چاوشی	۱۹۶
معرفی کارشناس	۲۰۶

سخن نخست

یکی از ساحت‌های مهم در حوزه کارکردهای خانواده، تربیت جنسی فرزندان است. اصول کلی این امر و برخی راهکارهای عملی آن نیز در منابع دینی از جمله قرآن و روایات و سنت معصومین علیهم‌السلام بیان شده است که شاید امروزه کمتر به آن توجه و عمل می‌شود. از طرف دیگر، هجده فرهنگ منحن غرب بر مبنای اسناد بین‌المللی مانند ۲۰۳۰ در کشورهای مسلمان مانند ایران، ترویج سبک زندگی غربی در فضای مجازی، انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای که پیامدهای سوء فردی و اجتماعی آن بر همگان آشکار است، توجه خاص دست‌اندرکاران مسائل تربیتی و فرهنگی را به این مسئله و زوایای آن می‌طلبد؛ چراکه نپرداختن به این موضوع، راه را برای رسانه‌های بیگانه باز می‌گذارد. نظر به نقش فرهنگ‌سازی رسانه ملی و اهمیت نحوه طرح این بحث از طریق این رسانه و پیامدهای احتمالی آن، این شماره از نشریه ساحت را به موضوع تربیت جنسی در مقطع سنی کودک و نوجوان اختصاص داده‌ایم. در بخش اندیشه‌ای این مجله، آیاتی از قرآن و پیام‌های آنها، گزارشی از آخرین تحقیقات علمی و بیان

قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت انسان است و تربیت انسان‌ها، مقصد این مکتب تربیتی است. از این رو تنها مکتبی که می‌تواند انسان را تربیت و اصلاح کند، اسلام است که خواسته‌های نفسانی را تعدیل می‌کند نه تعطیل؛ در نتیجه، مایه قیام و حیات انسان‌ها می‌گردد؛ زیرا یکی از حقوق مسلم در اسلام، تعلیم و تربیت است که حقی مساوی میان زن و مرد است.

نوع نگرش نظام اخلاقی اسلام به ماهیت و حقیقت انسان، آن را از دیگر نظام‌ها متمایز می‌کند، چون اسلام تعریف خاصی از انسان و جهان دارد و به سعادت دنیا و آخرت انسان می‌اندیشد. اسلام برای صیانت درونی خانواده، از یک سو برنامه‌هایی دارد و از سوی دیگر، تربیت فرزندان و رفتارهای اخلاقی را تنظیم کرده است.

شانه‌خالی‌کردن از تربیت فرزند، مخالف آموزه‌های اسلامی است. بر همین اساس، اسلام تربیت را مهم‌ترین نیاز و زیربنایی‌ترین حرکت هر انسان و جامعه‌ای می‌داند و مباحث تربیتی را از ابتدایی‌ترین و مقدم‌ترین مباحثی می‌داند که هر مسلمانی باید مدار زندگی خود را بر مسئولیت و سازندگی تنظیم کند.

راهکارهای رسانه‌ای پرداختن به تربیت جنسی منتج از آنها تقدیم خوانندگان می‌شود.

همچنین پروژه نفوذ و نفی استقلال فرهنگی و زمینه‌ها و اهداف آن، همراه با گزارشی اجمالی از سند ۲۰۳۰ و اشاره به ظرفیت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، عنوان یادداشتی در این زمینه است.

محورهای محتوایی می‌باید تربیت جنسی و سؤالاتی که برای تشریح ابعاد آن لازم است، بخش دیگر این شماره از مجله را به خود اختصاص داده است.

بخش پایانی این ویژه‌نامه، گزارش نشست با روان‌شناسان متخصص در حوزه تربیت جنسی کودک و نوجوان و استخراج راهکارهای رسانه‌ای است.

امید است مدیران، برنامه‌سازان و علاقه‌مندان این حوزه، مطالب این اثر را بیسندند و به آن توجه کنند و خوانندگان و همراهان گرامی، ما را در هرچه بهتر به سرانجام‌رساندن این فصلنامه یاری رسانند.

و من الله التوفیق

اداره‌کل پژوهش اسلامی رسانه



گفتار اول: تربیت جنسی در آموزه‌های اسلامی

تربیت جنسی در قرآن کریم

فریده پیشوایی^۱

رانده می‌شود و نه چندان که حکم مسئله در پس پرده حیا و ادب، مخفی بماند.

پیام کاربرد واژگانی مانند:

«أَوْ لَا مَسْتُمْ النِّسَاءَ (کنایه از آمیزش با زنان)

در آیه أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ...؛

در شب روزه‌داری، نزدیکی با همسرانتان بر

شما حلال گردید». (بقره: ۱۸۷)

«مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ فِي آيَةِ لَاجِنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنِّ

طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ؛ اگر زنان را قبل از

آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق

دهید، گناهی بر شما نیست». (بقره: ۲۳۶)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا

زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا

خَفِيًّا...؛ اوست آن کس که شما را از نفس

واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد

تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حو]

تربیت جنسی در قرآن کریم

قرآن کریم که برنامه جامع زندگی انسان و راهنمای او به سوی سعادت است، در مجموعه‌ای از آیات، توصیه‌هایی مربوط به عفت و پاکدامنی دارد که نتیجه آن زیست عفیفانه است. بخشی از این منظومه ناظر به رفتارهای والدین در مورد تربیت جنسی فرزندان می‌باشد که در اینجا به این برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. آیات غیرمستقیم

الف) عفت کلام و ادب گفتاری قرآن در بیان

امور جنسی

در قرآن وقتی دامنه سخن به مسائل جنسی کشیده می‌شود، جلوه‌های ادب خداوند بروز می‌کند. صراحت، جایش را به کنایت می‌دهد. نه به‌گونه تحریک‌آمیز سخن

۱. سطح چهار گرایش تفسیر تطبیقی و پژوهشگر اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه. (fpishvaei@gmail.com)



درآمیخت، باردار شد، باری سبک» (اعراف: ۱۸۹). تغشاهای از ماده «تغشی» به معنی پوشانیدن است و این جمله در زبان عرب کنایه لطیفی از آمیزش جنسی است. داشتن حیا در گفت‌وگو و رعایت حریم و پرهیز از بی‌پردگی و کار بست الفاظ و عبارات صریح جنسی در برابر فرزندان است. این امر باید به‌عنوان یک خط مشی در فضای خانواده و نیز در برنامه‌ها و به‌ویژه در مجموعه‌های نمایشی رسانه ملی در نظر گرفته شود و ادب و عفت کلام در گفت‌وگوها رعایت شود.

ب) رعایت اصل حیا در پوشش، نگاه و رفتار
 «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ پس یکی از آن دو [زن] درحالی‌که با حالت شرم و حیا گام برمی‌داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداش اینکه [دام‌های] ما را آب دادی به تو بدهد. چون نزد او آمد و داستانش را بیان کرد، گفت: دیگر نترس که از آن گروه ستمکار نجات یافتی». (قصص: ۲۵)

- حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن. تا مبدا به قامت من چشم بدوزد.
- رفت‌وآمد دختران در بیرون خانه باید بر اساس حیا و عفت باشد: «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»

- در دعوت، مرد از مرد و زن از زن دعوت کند: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ». (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۸-۳۹)

۲. آیات مستقیم: حفظ حریم خصوصی والدین

الف) دستور به اجازه‌گرفتن فرزندان نابالغ در سه وقت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر و در نیمروز، هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شماست، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آنها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این‌گونه خداوند، آیات را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است». (نور: ۵۸)

پیام‌ها

- مهم‌ترین مسئله تعقیب‌شده در این سوره، عفت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی است که در ابعاد مختلف بررسی شده است. آیات مورد بحث نیز به یکی از اموری پرداخته که با این مسئله



- حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند.
- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند.
- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۱۰-۲۱۱)

ب) دستور به اجازه گرفتن فرزندان بالغ در تمام اوقات

«وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند، باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند، اجازه می گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می کند و خدا عالم و حکیم است.» (نور: ۵۹)

پیام ها

- این آیه، حکم فرزندان بالغ را بیان می کند: «هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند، باید در همه اوقات اجازه بگیرند.»
- حکم بالغان، با اطفال نابالغ، متفاوت است؛ زیرا کودکان نابالغ، طبق آیه قبل، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند، چون زندگی آنها با زندگی پدران و مادران آن قدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند، مشکل خواهد بود و از این گذشته، احساسات جنسی آنها هنوز به طور کامل بیدار نشده، ولی نوجوانان بالغ، طبق این آیه که اذن گرفتن را به طور مطلق برای آنها

- ارتباط دارد و خصوصیات آن را تشریح می کند و آن مسئله، اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ هنگام ورود به اطاق هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند.
- قبل از نماز فجر و در نیمروز هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورند، و بعد از نماز عشاء، سه وقت پنهانی و خصوصی برای شما است.
- دستور، متوجه اولیای اطفال است که آنها را وادار به انجام این برنامه کنند.
- اطلاق آیه هم مشمول کودکان پسر و هم کودکان دختر می شود.
- آیه از کودکانی سخن می گوید که به حد تمییز رسیده اند و مسائل جنسی و عورت و غیر آن را تشخیص می دهند؛ زیرا دستور اذن گرفتن، خود دلیل بر این است که این اندازه می فهمند که اذن گرفتن یعنی چه؟ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۳۷-۵۴۰)
- اسلام، دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین؛ یعنی اسلام از هیچ ریزه کاری مربوط به تربیت جنسی غفلت نکرده است.
- مسئول آموزش احکام دین (از جمله تربیت جنسی) به فرزندان، والدین مؤمن هستند.
- محل خواب والدین، اگر جدا از فرزندان باشد، نیاز به اذن دارد.



واجب دانسته موظف‌اند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۵۴۱)

این حکم مخصوص به مکانی است که پدر و مادر در آنجا استراحت می‌کنند و گرنه وارد شدن در اطاق عمومی (اگر اطاق عمومی داشته باشند) مخصوصاً به هنگامی که دیگران هم در آنجا حاضرند، و هیچ‌گونه مانع و رادعی در کار نیست، اجازه گرفتن لزومی ندارد. (همان، ج ۱۴، ص ۵۴۱)

برای ریشه‌کن‌ساختن مفسده اجتماعی مانند اعمال منافی عفت فقط توسل به اجرای حدود و تازیانه زدن منحرفان کافی نیست، در هیچ یک از مسائل اجتماعی چنین برخوردی نتیجه مطلوب را نخواهد داد، بلکه باید مجموعه‌ای ترتیب داد تا آموزش فکری و فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی، و همچنین آموزش‌های صحیح اسلامی باشد و محیط اجتماعی سالم ایجاد شود، سپس مجازات را به‌عنوان یک عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۱۲)

توصیه به اجازه گرفتن هنگام ورود به اتاق والدین، نوعی ادب اسلامی است. هرچند متأسفانه امروز کمتر رعایت می‌شود و با اینکه قرآن صریحاً آن را در آیات فوق بیان کرده است، در نوشته‌ها و سخنرانی‌ها و بیان احکام نیز کمتر دیده می‌شود. (همان)

امروزه ثابت شده است که کودکان (تا چه رسد به بزرگسالان) روی این مسئله حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند. گاه می‌شود سهل‌انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان با منظره‌هایی که نباید آن

را ببینند سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۵۴۵)

والدین باید از کارهای دیگری که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن در اطاقی که بچه‌های ممیز می‌خوابند تا آنجا که امکان دارد پرهیزند و بدانند این امور از نظر تربیتی در سرنوشت آنها فوق‌العاده مؤثر است. (همان، ص ۵۴۴-۵۴۶)

لازم است پدران و مادران این مسائل را جدی بگیرند، و فرزندان خود را عادت دهند هنگام ورود اجازه بگیرند، و همچنین از کارهایی که سبب تحریک فرزندان می‌گردد از جمله خوابیدن زن و مرد در اطاقی که بچه‌های ممیز می‌خوابند تا آنجا که امکان دارد پرهیز کنند، و بدانند این امور از نظر تربیتی در سرنوشت آنها فوق‌العاده مؤثر است.

بزرگان و اطرافیان، برای نوجوانان، الگو هستند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۱۲)

ج) فراهم‌سازی مقدمات ازدواج

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.» (نور: ۳۲)

پیام‌ها

خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است. «وَأَنْكِحُوا»



د) حفظ عفت در صورت ممکن نبودن ازدواج و لزوم توکل به فضل الهی

«وَ لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ وَ كَسَانِي كَه (وسيله) ازدواج نمی‌یابند، پاکدامنی و عفت پیشه کنند، تا آنکه خداوند از کرم خویش، آنان را بی‌نیاز نماید». (نور: ۳۳)

پیام‌ها

- دسترسی‌نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفت لازم است. «وَ لِيَسْتَعْفِفِ»
- هر کجا احساس خطر بیشتر باشد، سفارش مخصوص لازم است. «وَ لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفت، آنان را مخاطب قرار داده است).
- جوانان برای فراهم کردن امکانات ازدواج، به سراغ تهیه مال از راه حرام نروند و عفت و تقوا از خود نشان دهند. «حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۸۶)

منابع

۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- ازدواج در اسلام، امری مقدس و مؤکد است. «وَ أَنْكِحُوا»
- لازم نیست خواستگاری، از طرف خاصی باشد، هر يك از طرفین ازدواج می‌توانند پیشقدم شوند. «وَ أَنْكِحُوا»
- تنها سفارش به ترك نگاه حرام، کافی نیست، برای ازدواج جوانان باید اقدام کرد. «يُعْضُوا، يُعْضُضْنَ (با توجه به پیام آیات قبل)، أَنْكِحُوا»
- داشتن صلاحیت، شرط ازدواج است. «وَ الصَّالِحِينَ» (یعنی باید طرفین، صلاحیت اداره زندگی مشترک را داشته باشند).
- اقدام جامعه برای عروس و دامادکردن افراد صالح، تشویقی است که جوانان لایالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. «وَ الصَّالِحِينَ...» (بنابراین که مراد از صلاحیت، صلاحیت اخلاقی و مکتبی باشد).
- در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست. (زن، مرد، غلام و کنیز) «مَنْكُم، عِبَادِكُمْ، إِمَائِكُمْ»
- فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...»
- در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. «يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ»
- فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...»
- خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. «يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ» تحقق وعده‌های الهی از سرچشمه فضل بی‌پایان اوست. «فَضْلِهِ- وَاسِعٌ». (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۸۲-۱۸۳)



اهمیت تربیت در کلام معصومان علیهم السلام

عبدالله جلالی^۱

- **اهمیت تربیت**
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم همانند معدن‌ها، مختلف‌اند و اصل و نسب در انسان مؤثر است و تربیت بد، همانند اصل و نسب بد است». (پابنده، ۱۳۸۳، ص ۷۸۷)
- رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آرمزیده شود». (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲)
- امام سجاد علیه السلام فرمود: «خدایا مرا بر تربیت، ادب آموز و بر نیکی کردن به فرزندانم یاری فرما». (انصاریان، ۱۳۸۷، دعای ۲۵)
- امام علی علیه السلام فرمود: «میراثی به مانند ادب و تربیت وجود ندارد». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۵۳)
- **ویژگی‌های کودکی**
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند، هفت سال سرور، هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر است». (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲)
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه‌ای که کودک در آن نباشد، برکت ندارد». (متقی هندی، ۱۴۱۹، ح ۴۴۲۵)
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس کودک گریان خود را راضی کند تا آرام شود، خداوند از بهشت آن قدر به او می‌دهد تا راضی شود». (کاشف‌الغطا، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۵۴۹)
- امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس در خردسالی سؤال کند، در بزرگسالی اش پاسخ می‌دهد». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۵۳)
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می‌دارم: اول: بسیار می‌گریند؛ دوم: با خاک بازی می‌کنند؛ سوم: دعا کردن آنان همراه با کینه نیست؛ چهارم: چیزی برای فردا ذخیره نمی‌کنند، پنجم: می‌سازند و سپس، خراب می‌کنند (دل‌بستگی ندارند)». (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۹)
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خاک، بهار (تفریحگاه) کودکان است». (طبرانی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۴۰، ح ۵۷۷۵)

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه و دکترای تخصصی رشته عرفان اسلامی. (jalaly1348@gmail.com)



آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد». (انصاریان، ۱۳۸۷، ص ۶۲۲)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند دلبندم! چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم». (همان)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «در کودکی به فرزندان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وا دارید». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۵۳)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند دلبندم! نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم». (انصاریان، ۱۳۸۷، ص ۶۲۳)

■ امام علی علیه‌السلام در توصیه به فرزندش محمدبن حنفیه فرمود: «بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آنچه در آن است و اینکه به مقررات و دستورهای حلال و حرام آن و امر و نهی آن پایبند باشی». (راجی قمی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند دلبندم! خواندن قرآن را در شب و روز و هنگام تهجد بر خود لازم بدان؛ چراکه قرآن عهدنامه‌ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی به خلق خود، پس واجب است بر هر مسلمانی که در هر روز به عهدنامه خود بنگرد ولو پنجاه آیه باشد». (همان)

■ امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند صالح از هر سببی نیکوتر است». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۳۵۳)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «من از خداوند خویش، درخواست فرزندان زیباچهره و نیکوقامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگار خواسته‌ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا اینکه وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم مایه چشم‌روشنی من باشند». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۴، ص ۹۸)

اولویت‌های تربیتی

■ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «فرزندان خود را به کسب سه خصلت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان و دوستی خاندانش و قرائت قرآن». (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص ۴۵۶-۴۵۷)

■ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «ما هنگامی که کودکانمان هفت ساله می‌شوند به اندازه‌ای که طاقت دارند آنان را به انجام نماز و روزه فرمان می‌دهیم». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۲۶۴)

■ امام باقر علیه‌السلام فرمود: «ما کودکان خود را وقتی پنج ساله‌اند، به نماز امر می‌کنیم، ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید». (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۰۹)

■ امام علی علیه‌السلام فرمود: «فرزند دلبندم! پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند، پس به ادب آموختنت پرداختم، پیش از



- بزرگداشت آن توصیه نمود و سفارش کرد هنگام وفاتش آن را بر کفنش بنویسم و آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را برخواندن آن برانگیزانم». (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۱، ص ۳۸۴)
 - امام علی علیه السلام فرمود: «به کودکان خود آن مقدار از دانش ما که به حال آنان مفید است، تعلیم دهید تا اندیشه و نظر مرجئه (منحرفین) برآنان غالب نگردد». (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۷)
- حقوق فرزندان**
- مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمود: «اسم خوب برایش انتخاب کنی، به‌خوبی او را تربیت نمایی و به کاری مناسب و پسندیده بگماری». (ابن‌فهد حلی، ۱۳۶۸، ص ۷۶)
 - امام علی علیه السلام فرمود: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوب بر او بگذارد و او را خوب تربیت کند و قرآن به او بیاموزد». (انصاریان، ۱۳۸۷، ص ۸۷۷)
- بایسته‌های تربیتی**
- رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بازیگوشی کودک در خردسالی‌اش، مایه فزونی عقل در بزرگسالی اوست». (فیضی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۱۹۴)
 - رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! خداوند رحمت کند پدر و مادری را که فرزند خویش را بر نیکی کردن به خودشان یاری کنند». (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۹۱)
 - امام علی علیه السلام فرمود: «با خشم، تربیت [ممکن] نیست». (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۲۶۴)
 - امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: «دل جوان، مانند زمین کشت‌نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این‌رو، پیش از آنکه دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم». (انصاریان، ۱۳۸۷، نامه ۳۱)
 - رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا رحمت کند بنده‌ای را که با نیکی به فرزندش و دمسازی با او و آموزش و ادب کردن وی، در نیکوکارشدن یاری‌اش دهد». (نوری، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۲۶)
 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس فرزندش را به نام من نامگذاری کند و برکت و خجستگی مرا امید داشته باشد، برکت به‌سوی او خواهد آمد و تا قیامت (باقی) خواهد بود». (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۴۵۲۲۱)
 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس با کودک سروکار دارد، با او کودکانه رفتار کند». (ابن‌بابویه، ۱۳۴۳، ج ۳، ص ۴۸۳، ح ۴۷۰۷)
 - پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان، روزی‌دهنده خود را کسی غیر از شما نمی‌دانند». (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۹، ح ۳)
 - امام کاظم علیه السلام فرمود: «خوب است بچه در کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی بردبار گردد و شایسته نیست که جز این باشد». (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۵۱، ح ۲)



۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد (۱۳۸۴)، *شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۷. حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۳۳۴ق)، *مستدرک علی الصحیحین*، تهران: مطبعه مجلس دائره المعارف النظامیه الکائنه.
۸. راجی قمی، محمد (۱۳۷۶)، *پندهای پدران به فرزندان*، قم: محمد راجی قمی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۶)، *مکارم الأخلاق*، ترجمه: سیدحبیب الله موسوی، تهران: حبیب.
۱۰. فیضی، آصف (۱۳۴۸ق)، *دعائم الاسلام*، مصر: دارالمعارف.
۱۱. کاشف الغطا، محمدحسین (۱۳۹۶)، *الفردوس*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. کلینی، محمد (۱۳۸۵)، *کافی*، ترجمه: صادق حسن زاده، تهران: قائم آل محمد.
۱۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ق)، *کنز العمال*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۶)، *بحار الانوار*، قم: اسلامیه.
۱۵. مشکینی، علی (۱۳۹۲)، *مواعظ العددیه*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۱)، *مستدرک الوسائل* (ج ۲)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- امام باقر علیهم السلام فرمود: «ما کودکان خود را وقتی هفت ساله اند، به روزه وامی داریم، به اندازه ای که توان دارند، چه نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می کنند تا اینکه به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند، ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه ای که توان دارند، به روزه وا دارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنید». (همان، ج ۳، ص ۴۰۹، ح ۱)
- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کودکانتان به هفت سالگی رسیدند، رخت خواب هایشان را جدا کنید». (حاکم نیشابوری، ۱۳۳۴، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۷۲۱)

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۴۳)، *من لایحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۶۸)، *عده الداعی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. الطبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد (۱۳۹۰ق)، *معجم الکبیر*، بیروت: مکتبه الاصله والتراث.
۴. انصاریان، حسین (۱۳۸۷)، *ترجمه صحیفه سجادیه*، قم: دارالعرفان.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، *نهج الفصاحه*، قم: انصاریان.

مبانی تربیتی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

عبدالله جلالی



می‌کند نه تعطیل، در نتیجه مایه قیام و حیات انسان‌ها می‌گردد. (همان، ج ۲۳، ص ۶۰۸)
 در اسلام، تربیت در حدّ خود ارزش جدی به‌شمار می‌آید و ملاک و معیار انسانیتِ انسان در معرفت و ادب، سنجیده شده است. (همان، ۱۳۸۹، ص ۵۲)
 تعلیم و تربیت یکی از حقوق مسلم در اسلام است که میان زن و مرد مساوی است. اسلام فراگیری علم و ادب را جزو فرایض قرار داده و مریبان و خانواده را تشویق و ترغیب کرده که به فرزندان خود معرفت و ادب آموزند. از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده که فرمود: «یکی از حقوق فرزندان بر والدین تعلیم قرآن کریم است».^۱ (طبرسی، ۱۳۸۷، ص ۷۸)

قرآن کریم، کتاب هدایت و تربیت انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰). اسلام مکتب تربیت است و تربیت انسان‌ها مقصد این مکتب تربیتی است، از این‌رو حتی در مسائل اقتصادی‌اش، کرامت، بالندگی معنوی، شکوفایی فطرت توحیدی انسان و نیل به مدارج عالی انسانی جایگاهی محوری دارد (همان، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۸۴). تربیت از ماده رَبَب است نه رَبَو و در آن، مفهوم پرورش، نهفته و از اسمای الهی است. (همان، ۱۳۸۶، الف، ص ۵۳)
 در قرآن کریم، تعلیم و تربیت درهم‌تنیده شده است (همان، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۹۴). تنها مکتبی که انسان را تربیت و اصلاح می‌کند، اسلام است که خواسته‌های نفسانی را تعدیل

۱. «حق الولد علی والده أن یعلّمه الكتاب».



مهم‌ترین برنامه پیامبران علیهم‌السلام، تعلیم کتاب و حکمت و تربیت نفوس برای رسیدن به کامل‌ترین درجه انسانیت است. (همان، ج ۱۸، ص ۴۹۴)

در اندیشه اسلامی، نظام خانواده، زیربنای جامعه است، بدین سبب برای تحقق جامعه اسلامی، باید نخست به تربیت خانواده اصیل همّت گماشت، از این رو اسلام برای استحکام نظام خانواده و حفظ اصالت آن، توصیه‌های فقهی، اخلاقی، اقتصادی و... دارد. شارع مقدس، پدر و مادر را موظف کرده است به تعلیم و تربیت فرزندان خود اهتمام ورزند. اسلام هدف از ازدواج را تشکیل خانواده، بقای نوع انسان و تربیت فرزندان صالح می‌داند (همان، ج ۱۷، ص ۴۲۸). انسان باید فرزند را پیش‌فرستی برای آخرتش بداند و همه تلاش خود را در تربیت او به‌کارگیرد؛ نه اینکه وی را مایه فخر و مباهات مادی خویش بر دیگران بداند و در حد اموال دنیا به او بنگرد. (همان، ج ۱۱، ص ۲۰۱)

تربیت جنسی در اسلام

انسان موجودی اجتماعی است و تکامل معنوی و مادی او نیز در زندگی جمعی به دست می‌آید. اسلام به ارزش‌های واقعی و حقیقی‌ای اعتنا دارد که در جان بشر ریشه دارند و عامل تعالی شخصیت و شکوفایی معنویت انسان و مایه تقرب به خدا می‌گردند؛ اما تمایزهای موهوم مادی را لغو و بی‌اساس می‌داند. (همان، ج ۱۸، ص ۳۸۴)

و در روایت دیگر فرمود: «معیار ارزش انسان در اسلام به علم و معرفت و ادب و تربیت است»^۱. (قمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵) امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ارزش و امتیاز انسان در پنج چیز است: دین، عقل، حیا، اخلاق نیک و ادب نیکو». (همان، ج ۱۳۸۸، ص ۳۱۷)

نوع نگرش نظام اخلاقی اسلام به ماهیت و حقیقت انسان، آن را از دیگر نظام‌ها متمایز می‌کند؛ چون اسلام تعریف خاصی از انسان و جهان دارد و به سعادت دنیا و آخرت او می‌اندیشد، انسان با فطرت پاکش به آن گرایش دارد و خواهان آن است. دیگر نظام‌های اخلاقی به خوشبختی انسان می‌اندیشند، اما مفهوم و مصداق آن با توجه به جهان‌بینی هر مکتبی متفاوت است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۳۷)

چگونگی طرح تزکیه نفس در قرآن، تنها به یادآوری خطوط کلی و اصول علمی آن نیست، بلکه در کنار یادآوری علمی آن، الگوها و اسوه‌های عملی و تربیت‌یافتگان مکتب تزکیه معرفی می‌شود، تا هر سالکی، اسوه خود را در تهذیب روح، شناسایی و به او اقتدا کند. همچنین راه‌های تحصیل طهارت روح را در مسائل گوناگون بازگو می‌کند تا هرکس، راه تطهیر جان خود را بشناسد و در آن راه گام بردارد که در ذیل نمونه‌هایی از آن مطرح می‌شود. این علم توحیدی است که همه مسائل را حل می‌کند. (همان، ج ۱۳۸۸، ص ۵، ص ۳۲۵)

۱. «أكثر النَّاسِ قيمةً أكثرهم علماً و أقلَّ النَّاسِ قيمةً أقلهم علماً».



محور اصلی تعلیم کتاب، حکمت، تزکیه و تهذیب که برنامه رسمی پیام‌آوران الهی است، گوهر ذات انسان است که موجودی است مجرد و از این جهت، نه مذکر است و نه مؤنث. رعایت اصول اخلاقی، مهم‌ترین عامل تضمین‌کننده حقوق افراد است، اسلام به زن و شوهر، توصیه تعادل و برابری اخلاقی دارد. گزینه جنسی و شهوت آدمی، حقیقت انکارناپذیری است که یقیناً باید با پاسخ مثبت روبه‌رو شود و هرگونه سرکوب یا تعطیلی آن، خلاف هویت کلی و حیات حقیقی انسان است. (همان، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱)

شهوت جنسی به‌دنبال ارضاشدن است و هیچ قیدی را نمی‌توان بر این خواسته ضمیمه کرد؛ یعنی اگرچه با حلال یا حرام، پاسخ‌گرایز انسانی تحقق می‌یابد، اما خواسته این‌گرایز، پاسخ حرام نیست؛ مثلاً آنچه دستگاه گوارش انسان می‌طلبد، غذای مناسب و آنچه پیکر آدمی می‌خواهد، پوشاک مناسب است و اگرچه غذا و پوشاک حرام را می‌پذیرد، اما حرام را تقاضا نمی‌کند. اینجاست که عقل و فطرت به رهبری برمی‌خیزد و با تعدیل‌گرایز انسانی و تحریم شیوه‌های ضد اخلاقی، آدمی را به‌سوی روشی صحیح، حلال و در عین حال لذت‌بخش، ترغیب می‌کند.

بنابراین، لازم نیست در وجود انسان، ضمیری را به‌عنوان بایگانی یا زباله‌دانی خواسته‌های سرکوفته در نظر بگیریم و آن را سرچشمه شخصیت ماهوی انسان بدانیم. البته منعی برای پذیرش ضمیر آگاه و ناخودآگاه بشر نیست، اما نمی‌توان هویت انسان را در این مدار بسته خلاصه کرد و برای

ذهن و دو بخش مذکور آن، علیت تامه قائل شد، بلکه در صورت اثبات این معنا، آن را نسبت به حقیقت انسان در حد استعداد، علت قابل، علت اعدادی و امدادی می‌توان پذیرفت.

اسلام برای صیانت درونی خانواده، برنامه‌هایی دارد؛ از یک سو آداب معاشرت زن و شوهر و تربیت فرزندان و رفتارهای اخلاقی خانواده را تنظیم کرده است و از سوی دیگر، اسلام با تأکید فراوان، از اظهار مسائل جنسی در حریم خانواده جلوگیری کرده تا فساد جنسی به درون آنها راه نیابد. اسلام برای صیانت خانواده از آسیب‌های بیرونی، افزون بر سفارش خانوادگی، به دیگران نیز هشدار داده است.

شانه‌خالی‌کردن از تربیت فرزند، سپردن نوزادان و کودکان به پرورشگاه و خالی‌بودن زندگی کودک از عواطف گرم پدر و مادر، همگی برخلاف سنت آفرینش الهی بوده و اسلام با آن مخالف است. برای نمونه، کودک هم به شیر مادر و هم به عواطف مادرانه او نیازمند است و این عواطف، نوعی سیروسلوك عملی است و علم، جای آن را نمی‌گیرد؛ بنابراین کودکی که در پرورشگاه رشد می‌کند، شاید داناتر شود، اما کمبود عاطفی‌اش ترمیم نمی‌شود. عاطفه همانند ملات بنیان جامعه است و افراد همچون مصالح ساختمانی آن هستند. عاطفه افراد را در محوری خاص گرد می‌آورد و دل‌ها را به هم پیوند می‌دهد و با آنکه این ملات (عاطفه) نرم است، خانه‌ای (خانواده) نفوذناپذیر با آن ساخته می‌شود. (همان، ج ۱۷، ص ۲۷۵)



منابع

قرآن کریم

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، *حیات حقیقی در قرآن*، قم: نشر اسراء.
۲. ----- (۱۳۸۵)، *هدایت در قرآن*، قم: نشر اسراء.
۳. ----- (۱۳۸۶ الف)، *ادب قضا در اسلام*، قم: نشر اسراء.
۴. ----- (۱۳۸۶ ب)، *سرچشمه اندیشه (ج ۵)*، قم: نشر اسراء.
۵. ----- (۱۳۸۷)، *مبانی اخلاق در قرآن*، قم: نشر اسراء.
۶. ----- (۱۳۸۸ الف)، *وحی و نبوت*، قم: نشر اسراء.
۷. ----- (۱۳۸۸ ب)، *حق و تکلیف*، قم: نشر اسراء.
۸. ----- (۱۳۸۸ ج)، *تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۹. ----- (۱۳۸۹)، *قرآن حکیم از منظر امام رضا (علیه السلام)*، قم: نشر اسراء.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۶)، *مکارم الاخلاق*، ترجمه: سید حبیب الله موسوی، تهران: حبیب.
۱۱. قمی، عباس (۱۳۹۶)، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، تحقیق: علی اکبر الهی خراسانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

برخی از تجارب روان شناسان، شدت حیا در زن و جرئت در مرد را تأیید می کنند. (همان، ج ۱۱، ص ۲۷۵). یگانه تربیت کننده نفس انسان، آگاهی علمی و کردار عملی اوست؛ زیرا علم و عمل، نفس انسان را موافق و همسوی خود می کند و بارمی آورد. (همان، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۱۲)

کودک قبل از اینکه با عادات و رسوم دیگر آشنا شود، باید او را با تربیت و آداب صحیح که «صبغه الهی» است رنگین کنیم و نگوییم کودک است و باید بازی کند و هرچه خواست بگوید. بلکه بگوییم بازی صحیح بکند و حرف خوب یاد بگیرد. چون حرف و بازی خوب و رفتار، گفتار و کردار ظریف و صحیح کودکانه هم، کم نیست (همان، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵). از این رو یکی از ارزش های دانش در مسیر تربیت بنا به فرموده امام علی (علیه السلام) این است که هر اندازه علم انسان بیشتر شود، توجهش به نفسش افزون تر می شود و در تربیت و شایستگی آن کوشا تر می گردد.^۱

۱. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، فصل ۳۹، ج ۴۰. «کَلِّمُوا اَزْدَادَ عِلْمِ الرَّجُلِ، زَادَتْ عِنَايَتَهُ بِنَفْسِهِ وَ بَدَلَتْ فِي رِيَاضَتِهَا وَ صِلَاحِهَا جِهَةً».



تربیت در اندیشه استاد صفایی حائری

عبدالله جلالی



تربیت مهره‌های کارآمد و جاسازی و جایگزینی آنها مطرح می‌شود. (همان، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

برای پیدایش و حفظ و سرپرستی و پرورش و تربیت کودک که امور دشواری است، این تربیت در احساس و معرفت و عمل، و این تحول در انگیزه و ارزش‌ها و اهداف، آدمی را برای برنامه‌ریزی جدیدتری آماده می‌سازد و تقدیر و تدبیر و ارتباط و پیوندی جدید را به وجود می‌آورد. (همان، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷)

راستی که مسئله تربیت را نمی‌توان سرسری گرفت و نمی‌شود با کتک و ترساندن بی‌موقع، به نتیجه رسید. پس باید برای تربیت این انسان، از جای دیگری شروع کرد. باید آگاهی داد و برای آگاهی‌دادن، باید خدا را در دل‌ها بزرگ کرد که آدمی به اندازه معبودها و محبوب‌هایش حرکت خواهد کرد. (همان، ۱۳۸۶ الف، ص ۲۹)

زمانی که به خاطر مزاحمی نمی‌توانی کودکی را مستقیم تربیت کنی، به در می‌گویی

ما تربیت را اصل بینش دینی و بینش دینی را اصل فلسفه و عرفان و علم معرفی می‌کنیم. (صفایی حائری، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۴)

دین با رسول و با روش برخورد او و با تربیت و هدایت او آغاز می‌شود و درست همین نکته است که عقل هم محتاج آن است و باید عقل و فلسفه از همین تربیت و از همین روش و بینش و گرایش بهره‌مند شود و دین به آنها خط و هدف و انگیزه و روش می‌دهد. (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰)

عمیق‌ترین نیازی که یک جامعه دارد، نیاز به رهبری و به تربیت و به آگاهی‌دادن و خلاصه به روشنفکری و روشندلی است. (همان، ۱۳۹۱ الف، ص ۶۹)

در فرهنگ دینی راه و روش با تربیت آغاز می‌شود و در فرهنگ معاصر با مدیریت و همین است که رشد و انحطاط جوامع در عنصری اقتصادی و خارج از مقوله توسعه بررسی می‌شود و مفاهیم رهبری و مدیریت و طرح و



او حالی کنند که تو باید با شخصیت و بیداری تمام، از آنچه می‌شنوی و می‌بینی استفاده کنی و نتیجه‌گیری و اگر دنبال حرفی و شخصیتی می‌روی این تقلید و پیروی، استدلالی و منطقی باشد، نه از روی ترس و عادت یا نبود شخصیت یا خامی و نپختگی (همان، ص ۵۵). کودک اصولاً دارای غریزه تقلید است و این غریزه از شعبات غریزه کمال‌جویی و قهرمان‌پرستی است.

در صورتی که پدر و مادر، هدف تربیتی داشته باشند، برای سازندگی و تربیت کودک و بلوغ به آن هدف می‌توانند از عوامل تقلید، رقابت، قهر، ترس و محبت و احسان و تشویق و توجه و پاداش و ... استفاده کنند. (همان، ص ۴۸)

منابع

قرآن کریم

۱. صفایی حائری، علی (۱۳۸۱)، *استاد و دروس صرف و نحو*، قم: لیلۀ القدر.
۲. ----- (۱۳۸۲)، *درس‌هایی از انقلاب* (تقیه)، قم: لیلۀ القدر.
۳. ----- (۱۳۸۳)، *یادنامه زنده‌یاد علی صفایی حائری*، قم: لیلۀ القدر.
۴. ----- (۱۳۸۶ الف)، *حرکت (تحلیل جریان فکری و تربیتی انسان)*، قم: لیلۀ القدر.
۵. ----- (۱۳۸۶ اب)، *تربیت کودک*، قم: لیلۀ القدر.
۶. ----- (۱۳۹۱ الف)، *روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها*، قم: لیلۀ القدر.
۷. ----- (۱۳۹۱ اب)، *خط انتقال معارف*، قم: لیلۀ القدر.

تا دیوار بشنود، به دیگری داد می‌زنی تا طرف، حساب کارش را بکند، لطافت برخورد و کرامت تربیت اقتضا می‌کند که خشونت نصیحت را به کار نگیری تا چه رسد به خشونت تأدیب را. (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۹)

مربی باید به کودک شخصیت بدهد و او را با شخصیت‌های بزرگ همانند کند تا کودک، نیرو بگیرد و به خود مطمئن شود و از رکود خود وحشت کند و جلوتر بیاید. این شخصیت‌دادن از تعریف استعدادهای کودک یا عظمت دودمان یا عشیره و فامیل و یا کشور و وطن می‌تواند ریشه بگیرد و آن رقیب‌تراشیدن‌ها نباید با تحقیر و نفی کودک آلوده شوند (همان، ۱۳۸۶ اب، ص ۵۵). خلاصه این روحیه تقلید می‌تواند بزرگ‌ترین عامل تربیتی باشد که کودک را به سوی خوبی‌ها و بدی‌ها بکشانند.

در صورتی که پدر، تربیت‌یافته، مؤدب و معتقد و هدف‌دار باشد، این تربیت‌ها و اعتقادات و هدف‌ها به کودک منتقل می‌شود. مادام که فرزند در خانه است، تنها با مراعات پدر و مادر کار تمام است و همین که پا به بیرون می‌گذارد و با دیگران محشور می‌شود، پدر و مادر باید به جز مراعات سابق، به بت‌ها و مرجع تقلیدها و الگوهای دیگر کودک نیز توجه داشته باشند، از آنها که می‌توانند الگوی خوبی باشند، تمجید کنند و از آنها که نمی‌توانند با زرنگی انتقاد کنند، تا اینکه وازدگی در فرزند به‌وجود بیاید.

اوایل بلوغ، پدر و مادر باید با دادن آگاهی‌های کامل، جای تقلید کورکورانه را با شناخت‌ها و آگاهی‌ها عوض کنند و حتی فرزند را در تقلیدکردن و بدون برهان و تحقیق، پذیرفتن و دنبال کسی‌رفتن سرزنش کنند و به



بررسی سلامت جنسی کودکان با رویکرد تربیت دینی

عبدالرضا آتشین صدق^۱

مقدمه

سلامت جنسی از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر در جهان اهمیت فراوانی یافته است تا آنجا که امروزه موضوع سلامت جنسی یکی از اولویت‌های سلامت‌های همگانی به‌شمار می‌آید. در سال ۲۰۱۰م «انجمن جهانی سلامت جنسی» (WAS) با هدف پیشبرد آگاهی درباره سلامت جنسی، ۴ سپتامبر (برابر با ۱۳ شهریور) را «روز جهانی سلامت جنسی» معرفی کرد که این مسئله حاکی از اهمیت موضوع یادشده است. از سوی دیگر با پیچیده‌تر شدن روابط و رفتارهای جنسی در جوامع انسانی، نیاز به مداخلات آگاهی‌بخش، اصلاح نگرش و پیشگیری و درمان بیماری‌های مرتبط از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. در این میان وضعیت سلامت و بهداشت جنسی کودکان، اهمیت و حساسیت بسیاری دارد؛ زیرا کودکان، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه به‌شمار می‌روند

که ممکن است پیرامون آنها مجموعه‌ای از عوامل خطرآفرین وجود داشته باشد. مسائلی همچون اختلالات جنسی، استمنا، سوء استفاده جنسی، هرزه‌نگاری کودکان، قاچاق و توریسیم جنسی، ازدواج اجباری و موارد دیگر. همچنین از جمله مشکلات اساسی در مباحث سلامت و بهداشت جنسی کودکان، موضوعاتی همچون بیداری و کشف غریزه جنسی و نیز پرسش‌های جنسی و نحوه پاسخ‌دهی به آنهاست.

براین اساس توجه ویژه اندیشمندان، پزشکان، روان‌شناسان، والدین، رسانه‌های عمومی، دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش و ... به بحث سلامت جنسی کودکان ضروری است. آنچه در پی می‌آید بررسی ماهیت و ابعاد سلامت جنسی کودکان و آسیب‌شناسی مسائل مربوط به آن و نیز بیان راهکارهای مواجهه مؤثر با این آسیب‌ها با رویکردی دینی است.

۱. سطح دو حوزه و دانشجوی دکترای فلسفه علوم اجتماعی، (a.atashinsadaf@gmail.com)



هر کس، شخصیت جنسی مخصوص به خودش را دارد. به عبارت دیگر، تمایل و حالات جنسی، بخشی از شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد. مسائل جنسی و تمایلات آن در برخی موارد، کل شخصیت افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (همان، ص ۳۹-۴۰)

الف) عوامل مؤثر در تحریک تمایلات جنسی کودکان

وجود غریزه جنسی در کودکان، مسلم، ولی مخفی و پنهان است و شرایط و عواملی دست‌به‌دست هم می‌دهند که بر اثر آن، کودک، این غریزه را در خود کشف می‌کند. این امر در مواردی حتی زودتر از سه‌سالگی ممکن است رخ دهد. گفتنی است که نفس کشف و بیداری غریزه جنسی در کودک، موجب وحشت و خطر نیست. خطر زمانی است که این کشف، او را در مسیر غلطی از ارضای جنسی قرار دهد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: (رئوفی، ۱۳۹۲، ص ۲۶-۲۸)

شوخی‌های زشت و رکبیک، عبارات و کلمات ناهنجار، دیدن و نظاره امور جنسی والدین یا تماشای فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن می‌تواند باعث بیداری غرایز جنسی در کودک و نوجوان شود.

زمانی که کودک با اشیای زبر و نرم تماس پیدا کند، مثلاً با نرده، تشک، ملحفه و... خیلی زود درمی‌یابد که مناطقی در بدنش حساس و لذت‌بخش هستند و تکرار آن برایش خوشایند است. به همین منظور والدین و مربیان باید در این‌گونه موارد آگاهانه عمل نمایند.

۱. غریزه جنسی کودک

یکی از امانت‌های مهمی که خداوند در نهاد هر انسانی قرار داده، غریزه است. نیروی مرموز و پیچیده غریزه، آدمی را به سوی هدف و مقصودی خاص جهت می‌دهد. یکی از غرایز مهم و ارزنده در تغییر و تحولات اساسی حیات آدمی، غریزه جنسی است که به صورت تمایل شهوانی تجلی می‌کند و ارضای مشروع آن، سبب پیدایش، تداوم و بقای نسل می‌گردد. در صورتی که این میل جهت‌یافته و هدف‌دار گردد به انسان ارزش می‌دهد. نیازی که این غریزه ایجاد می‌کند، همانند نیاز آدمی به غذا، امنیت، استراحت و... است. بسته به کیفیت مناسب و زمان صحیح برآورده شدن آن می‌تواند موجب رشد بیشتر گردد. (الله‌قلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۳۹)

شخصیت هرکس در طول مدت زندگی‌اش، رنگ می‌گیرد و در این رنگ‌پذیری و تشکل، عوامل متعددی دخالت دارند که عبارتند از: ساختمان بدن، ویژگی‌های روانی، خصایص اخلاقی و رفتاری، نوع فرهنگ و تربیتی که فرد در سایه آن پرورش یافته، عوامل غذایی، زیستی، آب‌وهوایی و تجارب خاص زندگی، نوع مدل‌ها و الگوها و... .

یکی از عوامل مهمی که در شکل‌گیری شخصیت، فوق‌العاده مؤثر است، عامل غریزه و نوع موضع‌گیری انسان در قبال آن است. وجود غریزه در انسان سبب می‌شود هر کس دارای روحیه و رفتاری ویژه و اخلاقی مخصوص به خود باشد و در برابر امور، موضع ویژه‌ای بگیرد. اهمیت این مسئله در مراحل بلوغ و پس از آن به‌اندازه‌ای است که می‌توان گفت



گاه وجود یک بیماری انگلی ممکن است باعث خارش اطراف مجرای تناسلی گردد. خاراندن آن مناطق ممکن است باعث احساس لذت در کودک شود و او به خاراندن آن منطقه عادت کند. در این موارد باید دستگاه تناسلی به خوبی شسته شود و اگر خارش برطرف نشد به پزشک مراجعه نمود. در صورتی که کودک با برطرف شدن خارش، همچنان به لمس اندام تناسلی خود ادامه دهد، باید تحت مشاوره با متخصص مربوطه قرار گیرد.

اگر کودک به مدت طولانی در توالت بماند و مشغول بازی با خود شود یا به علت رعایت نکردن بهداشت و نظافت در اطراف مجاری تناسلی دچار آلودگی گردد یا احساس کند که نگاه داشتن مدفوع برای وی لذت بخش است، تحریک جنسی می شود. خوابیدن با مثانه پر نیز احساس لذتی در کودک ایجاد می کند که تمایل جنسی وی را تحریک می کند.

وقتی کودک متوجه اندام تناسلی خود می شود یا با آن بازی می کند، باید آن را عادی تلقی کرد؛ درست مثل زمانی که کودک با گوش یا بینی اش بازی می کند؛ اما باید گوشزد کرد این قسمت از بدن برای بازی کردن نیست، بلکه برای خروج ادرار است و ممکن است آسیب ببیند. لحن والدین باید از ایجاد احساس شرم و خجالت در کودک دور باشد. در رختخواب ماندن و غلتیدن نیز باعث تحریک تمایلات جنسی فرد می گردد. کودکی که زودتر از خواب بیدار شود و در رختخواب بغلند، ممکن است سر از لغزش درآورد.

همچنین نحوه خوابیدن، اصطکاک پاها با همدیگر و قرارگرفتن آنها روی هم ممکن است باعث تحریک کودک شود. لخت خوابیدن نیز از عوامل دیگر تحریک در فرد است. باید به این نکته توجه کرد که بعضی از غذاها تحریک کننده اعصاب هستند و سبب می شوند کودک دیرتر بخوابد و در رختخواب بغلند و به خود مشغول باشد.

از دیگر عوامل تحریک جنسی کودک می توان به موضوعات زیر اشاره کرد: اظهار محبت، نوازش، به آغوش کشیدن، بوسیدن، خوابیدن فرزندان با پدر و مادر در یک بستر، زندگی در محیط های مختلط و ارتباط تنگاتنگ دخترها و پسرها با یکدیگر، روابط ناپسند با افراد ناباب و ناشایست و کسب آگاهی های غلط از سوی آنها، حمام کردن دختر و پسر در سن کودکی (هرچند ممکن است مشکلی ایجاد نکند، ولی وقتی به سن بلوغ می رسند، یادآوری آن خاطرات، باعث تحریک جنسی نوجوانان می گردد)، تماس لباس با اندام های جنسی به خصوص در پسران که با پوشیدن شلوارهای تنگ و چسبان و تکرار آن حسی خوشایند پیدا می کنند.

نگاه کردن به اعضای تناسلی خود یا دیگران، پوشیدن لباس دخترانه از سوی پسرها و برعکس.

مصرف زیاد غذاهای انرژی زا مثل گوشت، پیاز، غذاهای تند و... باعث تحریک اعصاب و تمایلات جنسی می شود، اما مصرف لبنیات به ویژه قبل از خواب و استفاده نکردن از غذاهای سنگین هنگام خواب می تواند در آرامش کودک و نوجوان مؤثر باشد.



رشد، بدون تحریکات پیموده شود)، آشکار و سازمان یافته می‌شود. هرچند غریزه جنسی کودک در آغاز، متوجه عمل جنسی یا لذت جنسی نیست و باید سیر رشدی و تحولی را بپیماید تا در زمان بلوغ، رشد آن کامل شود و فرد، به رشد جنسی قابل قبولی برسد، اما روان‌شناسان معتقدند تحریک پیش از موعد این غریزه، کودک را زودتر از وقت مناسب، در برابر آن هشیار می‌کند و آنگاه ضربات جبران‌ناپذیری به او وارد می‌شود. نتیجه بلوغ جنسی پیش‌رس، تمایل جنسی فوق‌العاده است که تغییرات تکامل روحی، بدان مربوط می‌شود؛ یعنی سبب تفوق آثار جنسی و توجه‌نکردن لازم به کارهای تحصیلی و تمایل به بازی، سرگرمی، تعادل‌نداشتن جریان‌ات عصبی و سستی اراده می‌شود. اسلام به این مسئله توجه کرده و روایاتی که در این زمینه وارد شده، مؤید این مطلب است که کودکان هم، میل جنسی دارند. بنابراین باید از تحریک‌کردن آنها خودداری کرد.

با توجه به پیامدهای نامناسب تحریک جنسی کودکان و بلوغ زودرس آنها، والدین باید از روش‌های پیشگیری انحراف کودکان، آگاهی یابند. این روش‌ها عبارتند از:

یک - خودداری از انجام‌دادن عمل جنسی در برابر فرزندان

یکی از شیوه‌های پیشگیری از تحریک جنسی، خودداری والدین از انجام‌دادن عمل جنسی در برابر دیدگان فرزندان است که مشمول دوران نوزادی تا سنین نوجوانی و بعد از آن می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

وقتی کودک یا نوجوان به دنبال این رفتار، احساس لذت نماید، به تکرار آن نیز اقدام خواهد کرد. والدینی که به اندام تناسلی کودک خود زیاد دست می‌زنند، آن را مالش می‌دهند و تحریک می‌نمایند، به احتمال زیاد باید منتظر انحراف جنسی فرزند خود باشند؛ زیرا دست‌کاری و لمس‌کردن، باعث کشف لذت در این مناطق شده و برای کودک به صورت عادت درمی‌آید.

اگر فردی فعالیت جنسی را کشف کند، قادر به کنار گذاشتن آن نیست؛ زیرا از لذت‌بخش‌ترین فعالیت‌هاست. اقدام به این فعالیت مثل خوردن غذا سیری نمی‌آورد. به همین دلیل لازم است کودکان و نوجوانان تحت مراقبت‌های خاص قرار گیرند و رعایت نکات یادشده در مورد آنها ضروری است.

ب) پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی

غریزه جنسی از ابتدای تولد، در انسان وجود دارد. کودکان، هم تحریک می‌شوند و حتی طبق نظر دانشمندان، به «ارگاسم» (اوج لذت جنسی) هم می‌رسند و ممکن است این مسئله برایشان کاملاً لذت‌بخش باشد. البته این لذت‌بخشی در کودکان، با انزال، همراه نیست. مکانیسم نعوظ و ارگاسم در کودکان، با آنچه در افراد بالغ وجود دارد، یکسان است. نزدیکی برای بچه‌ها امکان‌پذیر است؛ ولی غالباً مهارتی در این کار ندارند و نعوظ‌هایشان چندان پایدار نیست.

میل جنسی از ابتدای تولد، در کودکان وجود دارد، اما هدف و مقصد آن، نزد آنها مشخص نیست و تا زمان بلوغ (اگر مسیر



«اگر مردی با همسرش هم‌آغوش شود و در خانه، کودکی بیدار باشد و آنها را ببیند و صدا و نفس آنها را بشنود، هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود. اگر پسر یا دختر باشد، زناکار می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۴)

در این روایت، هم‌بستری مرد با همسرش درحالی‌که کودکی در اتاق هست، یکی از عواملی معرفی می‌شود که ممکن است در کودک، انحراف جنسی ایجاد کند؛ زیرا کنجکاوای کودک، با مشاهده این رفتار والدین، تحریک می‌شود، سپس سعی می‌کند با دیگران همین رفتار را تقلید کند.

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «درحالی‌که کودکی در اتاق باشد، مرد نباید با زنش آمیزش کند؛ چراکه این، از آن چیزهایی است که زنا را در پی می‌آورد». (همان، ص ۵۰۰)

دو. اجازه‌گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین

توجه فرزند به لباس‌خواب یا وضعیت خاص والدین در رختخواب، ذهن او را درگیر می‌کند و زمینه تحریکات جنسی را فراهم می‌سازد. بنابراین خداوند دستور داده که کودکان باید هنگام ورود به اتاق پدر و مادر، از آنها اجازه بگیرند: «ای کسانی که ایمان آوردید! هرآینه، باید کسانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه هنگام از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز بامداد و هنگامی‌که [در نیمروز] لباستان را از تن برمی‌گیرید و پس از نماز شامگاه که سه هنگام برهنگی شماست. پس از اینها، نه بر شما و نه بر آنان، گناهی نیست؛ [چراکه] پیرامون شما در حرکت‌اند و

با یکدیگر، در رفت‌وآمد هستید. خداوند، این‌چنین، آیات را برای شما روشن می‌کند و خداوند، دانا و حکیم است؛ و آنگاه که کودکانتان به بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بوده‌اند اجازه می‌گرفتند. این‌چنین خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌کند و خداوند دانا و حکیم است». (نور: ۵۸-۵۹)

براساس بیان قرآن کریم، فرزندان باید هنگام ورود به اتاق والدین در سه وقت اجازه بگیرند:

وقت اول: قبل از اذان صبح؛ چون در این هنگام، مردم معمولاً لباس‌خواب به تن دارند و چه‌بسا پدر و مادر در این موقع در ظاهری غیرمعمول باشند یا لباسی غیر از لباس‌خواب به تن دارند یا ممکن است بعضی از اعضای بدن آشکار باشد یا مثلاً در حال انجام دادن عمل جنسی باشند. قرآن کریم این وقت را زمان ممنوعیت ورود فرزندان به حریم استراحت شبانه تعیین کرده است، مگر آنکه با اجازه‌گرفتن از والدین همراه باشد.

وقت دوم: هنگام ظهر که به تعبیر قرآن: «لباس‌های معمولی را از تن بیرون می‌آورید»، این هنگام وقت خواب نیمروز است، هنگامی‌که پدر و مادر در حال خواب یا استراحت نیمروز به سر می‌برند و احتمالاً به دلیل استراحت یا گرمای هوا و... لباس‌های معمولی و عرفی را از تن بیرون می‌آورند یا اصلاً لباس به تن ندارند. (چنین وقتی نیز فرزندان جز با هماهنگی، ممنوع‌الورود هستند تا زمانی که والدین به حالت عادی برسند).



والدین باید از خردسالی کودک را عادت دهند که برای تعویض لباس، در اتاق دیگر یا پشت پرده‌ای یا دیواری خود را پنهان کند. رعایت این امر برای والدین نیز به‌ویژه در حضور کودک لازم است و نباید گمان کنند فرزندشان کودک است، نمی‌فهمد یا فرزند به پدر و مادر محرم است؛ زیرا در اسلام برای محارم نیز رعایت حدود اخلاقی ضروری است.

چهار - خودداری از دست‌زدن به عورت کودک

از جمله روش‌های پیشگیری از انحراف جنسی کودکان، خودداری از دست‌زدن به عورت آنهاست. امام علی علیه السلام با اشاره به اینکه تحریک‌پذیری جنسی بچه، از شش‌سالگی به بعد بیشتر است و دستمالی عورت کودک، زمینه انحراف جنسی را فراهم می‌سازد، می‌فرماید: «وقتی زن آلت فرزند پسرش را دستمالی کند درحالی‌که او شش‌ساله شده است، نوعی زنا انجام شده است». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۰)

منظور نوعی از زنا در روایاتی از این دست، «عام» است و شامل انواع انحرافات جنسی مانند استمنا، هم‌جنس‌بازی و زنا می‌شود؛ یعنی چنانچه مادر، عورت دخترش را دستمالی کند، احتمال روآوردن آن دختر در نوجوانی یا جوانی به استمنا و روابط نامشروع وجود دارد. این عمل مادر در کودکی، زمینه انحراف او را در بزرگسالی فراهم می‌کند. به همین دلیل، امام علیه السلام شدت زشتی این عمل را مانند زنا معرفی کرده است.

وقت سوم: بعد از نماز عشاء، هنگامی‌که والدین لباس را از تن بیرون می‌آورند و برای استراحت شبانه آماده می‌شوند. لباس‌های خواب یا نازک هستند یا قابلیت پوشاندن همه اعضای بدن را ندارند، در نتیجه قسمتی از اعضای بدن والدین آشکار است یا به‌گونه‌ای است که شایسته نیست کسی آنان را در چنین حالتی ببیند؛ زیرا این زمان، مختص والدین و هنگام خلوت کردن آن دو با یکدیگر است.

سه - خودداری از برهنه‌شدن در برابر کودکان یا لخت کردن آنها

کودکان از حدود چهارسالگی به بعد، بدن خود و دیگران را می‌بینند، از حدود پنج تا هفت‌سالگی این حالت در آنها شدیدتر می‌شود. کودکان در حین تعویض لباس والدین یا دیگران، با دقت بیشتر و کنجکاوی بدن آنها را می‌بینند و از این طریق هم می‌خواهند از دنیای دیگران سر درآورند و هم در برخی موارد برای سؤالات خویش پاسخی بیابند. اگر این تماشا در آنها تداوم یابد، موجب انحراف نظربازی (چشم‌چرانی)‌شان می‌شود؛ بنابراین برهنه‌شدن در برابر کودکان، از دو جهت، تأثیر نامطلوبی بر آنها دارد: از یک‌طرف، حیای آنها را از بین می‌برد و از طرف دیگر، باعث تحریک جنسی کودکان می‌شود. این مسئله، در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آنها نیز مطرح است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «عورت کودک را بیوشانید؛ چراکه حرمت عورت کودک مانند حرمت عورت بزرگسال است و خداوند به کسی که عورتش را برای دیگران کشف می‌کند، نگاه نمی‌کند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۶)



پنج. خودداری از بوسیدن و در آغوش کشیدن کودک از سنین خاص

برخلاف اینکه در اسلام به محبت، نوازش و بوسیدن فرزندان سفارش شده، اما انجام دادن این رفتار، پس از رسیدن به سن معین، از سوی افراد نامحرم منع می‌شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «چون دختر به شش‌سالگی رسید، دیگر او را نبوسید و زن، پسر را پس از هفت‌سالگی نبوسد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۹۶)

والدین و همه بزرگسالان محرم و نامحرم باید در ابراز محبت خود به کودکان هوشیار باشند و به هیچ طریقی آنها را تحریک نکنند. همچنین برای کودک باید توضیح داد: «تو نباید افراد غریبه را ببوسی یا بغل آنها بروی، نباید اجازه بدهی کسی به بدنت دست بزند، اگر این کار را کرد به پدر و مادر بگو، اگر کسی که او را نمی‌شناسی به تو چیزی داد و گفت بیا جایی برویم، نباید با او بروی و چیزی را از او بگیری».

شش. جداسازی بستر کودکان

والدین باید به این مسئله توجه کنند که بستر کودکانشان را از سنی که قادر به اجازه گرفتن برای ورود به اتاق هستند (تقریباً از سه‌سالگی) جدا کنند و کودکان را در اتاق جداگانه‌ای بخوابانند. همچنین در سنین خاصی، بستر کودکان دختر و پسر باید از یکدیگر جدا باشد و زیر یک پتو ن خوابند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رختخواب بچه‌های شش‌ساله را از هم جدا کنید». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۱)

این جداسازی از تحریک‌پذیری کودکان، بلوغ زودرس و زمینه‌سازی انحراف جنسی جلوگیری می‌کند.

هفت. جلوگیری از بازی کودکان با آلت تناسلی خود

بیشتر کودکان پس از رهایی از پوشک با آلت تناسلی خود بازی می‌کنند. این رفتار گاهی به دلیل مشکلات جسمی (خشکی پوست آلت یا خارش و سوزش آن) است. در مواردی نیز اضطراب باعث این رفتار می‌شود و کودک از این طریق آرامش کسب می‌کند. باید کودک را از این کار منع کرد؛ چراکه اگر دست‌کاری‌ها تداوم یابد، کودک به‌طور طبیعی احساس لذت می‌کند و این احساس لذت می‌تواند او را در آینده دچار انحراف جنسی کند. در این حالت باید کوشید با استفاده از روش پرت‌کردن حواس یا مشغول‌ساختن دست‌های کودک، او را از این کار بازداشت. (دهنوی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۵۷)

پس در مورد کودکی که با آلت تناسلی‌اش بازی می‌کند، مهم‌ترین نکته این است که پدر و مادر در زمان برخورد با آن به‌هیچ‌وجه رفتار خشن از خود نشان ندهند؛ چراکه دچار مشکلات بیشتری می‌شوند. بروز این رفتار در بچه‌ها طبیعی است. به‌هیچ‌عنوان با دعواکردن، بچه را نهی نکنید. برخورد خشن، ممکن است کودک را در آینده و ارتباط با دیگران دچار مشکل کند. برای حل این مسئله، پرت‌کردن حواس و جایگزین‌کردن پیشنهاد می‌شود. مادر به‌هیچ‌عنوان اجازه ندهد فرزندش بیکار و تنها باشد. او را به پارک



استحمام کند، این اقدام برای تحقق بهداشت و سلامت اعصاب و برای آرامش روان او مؤثر است و اثر آن در مرحله بلوغ و نوجوانی آشکارتر می‌شود.

۲. هویت جنسی

منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت، در دو جنس، پدیدار می‌گردد (قبادیان و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹-۲۱۰). هویت جنسی هر فرد را تصویر او از دختر یا پسر بودنش تشکیل می‌دهد که احساسات و برداشت او از چگونگی زن یا مرد بودن را دربرمی‌گیرد. هویت اصلی هر فرد، به معنای جنسیت او هنگام تولد مرد یا زن است. فرزند شما با هویت اصلی خود به یکی از دو جنس، احساس تعلق می‌کند. بچه‌ها بین هجده ماهگی و سه سالگی، از هویت جنسی، یعنی دختر یا پسر بودن خود، آگاهی می‌یابند. این مفهوم که هرکسی یا دختر به دنیا می‌آید یا پسر، از نظر بزرگسالان بسیار ساده به نظر می‌رسد؛ اما می‌تواند برای بچه کوچکی که به تازگی با مفهوم هویت و تفاوت بین دو جنس درگیر شده است، اطمینان‌بخش باشد. پس اگر این مفهوم اساسی را برای آنها تأیید کنید که «بله، پسرها وقتی بزرگ شدند، مرد می‌شوند و دخترها وقتی بزرگ شدند، زن می‌شوند» کاری عاقلانه کرده‌اید. (الله‌قلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۲)

ببرد و در بازی کردن با او سهیم شود. اگر مادری این مسئله را در کودک خود می‌بیند، با جملاتی چون «بیا بازی کنیم» یا «من آمدم پیش تو مهمانی» به تنهایی کودک خاتمه دهد، اما رفتار خشنی از خود نشان ندهد تا بچه متوجه حساسیت پدر و مادر روی رفتارش شود.

هشت. دفع به موقع ادرار و مدفوع و رعایت بهداشت

باید کودکان را از همان خردسالی عادت داد که هرگاه نیاز به دفع ادرار و مدفوع پیدا کردند، آن را در خود حبس نکنند، حتی زمانی که مشغول بازی یا کاری هستند. آنها را عادت دهیم که هر شب، پیش از خواب به دستشویی بروند تا شب راحتی پشت سر بگذارند. والدین سعی کنند در اواسط شب‌های بلند زمستانی کودکی را که حدود چهار ساعت از خوابش گذشته، بیدار کنند و به دستشویی هدایت کنند. حبس ادرار علاوه بر ضرر و زیان جسمی، در مواردی سبب تحریک آلت تناسلی، بیداری جنسی، احساس لذت جنسی و در نتیجه، کشف زودهنگام منبع لذت می‌شود. کودکان را از خردسالی پس از عمل دفع باید به خوبی شست‌وشو داد، اگر این کار به خوبی صورت نگیرد، سبب بروز خارش می‌شود و این مسئله برای کودکان سبب کشف منبع لذت جنسی و پایه برخی انحرافات، مثل خودارضایی است. والدین به تدریج از حدود چهارسالگی باید شست‌وشو را به کودک بیاموزند. توصیه شده کودک هر شب یا لاقلاً هر دو شب یک‌بار قبل از خواب با آب ولرم

الف) نقش جنسی

نقش جنسی، یعنی هرآنچه یک فرد برای شناساندن خود به عنوان یک پسر یا مرد و دختر یا زن می‌گوید یا انجام می‌دهد. نقش جنسی هنگام تولد برقرار نمی‌گردد، بلکه شخص به تدریج از طریق تجاربی کسب می‌کند که در برخورد و تعامل اتفاقی و پیش‌بینی نشده به دست آورده، یا از طریق دستورها و تلفیقات آشکار و از طریق دوتا دوتا چهارتا کردن پدید می‌آید، هرچند گاهی هم به اشتباه به دست می‌آید.

حاصل رفتار سالم، هماهنگی هویت جنسی و نقش جنسی است. هرچند صفات بیولوژیک حائز اهمیت است؛ یادگیری، عامل عمده در کسب نقش جنسی مناسب است. نقش جنسی ممکن است متضاد با هویت جنسی باشد. شخص ممکن است با هم‌جنس، همانندسازی کند، ولی لباس، آرایش مو یا سایر خصوصیات جنس مقابل را انتخاب کند یا ممکن است شخص با جنس مقابل همانندسازی نموده، اما به اقتضای موقعیت، خصوصیات رفتاری هم‌جنس را انتخاب نماید. مرد و زن هرکدام نقشی دارند و هنجارهای جامعه به ما می‌آموزد برای زن و مرد هنگام ایفای نقش خود، چه کاری مجاز و چه کاری غیرمجاز است. (همان، ص ۲۰)

ب) کشف تفاوت زن و مرد

کودک از حدود دوسالگی اندام‌های جنسی افراد را با هم مقایسه می‌کند و در سه‌سالگی تقریباً همه کودکان، جنس خود و دیگر افراد را تشخیص می‌دهند. عوامل اصلی این «کشف» عبارت‌اند از: تفاوت شکل اندام

آمیزشی بچه‌ها؛ تفاوت وضع ادرارکردنشان؛ نحوه آرایش مو و لباس پوشیدنشان. بی‌گمان اگر کودکی با کودکان هم‌سن‌وسال خود از جنس مخالف در تماس باشد، تفاوت اندام‌های جنسی را زودتر کشف می‌کند و آنگاه متوجه تفاوت وضع مو و لباس نیز می‌شود. از نخستین نشانه‌های کشف تفاوت دو جنس آن است که دختر بچه‌ای پسری را می‌بیند ایستاده ادرار می‌کند و او هم سعی در انجام دادن این کار دارد، اما موفق نمی‌شود (همان، ص ۲۶-۲۷). او درصدد جست‌وجوی علت برمی‌آید، نگاه می‌کند، دقت می‌ورزد و حتی به اقدامات عملی دیگر دست می‌زند. کشف این تفاوت ممکن است در پسر، این اندیشه را ایجاد کند که مثلاً خواهرش یا فلان دختر همسایه نیز آلتی داشته است که آن را بریده‌اند و به جایش سوراخ یا شکافی مانده است (آغاز ترس از اختگی) و شاید به همین سبب است که پسر بچه‌ها خیلی زیاد به آلت خود دست می‌برند تا مطمئن شوند که هنوز آلتشان را نبریده‌اند. دختر بچه نیز به گمان اینکه، مثل پسرها آلتی داشته و آن را بریده‌اند، به پسرها حسادت می‌ورزد و حتی گاهی احساس حقارت نیز می‌کند. پس از گذشت چند سال، پسر به داشتن آلت افتخار می‌کند و مغرور می‌شود و نسبت به دختر احساس مالکیت و برتری دارد. از اینجا دو نتیجه به دست می‌آید: یک - اولیای کودکان هرگز نباید پسر خود را به بریدن آلت تهدید کنند؛ دو - به دختر بچه‌ها نیز توضیح دهند که دختر از آغاز تولد این چنین است. این تفاوتی که وجود دارد، عمدی و بامنظور است. دختر



بیضه‌هایشان رشد می‌کند احساس ناراحتی می‌نمایند. آنها در سن کودکی مایل‌اند با اسباب‌بازی‌های دخترانه بازی کنند و رفتارهای زنانه از خود بروز دهند. (همان)

علت اختلالات هویت جنسی، نامشخص است، اما تجارب دوران کودکی همچون تشویق والدین به رفتار زنانه در پسر و رفتار مردانه در دختر، وابستگی بیش‌ازحد پسر به مادر و نبود حضور مردی که بتواند الگوی مناسبی برای او باشد، فقدان پدر یا حضور پدر بی‌قدرت، نداشتن همبازی هم‌جنس، تشویق شدن به مبدل‌پوشی و غیره، از جمله عواملی هستند که زمینه‌ساز این اختلال می‌شوند. این انحراف ممکن است از دو یا سه‌ماهگی شروع شود و به تدریج کودک معنای تفاوت جنسیتی را بفهمد و خواهان تغییر جنس شود.

در پسران پیش‌گرفتن هویت جنس مخالف به‌صورت اشتغال ذهنی محسوس با فعالیت‌های زنانه ظاهر می‌شود. آنان ممکن است پوشیدن لباس‌های دختران یا زنان را ترجیح دهند یا احتمال دارد در زمانی که لباس‌های اصلی در دسترس نیست، از پارچه‌ها یا اشیایی برای مبدل‌پوشی استفاده کنند. آنها از حوله، پیش‌بند و شال‌گردن اغلب برای وانمودکردن به موی بلند یا دامن استفاده می‌کنند. در آنها کششی قوی برای بازی‌های قالبی (به‌ویژه خاله‌بازی)، ترسیم‌کردن تصاویر دختران و شاهزاده‌های زیبا و تماشای فیلم‌های تلویزیونی یا ویدئویی با هنرپیشه‌های زن مورد علاقه‌شان، مشاهده می‌شود. اغلب به عروسک‌هایی از جنس مؤنث، علاقه دارند و ترجیح می‌دهند با

این‌گونه است که وقتی بزرگ‌تر می‌شود، می‌تواند بچه به دنیا بیاورد و مادر شود. (همان، ص ۲۶-۲۷)

ج) اختلال هویت جنسی دوران کودکی

چنانکه اشاره شد، هویت جنسی اصطلاحی است که به احساس مردانگی یا زنانگی هر فرد از خود اطلاق می‌شود. تقریباً هر کودکی تا سن دو و سه سالگی اعتقاد محکمی در مورد مؤنث یا مذکر بودن خود پیدا می‌کند، اما باید این حس تکامل پیدا کند. هویت جنسی در اثر عواملی همچون نگرش‌های والدین و فرهنگ موجود، دستگاه تناسلی خارجی کودک و عوامل ژنتیکی به‌وجود می‌آید. (رئوفی، ۱۳۹۲، ص ۲۸)

اختلال در هویت جنسی به‌عنوان گروهی از اختلالات تعریف شده که کودک طیف وسیعی از رفتارهای کودکانه جنس مخالف را نشان می‌دهد. بعضی از کودکان تحت تأثیر چنین اختلالی، نارضایتی شدیدی از وضعیت جنسی خود و تمایل زیادی برای پیوستن به جنس مخالف دارند. به‌عنوان مثال، دختران دچار این اختلال، به داشتن آلت تناسلی مردانه ادعا می‌کنند، به انجام بازی‌های خشن و پسرانه علاقه‌مند هستند، از پوشیدن لباس‌های دخترانه امتناع می‌ورزند، نمی‌خواهند به‌طور نشسته ادرار کنند و همچنین به عادت ماهیانه و رشد پستان‌ها کاملاً بی‌علاقه هستند.

پسران دچار این اختلال ادعا می‌کنند که زن هستند و ذهنیت آنها شدیداً با فعالیت‌های زنانه اشغال شده است. آنها منکر داشتن آلت تناسلی بوده و از اینکه



دختران همبازی شوند. هنگام خاله‌بازی پسران نقش چهره‌های زنانه، یعنی بیشتر نقش مادر را ایفا می‌کنند و اغلب اشتغال ذهنی زیادی با چهره‌های خیالی زنانه دارند. آنها از انجام دادن بازی‌های جنجالی و ورزش‌های رقابتی اجتناب می‌کنند و به ماشین و کامیون یا سایر اسباب‌بازی‌هایی که جزو اسباب‌بازی‌های پسرانه هستند، علاقه چندانی ندارند. آنها با قراردادن آلت تناسلی مابین پاهای خود وجود آن را انکار می‌کنند. در موارد بسیار نادر، پسران مبتلا به اختلال هویت جنسی ممکن است بیان کنند که آلت تناسلی یا بیضه‌هایشان نفرت‌انگیز است و مایل‌اند آنها را بردارند یا اینکه آنها مهبل دارند یا آرزو می‌کنند که آن را داشته باشند.

دختران مبتلا به اختلال هویت جنسی در مقابل انتظارات یا تلاش‌های والدین برای پوشاندن لباس یا آرایش‌های زنانه، واکنش منفی شدیدی نشان می‌دهند. برخی ممکن است از رفتن به مدرسه یا رویدادهای اجتماعی که نیازمند پوشیدن این قبیل لباس‌هاست، اجتناب کنند. آنها پوشش و موی کوتاه پسرانه را ترجیح می‌دهند. اغلب از سوی غریبه‌ها به‌جای پسران اشتباه گرفته می‌شوند و ممکن است درخواست کنند تا آنها را با یک نام پسرانه صدا بزنند. قهرمانان خیالی‌شان اغلب مردان قوی، مانند بتمن یا سوپرمن هستند. این قبیل دختران، پسرانی را برای همبازی برمی‌گزینند که مانند آنها به ورزش‌های رقابت‌آمیز و بازی‌های جنجالی پسرانه ابراز علاقه کنند. آنها به عروسک‌ها یا هر شکل از اسباب‌بازی با پوشش زنانه یا فعالیت‌های مربوط به ایفای نقش زنانه، علاقه کمی نشان می‌دهند.

مبتلایان به اختلال هویت جنسی از لحاظ اجتماعی منزوی می‌شوند. انزوا و طردشدن، منجر به ضعف عزت نفس شده و ممکن است موجب بیزاری از مدرسه یا اخراج از مدرسه شود. طردشدن و تمسخر به‌ویژه از جانب همسالان، پیامد معمول برای مبتلایان به این اختلال است.

این اختلال می‌تواند به‌قدری فراگیر باشد که زندگی روانی برخی را تحت تأثیر قرار دهد. آنها اغلب با ظاهر خود به‌ویژه در اوایل انتقال به زندگی با نقش مخالف، اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. رابطه با یکی از والدین یا هردوی آنها نیز ممکن است به‌شدت مختل شود. (همان، ص ۲۸-۳۰)

د) پرورش هویت جنسی

برای یادگیری نقش جنسیتی و تحقق یافتن هویت مطلوب جنسی، لازم است والدین به عوامل و زمینه‌های مؤثر در ایجاد این نقش و هویت توجه کنند و در پدیدآوردن آنها بکوشند. عوامل زیستی، روانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی، حتی نگرش‌های والدین، گرایش‌های فرهنگی آنها، نوع تربیت و برخورد آنها با پسر و دختر، در شکل‌دهی هویت فرزند مؤثر است، بنابراین توجه به این نکات لازم است. (قبادیان و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۶۹-۲۱۰ و مصلحی، ۱۳۹۳، ص ۴۱-۴۴)

بینش و عملکرد والدین، از این مسئله حکایت کند که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آنها ارزشمندند و هر یک برای تکامل و پیشرفت، به دیگری نیازمند است. والدین باید نقش جنسیتی هر یک از فرزندان دختر یا پسر خود را به آنها آموزش دهند تا



را از این مسئله ابراز می‌کنند. مسئله مهم این است که والدین، بیشترین نقش را در پذیرش نقش جنسی کودک دارند. پسران باید به‌طورکلی ویژگی‌های مردانگی از جمله جدیت، احساس مسئولیت، شجاعت و... را بیاموزند. دختران، باید نقش دخترانه و زنانگی را بسیار زودتر از پسران یاد بگیرند؛ چراکه بلوغ آنها چند سال زودتر از پسران آغاز می‌شود.

پذیرش نقش جنسی کودک، با چگونگی رفتار والدین کاملاً ارتباط دارد. از همان دوران کودکی باید فرزندان را عادت داد که روش زندگی مردانه یا زنانه را در پیش بگیرند؛ به‌گونه‌ای که دختر از دختر بودن و پسر از پسر بودن خود احساس حقارت نکند. شخصیت در حال رشد، اخلاق، مزاج و تأثیرپذیری آنها باید در نظر گرفته شود.

وقتی والدین بین دختر و پسر خود تبعیض قائل می‌شوند، بی‌شک احساسات کودک جریحه‌دار می‌شود. فرزند دختر خانواده‌ای که در آرزوی داشتن پسر بوده‌اند، نقش جنسی خود را به‌سختی می‌پذیرد و گاه حتی می‌کوشد که در نقش پسر ظاهر شود. همچنین پسری که در خانه بیش از خواهرش تنبیه می‌شود، یا به او بی‌توجهند، بیشتر دوست دارد در نقش دختر ظاهر گردد و به‌طورکلی نقش اصلی خود را طرد می‌کند.

وقتی کودک به نقش جنسی خاص خودش توجه ندارد، والدین نباید به این رفتار دامن بزنند. برای مثال، پسرچه‌ای که از پوشیدن لباس دخترانه بیشتر خوشش می‌آید یا دختری که به بازی‌های پسرانه بیشتر علاقه

هویت جنسیتی‌شان تقویت شود. برای مثال دختر یا پسر باید بداند که جامعه، از هر یک از آنها چه انتظاری دارد و هرکدام، از نظر رفتاری، گفتاری، پوشش و... چه نقشی را باید ایفا کند و از اجرای نقش‌های جنس دیگر بپرهیزد.

از رفتارهای تبعیض‌آمیز میان فرزندان دختر و پسر خودداری شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اشاره به حفظ عزت و ارزشمندی فرزند و عوارض روانی رفتارهای نامطلوب با دختران فرمود: «کسی که فرزند دختری داشته باشد و او را اذیت نکند و به وی توهین نکند و پسرش را بر او ترجیح ندهد، خداوند او را وارد بهشت می‌کند». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۱۸)

تفاوت‌های مربوط به نقش جنسی، رفته‌رفته آشکار می‌شود، اما آغاز اختلاف اساسی از دوسالگی است و در سه‌سالگی به‌طور کاملاً مشخص، هویت جنسی دختر و پسر از هم متمایز می‌شود. زمانی که کودکان به سه‌سالگی می‌رسند، از جنسیت خود آگاه می‌شوند، اما تفاوت‌های جنسی را امری مسلم نمی‌دانند.

الگوگیری کودکان در محیط خانه این‌گونه است که پسرها بیشتر رفتار پدر یا برادر و دخترها بیشتر رفتار مادر یا خواهر خود را تقلید می‌کنند. در بیرون از منزل نیز معمولاً هم‌بازی‌های خود را از گروه هم‌جنسان انتخاب می‌کنند و همسالان خود را الگوی خویش می‌سازند و بر این مسئله اصرار دارند که از جنس مخالف خود نیستند. حتی اگر به شوخی به آنها گفته شود که از جنس مخالف‌اند، برافروخته می‌شوند و ناراحتی خود



نشان می‌دهد نباید تشویق شود، یا در جمع از این گرایش‌ها سخن به میان آید.

گاه دختران در سنین پایین به پسر بودن گرایش دارند و به پوشیدن لباس پسرانه اصرار می‌ورزند. این رفتار اغلب هنگامی رخ می‌دهد که کودک برادری داشته باشد و از سر حسادت و رقابت، به جنسیت او گرایش یابد. پدران و مادران دلسوز و آگاه در این‌گونه موارد باید متوجه باشند با کودکشان به آرامی برخورد کنند و در صورت دیدن این رفتار، در برابرشان عصبانی و تند نشوند. حتی برعکس، باید تا حدی به خواست آنها توجه کنند و از سوی دیگر، با تهیه لباس زیبا، مناسب و دوست‌داشتنی یا خرید اسباب‌بازی جدید و دلخواهشان، آنها را از خواسته نابجا بازدارند و در جهت درست، تشویق‌شان کنند. در پسران نیز گاه چنین رفتارهایی رخ می‌دهد که باید با همین ظرافت و لطافت با آنان برخورد کرد. گاه شرکت‌دادن پسر یا دختر در برنامه‌های خاص جنسی خود، بسیار مؤثر و مفید واقع خواهد شد. بنابراین اگر متوجه شدید که فرزندتان، رفتاری جز آنچه مناسب جنسیتش است، بروز می‌دهد، به سرعت علت را جست‌وجو کنید و به رفع آن بپردازید. اگر دختر، لباس پسرانه می‌پوشد، رفتار پسران را تقلید می‌کند و دوست دارد دختران از رفتارشان تعریف کنند، بیش از هر چیز، دلیل گریز از زن‌بودنش را جست‌وجو کنید. آیا کمبود حضور مادر سبب شده تا او فرصتی برای تجربه زندگی زنانه نداشته باشد؟ آیا ازدواج ناموفق مادر یا زایمان‌های پیاپی او دلیل نگرانی دختر از جنسیتش شده است؟ امکان دارد خانواده به فرزند پسر توجه

بیشتری داشته باشد، یا نبودن پسر در خانه سبب رفتار پسرانه او شده باشد و شاید هم‌بازی‌های او پسران هستند.

خلاصه آنکه نقش‌دهی جنسی به کودکان، باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد:

- اعتدال در محبت به فرزندان و پرهیز از محبت بیش‌ازاندازه والد جنسی مخالف به کودک؛
- پرهیز از تبعیض و تفاوت رفتاری میان دختر و پسر در خانواده؛
- هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او؛
- ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان، بر پایه جنسیت آنان؛
- پرهیز از تحمیل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر؛
- توجه به رفتارها، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌های کودکان و ایجاد نگرش درست به جنس خود و جنس مخالف، از دوران خردسالی؛
- واگذاری مسئولیت‌های متناسب با جنسیت کودکان، در خانه و بیرون از خانه؛
- اظهار رضامندی والدین از جنسیت خود در برابر فرزندان؛
- بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس (از نظر روانی، عاطفی، جسمی، فیزیولوژیکی و...) و لزوم وجود این تفاوت‌ها برای ادامه حیات و در نتیجه، ضرورت احترام گذاشتن به این تفاوت‌ها. (مصلحی، ۱۳۹۳، ص ۴۴)



مادران به انگیزه پرده‌پوشی از پاسخ‌دادن به کودکان طفره می‌روند و با عباراتی نظیر «بزرگ می‌شوی، می‌فهمی» و مانند آن، بچه‌ها را ساکت می‌کنند؛ بعضی والدین پاسخ می‌دهند؛ اما پاسخ‌های نادرست که خود کودک، غالباً متوجه آنها می‌شود. این دو روش هیچ‌کدام درست نیست؛ زیرا کودکی که سؤال می‌کند و راهنمایی نمی‌شود، ممکن است به‌وسیله دیگران منحرف گردد. (همان) روش‌های زیر راهکارهایی برای پاسخگویی بهتر به پرسش‌های جنسی کودک است:

۱. آموزش غیرمستقیم

در دوره کودکی، آموزش‌های غیرمستقیم، مناسب‌تر و مؤثرتر از آموزش‌های مستقیم است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

یک. نگهداری حیوانات در خانه

کودکان با دیدن و شنیدن حاملگی حیوانات و نوزادان آنها، برخی پاسخ‌های خود را می‌گیرند یا زمینه درک بهتری از آنها برایشان فراهم می‌گردد.

دو. کشت گل و گیاه

کشت بذر و تولید گل و گیاه و رشد آنها درس مناسب و مشابهی برای فرزندان است.

سه. داستان‌گویی

داستان‌هایی از زندگی حیوانات و انسان می‌تواند حاوی نکات ارزنده‌ای باشد که پاسخگوی برخی از پرسش‌های کودکان باشد. توجه‌دادن کودکان به تولد نوزادان که به‌صورت طبیعی مشاهده می‌شود، پاسخگوی بعضی از پرسش‌های آنان خواهد بود. (همان)

۲. راهبردهای آموزش جنسی در دوران کودکی

درزمینه آموزش‌های جنسی و به‌منظور پرورش هویت جنسی و تأمین سلامت جنسی، در متون دینی و روان‌شناختی، راهبردهایی بیان شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

یک. دادن اطلاعات متناسب با سن کودک

رفتار آدمی متأثر از اندیشه‌ها، امیال و آرزوهایی است که در دوران کودکی داشته است. اگر اندیشه‌های کودک در مورد مسائل جنسی، درست باشد، قطعاً در دوره‌های بعد زندگی، رفتارهایی سازگار و هماهنگ با اهداف متعالی انسانی خواهد داشت. ازاین‌رو، اطلاعات جنسیتی مربوط به دختر و پسر و انتظاراتی که از هر یک، در رفتارها، بازی‌ها، لباس‌پوشیدن‌ها و مانند آن وجود دارد، باید با روش‌های مناسب، به آنها منتقل شود. در سنین پایین، نباید به مسائل جنسی دامن زد و ذهن جست‌وجوگر و فعال کودک را با افکار و تحریکات مسائل جنسی آلوده کرد. بنابراین، زمانی که کودک به بلوغ جنسی نزدیک می‌شود و از امور جنسی درک و فهمی پیدا می‌نماید، باید به فراخور درک وی، به مسائل جنسی پرداخت. (شکوهی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۵۱-۸۰)

دو. پاسخ مناسب به پرسش‌های جنسی کودک

معمولاً کودکان در دوره پیش از بلوغ، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، پرسش‌هایی درباره امور جنسی دارند. بعضی از پدران و



ز) آموزش حدود روابط دختر و پسر

لازم است روابط کودکان تحت نظارت والدین باشد؛ زیرا گاهی، در این روابط، تمایلات همجنس‌گرایانه شکل می‌گیرد و آنها، دور از کنترل والدین، به التذاذ جنسی از همدیگر می‌پردازند؛ از این رو، باید از دوستان و معاشران فرزندان، شناخت کافی داشت و حتی روابط خواهران و برادران در خانواده کنترل شود. باید توجه داشت که محرم بودن هرچند از میزان محدودیت می‌کاهد، میل جنسی را از بین نمی‌برد؛ پس نمی‌توان مراقبت را نادیده گرفت. لازم است روابط کودکان با نوجوانان کنترل شود. تجربه نشان داده است چون کودکان، در این سنین، رشد عقلی لازم را ندارند، به‌سادگی ممکن است مورد سوءاستفاده نوجوانانی که دستخوش تحولات دوران بلوغ‌اند، قرار گیرند یا با مطالبی آشنا شوند که در آن مرحله رشد برای آنها مضر است.

ح) پیشگیری از بلوغ زودرس

از عوامل ایجادکننده بلوغ زودرس می‌توان هورمون‌ها، عامل محیط، مشکلات عصب‌شناختی، بیماری‌های مغزی و جنبه‌های سرشتی را نام برد. تحریکات زودرس جنسی (همچون تماشای فیلم‌های مبتذل)، روابط بدون ضابطه دختر و پسر و مانند آن برای کودکان عواقب بدی دارد که ممکن است به اعمال انحرافی مانند زنا یا لواط کشیده شوند یا درصدد اغفال خواهر و برادر و دیگران برآیند یا به استمنای مبتلا شوند. (شکوهی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۸۰)

ط) روابط جنسی والدین در حضور کودک

همان‌گونه که اشاره شد، اسلام برای پیشگیری از بلوغ زودرس، به ممنوعیت حضور کودکان در کنار والدین، در مواقع خاص دستور داده است. والدین باید مواظب باشند تا کودکان هرگز شاهد روابط و اعمال جنسی آنها نباشد.

ی) بوسیدن و نوازش کودکان

در مکتب اسلام، درباره محبت‌کردن والدین به فرزندان سفارش‌های زیادی شده است؛ ولی برای جلوگیری از بروز انحرافات، تأکید شده که بوسیدن بچه‌ها و بغل کردن و نوازش آنها حدی دارد و نباید افراط و تفریط شود؛ همچنین نباید افراد غریبه به کودک ابراز محبت کنند، او را بنوازند و ببوسند؛ زیرا ممکن است سال‌ها پیش از رسیدن به بلوغ باعث تحریک جنسی کودک گردد.

ک) جداسازی بستر خواب کودکان

راهبرد دیگری که شرع مقدس برای پیشگیری از تحریکات جنسی بر آن تأکید دارد، جداسازی بستر خواب کودکان از یکدیگر است که برای سنین مختلفی مطرح شده است. حدود سنی مشخص‌شده، هفت تا ده است.

۳. پرسش‌های جنسی کودکان

پرسش کودکان در مسائل جنسی، نشانه توجه و کنجکاوی طبیعی اوست؛ بنابراین نباید کودک را منحرف و غیرعادی تلقی نمود. در واقع این امری طبیعی است که کودکان در هر زمینه پرسش‌هایی دارند و مسائل جنسی هم بخشی از سؤالات کودکان را تشکیل می‌دهد.



جواب مناسب، به بحث و بررسی اقدام نمایند.
(اللّه‌قلی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۸-۸۰)

الف) شیوه پاسخ‌دهی

به‌ندرت سؤالات جنسی کودکان قبل از دوران بلوغ، شامل مسائل پیچیده و جواب‌ندادنی است. غالباً پرسش‌های آنان، نسبتاً ساده است که به‌راحتی می‌توان بدان‌ها پاسخ گفت. البته در پاسخگویی به سؤالات کودکان باید شرایط خاصی را در نظر گرفت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: برخورد ما باید در برابر طرح این سؤالات عادی باشد. اگر کودک، هنگام پرسش احساس کند که این مسئله نیز مانند سایر مسائل است و به‌راحتی از جانب والدین پاسخ را دریافت می‌کند، آرامش خاطر پیدا می‌کند و وقتی پاسخ خود را دریافت کرد، راضی و قانع می‌شود و در ضمن برای طرح سؤالات بعدی خود هم نگران نخواهد بود.

پاسخ‌ها باید دربردارنده حقیقت باشد. اگر پاسخ سؤالات کودکان، دور از کذب و خطا باشد به‌راحتی پذیرفته می‌شود و کودک را اقناع خواهد ساخت.

جواب‌ها باید قانع‌کننده و کوتاه باشد؛ اما نه آن‌چنان کوتاه که حق مطلب ادا نشود و سؤال همچنان برای کودک باقی بماند. پاسخ باید متناسب با سؤال کودک باشد و روح متلاطم او را آرام سازد؛ به‌طوری‌که او احساس آرامش کند.

باید به‌راحتی به سؤال، جواب داد و ابهامی در جواب نباشد تا کودک قانع و راضی گردد و از سردرگمی در امان بماند. حتی‌الامکان پاسخ، ساده و روان باشد؛ زیرا

اگر این دسته از سؤالات کودکان، به‌درستی پاسخ داده نشوند و به‌طور عادی با آنها برخورد نگردد؛ علاوه بر کنجکاوی بیشتر کودک، موجب می‌شود وی سرانجام از شیوه‌های مختلف، اطلاعات اغلب نادرست و منحرف‌کننده‌ای به دست آورد. کودک تصور نمی‌کند که والدین به علت احساس شرم و حیا از دادن اطلاعات خودداری نموده‌اند؛ بلکه احساس می‌نماید که مسائل جنسی بد بوده و مجاز نیست و اصولاً هر موضوعی که با مسائل جنسی مرتبط باشد، کثیف و نابجاست.

در ذهن کودکان معمولاً سؤالاتی وجود دارد که توجه آنها را در بیشتر موارد جلب می‌نماید. برخی از این سؤالات عبارتند از:

- بچه چگونه به وجود می‌آید و چگونه متولد می‌شود؟
- تفاوت بین دختر و پسر در چیست؟
- چه ارتباطی بین مادر و پدر یا زن و شوهر وجود دارد؟

در این راستا کودکان به دنبال پاسخ‌های روشن هستند؛ به‌طوری‌که اگر جواب را به‌اجمال دریافت کنند باز از جنبه دیگر به طرح سؤال می‌پردازند و تا جواب قانع‌کننده نیابند، دست‌بردار نیستند.

اتفاقاً مناسب‌ترین زمان برای آموزش مسائل جنسی به کودک زمانی است که خود کودک سؤال می‌کند و موضوعی را مطرح می‌سازد. در این مورد حس کنجکاوی کودک برانگیخته شده و باید از آن استفاده کرد. بهتر است ابتدای جواب، از خود کودک پرسیده شود و سپس والدین با دقت درباره پاسخ کودک و



اگر در جواب، این رکن اساسی در نظر گرفته نشود، ذهن کوچک او مغشوش می‌شود.

باید پاسخ‌ها متناسب با سن و رشد کودک باشد. نه تنها در زمینه این‌گونه سؤالات، بلکه در پاسخگویی به هر مسئله‌ای باید این شرط اساسی را در نظر داشت که پاسخ‌ها متناسب با سن کودک باشد تا به راحتی اشکال ایجاد شده برطرف گردد.

در پاسخگویی از توضیحات اضافی و غیرضروری خودداری شود. اگر پاسخ‌های ما کوتاه باشد و از توضیحات اضافی اجتناب کنیم، مسلماً نتیجه مطلوب‌تری خواهد داشت؛ چراکه گاه توضیحات غیرضروری باعث تحریک نابه‌جای او خواهد شد.

نکته بسیار مهم در پاسخگویی این است که مواظب باشیم تحریک مجددی ایجاد نکنیم و پاسخ ما باعث تشدید مسئله نشود، بلکه به راحتی و در حد سؤال، پاسخ داده شود.

در پاسخگویی، رعایت ادب و نزاکت توأم با حفظ شرم، حیا و عفت کلام ضرورت دارد. مسلماً اگر چنین شرطی رعایت نشود، جسارت و بی‌شرمی ایجاد می‌کند و ممکن است کودک را به انحراف بکشاند.

پاسخگویی همراه با دلسوزی باشد. وقتی کودک با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، مسلماً اگر احساس کند که با دلسوزی، سؤال او گوش و پاسخ داده می‌شود، احساس رضایت می‌کند و با آرامش خاطر جواب را می‌پذیرد و در این موقع پاسخگویی مؤثر خواهد بود.

باید به تفاوت‌های فردی کودکان توجه کنیم. کودکان تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر

دارند و در پاسخ به این سؤالات باید به تفاوت‌های آنها توجه ویژه نمود.

موقعیت را بسنجیم و در بهترین وضعیت پاسخگویی پرسش‌های کودکان باشیم. به این موقعیت از دو جهت باید توجه کنیم؛ یکی اینکه زمینه ذهنی کودک را حتماً بدانیم؛ چراکه بین کودکان بدون زمینه ذهنی قبلی و کودکان با زمینه ذهنی قبلی تفاوت بسیار است. مسئله دیگر اینکه نباید طرح سؤالات را دلیل بر تمایل جنسی تلقی نمود، بلکه این سؤالات تنها کنجکاوی‌هایی است که جنبه عقلانی دارد.

ب) خودداری کودک از پرسیدن

گاهی با کودکانی برخورد می‌کنیم که از پدر و مادر خود سؤالی در زمینه مسائل جنسی نمی‌پرسند. پدر و مادر گمان می‌کنند که طفلشان از این مسئله بی‌خبر است. البته در مواردی ممکن است این چنین باشد، ولی تجربه نشان داده است که برای بسیاری از کودکان چنین نیست. بسیاری از کودکان به صورت غیرمستقیم پاسخ سؤالات خود را دریافت یا تصور می‌کنند که طرح سؤال، نشانه بی‌ادبی است و به همین دلیل از طرح آن خودداری می‌کنند. آنها در موارد بسیاری اطلاعات موردنیاز خود را از دوستان و معاشران خود به دست آورده یا محرمانه چیزی را فهمیده‌اند و دیگر نیازی به پدر و مادر ندارند. از حدود شش‌سالگی تا نزدیک سن بلوغ، سؤالات جنسی اندک است؛ زیرا آنها به پاسخ خود دست یافته‌اند؛ همچنین این امر تا حدودی درونی شده است. آنها منتظر تحریکی در این زمینه‌اند که آن را بروز دهند.



کودکان و نوجوانان سبب شده تا آنان نسبت به بزرگسالان بیشتر به مسائل جنسی توجه کنند و از این طریق، به آثار هرزه‌نگارانه بیشتر گرایش یابند و بالطبع آسیب بیشتری ببینند.

در میان هرزه‌نگاری‌های رایج، هرزه‌نگاری کودکان در فضای مجازی از سه جنبه، تهدیدی جدی برای کودکان به‌شمار می‌آید؛ اولین تهدید آن است که امکان دارد کودکان به هرزه‌نگاری‌های وقیحانه در اینترنت دست یابند. دومین تهدید آن است که هرزه‌نگارها، هرزه‌نگاری کودکان را راه آسانی برای فروش محصولات خود بیابند؛ همین امر موجب شود که سوءاستفاده جنسی از کودکان تا این حد رواج یابد. سومین و بزرگ‌ترین تهدید برای کودکان آن است که بچه‌بازها و افراد خطرناک، می‌توانند از راه اینترنت و با پست الکترونیک یا چت‌کردن، قربانیان خود را جذب کنند و آنان را در دنیای واقعی به دام بیندازند.

در سال‌های اخیر، حجم بسیاری از پورنوگرافی به پورنوگرافی کودک اختصاص یافته است. محققان و قوانین کشورها نیز بیشترین توجه خود را به این نوع برنامه‌ها اختصاص داده‌اند؛ چراکه کودکان در میان دیگر بزه‌دیدگان، موقعیت ویژه‌ای دارند؛ زیرا درصد بزه‌دیدگی‌شان آنان بسیار و امکان کشف جرم و تعقیب مجرمان به مراتب کمتر و صدمات جسمانی و روانی وارد بر کودکان بسیار بیشتر از بزرگسالان است.

البته این امکان نیز وجود دارد که کودکی از این مسائل هیچ سر درنیاورده باشد. (همان، ص ۸۱-۸۳)

ج) هرزه‌نگاری کودک

هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی عبارت است از: نمایش عریانی بدن انسان و حیوان یا عمل جنسی در قالب فیلم، تصویر و... که با هدف تحریک جنسی صورت گیرد. پورنوگرافی می‌تواند به صورت‌های متنوعی به کار رود؛ نوشتار، عکس و مجسمه، طراحی و نقاشی و متحرک‌سازی، ضبط صدا، فیلم و ویدئو یا بازی‌های ویدئویی و رایانه‌ای یا حتی اجرای زنده در مقابل تماشاگران.^۱

امروزه هرزه‌نگاری کودکان، یکی از اشکال خشونت و استثمار جنسی و مسئله‌ای نگران‌کننده است. اینترنت، هرزه‌نگاری کودک را استثمار جنسی کودک با تمرکز بر نمایش اندام جنسی یا فعالیت جنسی کودک تعریف کرده است. این پدیده شوم امروزه به‌واسطه توسعه فضای ارتباطی و گسترش اینترنت شکل جدیدی به خود گرفته است. دنیای مجازی با پنهان نگه‌داشتن هویت عاملان هرزه‌نگاری، محیطی امن برای تهیه و پخش محتواهای هرزه‌نگارانه و انتخاب کودکان قربانی ایجاد کرده و باعث افزایش دامنه فعالیت عاملان گردیده است.

یک پیامدهای منفی هرزه‌نگاری بر کودکان کودکان و نوجوانان بیشترین قربانیان هرزه‌نگاری به‌شمار می‌روند. درواقع، زمینه‌های کنجکاوی، تأثیر پذیری و یادگیری

1 . <http://www.wikipedia.org/terminology-pornography>



دو. انجام دادن عمل جنسی با دیگران

استیو کاواناخ^۱ متخصص بهداشت روان، در کتاب خود با عنوان *در فضای اینترنتی از فرزند/ان خود مراقبت کنید* می‌نویسد: مطالعات متعددی ثابت می‌کند که مشاهده مطالب هرزه‌نگاری می‌تواند کودک را به انجام اعمال جنسی علیه سایر کودکان وادارد. بدیهی است که مشاهده رفتار منحط جنسی در اینترنت، می‌تواند منجر به انحراف جنسی کودک شود که سلیقه‌های جنسی وی را شکل می‌دهد و در سنین بزرگسالی وی نیز نمود دارد. (به نقل از: پایش سبک زندگی، ۱۳۹۵، ص ۷۶-۷۳)

در تحقیقی که مجله روان‌شناسی *سایبر* انجام داده است، نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ ساله که از سایت‌های مستهجن بازدید می‌کنند، بسیار زودتر از سایرین، ارتباط جنسی دارند و دچار مشکلات بسیاری، از جمله بیماری‌های مقاربتی و حاملگی‌های ناخواسته می‌شوند. به نظر پاتریشیا گرینفیلد،^۲ استاد روان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا، نوجوانانی که به هرزه‌نگاری و تولید و توزیع آثار مبتذل و مستهجن گرایش می‌یابند، به تدریج رفتارهایی انجام می‌دهند که مخالف هنجارهای طبیعی جامعه است. همچنین، نوجوانانی که از طریق اینترنت و با استفاده از اتاق‌های گفت‌وگو در توزیع آثار هرزه‌نگارانه با دیگر دوستان و هم‌کلاسی‌های خود به تعامل می‌پردازند، بیشتر در خطرند تا جایی که ممکن است به ملاقات حضوری تشویق شوند که خود، خطر بالقوه جسمانی را به دنبال دارد.

سه. آسیب‌های روانی

آسیب دیگری که هرزه‌نگاری روی کودکان دارد، آسیب‌های روحی و روانی است. نتایج یک پژوهش حاکی از آن است که ۵۰ درصد از کودکانی که در آثار هرزه‌نگاری استفاده شده‌اند به افسردگی، اختلال، فشار روانی، آشفتگی رفتار یا ترکیبی از این اختلالات مبتلایند. ۵۹ درصد از این کودکان افکار متمایل به خودکشی داشته‌اند و ۶۶ درصد، علایمی از دیگر مشکلات رفتاری و عاطفی را از خود نشان داده‌اند.

چهار. سوءاستفاده جنسی

از دیگر خطرهای آسیب‌های جدی هرزه‌نگاری اینترنتی برای کودکان و نوجوانان، سوءاستفاده جنسی است که در دوران کنونی رواج گسترده‌ای یافته است. کودکان و نوجوانان، به‌خصوص از طریق گروه‌ها و اتاق‌های چت و گپ‌زنی، اغفال و استفاده جنسی می‌شوند.

پنج. بلوغ زودرس

از آسیب‌های دیگری که هرزه‌نگاری برای کودکان به همراه دارد، بلوغ زودرس جنسی است. تحقیقات نشان می‌دهد دختران و پسران ۱۲ تا ۱۷ ساله‌ای که از آثار هرزه‌نگارانه استفاده می‌کنند، پیش از همسالان خود وارد رفتارهای جنسی می‌شوند. بلوغ زودرس می‌تواند عوارض بدی از جمله ضعف عمومی بدن و ضعف عقلانی (تا حدی که ممکن است فرد را از پای درآورد)، کم‌اشتهایی مفرط، ایجاد

1 . Astyvkavanakh
2 . Patricia Greenfield



سیاست دولت، گسترش و توسعه هرچه بیشتر دسترسی مردم به اینترنت است. طبیعی است که رشد کمی و کیفی این شبکه، زمینه را برای وقوع این جرائم و گسترش دامنه آنها مهیا می‌سازد.

در حال حاضر برای پیشگیری از بروز آسیب‌های پورنوگرافی کودکان، خانواده، مؤثرترین نهاد محسوب می‌شود. خانواده اولین زیست‌بومی است که شخصیت فرد در آن شکل می‌گیرد و به دلیل ارتباط مداوم عاطفی میان افراد آن، همواره می‌تواند بیشترین کارایی را در تربیت فرزندان داشته باشد. بر این اساس، لازم است والدین و نیز دیگر اعضای آن به پیشنهادهای زیر بیش‌ازپیش توجه داشته باشند:

والدین باید از راه مهرورزی، اعتماد فرزندان خود را جلب کنند؛ به‌گونه‌ای که فرزندان مسائل خصوصی خود را با آنان در میان بگذارند.

تقویت مبانی ارزشی، اخلاقی و دینی فرزندان و ایجاد «خودکنترلی» در آنان. در محیط خلوت اینترنت چیزی به‌اندازه تقوای حضور، نمی‌تواند مایه پرهیز افراد به‌ویژه جوانان از گرایش به سایت‌ها و مطالب نامناسب و مستهجن گردد. تقویت مبانی ارزشی، اخلاقی و دینی به معنای تقویت روحیه تقوا و پرهیزکاری در فرزندان است که این مهم از طریق نشر ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی و سوق‌دادن آنان به انجام‌دادن مناسک و آیین‌ها و شرکت در جلسات و مکان‌های مذهبی همچون مسجد

اضطراب، تپش قلب و بحران و هیجان، عدم تمایل به فعالیت در گروه، یأس و دلسردی، اختلال در حالات و رفتار، پیدایش تزلزل روحی و اخلاقی و عصبی، توقف رشد فکری و حتی رشد جسمی، افت تحصیلی، گوشه‌گیری و انزواطلبی را برای فرد در پی داشته باشد.

شش. هیجان‌های عصبی

رالف دیکلمنت^۱ دانشمند رفتارگرایی دانشگاه اموری می‌گوید: «اطلاعات جدید نشان می‌دهد که ۶۰ الی ۷۰ درصد نوجوانانی که سراغ شبکه اینترنت می‌روند، در برخورد با سایت‌های مستهجن‌نگار -خواسته یا ناخواسته- دچار هیجان می‌شوند و حتی اگر به‌خودی‌خود تحت تأثیر چهارصد هزار سایت فعال در این‌گونه مسائل به خطا و لغزش نیفتند، ممکن است با دریافت آدرس پایگاه‌های مستهجن از طریق پست الکترونیکی دچار هیجان‌های عصبی شوند».

(چابنر، ۱۳۸۳، ص ۳۶- ۴۲)

۴. راهکارها و اقدامات

در بدو ورود هر فناوری و حوزه فعالیت جدید به کشور، ضروری است که با توجه به ویژگی‌های آن، سیاست‌گذاری و سپس قانون‌گذاری صورت گیرد، بنابراین در این خصوص کوتاهی شده و کشور ما در حال حاضر دارای قوانین کارآمدی در زمینه هرزه‌نگاری کودک نیست.

از سوی دیگر زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی کشور در حال گسترش است و

1 . Ralph DeClement



حاصل می‌شود. والدین، خود باید در این زمینه الگوی فرزندان باشند.

والدین تا جایی که ممکن است باید با فعالیت‌های اینترنتی و آنچه فرزندان در این فضا می‌توانند انجام دهند، آشنا شوند و راه‌های مقابله با استفاده نامناسب از آن را فراگیرند.

والدین باید رایانه و سایر ابزار اتصال به اینترنت را به گونه‌ای در اختیار فرزندان قرار دهند که بتوانند فعالیت‌های آنان را زیر نظر داشته باشند.

والدین و فرزندان می‌توانند درباره شیوه استفاده از اینترنت در منزل بحث و تبادل نظر کنند و مقررات ویژه‌ای قرار دهند. به عنوان نمونه در ارتباط با شرایط لازم برای استفاده از اینترنت، محدوده و مدت زمانی که فرزند می‌تواند از اینترنت استفاده کند، وبسایت‌ها و فعالیت‌های مجاز و غیرمجاز در اینترنت و تعیین اطلاعاتی که می‌توان و نیز اطلاعاتی که نباید آنها را در فضای مجازی به اشتراک گذاشت به همفکری و به توافق برسند.

پدر و مادران باید در صورت لزوم، دیدگاه خود را درباره موضوعات صریح جنسی و رفتارهای ناشایست تشریح کنند و درباره مخرب بودن برخی سایت‌ها و نیز ضررهای جسمی و روانی خودارضایی برای فرزندان توضیح دهند.

والدین باید به تفاوت میزان اعتماد به فرزندان خود، در فعالیت‌های مجازی و واقعی پی ببرند و به آن توجه کنند. فرزندان ممکن است در فضای مجازی دست به کارهایی بزنند که در فضای فیزیکی جرئت ارتکاب آن را نداشته باشند.

والدین باید به فرزندان خود هشدار دهند که کلمات عبور خود را کاملاً مخفی نگه دارند و حتی در اختیار نزدیک‌ترین دوستان خود نیز قرار ندهند تا با استفاده از نشانی پست الکترونیکی آنان، مطالب نامناسب برای دیگران فرستاده نشود.

باید به فرزندان آموزش داد تا هیچ‌یک از اطلاعات و عکس‌های شخصی و خانوادگی خود را به ویژه در گروه‌ها و اتاق‌های گفت‌وگو در اختیار کسی قرار ندهند.

مجموعه اطلاعاتی که فرزندان وارد رایانه می‌کنند، باید قابل ردیابی بوده، از مخفی و پاک کردن آنها خودداری نمایند تا والدین در صورت ضرورت بتوانند آنها را بازیابی کنند و از این راه بر رفتارهای شان اشراف داشته باشند.

بهرتر است والدین فهرستی از فعالیت‌های جایگزین و مفید بیرون از فضای مجازی تهیه کرده، به فرزند خود بدهند تا آنان به تدریج اوقات فراغت خود را سپری کنند. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل دیدار با خویشاوندان و دوستان مناسب، مسافرت و گردش‌های تفریحی و نیز مطالعه و شرکت در فعالیت‌های آموزشی باشد. (ایمانی و بهره‌مند، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۲۵ و فلاح مهنه، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۳۱) از دیگر اقداماتی که در این زمینه می‌توان عنوان کرد، موارد ذیل است:

- آشنایی والدین با سایت‌های مفید و آموزشی برای معرفی به فرزندان؛
- بالابردن آگاهی والدین از خطرها و پیامدهای سوء اینترنت و آسیب‌پذیری فرزندان در مقابل آن؛



همچنین پدر و مادر در خصوص هویت جنسی کودکان از نقش مؤثری برخوردارند؛ چراکه پذیرش نقش جنسی کودک، با نحوه رفتار والدین ارتباط مستقیم دارد. تبعیض بین دختر و پسر و جریحه‌دارکردن احساسات وی هرچند ممکن است به صورت ناخودآگاه یا با انگیزه‌هایی همچون تنبیه صورت پذیرد، اما آثار منفی خود را در سنین بالاتر بر جای خواهد نهاد و کودک را با چالش هویت جنسی و عدم پذیرش آن یا حتی تمایلات هم‌جنس‌گرایانه و هم‌جنس‌بازی مواجه خواهد نمود.

در خصوص بازی‌ها و پرسش‌های جنسی کودکان و نیز علایمی همچون خودارضایی یا مشاهده محتواهای مستهجن نیز والدین نیازمند مهارت در پاسخگویی و نحوه برخورد با این چالش‌ها هستند. هرگونه برخورد نامناسب، هیجانی و شدید ممکن است سبب حساسیت کودک و چه‌بسا سوق دادن او به مشکلات و مخاطرات آسیب‌زای بعدی گردد. پاسخگویی مناسب، صادقانه، روان و در حد فهم کودک و نیز مداخله غیرپرخاشگرانه در بازی‌های جنسی کودک و پرهیز از تنبیه کودک در هنگام رفتارهایی مشکوک به خودارضایی یا مشاهده پورنوگرافی، اهمیتی بنیادی در این زمینه دارد.

- همراهی والدین با فرزندان در هنگام استفاده از اینترنت و راهنمایی آنان؛
- استفاده از نرم‌افزارهای فیلترکننده برای جلوگیری از مشاهده محتویات نامناسب. چنین نرم‌افزارهایی می‌توانند نشانی تمام سایت‌هایی را ثبت کنند که کودک به آنها سرزده است. به این ترتیب والدین بعدها می‌توانند آنها را بررسی کنند؛
- ایجاد فضایی مناسب برای تعاملات صمیمانه بین والدین و فرزندان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سلامت و بهداشت جنسی کودکان یکی از مهم‌ترین موضوعات جوامع کنونی است که ابعاد پنهان و پیدای بسیاری دارد. کودکان در عرصه‌های گوناگون زندگی خود، جزو آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه به‌شمار می‌روند؛ زیرا نسبت به پیشگیری، مقابله و درمان آسیب‌ها و پیامدهایی که در وضعیت‌ها و موقعیت‌های مختلف برای آنها به وجود می‌آید، ناتوان‌اند.

در خصوص موضوعات، مسائل و آسیب‌های مربوط به حوزه امور جنسی کودکان، بیشترین نقش مربوط به خانواده و والدین است. بخش مهمی از آموزه‌های دینی و آیات قرآنی در خصوص نحوه تربیت جنسی کودکان آمده است که از جمله آنها می‌توان به آداب و ممنوعیت‌های ورود به اتاق خواب والدین، نوازش‌های روا و ناروای کودکان و نیز جداسازی بستر کودکان اشاره نمود.



منابع

۱. الله‌قلی، لیلا؛ تعاونی، سیمین و رحمانی، اعظم (۱۳۸۹)، *سلامت جنسی دوران کودکی*، خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. ایمانی، محسن و بهره‌مند، وحید (۱۳۸۷)، «آسیب‌های ناشی از اینترنت و راهکارهای پیشگیری از آن»، *پیوند*، ۱۳۸۷، ش ۳۴۵ و ۳۴۷، ص ۲۵۲۰.
۳. چابنر، دین، (۱۳۸۳)، «مستهجن‌نگاری در اینترنت و تاثیر آن بر نوجوانان»، *مجله سیاحت غرب*، ش ۱۲، ص ۳۶-۴۲.
۴. رئوفی، مریم (۱۳۹۲)، *تربیت جنسی در کودکان و نوجوانان*، تهران: اباصالح.
۵. شکوهی یکتا، محسن؛ پرنده، اکرم و فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۷)، «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»، *مجله تربیت اسلامی*، ش ۷.
۶. شمیل، شبلی، *روان‌شناسی بلوغ و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان*، ترجمه: پروین قاسمی و فضل‌الله شاهلوئی‌پور، تهران: انتشارات حسام.
۷. فلاح مهنه، تورج (۱۳۸۶)، «اختلال اعتیاد به اینترنت»، *روان‌شناسی و اطلاع‌رسانی*، ش ۱، ص ۲۶-۳۱.
۸. قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید و شمخانی، ازدر (۱۳۹۶)، «تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد ۶. اسلامی بستری برای پیشگیری از جرائم و انحرافات»، *مجله تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۳۸.
۹. مصلحی، جواد (۱۳۹۳)، *تربیت جنسی فرزندان: عوامل، روش‌ها و راهکارها*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۱۰. نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

11. <http://www.wikipedia.org/terminology-ponography>

گفتار دوم: گزارشی نشست‌های علمی

گزارش نشست

بررسی زیرساخت‌های فکری نفی استقلال فرهنگی

با تأکید بر رویکردها و ظرفیت‌های

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مقام معظم رهبری هم با تأکید بر مقوله تولید فکر انقلابی، بر بحث تحریف اجزای قدرت نرم نظام اسلامی تمرکز کرده‌اند و مساوی دانستن نفی استقلال با انزوا را یکی از این تحریف‌ها می‌دانند.

دکتر محمدصادق کوشکی

در حقیقت این درست است که استقلال فرهنگی به معنی انزوای فرهنگی و محرومیت از کالاهای فرهنگی بیگانه است؛ برخی می‌گویند اسنادی مانند سند ۲۰۳۰ محصول اجماعی بین متفکران و صاحب‌نظران و اهالی فکر فرهنگ در بین ۱۰۰-۱۵۰ کشور دنیا و محصول عقل جهانی بشری است و با استقلال فرهنگی، ما خود را از این عقل جهانی و محصول بی‌بدیل محروم می‌کنیم!

نشست بررسی زیرساخت‌های فکری نفی استقلال فرهنگی با تأکید بر رویکردها و ظرفیت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با حضور دکتر محمدصادق کوشکی، عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، در اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی رسانه با حضور جمعی از مدیران و پژوهشگران برگزار شد.

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران این است که استقلال فرهنگی سرلوحه برنامه‌های این نظام مقدس است.



در پاسخ به این شبهه باید توجه کرد اگر برای هویت مردم یک جامعه، مرزی تعریف شود، فاصله انسان‌های داخل با افراد بیرون، یک خط سیاسی خواهد بود، ولی ما از انسانی صحبت می‌کنیم که به جغرافیا وابسته نیست؛ بلکه هویت انسانی به فرهنگ و زبان و قومیت و مذهب و دین آن بستگی دارد و اینجاست که استقلال فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. اگر قرار باشد فقط یک دیوار فاصله باشد، تنها تفاوت همین می‌شود. هویت انسانی به باورها، تاریخ و آنچه انسان را از دیگران متفاوت می‌کند، گفته می‌شود.

ممکن است مردم برخی کشورها، استقلال را برای خود امتیاز ندانند و بگویند ما نمی‌خواهیم از دیگران متمایز باشیم. ما می‌خواهیم مثل بقیه باشیم. ما می‌خواهیم با فرهنگ رایج در دنیا هماهنگ باشیم. در این جامعه استقلال فرهنگی ضد ارزش است، ولی اگر ملتی باشد که بگوید من خودم تمدن دارم و اعتقادات و باورهایی دارم که آن را برتر از آن چیزی می‌دانم که در دنیا رایج است، استقلال فرهنگی اصل و خط قرمز می‌شود.

در انقلاب اسلامی به این خاطر که اصل موضوع، هویت اعتقادی و فرهنگی است، استقلال فرهنگی می‌شود همان خط قرمزی که بقیه انواع استقلال از جمله استقلال سیاسی و اقتصادی و نظامی در ذیل آن است. آن تعبیری که در ابتدای بحث از بنیانگذار انقلاب اسلامی اشاره کردید به صراحت بیان می‌دارد ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، از دخالت نظامی نمی‌ترسیم. آنچه برای ما مهم است، استقلال فرهنگی است. این وابستگی

فرهنگی است که ما را نابود می‌کند. همچنین ایشان در جلد چهارم صحیفه می‌فرمایند: «می‌خواهیم تمدن اسلامی بسازیم. تمدنی که بر پایه اعتقادات ما بنا شده باشد. ما تمدن رایج در دنیا را نمی‌خواهیم. ما به تمدن غالب نقد داریم».

با اینکه در دنیا یک تمدن غالبی وجود دارد که همان تمدن غرب است، ولی باز هم ملت‌هایی که خود را صاحب تمدن و فرهنگ می‌دانند دوست ندارند خود را در قالب این فرهنگ جهانی معنا کنند و مضمحل بشوند. هویتی دارند که آنها را از دیگران ممتاز می‌کند.

جالب است بدانیم اولین کسی که از تهاجم فرهنگی صحبت کرد، رئیس‌جمهور فرانسه در سال ۱۹۸۸ بود که گفت: فرهنگ آمریکایی فرهنگ اصیل و غنی ما فرانسوی‌ها را از بین می‌برد و ما باید با تولیدات فرهنگ بومی و حتی یارانه‌دادن به فرهنگ بومی، هویت خود را حفظ و پاسداری کنیم و این در حالی است که فاصله‌ها و اختلافات بین فرهنگ فرانسوی و آمریکایی روبنایی است و اختلافات بنیادین ندارند، درحالی‌که هویت و فرهنگ ما اختلافات بنیادین با فرهنگ غربی و آمریکایی دارد و فلسفه نگاه ما به زندگی و انسان و خدا با فلسفه غرب کاملاً متفاوت و بنیادین است و اینجاست که استقلال فرهنگی، یک ضرورت اساسی می‌شود که بدون آن، ساخت تمدن دین‌نهاد، معنایی نخواهد داشت. همچنین بسیاری از کشورهای دنیا که قدرت‌های برتر، آنها را جهان سوم می‌نامند، برای خود افتخار می‌دانند که خود را

به مسئله نگاه می‌کند، بلکه خود اندیشمندان کشورهای اروپایی هم به این مسئله معتقدند و با یکسان‌سازی و استانداردسازی مخالفت می‌کنند و با تفکر آمریکایی سازگار نیستند.

یعنی حتی اگر ما هیچ نگرش دینی به مسئله نداشته باشیم، ولی برای ما مهم باشد که آنچه را هستیم و آنچه را می‌خواهیم بشویم، خودمان باید تولید کنیم و با مسائل، مواجهه علمی داشته باشیم، با استقلال فکری و فرهنگی موافق خواهیم بود. اینکه گفته شد تبعیت از چنین اسنادی، صورت‌بندی علمی دارد، من صورت‌بندی مخالف علمی آن را بیان می‌کنم. این مسئله کاملاً جا افتاده است که راه‌حل‌ها از مبانی فکری و اعتقادی باید استخراج شود.

تصویری که ما از هویت و سرنوشت خود داریم، چه کسی باید تعیین کند؟ فهم ما از مفاهیم و مسائل حوزه علوم انسانی - حتی زمانی که می‌گوییم غرب - نباید فهم جغرافیایی باشد؛ بنابراین برنامه توسعه غربی، هوایی دارد که آن با فرهنگ و هویت ما سازگار نیست و ارزش‌های خود را مسلط می‌کند.

این نکته هم مهم است که در برابر برنامه‌های توسعه سازمان ملل و برنامه‌هایی از این دست، قبل از اینکه کشورهای اسلامی امثال ما موضع بگیرند، در خود غرب جغرافیایی، آن کشورهایی که از جهت هویتی و ارزشی با آن ارزش‌های آمریکایی تمایز دارند، موضع گرفتند و اعتراض کردند.

واتیکان که نگرشی کاملاً سکولار به دین دارد، احساس کرده است برخی ارزش‌های

بتوانند به لایه‌های سهل‌الوصول فرهنگ غالب نزدیک کنند و این اتفاق در ترکیه و حتی در حکومت پهلوی هم افتاد؛ زیرا هویت را به این معنا قبول ندارند و می‌گویند اگر ما بتوانیم بیشترین شباهت را به غرب پیدا کنیم، آن روز متمدن‌تر شده‌ایم.

بیشتر کشورهایی که به تعبیر کشورهای غربی، جهان سوم یا در حال توسعه نامیده می‌شوند، این اعتقاد را ندارند که می‌توانند فکر و فرهنگ بومی داشته باشند. مثل تفکر حاکم در کشور ما در زمان حکومت پهلوی. ولی وقتی مردم، دین را مبنا و برنامه زندگی می‌دانند، وقتی ما خود را مسلمان می‌دانیم و معتقدیم که دین به ما برنامه زندگی می‌دهد، ناگزیریم شیوه زیستمان که فرهنگ است متمایز و متفاوت از فرهنگ بیگانه و غربی باشد.

حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

یکی از مشکلات ما در بحث استقلال فرهنگی و امثال این بحث‌ها، فهم مسئله است. این تعبیر که استقلال فرهنگی را در مقابل استفاده از فهم بشری بدانیم و اینکه در ۲۰۳۰ گفته شده علم، مفهوم همگانی است، مفهوم پذیرفته‌شده‌ای نیست و تفکری ساده‌انگارانه است. اگر ما به‌عنوان یک پیش‌فرض گمان کنیم در حوزه علوم انسانی در غرب یک دانش خالص، فارق از فرهنگ تولید شده است و ما می‌توانیم در همه جا از این استفاده کنیم، از اساس اشتباه است و این را نه ما به‌عنوان کسی که از لحاظ دینی





غیردینی مانند ارزش‌های خانواده در این قبیل اسناد نادیده گرفته و تهدید شده، لذا در برابر آن موضع گرفت و به جریان یکسان‌سازی جهانی اعتراض داشت.

دکتر محمدصادق کوشکی

اینکه بگوییم سند ۲۰۳۰ محصول عقل جهانی و تجربه بشری است، یک مغالطه ظریف است؛ زیرا این سؤال مطرح است که نمایندگان و کارشناسان که برای نوشتن این سند از کشورهای مختلف آسیایی و آفریقایی و اروپایی و آمریکایی رفته‌اند، آیا نماینده فرهنگ و هویت همان قوم بودند یا اینکه تربیت‌یافتگان فرهنگ آمریکایی بودند و متون غربی را خواند بودند؟

وقتی به این نکته توجه می‌کنیم، می‌بینیم که واژه جهانی، پوششی است برای اینکه تدوین این سند بر مبنای فرهنگ و تمدن آمریکایی و آنگلو ساکسونی مخفی بماند و تمدن غرب به دلیل اینکه چند قدرت برتر جهانی با فلسفه و مبنای مشترک حداکثری و دست‌پروردگان ایشان، سندی را تدوین کرده‌اند، می‌گویند این سند جهانی و بشری است.

ما علاوه بر فرهنگ و تمدن اسلامی، بازتاب فرهنگ و تمدن کنفوسیوس، بودیسم و آمریکای لاتین را هم در این اسناد بین‌المللی نمی‌بینیم. اولین کسانی که این مسئله را مطرح کردند خود همان کسانی بودند که در جغرافیای غرب زندگی می‌کردند و برخی گفته‌اند که این ارزش‌ها حتی غربی هم نیست، بلکه ارزش‌های آمریکایی است و استانداردهای آمریکایی را به جهان تعمیم

می‌دهد. در زمانی که جهانی‌سازی مطرح گردید، این بحث نیز عنوان شد که جهانی‌سازی نیست، بلکه آمریکایی‌سازی است. استانداردهای آمریکایی را می‌خواهید تعمیم دهید.

دومین نکته این است که اگر ما دیندار هم نباشیم، در حوزه علوم حسی و تجربی مانند پزشکی هم این مسئله وجود دارد. امروزه ثابت شده است حتی داروها بر مردم هر منطقه با هر سبک زندگی، جغرافیا و رژیم غذایی تأثیر متفاوت دارد؛ بنابراین در حوزه علوم انسانی اگر ما بخواهیم روش‌های دقیقی برای تربیت فرزندان خود برگزینیم، ناگزیریم روش‌هایی را به دست بیاوریم که این روش‌ها بومی باشد و این درست نیست که همان نسخه‌ای را که برای آدمی که در غرب است، برای انسان بلوچ و ترک و لر و فارسی که در ایران زندگی می‌کند، بدهیم. مگر ما یک آدم داریم! ما حتی انسان ایرانی را با تسامح به کار می‌بریم والا تفاوت‌ها، واقعی است. شاید این اسناد برای بچه‌های آمریکایی جواب بدهد، ولی برای یک دانش‌آموز ایرانی در فلان استان نتیجه ندهد، مگر آنکه بخواهیم او را آمریکایی تربیت کنیم. ما باید الگویی داشته باشیم که بومی باشد.

در مورد بحث حقوقی سند باید کارشناسان حقوقی نظر بدهند که آیا تحفظ‌دادن، مانع اجرا می‌شود یا آن شرایط خاصش؟ باید توجه داشت که مشکل اسناد بین‌المللی مانند سند ۲۰۳۰ با تحفظ‌دادن حل نمی‌شود، اگر فرض کنید ما تحفظ مثلاً در ۶۰۰ مورد هم بدهیم، نگاهی که این سند براساس آن نوشته شده است، باید دید



که متون غربی را ترجیح داده‌اند، داشتن تمدن برای ما ایرانیان را نفی می‌کنند. این افراد در ابتدای ورود تمدن غربی به ایران در دست‌نوشته‌های خود نوشته‌اند ما باید به فقر حاضر و گذشته خود در برابر تمدن یونان و تمدن غربی اقرار کنیم! یعنی نه تنها امروز هیچ نداریم، پدران ما هم در مقابل تمدن یونان هیچ چیز نداشته‌اند.

وقتی این نگاه در میان تحصیل‌کردگان ما وجود دارد که خود را در برابر تمدن غرب هیچ می‌دانند و تمدن‌سازی دین را قبول ندارند؛ با خود می‌گویند غرب، یک نمونه‌ای است که به نتیجه رسیده است و ما نباید دستاوردهای امروز را کنار بگذاریم و از اول برای خود، تمدن‌سازی و استقلال فرهنگی ایجاد کنیم. کسی که فکرش این‌گونه است چگونه می‌تواند برای ما سند بومی بنویسد. متأسفانه اینان به اندازه مستشرقان غربی هم درباره تمدن ایرانی اطلاع ندارند.

این افراد در مقابل این فکر که می‌گویند باید برنامه‌های تربیتی از قرآن و منابع دینی استخراج شود، می‌گویند قرآن برای رابطه انسان با خدا است و به جامعه و تمدن کاری ندارد. برخی هم می‌گویند که قرآن اصلاً وحی نیست؛ تجربه بشری است و الهاماتی است که به پیامبر شده است. بنابراین در سطوح مختلف دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. اگر قرار است جامعه ما بپذیرد که قرآن برنامه زندگی ما باشد، باید اول به او بقبولانیم که دین، این کاره است و اسلام می‌تواند و این کار را انجام داده است و انسان‌های قوی و کارآمد و عالم را با تکیه بر نظام آموزشی قوی

مبنای فلسفی و انسان‌شناسی و زیرساخت تمدنی آن، چه بوده است؟ انسان را، سعادت را، رفاه را چگونه تعریف می‌کند؟ هرچند که در سند، ذکر نشده باشد، ولی این سند ثمره و میوه آن باورها و مبانی فکری است. به بیان ساده، کسی که انسان را حاصل یک تصادف ملکولی و از نسل میمون می‌داند و به عالم معنا اعتقادی ندارد و با این دیدگاه سند را تدوین می‌کند، چگونه می‌تواند برای کسی که انسان را مخلوق خدا می‌داند برنامه بنویسد؟! چگونه می‌توان درباره این دیدگاه تحفظ داد؟

حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

ما قبلاً هم از این تحفظ‌ها داده‌ایم؛ مانند تحفظ ما در سند دفاع از حقوق کودکان. بروید در سایت‌های اینترنتی ببینید به این تحفظ‌ها چقدر اعتراض و کان‌لم‌یکن تلقی شده است. حداقل نه کشور اروپایی به تحفظ‌هایی که ما در موارد مخالف شریعت زده‌ایم، اعتراض کرده و گفته‌اند اینها بسیار کلی است. علاوه بر این، تحفظ؛ یعنی بندهایی را قبول نداریم و اعمال نمی‌کنیم. در سند ملی ۲۰۳۰ اتفاقاً تمام آن بندهایی که به آنها تحفظ داده‌ایم و نباید می‌آوردیم، آورده‌ایم و اعمال کرده‌ایم. لذا فکر می‌کنم تحفظ، نوعی عملکرد فرعی است و واقعاً به آن پایبند نبودیم.

دکتر محمدصادق کوشکی

شما می‌گویید ما تمدن غنی داریم، اما برخی از تحصیل‌کردگان ما در غرب و کسانی



که داشته، پرورش داده است. بسیاری از این افراد در تاریخ تمدن، ضعف اطلاعات دارند یا اطلاعاتشان قوی است.

خروجی نظام آموزشی که ما داشته‌ایم و از قرن سوم هجری در ایران به تدریج شکل گرفته و تا قرن ۱۱ ادامه داشته، کسانی بوده‌اند که ما به آنها افتخار می‌کنیم. مانند ابن‌سینا و رازی و بیرونی و ده‌ها برابر این دانشمندانی که اسمشان را بلد نیستیم؛ در نظام آموزشی کهن ما، ملاً کسی بود که تربیت‌آمخته شده بود. ما ۸۰۰ سال تمدنی ساختیم که از تمام رشته‌های علوم، مانند پزشکی، شیمی، فیزیک، نجوم، ریاضیات، فلسفه، کلام، ادبیات و سایر علوم خروجی داشته است، ولی امروزه با نظام آموزش و پرورش که از اروپا کپی کرده‌ایم بچه‌های مدرسه‌گریزی تربیت کرده‌ایم که مدرسه را دوست ندارند، درحالی‌که همین نظام در غرب، خروجی‌های زیادی داده است، ولی در ایران به دلیل عدم سازگاری خروجی نداشته است.

حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

همان‌طور که رهبر انقلاب فرموده‌اند آموزش و پرورش بر اساس فکر و ساخته و پرداخته فلسفه ما نیست. ما باید بدانیم کجا می‌خواهیم برویم و چه کار کنیم. براساس ذهنیت برخی از دلسوزان و کارشناسان که قصد و نیت خیر و ذهنیت آسیب‌دیده‌ای به وضعیت مطلوب دارند. آیا وضعیت مطلوب ما شبیه چیزی است که دیگر کشورهای غربی، سال‌های پیش به آن رسیده‌اند؟ این مشکل، جدی است که بیشتر افراد مایل به تجربه

جهانی‌اند و حتی در تنظیم سند تحول ملی، این رویکرد وجود داشته است.

■ در اوایل دهه ۹۰، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش رونمایی شد و در اختیار مسئولان اجرایی قرار گرفت؛ در اواسط دهه ۹۰ نیز از سند ملی ۲۰۳۰ رونمایی شد؛ آیا سند آموزش و پرورش اشکال داشت که نتوانست مورد استفاده قرار بگیرد یا اینکه مدیران اجرایی ما آن را قبول نداشتند و سیاست‌گذاران، افکار دیگری داشتند که دولت یازدهم به سند ۲۰۳۰ رو آورد؟

اگر سند تحول در اجرا با مشکلاتی روبه‌رو شد به‌خاطر این است که ایجاد تحول در نهاد سنگینی مانند آموزش و پرورش واقعاً نیازمند دغدغه و نقش‌آفرینی فعال نهادهای خارج از آموزش و پرورش است. می‌دانیم بخش عمده هزینه‌های آموزش و پرورش، صرف کارکنان این وزارت می‌شود و یکی از مشکلات این است که در چهارچوب سند تحول بنیادین حمایت‌های جدی دولت دیده نشده است و در دولت قبل هم دیده نشده بود و نهادهای حاکمیتی از این سند حمایت نکردند، ولی ما این نکته را در سند ۲۰۳۰ می‌بینیم که همه نهادها را به میدان می‌آورد.

مشکل اصلی این است که برخی تصور می‌کنند وزارت آموزش و پرورش مجری سند تحول بنیادین است؛ درحالی‌که آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند کاری کند. باید به میزان زیادی بسترهای روحی و روانی آماده و بودجه‌ای جدا از بودجه جاری پیش‌بینی شود. ما مسئولان کشور، فارق از دولت یازدهم در

کرد و تا زمانی که یک مسئول، فهم درستی از مسئله پیدا نکند، نمی‌توان انتظار داشت که در این زمینه قدم بردارد؛ در بدنه کارشناسی آموزش و پرورش هنوز اقناع فکری و فهم درستی از سند تحول بنیادین وجود ندارد و گمان می‌شود که سند تحول هم به دنبال آرمان توسعه‌محور است و این در اجرایی‌شدن این سند تأثیر دارد.

دکتر محمدصادق کوشکی

اگر فرض کنیم که سند تحول را ننوشته‌ایم، اگر اجماع نظر باشد که ما باید سند تحول را خودمان بنویسیم و نیازمند سند بومی بر اساس باورهایمان هستیم، [این] یک پیشرفت است. خود این باور مهم است که آنچه خودمان داریم از بیگانه تمنا نکنیم.

نکته بعد این است که یک ذوق و شوق اجرایی برای سند ۲۰۳۰ در مسئولان وجود داشت، در مجموع با همه مشکلات بودجه‌ای و... سه سال طول نکشید که قرار شد اجرایی شود و اگر ترمز آن را رهبر انقلاب نمی‌کشید، اکنون کامل اجرا شده بود، ولی اینکه سند تحول خودمان اجرا نمی‌شود یا در سطحی‌ترین بخش آن اجرا می‌شود، برمی‌گردد به اینکه آیا باور برای اجرا وجود دارد یا خیر و چون باور و میل وجود ندارد، بسیاری تمایل و ذوقی برای اجرا ندارند.

ما در طول چهار دهه سابقه‌ای که در نظام جمهوری اسلامی داریم، چند بار سند نوشته‌ایم؟ آن هم سند راهبردی در حوزه تعلیم و تربیت و برای نسل آینده. سند تحول بنیادین در نوع خود اولین سندی بود که نوشته‌ایم

فضای کلی، این را هضم نکردیم که برای تحول در آموزش و پرورش همه نهادها را باید به کار بکشیم.

دلیل دوم موفق نبودن سند تحول بنیادین، فهم‌های نادرست و چندکاره و نبود نظام اولویت‌ها در این سند است. در سند تحول خیلی حرف‌های خوبی آمده است، ولی اینکه واقعاً نقطه آغاز کجاست و با چه اولویت‌هایی باید انجام شود و نظام اولویت‌گذاری چیست، ذکر نشده است و همین باعث شد آن طور که

باید پیش نرود.

اینکه ما نظام آموزشی را ۶ - ۳ - ۳ کردیم دارای وزن نازلی در سند تحول بود. آیا ابتدا این کار باید انجام می‌شد؟ نظام انتخاب اولویت‌ها، نظام خوبی نیست و عمده اولویت‌ها، اقدامات جاری بود و عذر مدیران هم این بود که ما از نظر بودجه‌ای دستمان بسته است.

اسناد باید به گونه‌ای باشد که در خود سند مشخص شود که اولویت‌ها چگونه‌اند و ما باید این را از سندهای بین‌المللی یاد بگیریم و این مسئله از نقاط قوت آن سندهاست؛ در سند ما اولویت مشخص نشده است، ولی در سند ۲۰۳۰ اولویت به برابری جنسیتی داده و تأکید شده است اگر برابری جنسیتی اعمال نشود، انگار هیچ کاری انجام نشده است، یعنی این نکته مهمی برای ماست، ولی در سند تحول، مجموعه‌ای از اقدامات هم‌عرض معرفی شده که باعث سلیقه‌ای عمل کردن می‌شود.

نکته سوم هم این است اقناع فکری که باید درباره چهارچوب سند تحول میان مسئولان اتفاق می‌افتاد، اتفاق نیفتاد. در حوزه مسائل فرهنگی نمی‌توان مکانیکی عمل



درحالی که سند ۲۰۳۰ را کسانی که تجربه ۲۰۰ ساله در سندنویسی دارند، نوشته‌اند. بارها سند نوشته‌اند و نقد شده است و همه جوانب و تاکتیک‌ها و حتی ضمانت اجرای حقوقی هم در آن دیده شده است. در سند ما شاید بتوان ده‌ها اشکال پیدا کرد. علتش این است که ما تاکنون چنین اسنادی را ننوشته‌ایم و لازم است صاحبان فکر، وارد عمل شده، نقادی کنند و آن را اصلاح کنند.

حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

در سند تحول، مسئله اصلی عدم پیش‌بینی سازوکار دیده‌بانی نیست، بلکه مسئله اصلی این است که این سند برای اجرا مورد توجه قرار نمی‌گیرد و تاکنون وضعیت اجرایی و عملیاتی جدی را شاهد نبودیم. به‌صورت طبیعی آموزش و پرورش، وظیفه اجرا و شورای عالی انقلاب فرهنگی وظیفه نظارت را به عهده دارد. پس سازوکارها، پیش‌بینی شده، ولی همتی برای اجرای آن نیست، پس موضوع دیده‌بانی بلاموضوع است.

■ چرا در اسناد داخلی مانند سند تحول بنیادین آموزش‌های جنسیتی وجود ندارد درحالی که ما در کشور آسیب‌های جدی را در زمینه مسائل جنسی از جمله ماجرای کشته‌شدن آتنا اصلانی را شاهد هستیم؟

دکتر محمدصادق کوشکی

اینکه آموزش جنسی به سبک غربی سبب جلوگیری از آسیب‌های جنسی کودکان می‌شود، مورد تردید است.

امروزه این سؤال مطرح است که در نقاطی از دنیا که آموزش‌های جنسی، سال‌های سال آموزش داده می‌شود و در رسانه‌ها و مهد کودک‌ها گفته می‌شود و آموزش داده می‌شود، آیا خشونت‌های جنسی و تعرض به کودکان در جامعه‌ای مثل آمریکا کم شده یا اینکه افزایش داشته است؛ می‌بینیم که در غرب در اماکنی که مقدس و معنوی هستند یک اسقف و یک کشیش، رکورددار تعرض و آزار جنسی کودکان است و تعدادشان به چند صد کودک می‌رسد. اینکه مسئول شبکه بی.بی.سی در سن هفتاد سالگی به ده‌ها کودک خردسال تعرض جنسی داشته است، نشان می‌دهد آموزش جنسی آن‌گونه که در سند ۲۰۳۰ و امثال آن گفته شده، راه‌حل مشکل خشونت جنسی نیست و اتفاقاً جوامعی که خشونت جنسی علیه کودکان کم یا نادر است و استثنائاً اتفاق می‌افتد، جوامعی هستند که بر مبنای تعالیم معنوی خانواده‌ها شکل گرفته‌اند و باید این الگو به تمام جهان تعمیم داده شود.

اینکه ما باید سندی را تدوین کنیم که تکلیف آموزش جنسی را مشخص کند، درست است و ما ضعف داشته‌ایم و نتوانستیم بهداشت این گزینه جنسی را به کودکان آموزش دهیم و این خلأ وجود دارد، ولی اینکه این مشکل را باید با سند ۲۰۳۰ و راهکارهای آن حل کنیم، سخن درستی نیست، چون سند ۲۰۳۰ نشان داده است که کارآمد نیست.

امیدواریم به این باور برسیم که باید روش تربیت و آموزش کودکان خود را خودمان

ارزش‌های خود دست بکشد و نیز نمی‌تواند قطع ارتباط کند و منزوی شود، بلکه باید یک مرزگذاری جدی به ارزش‌هایمان و یک الگوی تعاملی ایجاد کنیم. ما باید کشورهای همفکر خود را شناسایی و با آنها ارتباط برقرار کنیم و از این یکسان‌سازی سنگین جهانی جلوگیری کنیم و سایر همفکران خود را فعال نماییم و فراموش نکنیم ارزش‌های ملی و دینی ما اولویت اول ما هستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

استقلال فرهنگی از مسائل و دغدغه‌های مهمی است که ارتباط اساسی با مقوله دین و رسانه دارد. رسانه باید در بحث استقلال فرهنگی همت بیشتری را به کار ببرد. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم با دو نگرش متفاوت در حوزه تمدنی و فکری و فرهنگی مواجه هستیم و به شکل‌های مختلف در سده اخیر در کشور ما خصوصاً بعد از نهضت تنباکو و مشروطیت، مواجهه با تقابل‌های اساسی بین گفتمان‌هایی داریم که امروزه هم استمرار دارد و از جهان‌بینی‌های مختلف نشئت می‌گیرد. با مشاهده تقابل‌های گفتمانی است که به عمق ضرورت و نیاز به اسلامی‌سازی علوم انسانی بیشتر پی می‌بریم. امروزه مبانی علوم انسانی اسلامی در مجموعه تربیت معلم قدیم و حتی در دانشگاه فرهنگیان امروز ما هم رسوخ پیدا نکرده و نهادینه نشده است تا بتواند در بلوغ فکری کسانی که می‌خواهند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را اجرایی‌سازی کنند، اثر بگذارد.

تدوین کنیم؛ چون خودمان روش مناسب را در دین و فرهنگ خود داریم. باید جامعه را اقناع و اجماع ایجاد کرد. باید بقبولانیم این آموزه‌های دینی ما تجربه بشری نیست که آزمون و خطا داشته باشد، بلکه وحی است و ما باید تربیت قرآن‌محور و دینی را سامان دهیم و باید بسیار کار کنیم که این اقناع و اجماع شکل بگیرد.

حجت‌الاسلام دکتر علی لطیفی

خوشبختانه در سند تحول با وجود برخی مشکلات، ظرفیت بازنگری وجود دارد و ما باید بدانیم همان‌طور که تجربه و اراده‌ای در پشت سند ۲۰۳۰ بود، باید چنین اراده‌ای از سوی نظام‌های حاکمیتی مانند مجلس و دولت به‌وجود بیاید و اراده جدی برای کمک به وزارت آموزش و پرورش شکل بگیرد.

نکته دیگر اینکه نقد ما به ۲۰۳۰ به معنای قطع ارتباط با خارج نیست، بلکه ما نباید ارتباط منفعل داشته باشیم و بتوانیم حرف خود را بدون لکنت زبان بزنیم و اگر ارزش‌های ما در جامعه جهانی به رسمیت شناخته نمی‌شود، نباید سبب شود ما از ارزش‌های خود دست بکشیم و به یکسان‌سازی تن بدهیم.

مثال ما مانند خانواده‌ای است که در یک محله زندگی می‌کند که ارزش‌های اصیل و بومی آن خانواده را قبول ندارند و به رسمیت نمی‌شناسند. این خانواده نمی‌تواند از



برخی مشکلات ما در حوزه آموزش اساسی‌تر است و مشکلات روبنایی، در بعضی موارد ما را از آنها غافل کرده است. باید دید سهم مبانی دینی و الهی در تربیت انسان در نظام آموزش عمومی ما چگونه دیده شده است که نظام تعلیم و تربیتی ما نتوانسته هدف از زندگی را با نگاه اسلامی آموزش دهد و نهادینه کند. برای نمونه اساساً بحث آفرینش و نقش خداوند در آفرینش و نقش انبیا علیهم‌السلام در تاریخ، در کتاب‌های درسی ما دیده نشده است، درحالی‌که رگه‌هایی از نظریه و تفکر داروین‌یست را در کتاب‌های آموزشی مشاهده می‌کنیم و سهم تربیت الهی در نظام آموزشی و نظام آموزش غیررسمی وجود ندارد. بحث در این است که مباحث و منابع آموزشی ما در آن چهارچوب تنظیم نشده است و متون بسیار جذاب دیگر در نظام آموزش غیررسمی وجود دارد. تاکنون در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسنادی مانند سند تحول، سند دانشگاه اسلامی و ... تولید شده است، ولی امروزه اتفاقاتی رخ داده که نمی‌توان از آن به آسانی عبور کرد. برای نمونه در چند سال اخیر نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیرخانه آن به محاق رفته است و اینکه سند ۲۰۳۰ با این طول و عرض و ظرفیت می‌آید و رئیس‌جمهور وقت ما در سازمان ملل به آن رأی می‌دهد و امضا می‌کند و فردی را برای ارائه گزارش به یونسکو، نماینده می‌کند که دانش‌آموخته غرب است. هرچند او از افرادی است که در ماجرای سفارت آمریکا حضور

داشته، ولی امروز از انقلابیون پشیمان شده است. این مسئله نشان‌دهنده عزم جدی و باور فکری است که مدیران دارند.

از دیگر مشکلات سند تحول، مشکلات بودجه‌ای عنوان شده است. یکی از جذابیت‌های اسناد بین‌المللی این است که بخشی از بودجه آن و اعتبارات مالی و ظرفیت اجرایی آن را سازمان ملل فراهم می‌کند و این هم بهانه‌ای است که نمی‌شود از آن گذشت، درحالی‌که جالب است بدانید فرایندهای جذب این اعتبارات در عمل، سبب برخی هزینه‌ها برای ما شده و چندان به کمک مالی منجر نشده است. ما در مواجهه با اسناد بین‌المللی با سنگلاخ و مین‌گذاری‌هایی روبه‌رویم که یک مین آن در سند ۲۰۳۰ با هفده هدف در بحث آموزش بود که زیر پای عرصه فرهنگ و آموزش کشور منفجر شد، ولی ما شاهد مین‌هایی در سایر عرصه‌ها خواهیم بود که طراحی شده‌اند و دستگاه‌های مسئول نیز از آن اطلاعی ندارند.

آگاهی و روشننگری در جامعه از جمله نقش‌های رسانه است. ما باید آتش به اختیار را بهتر فهم می‌کردیم تا وضع به این شکل در نیاید. رسانه باید بهتر عمل کند؛ باید با برنامه‌های گفت‌وگومحور این‌چنینی که برنامه‌های تبیینی است و همچنین در دیگر قالب‌های رسانه‌ای مانند ساخت مستند، در انتقال پیام موفق برای روشننگری افکار عمومی مانند حادثه تعدی به دختر خردسال بهتر عمل کنیم.



گفت‌وگو با کارشناسان درباره تربیت جنسی و جایگاه رسانه ملی

حجت‌الاسلام دکتر رضا مهکام^۱



لزوم تفاوت‌گذاری تربیت جنسی بین دیدگاه اسلام و غرب

لازم است از تفاوت بین دیدگاه اسلام و غرب شروع کنیم تا تکلیفمان در مورد برخی از واژه‌ها مشخص شود. مفهوم Sex Education (آموزش جنسی)، در غرب بیشتر به معنای آموزش یا آموزش تربیت‌گونه یا آموزش مهارتی به‌کار می‌رود. دیدگاه اسلامی آموزش Education را تربیت معنا می‌کند نه

به‌طور قطع رسانه ملی بدون کمک مراکز آموزشی و پژوهشی در کشور نمی‌تواند رسانه ملی را به‌صورت علمی و درست راهبری کند. موضوع تربیت جنسی از حساسیت و اهمیت بسزایی در نحوه طرح آن در رسانه ملی برخوردار است. مشاوره و همفکری با صاحب‌نظران و کارشناسان متخصص و متعهد حوزه‌های گوناگون مرتبط با موضوع تربیت جنسی، می‌تواند به مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی در شناخت هرچه بهتر موضوع و چگونگی طرح تربیت جنسی در افکار عمومی کمک شایانی نماید. آنچه در پی خواهد آمد، حاصل گفت‌وگو با صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه‌های مختلف فقه و حقوق، اخلاق جنسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات جنسی (سکسولوژی)، مطالعات راهبردی و رسانه و ارتباطات است.

۱. دکترای تخصصی روان‌شناسی؛ (reza.mahkam@gmail.com)



آموزش. البته در تربیت، بحث آموزش نیز مطرح است؛ اما در دیدگاه غربی به دلیل نگاه امانیستی (Humanism) این دیدگاه، بیشتر بر آموزش تأکید می‌کند. در بین مکاتب غربی شاید بتوان انسان‌گراها را متعالی‌ترین مکتب غرب به حساب آورد؛ چراکه رفتارگرا یا حیوان‌گرا و ... نیستند، به تعالی انسان معتقدند و انسان را صاحب اراده می‌دانند؛ اما از این نظر که محور همه چیز را انسان می‌دانند، قابل نقد می‌باشند. طبق دیدگاه اسلام محور همه چیز خداوند است و انسان طبق اصولی که خداوند مشخص کرده باید رفتار کند؛ اما انسان‌گرایان معتقدند که محور هر چیزی انسان است و خود انسان باید مسیر و هدف را مشخص کند.

طبق دیدگاه انسان‌گرایان غربی در تربیت جنسی لازم است همه اطلاعات جنسی به کودک و نوجوان داده شود تا خود وی در این زمینه تصمیم بگیرد. یکی از اشکالات وارده بر این دیدگاه این است که اگر کودکان و نوجوانان توانایی تشخیص درست از غلط را داشته باشند، دیگر نیاز به تربیت و دریافت آموزش از سوی دیگران را نخواهند داشت. اشکال دیگر، محتوایی و عقلی است. در واقع اسلام در فضای تربیت جنسی بر اصل مراقبت تأکید می‌نماید.

در غرب افسانه‌ای قدیمی مطرح بود که در پاسخ به کنجکاوی‌های جنسی کودکان مطرح می‌شد و آن این بود که بچه‌ها توسط لک‌لک‌ها برای والدین آورده می‌شوند؛ اما در دهه اخیر کتابی نوشته شد تحت عنوان: **لک‌لکی در کار نیست**. در این کتاب تمام

جزئیات مسائل جنسی مطرح شد و حتی تصویر زن و مردی در رختخواب یا تصویر داخل اندام تناسلی نیز آورده شد. این کتاب در جریان تدوین سند ۲۰۳۰ با هدف انتشار ترجمه شد؛ اما زمانی که از انتشار آن ممانعت به عمل آمد به صورت pdf در فضای مجازی منتشر گردید.

توجه به وضعیت وخیم غرب در تربیت

جنسی

متأسفانه غالب کتاب‌های موجود در حوزه تربیت جنسی که در سطح کشور وجود دارد بر اساس این مدل نوشته شده است. حتی برخی اندیشمندان غربی از جمله فروید معتقد هستند که اگر کودکی زودتر از سن بلوغ، شاهد روابط جنسی والدین خود باشد، دچار تعارضات جنسیتی خواهد شد؛ این درحالی است که برخی از روان‌شناسان و کارشناسان داخلی بر اساس مدل‌های جدید غربی به توصیه در زمینه تربیت جنسی می‌پردازند و با تمام تفاوت‌های مبنایی بین ما و غرب، همچنان اصرار بر الگوبرداری از مدل‌های غربی دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۹ میلادی، ۱۱/۸ درصد از دختران ۱۱ تا ۱۵ ساله آمریکایی، لاقل برای یک بار هم که شده، بارداری را تجربه کرده‌اند. ۳۷/۴ درصد دختران ۱۱ تا ۲۰ ساله نیز در حال خوردن قرص‌های ضدبارداری هستند. به عبارتی نزدیک به ۵۰ درصد از دختران آمریکایی در سال ۲۰۰۹ رابطه جنسی داشته‌اند. درحالی‌که وضعیت اروپا از وضعیت آمریکا نیز نامناسب‌تر است. بنابراین اگر بخواهیم در حوزه تربیت جنسی،



آموزش محسوب می‌شود، هم نوعی مراقبت. همچنین والدین می‌توانند در مورد چگونگی استفاده از سرویس‌های بهداشتی در مدرسه یا اماکن دیگر به فرزندان خود آموزش‌های لازم را بدهند. به عبارتی، والدین باید در حد لازم به فرزندان خود آموزش دهند نه اینکه او را با حجم زیادی از اطلاعات جنسی - و به تبع آن تعارضات جنسی ناشی از این اطلاعات زود هنگام - مواجه سازند.

امکان طرح مسائل جنسی از رسانه ملی

تنها با ملاحظات و مقدمات و شرایط ویژه

طرح مسائل جنسی از رسانه ملی اگر با ملاحظات و مقدمات و شرایط ویژه ارائه شود، مناسب خواهد بود. چندی پیش برنامه‌ای با عنوان «حریم مهرورزی» از رسانه ملی پخش شد. یکی از محاسن این برنامه، پخش آن در ساعات پایانی شب بود تا فقط بزرگسالان را مخاطب قرار دهد، اما تسلط نداشتن کافی مجری و کارشناسان برنامه و حتی ضعف آنان در ارائه و بیان مطالب، برنامه را با ضعفی جدی مواجه ساخته بود. یکی از علت‌های این مسئله آن است که رسانه، متخصص را نمی‌شناسد؛ از این رو باید برای رسیدن به موفقیت، ضمن بهره‌مندی از نظریات متخصصان مجرب، از محتوای مناسب و حتی از ادبیات مناسب برای ارائه محتوا بهره بگیرد. از سویی لازم است خانواده‌ها نیز تشویق شوند تا بدون حضور فرزندان خود به تماشای چنین برنامه‌هایی مبادرت ورزند.

بنا بر این اصل، طرح مباحث حوزه تربیت جنسی از رسانه ملی، مورد تأیید است؛ اما باید با رعایت جوانب و شرایط و ملاحظات صورت

غرب را الگو قرار دهیم، نتیجه‌ای جز نتایج حاصله در غرب نخواهیم داشت.

لزوم آشنایی خانواده‌ها و برنامه‌سازان با

آثار تخصصی تربیت جنسی

در حوزه تربیت جنسی کتابی با عنوان **حرف‌های یواشکی؛ مهارت‌های تربیت جنسی کودک و نوجوان برای والدین از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی** در سال ۱۳۹۸ به اتفاق سرکار خانم لیلا عبادی مؤید تدوین کردم. در همایش بین‌المللی نیز که در سال ۱۳۹۴ در اصفهان برگزار شد، طی یک کارگاه آموزشی مباحثی در حوزه تربیت جنسی ارائه دادم که با افزودن مباحث قرآنی و حدیثی در قالب یک کتاب منتشر شد. در حال حاضر مهم‌ترین کتاب در حوزه تربیت جنسی اسلامی همین کتاب است که اتفاقاً کتابی کاملاً کاربردی است. در این کتاب بنابر تعریفی که از تربیت جنسی گفتم تربیت جنسی عبارت از: مراقبت‌ها، مدیریت‌ها و آموزش‌هایی است برای اینکه کودک و نوجوان بتواند از عهده وظایف جنسی و نیز وظایف جنسیتی خود برآید تا بتواند برای ازدواج آمادگی پیدا کند. به‌عنوان مثال یک مادر با توجه به سن بلوغ خاله‌ها و عمه‌های دختر خود، سن بلوغ او را تخمین بزند و از چند ماه پیش از رسیدن دخترش به سن مورد نظر باید او را به لحاظ روحی و بدون ارائه مطالب جنسی، برای قرارگرفتن در وضعیت عادت ماهیانه آماده کند و آموزش‌های لازم در این زمینه را به دخترش بدهد. مناسب است در این زمینه بیشتر بر مسائل پزشکی و شرعی سن بلوغ اشاره داشته باشد. این در واقع، هم نوعی



گیرد. لازم است برای ساخت این گونه برنامه‌ها مطالعات طولانی مدت و همه‌جانبه‌ای صورت گیرد. انتخاب محتوای مناسب، انتخاب ادبیات مناسب برای ارائه محتوا، انتخاب مجریان مجرب و انتخاب کارشناسان زبده، همگی از فاکتورهای موفقیت چنین برنامه‌هایی است.

بزرگ‌ترین محدودیت پیش روی رسانه، انگاره‌های ذهنی در ارائه مباحث تربیتی جنسی

بزرگ‌ترین محدودیت پیش روی رسانه در ارائه مباحث تربیتی جنسی، نگاه بسیاری از بزرگسالان است که اساساً قائل به قبیح بودن طرح این مسائل از رسانه ملی هستند. این در حالی است که در فضای مجازی یا دیگر رسانه‌ها بسیاری از مسائل جنسی بدون هیچ حریمی به نمایش گذاشته می‌شود و چنانچه رسانه ملی با در نظر گرفتن ملاحظات شرعی و ملی و عرفی، این اطلاعات را به مخاطبان خود ارائه نکند، ممکن است افراد متدین برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز خود در این زمینه به محتوای ارائه شده از سوی دیگر رسانه‌ها از جمله فضای مجازی روی آورند.

نکته دیگر حضور کودکان و نوجوانان است. در برخی کشورها این قدرت وجود دارد که برخی شبکه‌های ارائه‌کننده محتواهای خاص، به گونه‌ای طراحی می‌شوند که از دسترس کودکان و نوجوانان خارج می‌شوند؛ اما در رسانه ملی چنین مهارت و مدیریتی وجود ندارد. از سویی والدین نیز کنترل لازم بر کیفیت استفاده فرزندان از برنامه‌های رسانه را ندارند. بخشی از این محدودیت‌ها را می‌توان با تغییر ادبیات ارائه محتواهای مورد نظر، رفع

کرد و بخش دیگر را نیز می‌توان با آگاهی دادن به والدین و تشویق آنان به استفاده از برخی برنامه‌ها بدون حضور فرزندان، حل نمود.

لزوم آشنایی مدیران و برنامه‌سازان با تربیت جنسی برای برنامه‌سازی

قطعاً لازم است بخش‌هایی از مباحث تربیت جنسی را در برخی از برنامه‌های کودک و نوجوان نیز گنجانند؛ اما اگر فرد مسلط به مباحث تربیت جنسی، این برنامه‌ها را مدیریت و نظارت دقیق نکند، بسیار آسیب‌زا خواهد بود. به عنوان مثال کارتون‌ی تحت عنوان «بینگ‌ها» از برنامه کودک و نوجوان پخش شد که در آن تعدادی بچه حیوان بدون پدر و مادر در پانسیون زندگی می‌کردند که دو موجود با شکل و شمایلی خاص آنجا را اداره می‌کردند. این سریال از اساس، سریالی نامناسب بود؛ چراکه به کودکان و نوجوانان آموزش می‌داد که می‌توانند بدون پدر و مادر نیز زندگی خود را بگذرانند. در یکی از قسمت‌های این سریال کارتون‌ی، یکی از اعضای پانسیون که بچه خرگوش است از درازکشیدن پاندایی روی تختش به سرپرست پانسیون شکایت می‌کند. سرپرست پانسیون بچه خرگوش را تشویق به کنار آمدن با این مسئله کرده و به وی پیشنهاد می‌کند که کنار پاندا بخوابد. خرگوش می‌پذیرد؛ اما مجدداً عنوان می‌کند که پاندا لباس‌های خود را درآورده است. سرپرست پانسیون به خرگوش می‌گوید که تو هم می‌توانی لباس‌هایت را درآوری و کنار پاندا بخوابی. بچه خرگوش بعد از درآوردن لباس‌های خود و خوابیدن کنار پاندا بیان می‌کند: «این طوری خیلی حال می‌ده». این سؤال مطرح است که آیا این



این جهت که اصلاً به این موضوع پرداخته نشده است. به نظر می‌رسد بنایی برای پرداختن نبوده و اصلاً اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. در حالی که رسانه در برخی از برنامه‌های تأمینی، عکس قضیه عمل کرده است. به عنوان مثال پخش کارتون «گره سگ» به عنوان یکی از برنامه‌های کودک و نوجوان بسیار قابل تأمل است. کارتون که یک سگ و یک گربه از ناحیه کمر به هم چسبیده‌اند و اولین پرسشی که با دیدن کارتون در ذهن کودک شکل می‌گیرد این است که محل ادرار این حیوان کجاست؟ آیا هدف از ساخت کارتون گربه سگ توسط سازنده آن، جز نمایش پیوند دو موجود مذکر و در واقع ترویج هم‌جنس‌بازی است؟

در کارتون «اگی» نیز دو جانور هم‌جنس‌گرا مطرح هستند که به دلیل صامت بودن کارتون سعی شده در تلویزیون ایران این دو جانور به عنوان دو پسر خاله معرفی شوند، اما حرکات این دو جانور کاملاً گویای هم‌جنس‌بازی بود آنان است.

در میزگردی که گزارش آن نیز در نشریه **کودک و رسانه** هم به چاپ رسیده، بنده به اتفاق یک انیمیشن‌ساز، یک کارگردان، یک مترجم و چند تن از مسئولان حضور داشتم. در این میزگرد عنوان کردم که حتی خود سازنده سریال کارتون «باب اسفنجی» اذعان می‌کند که این کارتون را با هدف ترویج هم‌جنس‌بازی بین کودکان و نوجوانان ساخته

صحنه جز با هدف ترویج هم‌جنس‌بازی برای کودکان و نوجوانان طراحی می‌شود؟ چرا باید به کودک آموخت که دو نفر می‌توانند با یکدیگر آن هم در حالت لخت بخوابند؟

بنابراین طرح تربیت جنسی در برنامه‌های کودک و نوجوان به این شکل صحیح نمی‌باشد. لازم است تیمی از متخصصان و افراد مجرب و متدین با رعایت تمام شرایط و ضوابط و ملاحظات بر محتوا و کیفیت تولید و پخش این‌گونه برنامه‌ها نظارت کامل و دقیق کنند. باید بر این نکته تأکید شود که در کنار کودکان و نوجوانان، لازم است رسانه، آموزش‌هایی را نیز برای والدین و حتی معلمان و مربیان در نظر داشته باشد؛ چراکه این افراد، تربیت‌کننده کودکان و نوجوانان هستند و باید از شیوه‌های تربیت صحیح جنسی آگاهی‌ها و اطلاعات کامل و لازم را دریافت کنند و رسانه می‌تواند در ارائه این آموزش‌ها به این دسته از مخاطبان نقش مهمی ایفا کند.^۱ حتی لازم است خود برنامه‌سازان و مدیران رسانه نیز آموزش‌هایی در حوزه تربیت جنسی داده شوند تا در تولید یا تأمین برنامه‌های رسانه، دقت لازم در سالم‌سازی برنامه‌ها را مبذول نمایند.

لزوم بازنگری و نظارت کیفی در مدیریت، سیاست‌ها و تولید و تأمین برنامه‌ها با عنوان تربیت جنسی، به علت عملکرد بسیار ضعیف رسانه ملی

عملکرد رسانه بسیار ضعیف است نه از این جهت که خوب پرداخته نشده، بلکه از

۱. بنده در مصاحبه‌ای با نشریه رشد نوآموز مباحثی را در مورد نقش معلم در تربیت جنسی ارائه داده‌ام که به چاپ رسیده است.



است. اما آیا کسانی که می‌خواهند این کارتونها را با هدف پخش از رسانه ملی بخرند، مطالعه‌ای در مورد اهداف سازندگان این کارتونها و میزان تطابق آنها با ارزش‌های اسلامی دارند یا خیر؟ متأسفانه هیچ گونه ممیزی وجود ندارد تا برای خرید برنامه‌های تأمینی رسانه مشخص باشد که آیا این برنامه‌ها از اساس، منطبق با شئون اسلامی هست یا خیر؟

کارتون «باب اسفنجی» ۳۰ قسمت ۳۵ دقیقه‌ای است که به دلیل سانسورهای زیاد در ۱۳ قسمت از رسانه ملی پخش شد. در این کارتون یکی از شخصیت‌ها که اختاپوس است به هر شئی‌ای که می‌رسد آن را می‌مکد که نماد سکس دهانی است. پاتریک یا همان ستاره دریایی که دوست صمیمی باب اسفنجی است در واقع شریک جنسی باب اسفنجی است. در جایی از این کارتون، باب اسفنجی شلوارک خود را گم می‌کند و آلت تناسلی وی نمایان می‌شود. در چنین وضعیتی دیگران مدام او را Penis (آلت مردانه) صدا می‌زنند. گفتنی است نام کارتون هم «باب اسفنجی با شلوارک مربعی شکل» است. به عبارتی محور اساسی این کارتون شلوارک است.

در مجموع رسانه ملی بنایی برای تربیت جنسی کودکان و نوجوانان نداشته است. حتی در برنامه‌های تأمینی نیز مدیریتی برای گزینش صحیح برنامه‌ها وجود ندارد. بر عکس شاهد هستیم که در مقابل پخش کارتون‌های جذاب خارجی، تولیدات داخلی به شدت از حیث تصویرسازی، صداگذاری و

... دچار ضعف هستند. گاهی این ضعف‌ها به اندازه‌ای است که حتی بر محتوا نیز اثر می‌گذارد. هرچه متولیان امور فرهنگی کشور از جمله رسانه ملی در این حوزه کم‌کاری داشته باشند، معاندین فعالیت‌های گسترده پیوسته‌ای انجام می‌دهند. به‌عنوان مثال در جریان‌ات اغتشاشات اخیر که با شعار «زن، زندگی، آزادی» شکل گرفت، نرم‌افزاری با عنوان «اولین کمپین رفع تبعیض جنسیتی از کتاب‌های درسی ایران برای تغییر فضای جنسیت‌زده مدارس و کتاب‌ها» طراحی شده که معلمان و دانش‌آموزان را تشویق می‌کند با استفاده از این نرم‌افزار مهارت خود را در رفع تبعیض جنسیتی از کتاب‌های درسی افزایش دهند. یعنی تمام کتاب‌های درسی را دقیق مطالعه کرده‌اند و هر مطلب و تصویری را که به نفع پسران دانسته‌اند، مشخص کرده و به معلمان یاد می‌دهند که آن مطلب را به‌گونه‌ای آموزش دهند که موجب ارزش‌گذاری بیشتر بر جنسیت دختران شود. این در حالی است که ما در رویارویی با این اقدامات بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم.

لزوم تولید منشور تولید برنامه با عنوان

تربیت جنسی با کمک متخصصان

ابتدا یک اساسنامه تولید برنامه‌های محتوایی متناسب با تربیت در شبکه‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان طراحی شود. باید تربیت به ساحت‌های مختلف تقسیم شود از جمله: تربیت اجتماعی، تربیت هیجانی، تربیت شناختی و ... یکی از این ساحت‌ها



لزوم تشکیل کمیته ناظر بر محصولات رسانه‌ای تولیدی و تأمین‌ی در حوزه کودک و نوجوان

در خلال مباحث پیشین راهکارهایی بیان شد. علاوه بر آنها می‌توان به تشکیل یک کمیته با عنوان «کمیته تربیت جنسی» اشاره داشت که متشکل از کارشناسان متدین و مسلط بر حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی باشد. در ضمن با قالب‌ها و زبان رسانه، آشنایی کامل داشته باشند. لازم است این کمیته این اختیارات را داشته باشد که بتواند بر تمام محصولات تولیدی و تأمین‌ی رسانه از جمله گروه کودک و نوجوان نظارت کند.

دکتر مهدی منتظر قائم^۱



نقش رسانه ملی در تربیت جنسی و زیست توحیدی و پرهیز از سیاست‌گذاری متناقض

این سؤال مطرح می‌شود که آیا رسالت صداوسیما طبق مقدمه و اصول مصرح در قانون اساسی، ترویج و نهادینه کردن فرهنگ است یا کمک به ایجاد یک جهان زیست

نیز باید به تربیت جنسی اختصاص پیدا کند. هر کدام از ساحت‌ها نیز ۵ الی ۶ اصل و قاعده و مصوبه داشته باشد. لازم است افراد متخصص هم در طراحی این اساسنامه مشارکت کنند. پس از طراحی به گروه کودک و نوجوان رسانه و مدیران شبکه‌های مربوط به کودک و نوجوان ابلاغ گردد و تمام تولیدات در راستای این اساسنامه باشند.

استفاده از تمام قالب‌ها برای تولید برنامه

در ارائه مسائل مربوط به تربیت جنسی از رسانه ملی می‌توان از تمام قالب‌های برنامه‌ای استفاده کرد. شاید مناسب‌ترین قالب را بتوان نمایشی دانست. در قالب نمایش، می‌توان نکات مربوط به تربیت جنسی را به صورت غیرمستقیم و ضمنی و در متن سایر موضوعات گنجاند. علاوه بر این، موشن‌گرافی نیز می‌تواند قالبی مناسب برای طرح مباحث مربوط به تربیت جنسی باشد. اگرچه این قالب بسیار صریح و مستقیم است اما به دلیل جذابیت بالایی که دارد می‌تواند آثار مفیدی بر جا بگذارد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت تمام قالب‌های برنامه‌ای می‌توانند مناسب باشند به شرط آنکه از سوی یک تیم کارشناس مجرب در حوزه دین، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و رسانه، تمام فرایند تولید و پخش و حتی مراحل پیش‌تولید و پس از پخش را مدیریت و نظارت نمایند.

۱. دکتر پژهش در رسانه‌های جمعی، دانشگاه لستر: (mmontazer@ut.ac.ir)



سالم، پاک و توحیدی برای انسان‌ها یا اجرای صرف آیین‌نامه‌ها و دستورهای نهادهای قدرت؟ با این اوصاف، رسانه صداوسیما به‌منظور ورود به مقوله سلامت اجتماعی، باید ببیند درون چه نظام ارزشی و بر اساس کدام برنامه‌ریزی مدون، به تولید بپردازد؟ در واقع تبدیل منابع معرفتی به نهادسازی، یک گلوگاه است تا جایی که ممکن است شرح وظایف، فضای استخدامی، ساختار و فرهنگ، سلسله مراتب ارزشی و ... سازمان در تضاد با مأموریت محوله به آن باشد. در ایران و در بحث نهادسازی، این تنش‌ها به دلیل گستردگی و پیچیدگی درونی دولت، همچنان لاینحل باقی مانده و رو به افزایش است. به همین دلیل هر سازمان و نهاد اجتماعی بر اساس اهداف و مأموریت‌های محوله و نه بر اساس شرح وظایف و فلسفه تأسیس، به اتخاذ و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی اقدام می‌ورزد که ممکن است منجر به خنثی شدن عملکرد سایر سازمان‌ها و نهادها گردد. در این میان مسلماً یک مدیر در رسانه صداوسیما نیز نمی‌تواند خلاف فرهنگ سازمانی خود و وظایف محوله‌اش اقدامی کند. پس به‌جای متوقع شدن از رسانه صداوسیما برای برنامه‌سازی و فرهنگ‌سازی در حوزه تربیت جنسی، باید به اصلاح ریشه‌ای بپردازیم و اصولاً به اصلاح و نظم‌بخشی به تمام نهادها و دستگاه‌های مؤثر در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری توجه ویژه کنیم. مسلماً در روند این اصلاحات باید نهادها و دستگاه‌هایی در اولویت قرار گیرند که آثار درازمدت دارند. علاوه بر

شخصیت‌های حقوقی این نهادها و دستگاه‌ها، شخصیت‌های حقیقی نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

لزوم اهمیت‌دادن و ارزش‌دادن به نوجوانان و نسل جدید در رسانه ملی

زمانی که در جامعه به فردیت و حق انتخاب افراد، اهمیت داده نشود و به‌جای آموزش لذت‌بری‌های مشروع، دائم فشارهایی بر فرد تحمیل می‌گردد، فرد دچار نوعی سرخوردگی و سرکوب‌های درونی می‌شود. لذا در صورت فراهم شدن کوچک‌ترین فرصت لذت‌بری، درصدد استفاده از این فرصت بر خواهد آمد. زمانی که دانش‌آموز در مدرسه محکوم به ساکت و منظم و مرتب بودن است، این فضا دانش‌آموز را به سمت شورش سوق می‌دهد تا جایی که به محض دستیابی به یک فضای آزاد و باز، اقدام به جیغ‌زدن و برهم‌زدن نظم و ترتیب می‌کند. این روحیه شورش‌گرانه، کودک را در سنین بزرگسالی نیز به سمت لذت‌بری جنسی از طریق یک رفتار لحظه‌ای حتی با فردی که شناختی از وی ندارد، سوق می‌دهد.

ترویج تربیت صحیح جنسی از رسانه

بر اساس آموزه‌های دینی همان طوری که بقیه امیال فطری رشد می‌کنند، غریزه جنسی هم باید رشد کند و به هیچ وجه سرکوب نشود. اسلام نمی‌گوید از اول، جلوی این غریزه را بگیریم و مهارش کنیم، بلکه نظر اسلام این است که غریزه جنسی را باید همانند دیگر توان‌مندی‌ها در جهت اهداف متعالی پرورش داد و در هر مرحله از رشد از

بالا ببریم تا افراد بدانند توجه به مسائل جنسی در حدّ متعادل و قانون‌مند ارزش قدسی دارد و عبادت است.

لزوم توجه رسانه به آموزش در تربیت جنسی

اهمیت موضوع جنسیت در حوزه تربیت جنسی دو چندان است، همزمانی دوران بلوغ و فشارهای روحی و روانی و تغییرات هورمونی ناشی از آن با دوران تحصیل نوجوان در سیستم آموزش و پرورش است.

برخلاف این تلاقی زمانی، متأسفانه آموزش‌های رسمی و غیررسمی در خور توجهی در زمینه مسائل جنسی به نوجوان داده نمی‌شود و بیشتر می‌کوشند تا این مسئله مسکوت باقی بماند. خانواده نیز یا به دلیل نداشتن آگاهی‌های لازم یا به دلایلی دیگر، از ارائه این آگاهی‌ها به نوجوان خودداری می‌ورزد. البته در مراحل اولیه، سرمایه‌گذاری روی خانواده، چندان مفید نخواهد بود و خانواده در بحث تربیت جنسی در رتبه سوم پس از آموزش و پرورش و رسانه قرار خواهد داشت.

نقش ضعیف آموزش و پرورش در تربیت جنسی و لزوم فعال‌شدن نقش مکملی رسانه

متأسفانه نقش آموزش و پرورش در تربیت جنسی، به صورت رسمی و غیررسمی؛ یعنی هم در خصوص فضاسازی و هم در خصوص متون درسی نزدیک به صفر و چه بسا زیر صفر است؛ چرا که بعضاً با بازتولید بعضی از سلوک قدیمی و سنتی، نوجوان را به ناخودآگاهی مدیریت‌شده و جهل مرکب در این زمینه سوق می‌دهد. این در حالی است

سنین کودکی تا بزرگسالی به تربیت جنسی پرداخت. با تربیت صحیح جنسی و هماهنگ با تربیت ابعاد دیگر، افراد به صورت متعادل رشد می‌کنند و قانون‌مند می‌شوند. زن و شوهر از گزینه جنسی و توان‌مندی‌های دیگرشان بهره‌مندی صحیح و متکاملی خواهند داشت و نه افراط می‌کنند و نه تفریط.

لزوم معرفی هنجارها و نابهنجاری‌های جنسی در رسانه

نکته دیگر در تربیت صحیح جنسی فرزندان این است که هنجارها و نابهنجاری‌های جنسی را بشناسد. بچه‌ها در هر مرحله از رشد باید بدانند چه چیزی هنجار است و چه چیزی، ناهنجار و انحراف. آگاه‌کردن فرزندان از بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز، آموزش احکام شرعی در مورد مسائل جنسی، بلوغ و ازدواج، آگاه‌کردن فرزندان از تغییرات بلوغ و آماده‌کردن نوجوانان و جوانان برای ازدواج، تا هنگام ازدواج رشد جسمی، جنسی، عقلی، عاطفی و اجتماعی نیز داشته باشند. آگاه‌کردن کودکان و نوجوانان به طبیعی بودن نیاز جنسی و تمایل جنسی مهم است تا بدانند که باید با هم زندگی کنند و نگرش مثبتی به هم داشته باشند؛ چرا که به هم نیاز دارند. حالا اگر زمینه‌هایی برای افراط‌کاری پیدا شود، باید گزینه را مهار کرد. در عصر حاضر، با این همه تبلیغاتی که از طریق ماهواره و اینترنت درباره مسائل جنسی می‌شود و افراد را به سمت خودشان می‌کشانند، پیش‌گیری خیلی مهم و مناسب است و از آن طرف، فرهنگ افراد را درباره مسائل جنسی و سلامت جنسی باید





که بی‌توجهی به این امر مهم می‌تواند منجر به تبعات زیان‌باری بر روح و جسم نوجوان شود. لذا آموزش و پرورش باید در راستای نهادینه‌کردن سازوکار تشخیص خوب از بد و نهادینه‌کردن اراده و کنترل در نوجوانان، به بازنگری در ابعاد آموزشی خود بپردازد. این بازنگری لازم است هم به صورت رسمی باشد که متون درسی و سلوک کارکنان این سیستم را شامل می‌شود و هم به صورت غیررسمی در قالب نماز جماعت و گفت‌وگوی معلمان و ...

ضرورت طرح تربیت جنسی در رسانه

در غرب، فرد از کودکی «نه» گفتن را می‌آموزد؛ اما در جامعه ما کودک به دلیل فقدان آگاهی‌های جنسی، قادر به تشخیص یا فرار از سوءاستفاده‌های جنسی نیست. همین ناآگاهی از سوءاستفاده جنسی یا ناتوانی در مقابله با آن، باعث شده تا درصدی از کودکان و نوجوانان ما در معرض آسیب‌های روحی و روانی قرار گیرند؛ آسیب‌هایی که می‌تواند در بزرگسالی بازتولید شده و گسترش یابد. ازاین‌رو آموزش جنسی - حداقل در برخی مباحث ضروری و خدشه‌ناپذیر- توسط آموزش و پرورش، امری ضروری است.

لزوم آموزش شیوه‌های مقابله با سوء استفاده‌های جنسی به کودک

حتی اگر قرار است آموزشی در خصوص مسائل جنسی صورت نگیرد، لازم است شیوه‌های مقابله با سوءاستفاده‌های جنسی به کودک آموزش داده شود تا حریم بدن خود را بشناسد و بداند که هر عضوی از بدن چه حرمتی دارد. در این صورت است که کودک

اجازه شکسته‌شدن حریم اعضای بدن خود را به خود یا دیگران نمی‌دهد.

آثار زیان‌بار بی‌توجهی به تربیت جنسی

زمانی که کودک در مورد آلت تناسلی خود آگاهی لازم را نداشته باشد، پس از سن بلوغ و تغییراتی که در این عضو بدن ایجاد می‌شود، کنجکاوی‌اش تحریک شده، به کشف خویشتن می‌پردازد که گاهی تبعات زیان‌باری مانند ترغیب کودک به لذت‌بری شخصی، منتهی می‌شود و ممکن است وی در برابر تعامل بدن خود با بدن فرد دیگری هم نتواند مقاومتی از خود نشان دهد. تا جایی که می‌توان بیش از ۳۰ درصد انحرافات بزرگسالی را به تجربه‌های ناخوشایند دوران کودکی و نوجوانی منتسب کرد و در این میان نقش آموزش و پرورش جدی است.

نقش رسانه‌های خارجی در بازتولید

انحرافات جنسی

پس از انقلاب اسلامی به‌جای آنکه در خصوص انحرافات جنسی توجیه و اقناع درونی صورت گیرد، فقط برخوردهای پلیسی و قضایی خشن صورت گرفت و این نوع برخورد باعث شد تا انحرافات جنسی به جای امحاء، به محافل خصوصی کشیده شود. در این میان، رسانه‌های خارجی نیز به بازتولید انحرافات جنسی برای مخاطبان ایرانی پرداختند و به دلیل همان ناآگاهی و عدم توجیه و اقناع درونی، انحرافات، رو به فزونی نهاد.



تأثیر تربیت جنسی بر هویت فردی

مسائل جنسی تأثیر مهمی بر هویت فردی انسان دارد. به‌گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی هر فرد دانست. هر فرد در طول زندگی خود به‌نوعی با مسائل جنسی مواجه شده، در این زمینه ذهنیت‌هایی برای وی نیز شکل می‌گیرد که می‌تواند در شکل‌گیری هویت وی نقش بسزایی ایفا کند. این فرایند از دوران کودکی - حتی پیش از رسیدن کودک به مرحله خودآگاهی جنسی - شروع می‌شود.

دکتر سیدحسین شرف‌الدین^۱



کثرت لغزش‌های رسانه ملی در تربیت

جنسی

نیازی به ذکر نیست که رسانه ملی چه به اعتبار ماهیت رسانه‌ای و چه به تبع اثرپذیری هرچند ناخودآگاه از جریان رسانه‌ای غالب و غرب‌محور به‌ویژه رسانه‌های جهان‌گستر و گفتمان غالب جهانی و نیز استفاده اجتناب‌ناپذیر از برخی محصولات تولیدی آنها در بخش‌های مختلف، لغزش‌ها و

لزوم آموزش مبانی معرفتی تربیت جنسی

در رسانه ملی

در جامعه ما مدل قابل اتکا و مورد تأیید مبانی معرفتی در خصوص تعامل با جنس مخالف وجود ندارد. اخلاقیاتی که در تعامل دو جنس مخالف مثلاً در دهه شصت حاکم و پسندیده بود، اکنون حتی در بین اقشار مذهبی جامعه نیز مشاهده نمی‌شود؛ چراکه هنجار و ارزش‌های روشنی در زمینه ارتباط زن و مرد با یکدیگر از نظر فاصله، نگاه، زاویه ایستادن و ...، به کودکان و نوجوانان عرضه نشده است. اگر بخواهیم بر اساس ارزش‌ها و اخلاقیاتی که در دهه شصت در جامعه حاکم بود در زمینه تعاملات کنونی زنان و مردان جامعه قضاوت کنیم باید بگوییم که بسیاری از این تعاملات وقیحانه است. با این حال کسی به‌دنبال اثبات یا رد برتری اخلاقیات دهه شصت نسبت به اخلاقیات حاکم در جامعه کنونی یا اثبات افراطی یا متعادل بودن جامعه کنونی برنیامده است. از این‌رو در زمان کنونی، فرد با هر طیفی از تعاملاتی که با جنس مخالف خود دارد نمی‌تواند میزان انحراف یا اعتدال خود را تشخیص دهد.

تا زمانی که نحوه نگاه کردن، ایستادن و ... را قاعده‌مند نکنیم، نمی‌توانیم برای مقولات کلان‌تری مانند حجاب نیز قاعده‌ای تعریف و تجویز کنیم. نگاه سنتی جامعه، زن را به رعایت حجاب و بیرون‌نرفتن از منزل در شرایط غیرضروری ملزم می‌کند، بدون آنکه فلسفه این احکام را تبیین نماید.

۱. دکتر فرهنگ و ارتباطات، گرایش دین و رسانه؛ (sharafoddin@gmail.com)



عملکردهایی داشته است که خلاف انتظار و ناهم سو یا منافی با اهداف و مأموریت تعیین شده به ویژه در بخش های کودک و نوجوان و انیمیشن های خارجی خود است. فیلم ها و سریال های خارجی پخش شده نیز با وجود نظارت و کنترل، از آموزه ها، نمادها و نشانه های جهت دار جنسی و القائات و کدهای غیر اخلاقی صریح و ضمنی خالی نیستند.

شرکت های بزرگ تولید کالاهای رسانه ای همواره از جذابیت بی رقیب سوزدها و آمیزه های اروتیک تحت تأثیر گرایش های اپیکوری و دیگر مکتب های لذت گرا، برای جلب و جذب مخاطبان خود در قالب های مختلف برنامه ای از جلوه نمایی های ضمنی و آمیزه ای تا برنامه های کاملاً سکسی و پورنو بهره می گیرند و ظاهراً در درستی و فایده بخشی این شیوه، کمترین تردید عملی وجود ندارد. تقدیم و ترجیح حسن و قبح زیباشناختی (با تفاسیر کج و معوج آن) بر حسن و قبح اخلاقی و مرجعیت بخشی بی رقیب به حسن و قبح زیباشناختی در کار رسانه، همواره مجوزی برای بی مهری و نقض قواعد مسلم اخلاقی به دست ارباب رسانه داده است. انتظار به حق از رسانه ملی این است که برای تأمین اهداف مورد نظر، مسیر دیگری در پیش گیرد و از الگوهای متعارف جز در موارد خاص پیروی نکند.

لزوم رویکرد اعتدال در تربیت جنسی از طرف اهالی رسانه

نگرش ها را می توانیم در دو دسته یا دو طیف در نظر بگیریم. یک طیف، افراط است

و یک طیف، تفریط. در طیف افراط، برخی با هرگونه محدودیت یا مرزگذاشتن در رابطه جنسی و مدیریت مسائل جنسی، مخالف هستند. می گویند همان گونه که در جوامع غربی، این نوع رابطه ها قبل از ازدواج آزاد است، باید بگذاریم این رابطه ها آزاد باشد که مبنای این بحث را از نظر علمی در سخنان راسل، فیلسوف غربی، و فروید، روان شناس غربی، به صورت برجسته می بینیم که خیلی جدی از رابطه آزاد دفاع می کنند. فروید معتقد است: ما دو گزینه بسیار مهم در وجودمان داریم؛ گزینه پرخاشگری و گزینه جنسی. اگر جلوی گزینه جنسی را بگیریم، پرخاشگری زیاد می شود و برای اینکه بتوانیم پرخاشگری را کنترل کنیم، باید گزینه جنسی را آزاد بگذاریم. بیان دیگر فروید این است که اگر گزینه جنسی را سرکوب کنیم، این امر به ناهشیار ما می رود و منشأ اضطراب و اختلال های روانی می شود.

راسل می گوید: از دوره کودکی نباید هیچ محدودیتی برای فرزندان قائل شویم، حتی در مورد پدر و مادر و رابطه شان با فرزند تا این گونه روابط برای کودک عادی شود. کودک همان گونه که دیگر اندام ها و اعضای بدن مادر را می بیند، باید اعضای جنسی او را هم ببیند تا برایش عادی باشد و تابویی نباشد که در حقیقت، همیشه احساس ترس کند.

طیف تفریط هم که در برخی از نگاه های متدینان وجود دارد، واقعیت های فیزیولوژیک و روان شناختی افراد را نادیده می گیرند. دیدگاه هایی مثل مکاتب هندی و بودایی به



حجت‌الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی^۱



لزوم آموزش روش‌های تربیت جنسی صحیح و علمی

آموزش جنسی از زمانی که بچه متولد می‌شود، لازم است؛ چون نوع رفتار و ارتباطات، جزو آموزش جنسی است و هر سن‌وسالی، آموزش ویژه خود را دارد، حتی در دوران کودکی. بسیاری از والدین ایرانی می‌گویند چه معنی دارد با بچه پنج‌ساله درباره رابطه جنسی صحبت شود! وقتی صحبت از آموزش جنسی به بچه پنج‌ساله است، فکر می‌کنند همان آموزشی که به بزرگسالان داده می‌شود، به کودکان هم همان آموزش‌ها را می‌دهند. خیر، آموزش آنها به زبان خودشان و در حیطه تفکر و شناخت آنهاست. هدف از این آموزش‌ها، آن است که از آسیب‌هایی که ممکن است کودک در دوران رشد خود تجربه کند، جلوگیری کنیم. کودکان در ایران از نظر سوءاستفاده‌های جنسی، بسیار آسیب دیده‌اند. تنها فیلمی که پس از مدت‌ها توانست گوشه‌ای از این مشکل را به‌خوبی بیان کند، فیلم «هیس، دخترها فریاد

ویژه «جینینیسیم» که به‌طور کلی، نیازهای جنسی انسان را منع می‌کنند. م‌هاورا که بنیان‌گذار مکتب «جینینیسیم» است، بعد از دوازده سال ریاضت، آخرین مرحله ریاضتش این بود که تمایلات و تمتع‌های جنسی همسرش را درک کند و این را به‌عنوان الگو در نظر می‌گیرند، ولی مکتب ما این را قبول ندارد. به نظر می‌آید اینکه الگوی واحدی را برای تمتع‌های جنسی همه مردان و همه افراد در نظر بگیریم، پذیرفته نباشد؛ یعنی در عین حال که ما مرزها و مدیریت را قبول داریم، نظر آن کسانی که قائل هستند برای همه افراد باید یک الگو بگذاریم یا بیش از حد محدودش کنیم، قابل تأمل است. می‌توانیم یک طیف حدّ وسطی را در نظر بگیریم که با توجه به تفاوت‌های فردی افراد، تفاوت‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و آب و هوایی که وجود دارد، تفاوت‌هایی را نیز از نظر جنسی قائل باشیم. پس سلامت جنسی در عین حال که محدوده‌ای دارد، ولی در نگاه واحد نباید باشد و باید در یک طیف برای افراد مختلف تعریف شود که این به نگاه دقیق‌تری نیاز دارد.

استفاده از شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در تربیت جنسی

ارائه الگوهای مناسب برای اقشار مختلف مخاطبان به‌ویژه کودکان و نوجوانان و جوانان در برنامه‌های مختلف با شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم.

۱. دکتری رشته کلام جدید (فلسفه دین): (Mazarbayejani110@yahoo.com)



نمی‌زنند» بود. شما در فیلم این آسیب را دیدید، ولی ما هر روز، با افرادی که این مشکل را دارند، روبه‌رو می‌شویم. در حال حاضر، با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی ویژه تربیت جنسی و سخنرانی‌ها تلاش می‌کنیم پدر و مادرها و خانواده‌ها را از این آسیب‌ها آگاه کنیم و روش‌های تربیت جنسی صحیح و علمی را به آنها آموزش دهیم.

خودشناسی؛ اولین گام در تربیت جنسی

هرکدام از سرفصل‌ها حیطه بسیار گسترده‌ای است. برای نمونه، کودک در دوران کودکی باید اندام‌های فیزیکی را بشناسد و چهارچوب مداخله‌های دیگران و حریم‌های خصوصی باید برای او مشخص شود. این شناخت با بزرگ‌تر شدن کودک، آرام‌آرام در او شکل می‌گیرد. ما در کارگاه‌ها و دوره‌های تربیت جنسی هم به بچه‌ها و هم به خانواده‌ها آموزش‌هایی می‌دهیم تا بتوانیم به اندازه توان خود از گسترش آسیب جلوگیری کنیم.

توجه جدی به تربیت جنسی در تلویزیون

در همه دنیا، رسانه به‌ویژه تلویزیون، بزرگ‌ترین عامل فرهنگ‌سازی است. همان‌طوری که تحقیقات هم نشان داده است، کودکان از بدو تولد، اجتماع‌پذیری‌شان را از خانواده و مدرسه شروع می‌کنند. نکته جالب توجه این است که کودک در خانواده و کنار تلویزیون بزرگ می‌شود، مانند خواهر و برادرش، گاهی ممکن است خواهر و برادرش در کنار او نباشند، ولی تلویزیون در خانه حضور دائمی دارد و یکی از اعضای خانواده است.

لزوم راه‌اندازی گروه‌های اندیشه‌ورز تخصصی و علمی در رسانه ملی به‌منظور تربیت جنسی

در حال حاضر، در سینما و تلویزیون به صراحت نمی‌توان درباره مسائل جنسی صحبت کرد. بهتر است بعد از مشخص شدن چهارچوب اولیه، گروهی به منظور تربیت جنسی در سازمان صداوسیما تشکیل شود تا در قالب‌هایی چون مصاحبه، مستند اجتماعی، تبلیغات، سریال یا فیلم سینمایی برنامه‌ریزی و برنامه‌هایی با تعیین هدف به این سمت، هدایت و تولید کنند.

استفاده از همه ساختارها و قالب‌ها برای

تربیت جنسی

برنامه‌های آموزشی برای بهتر آموزش‌دادن، مفید خواهد بود. ناگفته نماند که ساختن این برنامه‌ها به سن مخاطب بستگی دارد. برای نمونه، وقتی صحبت از کودک باشد، برنامه‌های کارتون‌ی بیشتر اثر را خواهد داشت؛ چون به زبان کودک است. اگر روزی بتوانیم برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های جنسی از کودکان و تربیت جنسی آنها، برنامه‌ای بسازیم، کارتون، بهترین قالب است. آموزش در هر سنی بسته به اینکه در چه مرحله‌ای از رشد است، زبان خود را می‌طلبد. نمی‌توان تعیین کرد فیلم سینمایی بهتر است یا فلان قالب خوب نیست. همه اینها باید با هم باشد.

نداشتن مهارت والدین در تربیت جنسی

در بحث مسائل جنسی در جامعه، بحث دیگری هم داریم که بحث تربیتی والدین است؛ یعنی اگر می‌خواهیم روی مسائل جنسی در

خودش را دارد. وقتی از سکس یا رفتار جنسی صحبت می‌کنیم، تنها رفتاری نیست که یک زن و شوهر در تختخواب با عنوان نزدیکی جنسی دارند، بلکه یک دامنه وسیع از رفتارها را تشکیل می‌دهد که خیلی مهم است. مطالعات نشان داده‌اند که آموزش مسائل جنسی باید از سنین بچگی به‌عنوان تربیت جنسی انجام شود؛ زیرا همان‌طور که رشد جسمی داریم، رشد جنسی هم داریم و باید مراقبت وجود داشته باشد و مراقبت هم با آموزش و پی‌گیری‌هایی است که والدین و بزرگ‌ترها انجام می‌دهند. اگر رفتارهای جنسی را نزدیکی جنسی بدانیم، از وقتی که یک بچه وارد نوجوانی می‌شود، رفتارهای جنسی دگرخواهانه دارد. پس این آموزش‌ها باید از آن سطح شروع شود.

حجت‌الاسلام دکتر علی‌نقی فقیهی^۳



نقش زنان در تربیت جنسی

زنان ما بیشترین نقش را در آموزش و مراقبت از کودکانشان دارند و متأسفانه

۱. دکترای پزشکی، رئیس کلینیک سلامت خانواده، مشاور و درمانگر مسائل و مشکلات جنسی و زناشویی؛ (s.kf56@yahoo.com)

2. Sexeducation.

۳. دکترای تخصصی علوم تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت؛ (an-faghihi@qom.ac.ir)

کشور کار کنیم، باید از پدر و مادرها شروع کنیم، نه از نوجوانان و جوانان. در حقیقت، پدر و مادرها روش همسررداری را بلد نیستند و مرتب با هم دعوا دارند. آنان نمی‌دانند اختلافشان را چگونه مدیریت کنند. پس نیازهای جنسی و نیازهای عاطفی در آنها ارضا نمی‌شود و در زندگی زناشویی اثر منفی ایجاد می‌کند و در نهایت، تربیت فرزند نیز دچار اختلال می‌شود. در این حالت، دیگر کسی مراقب تربیت فرزند نیست و کم‌کم به بیرون از خانه گرایش پیدا می‌کند و دچار اختلال می‌شوند. اگر روی مسائل جنسی در جامعه می‌خواهیم کار کنیم، در واقع، می‌خواهیم معلول را درمان کنیم.

دکتر سیدکاظم فروتن^۱



توجه جدی به مسئله آموزش جنسی

مطالعات زیادی وجود دارد که آموزش جنسی^۲ بسیار ضروری است، حتی به‌عنوان یک نوع تربیت جنسی باید از کودکی در مدارس شروع شود و آن هم شرایط خاص



رسانه، آن نقش را نشان نداده یا کمتر به آن پرداخته است. باید مجموعه‌ای از آموزش‌ها را در رسانه جدی بگیریم. همه فرهنگ‌ها در همه جهان اقداماتی انجام می‌دهند، ولی هر کدام متناسب با فرهنگ خودشان.

لزوم داشتن سیاست‌ها و راهبردهای برنامه‌های درازمدت در رسانه ملی

رسانه یا مربی‌ها باید با ادبیات خاص خودشان در مدرسه ورود پیدا کنند. واقعاً ناآگاهی جنسی به سلامت جنسی و روانی بچه‌ها خیلی آسیب می‌زند و باید پی‌گیری کنیم. البته باید مراقب باشیم که افراط و تفریط نکنیم و در ورود به برنامه‌های رسانه ملی دقت ورزیم. باید سیاست‌ها و راهبردهای برنامه‌های درازمدت داشته باشیم. از همه متخصصان در حوزه فقه، اخلاق جنسی، جامعه‌شناسی، خانواده و حوزه فرهنگی راهبرد بخواهیم و بر اساس آنها نقاط قوت و ضعف رسانه را نقد و تحلیل کنیم و این تحلیل‌ها را آرشو نکنیم، بلکه از آنها بهره ببریم و در قالب طرح پژوهشی مطرح کنیم و آثارش را بررسییم تا برنامه‌های دقیق داشته باشیم. در عین اینکه به مرزهای حیا و خودداری از افراط و دامن‌زدن به مسائل جنسی توجه می‌کنیم، حواسمان باشد که نگاه ساده‌انگارانه به این حوزه نیندازیم و آن را پیش پا افتاده تلقی نکنیم. با توجه به این نکاتی که گفتم، لازم است رسانه ورود بکند.

دکتر منصوره کریم‌زاده^۱



لزوم استفاده رسانه از همه ظرفیت‌های داخلی و خارجی در تربیت جنسی

نظر به حساسیت و پیچیدگی موضوعات و مسائل جنسی و کم‌کاری محسوس دیگر مراکز فرهنگی و آموزشی باید همه اقدامات لازم را برای تولید محصولات فرهنگی مفید به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان که بیشترین مصرف رسانه‌ای را در ایام تحصیل و تعطیل دارند، به‌کار گیرد. علاوه بر کارکردها و نقش‌های عام، رسانه در کشور ما جایگاه ویژه‌ای دارد و وظایف متنوعی که فراتر از توان عادی رسانه است، به آن محول شده است. در هر حال، باید رسانه ملی از همه امکانات و ظرفیت‌های علمی، اطلاعاتی، تجربی، مدیریتی و برنامه‌سازی داخلی و خارجی در تأمین اهداف موردنظر بهره بگیرد.

آسیب‌های دیدن فیلم‌ها بر موفقیت تربیت جنسی

از جمله عواملی که باعث شده است جوان‌ها به ماهواره، اینترنت، فیلم‌های سکس و هرزه‌نگاری روی بیاورند، تمایل خانواده‌های

۱. دکتری روان‌شناسی تربیتی؛ (E-mail: mkarimz2000@gmail.com)



سطح برانگیختگی را بالاتر می‌برد و سراغ روابط نامشروع می‌رود یا به سمت چیزهایی می‌رود که در غرب اتفاق می‌افتد، مثل تجاوز به کودکان و هم‌جنس‌گرایی. واقعاً ماهواره به حریم اخلاقی خانواده‌ها و قیدوبندهایی که در خانواده‌ها هست و ترویج آزادی مطلق و لیبرالیسم جنسی، آسیب‌زده است.

پرهیز رسانه از تشدید آسیب‌ها و نابهنجاری‌های جنسی

باید رسانه از هرگونه اقدام رسانه‌ای که هرچند با واسطه به تشدید آسیب‌ها و نابهنجاری‌های جنسی کمک می‌کند، هوشمندانه بپرهیزد و بر تثبیت و نهادی شدن برخی الگوهای سنتی اصرار کند که هم اینک نیز اعتبار آن پابرجاست. با بازخوردگیری مستمر از محیط و مخاطبان نیز میزان موفقیت خود را در تأمین انتظارات محک بزند. تأسیس برخی شبکه‌های اختصاصی همچون شبکه سلامت، اقدامی اساسی و در خور تحسین است، اما دیگر شبکه‌ها نیز بسته به قلمرو فعالیت و حوزه تخصص حوزه در این عرصه، مسئولیتی گریزناپذیر دارند.

ایرانی به استفاده از این فیلم‌هاست که در ماهواره تبلیغ می‌شود. دیدن این فیلم‌ها باعث شکسته شدن تابوها، دسترسی به روابط آزاد با جنس مخالف و نوشیدن مواد الکلی می‌شود. سستی پای‌بندی مذهبی شاید یکی دیگر از این عوامل باشد. عده‌ای دیگر به‌عنوان سرگرمی جذاب از این فیلم‌ها استفاده می‌کنند تا اوقات فراغتشان را پر کنند. به هر حال، دیدن این فیلم‌ها خالی از آسیب نیست. تقریباً سی شبکه یا بیشتر شبکه‌های فارسی در آمریکا و اروپا برنامه ایرانی ترتیب می‌دهند و خیلی از این برنامه‌ها در خود آن کشورها مخاطب ندارد. متأسفانه ایرانی‌ها از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند. شاید چیزهایی در این برنامه‌ها تقبیح شود، ولی در کنارش، مسائلی را عادی می‌کنند که در فرهنگ ما جزو قرمزهاست و مطلوب نیست.

دیدن این سریال‌ها کم‌کم خانواده را به سمتی پیش می‌برد که این چیزها عادی است. نوع لباس پوشیدن آنها کم‌کم عادی می‌شود و اگر آستانه تحریک، دیدن یک لباس نیمه‌برهنه بود، کم‌کم مرز آن بالا می‌رود و با دیدن صحنه‌های سکسی‌تر، برانگیختگی ایجاد می‌شود. وقتی به آن سطح از برانگیختگی برسد و هیجان نداشته باشد،



پروژه نفوذ و نفی استقلال فرهنگی، زمینه‌ها و اهداف

(گزارشی از سند ۲۰۳۰؛ نقدها، دفاع‌ها و ظرفیت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

مقدمه

امروزه به دلیل وجود مناسبات سیاسی و فرهنگی میان کشورهای جهان، جنگ نظامی امکان‌پذیر نیست. از این رو، استکبار جهانی در قالب استعمار نو، به دنبال کسب منافع خویش به این حقیقت پی برده است که برای تحقق اهداف اقتصادی (چپاول منابع و...) و اهداف سیاسی (براندازی و تغییر نظام حاکم)، دستیابی به اهداف فرهنگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا با ایجاد تغییر در کوچک‌ترین عناصر اجتماعی که همان مؤلفه‌های فرهنگی به‌مثابه سلول‌های بنیادین جامعه می‌باشند، می‌توان تغییرات شگرفی را در همه ابعاد کشور ایجاد کرد. مقام معظم رهبری تهاجم هدفمند فرهنگی دشمن به باورهای مردم کشور را «شیخون فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی» نامیده‌اند. نظام سلطه به دنبال تعمیق و تثبیت نفوذ همه‌جانبه خود در کشورهای جهان از جمله ایران و برای مداخله در الگوی سیاست‌گذاری آنها برای توسعه، یک راهبرد و رویکرد جامع و جدیدی

را در پیش گرفته است تا بتواند جایگاه برتر خود را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و غیره حفظ کند. از این راهبرد می‌توان با عنوان «پروژه نفوذ» یاد کرد.

حقیقت این است که دشمن ناکام از مواجهه مستقیم و سخت با انقلاب اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده است که به فرهنگ و روحیه انقلابی و شهادت‌طلبی و سنگر‌نشینی و مقاومت حمله کند. برای این کار، تغییر محاسبات و تحلیل‌ها و باورهای عمومی را هدف قرار داده است.

باید توجه داشت نفوذ از طریق مذاکره، حمله به ارزش‌ها و سیاه‌نمایی نظام، حرکتی در راستای ناتوان جلوه‌دادن نظام، مقابله با فرهنگ بسیجی و عاشورایی، نفوذ در مدیریت و حاکمیت کشور، نفوذ در مکتب و اندیشه از راهکارهای عملیاتی پروژه نفوذ است. یکی از مکان‌های نفوذ دشمن، مراکز تعلیم و تربیت است. رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت آموزش و پرورش می‌فرمایند:



آموزشی آن کشور به‌طور کامل از دست مسئولان ذیربط خارج می‌شود و هدایت آن عملاً به دست نظام سلطه خواهد افتاد و استقلال فرهنگی کشور مخدوش می‌شود و سبک زندگی غربی در نظام آموزش و پرورش ترویج می‌یابد.

یکی از راهبردهای اصلی و مهم مواجهه و مقابله با این پروژه، ارتقای سطح بصیرت مخاطبان و به تعبیر دیگر، سطح سواد رسانه‌ای آنان است. تغییر موضع مخاطب از حالت منفعل به فعال، منجر می‌شود تا در هنگام مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای، بتواند ضمن پاسخگویی به پرسش‌های اساسی مرتبط با چرایی و چگونگی ارسال پیام، از این ورطه با حداکثر استفاده مفید و حداقل اثر مخرب بگریزد. تعیین رژیم مصرف رسانه‌ای و ارتقای مهارت‌های تحلیل موضوعات و شگردهای رسانه‌ای، این امکان را به مخاطب فعال می‌دهد تا بداند که از کدام منبع، چه میزان و چگونه نیازهای رسانه‌ای خویش را برطرف سازد. این مهم محقق نخواهد شد جز با آموزش عمومی مردم که امروزه با گستره نفوذ رسانه‌ها بیش از پیش در معرض رسانه‌ها و پیام‌های آنان قرار دارند.

در بحبوحه جنگ نرم و رسانه‌ای فعلی دشمن، رسانه ملی نیز به‌مثابه دانشگاه عمومی وظیفه دارد تا این مهارت‌ها را به‌سرعت به عموم جامعه کشور آموزش دهد و ضمن ارتقای سطح سواد اطلاعاتی آنان، اهداف و شگردهای جنگ نرم دشمن، ضرورت و قدرت گزینشگری پیام‌های مخرب رسانه‌ای را برای آنان نهادینه سازد.

«اگر آموزش و پرورش براساس برنامه‌ها و سیاست‌های صحیح حرکت کند، کشور از لحاظ علم و تحقیق غنی خواهد شد، اما اگر چنانچه آموزش و پرورش به حال خود رها شود، این زیرساخت لطمه خواهد خورد و ضررهای ناشی از آن، غیرقابل محاسبه خواهد بود». (بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور؛ در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۱۷)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه وظیفه آموزش و پرورش تربیت یک نسل است، خاطرنشان کردند:

«آموزش و پرورش باید تربیت نسلی باایمان، وفادار، مسئولیت‌پذیر، دارای اعتمادبه‌نفس، دارای ابتکار، راستگو، شجاع، باحیا، اهل فکر و اندیشه، عاشق کشور و نظام و مردم، و دوستدار مصالح کشور را هدف اصلی خود قرار دهد. لازمه اینکه نسلی محکم، قوی، بااراده، مبتکر، پیشرو و فعال تربیت شود، آن است که آموزش و پرورش زمینه مناسب را برای معلم، دانش‌آموز، اولیا، و طراحان و نویسندگان کتاب‌های درسی فراهم آورد». (همان)

نمونه بارز نفوذ دشمن از طریق آموزش و فرهنگ، سند ۲۰۳۰ است. این سند آموزشی نمونه‌ای از جریان نفوذ است که با عنوان جهانی و فراگیرشدن آموزش، الگوهای مدنظر جهان‌بینی غربی در مفاهیمی چون خانواده، نسبت بین دو جنس و... که سبک زندگی و محتوای آموزشی را تعیین می‌کند، از طریق مصوبات قانونی، کشورهای دیگر را مجبور به اجرای آن می‌کنند. وقتی کشوری به این روش‌های استعماری تن دهد با گذشت دو الی چهار دهه از اجرای این آموزش‌ها، کنترل نظام



رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «مسئولیت تاریخی رسانه ملی در مقطع کنونی، حفظ و ارتقای استقلال فرهنگی و هویت انقلاب ایران اسلامی است.» «عزم ملی و ابتهاج معنوی و نشاط انقلابی» آحاد جامعه در مسیر اهداف بلند نظام اسلامی، در گرو آگاهی و معرفت عمیق و گسترده عمومی و نیازمند پیوند با سرچشمه‌های تولید فکر ناب دینی و خیل دل‌بستانان فرهیخته و پیرانگیزه انقلاب اسلامی است.» (حکم انتصاب ریاست وقت سازمان صداوسیما؛ ۱۳۹۳/۸/۱۷)

از این رو، در این گزارش درصددیم با محوریت سخنان رهبر معظم انقلاب بر استقلال فرهنگی و تبیین پروژه نفوذ در حوزه آموزش و فرهنگ، بر سند ۲۰۳۰، نقدها و دفاعیه‌های انجام‌شده نگاه اجمالی بیندازیم.

۱. استقلال و ابعاد آن

الف) استقلال فرهنگی چیست؟

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ابتکار عمل در مدیریت سیاسی در اندرون کشورها، ملاک حقوقی استقلال آنهاست، اما وجود دولت‌های قدرتمند و امکانات و اقتدار بالقوه سلطه در آنها چنان است که کشورهای ضعیف را در مقابل این توانایی‌ها آسیب‌پذیر و راه را برای دست‌اندازی‌های غیرمستقیم فراهم می‌کند. یکی از این موارد، نفوذ و سلطه فرهنگی است. استقلال فرهنگی عبارت است از: عدم وابستگی فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه، به ترتیبی که کشور بتواند با افکار و تمایلات و خصیصه‌های فکری خود زندگی کند.

فرهنگ عبارت است از: مجموعه اعتقادات، رسوم، ارزش‌ها، فنون، سلوک و رفتارهایی که به‌عنوان میراث مشخص، بر روابط فردی و اجتماعی یک جامعه حاکم باشد. دل‌بستگی مردم به ارزش‌های فرهنگی، فراهم‌کننده محیط مساعدی است که جامعه بر اساس آن، راه و رسم زندگی خویش را تعیین و مراتب ارتقاء را طی می‌کند. ارزش‌های فرهنگی، از زبان، مذهب، ملیت، قومیت و تاریخ و جغرافیای یک کشور سرچشمه می‌گیرد و از ترکیب آنها، جوامع، هویت خاص و متمایز با هویت دیگر جوامع پیدا می‌کند. ارزش‌های فرهنگی یک کشور آن‌چنان در وجدان‌ها، عواطف و احساسات مردم رسوخ می‌کند که افراد در فضای آن، احساس آرامش می‌کنند و اصولاً در مقابل فرهنگ بیگانه از خود مقاومت نشان می‌دهند. بدین سبب، فرهنگ را می‌توان عنصر نیرومند ضامن استقلال کشور دانست. فرهنگ ملی، علی‌رغم وجود خصایص و نشانه‌های مشخص در ریشه و پایه‌های عمیق خود، امر دائماً ثابتی نیست؛ بلکه تحولات زمان، پیشرفت‌های صنعتی، فکری و اجتماعی و آثار ناشی از روابط اقوام و ملل، آن را دچار دگرگونی می‌سازد. بدین ترتیب، ممکن است انعطاف فرهنگی، وفاداری به میراث‌های کهن فرهنگی را سست کند. این نکته مهم است که تغییرات و تحولات فرهنگی، امری نیست که بتوان مانع آن شد، خصوصاً آنکه بسیاری از تغییرات، تجدد مطلوبی است که ذهن تعالی‌طلب افراد و جماعات را جلب و آنان را از برخی کهنه‌پرستی‌ها رویگردان می‌کند. باید



زمینه‌چینی‌های مذکور یکی از مؤثرترین اهرم‌هایی است که در دهه‌های اخیر، هویت ملی و فرهنگی کشورهای جهان سوم را نشانه می‌گیرد و استقلال ملل را عملاً زایل می‌سازد. در روابط خارجی دفاع از هویت فرهنگ در مقابل تهاجم فرهنگی، از طریق به‌کارگیری شیوه‌های جذاب زبان، ادبیات، هنر و فرهنگ محلی، به ترتیبی که فرهنگ بیگانه را در مقابل توقعات توده‌های مردم کمرنگ نماید، تنها راه چاره‌ای است که استقلال فرهنگی و به تبع آن، استقلال ملی را قوت می‌بخشد.

ب) استقلال فرهنگی، آرمان انقلاب

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، استقلال و تمامیت ارضی کشور در ابعاد مختلف است. امام خمینی علیه السلام در خصوص لزوم حفظ استقلال کشور فرمودند:

«ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به‌سوی ترقی و تمدن گام بردارد.» (موسوی خمینی، ۱۳۵۷/۰۸/۰۴)

ج) استقلال فرهنگی در کلام رهبر انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام در اجتماع عظیم و پرشکوه قشرهای مختلف مردم در حرم مطهر امام خمینی علیه السلام، با تأکید بر ادامه راه «امام انقلابی ملت»، به‌عنوان تنها راه پیشرفت و تحقق اهداف مردم و نظام، پنج شاخص مهم «انقلابی‌گری» را تبیین کردند. ایشان با تأکید

توجه داشت که همه میراث‌های فرهنگی، خصوصاً زبان و ادبیات، ارزش‌های ناب دینی و مذهبی و آن دسته از اعتقادات ملی که مبتنی بر فضایل اخلاقی است، هیچ زمان کهنه نمی‌شود و یک جامعه، با پابندی به آنها، به زندگی شایسته و حفظ استقلال خود قادر خواهد بود. برعکس، خلأ یا ضعف هر یک از آنها، زمینه را برای تهاجم فرهنگی و تبعات آن فراهم خواهد نمود.

امروزه، با وجود آنکه استعمار سنتی، زوال یافته، استعمار جدید از راه‌های نفوذی، سلطه بر کشورهای ضعیف و مستعد سلطه را زمینه‌سازی می‌کند. نفوذ فرهنگی یکی از حیل‌های استعمار جدید است که با به‌کارگیری و رسوخ‌دادن آن در فرهنگ مردم، کشورهای ضعیف را دچار از خودبیگانگی و انحطاط می‌نماید.

وسایل ارتباط جمعی، یکی از ابزارهای بسیار خطرناکی است که فرهنگ ملی و مردمی را منعطف و دستخوش تهاجمات ظاهر فریب می‌کند. رادیو، تلویزیون، ماهواره، کتاب، مجلات، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و کالاهای مصرفی که برخی پیام‌های فرهنگی را به‌دنبال دارند، از طریق شیوه‌های سحرانگیز، چشم و گوش و ذهن و ذوق جوامع مورد تهاجم را تسخیر و آزادی و هویت فرهنگی ملت را تخریب می‌کند.

سیاست همکاری فرهنگی، اهرم دیگری است که از طریق ارائه روش‌ها و انتقال مدل‌های ارشادی، به زبان خارجی توسط کشورهای قدرتمند، بر ابتکارات بومی اثر می‌گذارد و برخورداری از فرهنگ ملی را دچار اختلال می‌کند.



بر اینکه قدرت‌ها، از کلمه انقلاب و انقلابی‌گری ملت ایران به شدت هراس دارند، علت اصلی فشارهایی که در طول سال‌های متمادی با بهانه‌های مختلف از جمله موضوع هسته‌ای و حقوق بشر به ملت وارد شده است، خصوصیت انقلابی‌گری ملت ایران و نظام اسلامی دانستند.



از دیدگاه رهبر معظم انقلاب «پایبندی به استقلال» یکی از شاخص‌های انقلابی‌گری است که در سه بعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبیین می‌شود. رهبر انقلاب بر اهمیت بی‌بدیل «استقلال فرهنگی» تأکید کردند و فرمودند:

«دومین شاخه از شاخص استقلال، اهمیت بی‌بدیل «استقلال فرهنگی» را نشان می‌دهد، انقلابی‌گری یعنی «انتخاب سبک زندگی ایرانی - اسلامی» و «پرهیز جدی از تقلید غرب و بیگانگان». باید توجه داشت ابزارهای جدید در فضای مجازی، ابزارهایی برای «مهندسی اطلاعات» و «تسلط غرب بر فرهنگ ملت‌ها» است. این ابزارها می‌توانند مفید باشند، اما باید سلطه دشمن را از آنها سلب، و به‌گونه‌ای عمل کرد که فضای مجازی به‌وسیله‌ای برای نفوذ و سلطه فرهنگی دشمن تبدیل نشود.

نفی مفهوم «استقلال» و مساوی‌دانستن آن با انزوا، یکی از تحریف‌هاست... هدف اصلی از نفی استقلال، پیروی از قدرت‌های سلطه‌گر است... عدم استقلال؛ یعنی ما تفکر اسلام را رها کنیم و پیرو چنین تفکری شویم». (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه، ۱۳۹۵/۰۶/۲۸)

از جمله پروژه‌هایی که دشمنان علیه استقلال کلید زده‌اند، پروژه نفوذ است و می‌توان سند ۲۰۳۰ را سندی برای تحقق «پروژه نفوذ» دشمنان غربی قلمداد کرد.

ایشان در بیان دیگری فرمودند:

«استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این مفصل صحبت کردم؛ سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه مسائل گوناگون را شامل می‌شود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه مقابل استقلال فرهنگی است». (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام؛ ۹۵/۳/۱۴)

۲. اهمیت نظام آموزش رسمی و تهدیدهای آن در ایران

الف) کارکردهای آموزش رسمی

کارکردهای آموزش را می‌توان از سه بعد فردی، اجتماعی و ملی بررسی کرد. شاید بسیاری از این کارکردها را بدیهی بدانیم، ولی نگاهی دوباره به آنها، می‌تواند راهگشای برخی از مشکلات و گره‌های فعلی آموزش



هست؛ خودخواه نیست و می‌داند که چگونه از منابع مختلف نگهداری کند.

- **حفظ محیط زیست:** آموزش، حفظ محیط زیست را به افراد یاد می‌دهد. افراد تحصیل کرده به زندگی در یک محیط پاک و سالم اعتقاد دارند و محیط زیست خود را آلوده نمی‌کنند.

دو. کارکردهای اجتماعی آموزش

- **حذف آداب و رسوم سنتی ناخواسته و بی‌فایده:** در بسیاری از مناطق دنیا مشاهده می‌کنیم که مردم، کورکورانه از آداب و رسوم سنتی پیروی می‌کنند. این آداب و رسوم قدیمی برای جامعه مضر است و پیروی از آنها هیچگاه به پیشرفت و توسعه انسانی منجر نمی‌شود. آموزش کمک می‌کند تا بفهمیم تغییر، قانون طبیعت است. هیچ چیز راکد و ثابت باقی نمی‌ماند. بنابراین با گذشت زمان، برای پیشرفت و توسعه باید تغییر کرد.
- **توسعه دانش و فناوری:** آموزش، دلیل توسعه سریع دانش و فناوری است. انواع ساخت‌وسازها، ساختمان‌های بزرگ، فناوری‌های جدید، حمل و نقل پیشرفته و امثال آن، همه و همه تنها به واسطه دانشمندان، تحصیل کرده‌ها، متخصصان و مخترعان امکان‌پذیر است.
- **حفظ طبیعت:** آموزش سبب می‌شود انرژی سیستم‌هایی که تعادل محیط زیست را حفظ می‌کند تلف نشود و بین نیاز و مصرف تعادل ایجاد گردد.

باشد. باید توجه داشت که این کارکردها در بهترین حالت و در آموزش صحیح و مؤثر، دست‌یافتنی هستند:

یک. کارکردهای فردی آموزش

- **تحکیم و تقویت شخصیت:** آموزش، به تقویت شخصیت فرد کمک می‌کند. یک فرد تحصیل کرده، هوشمند، معتمد و شجاع است؛ به راحتی نمی‌ترسد و فریب نمی‌خورد. یک فرد با تحصیلات عالی، با مهربانی رفتار می‌کند و اختیارِ نفس خود را دارد.
- **رفتار اخلاقی:** آموزش، باعث ارتقای رفتار اخلاقی می‌گردد. افراد تحصیل کرده به عدالت اعتقاد دارند و در همه زمینه‌های زندگی، رفتار اخلاقی دارند.
- **کمک به تحول:** آموزش باعث تحول فرد می‌شود و او را متعادل و آرام می‌کند. یک فرد تحصیل کرده از لحاظ فیزیکی، ذهنی، اجتماعی، احساسی و روحی متعادل است.
- **گسترش ذهن:** فرد تحصیل کرده، دید وسیع‌تری به زندگی دارد و زندگی خود را با جزئیات تلف نمی‌کند؛ ذهنی باز دارد و شنونده خوبی است و به دیدگاه‌های دیگران اهمیت می‌دهد.
- **بهبود آینده فردی:** آموزش، حقیقتاً آینده فرد را بهبود می‌بخشد. فرد با کمک مهارت و دانش خود، از زندگی سود می‌برد.
- **بهبود استدلال و قدرت تفکر:** فرد تحصیل کرده، انسانی منطقی است که گسترده فکر می‌کند و به فکر همه



- **فراهم کردن فرصت‌های برابر و تساوی حقوق:** آموزش، تساوی حقوق و فرصت‌های برابر را ترویج می‌کند. مردان و زنان، در همه زمینه‌ها مستحق فرصت‌های یکسان هستند. آموزش به فرد کمک می‌کند تا برای حقوق خود مبارزه کند و فقر و نابرابری را از بین ببرد. آموزش، با تعصب و نفرت در جنگ است و فضایی دوستانه را رواج می‌دهد تا به همه طبقات اجتماع، مذاهب و اعتقادات مختلف احترام بگذاریم.
- سه. کارکردهای ملی آموزش
- مبارزه برای حقوق شهروندی و انجام وظایف شهروندی: آموزش، افراد را از حقوق خود به‌عنوان انسان و شهروند آگاه می‌کند؛ به مردم یاری می‌رساند تا برای به‌دست آوردن حقوقشان مبارزه کنند و روش‌های ناعادلانه را ریشه‌کن نمایند. آموزش، افراد را از وظایفشان به‌عنوان یک شهروند نیز آگاه می‌کند.
- **توسعه رهبری:** آموزش، به پرورش و توسعه رهبری ملی کمک می‌کند و باعث رشد درونی افراد می‌شود؛ آنها را در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی به‌عنوان یک شهروند فعال و مسئول، یاری می‌کند.
- **وحدت و پذیرش ملی:** آموزش، به شهروندان کمک می‌کند تا یکدیگر را بپذیرند؛ اغلب شهروندان کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، در برابر مردمی که زبان، نژاد، عقاید یا عادت‌های متفاوت دارند، صبور هستند. آموزش، به

- ریشه‌کن شدن دیکتاتوری و آمادگی مردم برای دموکراسی کمک می‌کند.
- **توسعه ملی و ارتباط جهانی:** آموزش صحیح، به توسعه ملی منجر می‌شود. ارتباطات و تعاملات بین‌المللی و جهانی‌سازی از مواهب آموزش هستند. آموزش برای همه افراد ضروری است و نباید هیچ‌نوع تعصب جنسیتی در آن باشد. آموزش، به هیچ سن، قشر، طبقه یا جنسیتی محدود نیست. مردم، با هر سن و جنسیتی، از هر طبقه و اجتماعی، باید حق انتخاب آموزش را داشته باشند. نتایج کاربردی آموزش، کشورهای پیشرفته را در سطح جهانی مطرح و ارتباطات و آثار سازنده‌ای را بین ملل مختلف ایجاد می‌نماید.
- به‌دلیل اهمیت مقوله آموزش در نشستی که در خرداد سال جاری با حضور دبیران کل کمیسیون‌های ملی بیش از ۱۳۰ کشور و معاونان ذیربط سازمان یونسکو در شهر شانگ‌های کشور چین برگزار شد، به اتفاق آرا، هدف چهارم؛ یعنی «آموزش باکیفیت»، اولین دستور کار جهانی ۲۰۳۰ شناخته شد و تأکید گردید که آموزش نه تنها به هدف چهارم محدود نمی‌شود، بلکه لازم است به‌عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد (سند ملی آموزش ۲۰۳۰، ص ۵). در تحقق تمام اهداف، این دستور کار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، نقش اصلی و محوری را برعهده دارد. اجرای هدف چهارم سند ۲۰۳۰ به عهده سازمان یونسکو نهاده شده است.

زمینه‌های نفوذ است.» (بیانات در دیدار هزاران نفر از معلمان سراسر کشور؛ ۱۳۹۶/۲/۱۷)

یک. نفوذ چیست؟

«نفوذ» مفهوم گسترده سیاسی و اجتماعی است. موضوع نفوذ در کشور ما سابقه‌ای طولانی دارد و آنچه امروز در راستای مفهوم نفوذ مطرح است، نفوذ موزیانه و هدفدار و تخریبی و استعمارگرانه آمریکا در ایران اسلامی است.



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی همواره و در مواقع حساس در حرکت ملت ایران، به غفلت‌نکردن از دشمن هشدار داده‌اند؛ اما ایشان در سال ۹۴ به مسئله «نفوذ دشمن» توجه ویژه‌ای داشته و این کلیدواژه از پرتکرارترین کلیدواژه‌هایی بود که ایشان در یک بازه استفاده کردند. ایشان در دیدار ائمه جمعه فرمودند: «مسئله نفوذ... خیلی مسئله عجیب و خیلی مسئله مهمی است. کسانی که در مسائل گوناگون دسترسی به اطلاعات دارند، خوب می‌دانند که چه دامی برای کشور گسترده‌اند یا می‌خواهند بگسترانند. برای نفوذکردن در حصن و حصار اراده و فکر و تصمیم ملت ایران، با انحاء مختلف تدابیر و سیاست‌ها و توطئه‌ها.» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۱۳۹۴/۱۰/۱۴)

سند ۲۰۳۰ در واقع حاصل دو نشست درباره هدف چهارم است. اولین نشست، دو سال پیش در شانگ‌های برگزار شد. نمایندگان ۱۳۰ کشور از بین آن اهداف، هدف چهارم را انتخاب کردند و گفتند تمام اتفاقات دیگری که می‌خواهد بیفتد، مثلاً فقر از بین برود، برابری جنسیتی پیش بیاید، منابع درست استفاده شوند، به شهرهای پایدار برسیم و... همه این اتفاقات مبتنی بر آموزش است و بدون آموزش امکان‌پذیر نیست. بنابراین هدف چهارم را از این اهداف هفده‌گانه انتخاب کردند تا روی آن تا سال ۲۰۳۰ کار کنند و بتوانند تا آن زمان به اهداف موردنظر؛ یعنی آموزش باکیفیت برسند. در اینچئون کره جنوبی، نمایندگان ۱۶۰ کشور که ۱۶۰۰ نفر شامل وزرا و رؤسا بودند، در راستای توسعه پایدار، بیانیه سند ۲۰۳۰ را مبتنی بر آموزش باکیفیت نوشتند و آن را آماده کردند. این نشست با همکاری یونیسف، یونسکو، صندوق جمعیت، برنامه توسعه ملل و کمیساری عالی پناهندگان حضور داشتند و بیانیه‌ای را آماده کردند. این مسئله نشان از اهمیت مسئله آموزش در تمام کشورها دارد.

ب) پروژه نفوذ در نظام آموزش و نفی استقلال و سلطه فرهنگی؛ تهدیدی جدی

رهبر انقلاب اسلامی با هشدار در خصوص جریانی که به دنبال ازبین‌بردن جایگاه و ارزش آموزش و پرورش و سلب اعتماد از این دستگاه بسیار مهم است، خاطرنشان کردند: «این جریان از خارج کشور هدایت می‌شود و تنها راه مقابله با آن، برطرف‌کردن نقاط ضعف آموزش و پرورش و

چیستی و چگونگی «نفوذ» تبیین شده توسط رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۹۴/۹/۴		
تعریف	یک نفر را با چهره آرایش شده، بزک شده، با ماسک بفرستند در مجموعه شما، شما خیال کنید دوست است درحالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام دهد.	نفوذ فردی
انواع	جاسوسی: کم‌اهمیت‌ترین نوع نفوذ فردی تصمیم‌سازی: عوض کردن تصمیم مدیران و مسئولان به نفع دشمن	
تعریف	نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت، به‌وسیله پول و جاذبه‌های جنسی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، آرمان‌ها، ارزش‌ها، خواست‌ها و باورها تغییر پیدا خواهند کرد.	نفوذ جریانی
هدف	شخص مورد نفوذ، همان چیزی را فکر می‌کند که آن آمریکایی فکر می‌کند... یعنی کاری کنند که شما همان چیزی را بخواهی در نتیجه، که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است، بدون اینکه لازم باشد مأمور عالی‌رتبه سیا خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی.	
آماج	نخبگان، افراد مؤثر، تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان.	
مکمل	تخطئه کسانی که پای می‌فشارند بر اصالت‌ها، بر نگاه درست، بر ارزش‌ها مکمل نفوذ است. کسانی که در بخش‌های مختلف، با زبان‌های مختلف بسیج را متهم می‌کنند به تندروی، به افراطی‌گری و... اینها دارند نفوذ را تکمیل می‌کنند.	

فرهنگی کار بیگانگان است؛ نه، خود ما هم مقصّریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیرفرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلطکاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ اگرچه حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم». (بیانات در اولین روز سال جدید در جوار حرم امام رضا علیه السلام؛ ۱۳۹۳/۱/۱)

رهبر معظم انقلاب در تبیین «نفوذ فرهنگی» در کنار نقش دشمن و توطئه‌های فرهنگی مختلف، به کاستی‌های مسئولان و دست‌اندرکاران داخلی به‌عنوان یکی دیگر از عوامل مهم در ایجاد نفوذ فرهنگی تأکید کرده و با اشاره به تأثیر منفی تقصیرات، کم‌کاری‌ها و بی‌برنامه‌گی‌های داخلی بر فرهنگ عمومی فرمودند: «نمی‌خواهیم بگوییم همه آسیب‌های





حال مخفی‌تر می‌باشد، «سلطه فرهنگی» است. خطری که در این زمینه جبهه اسلامی ما را تهدید می‌کند، به‌خاطر گستردگی جبهه تهاجم، پیچیدگی آن و صدماتی است که از نظر معنوی به روح او وارد می‌کند و افکار و عقاید و ارزش‌ها را درون وی به نابودی می‌کشد و حیات معنوی‌اش را مختل می‌سازد. یکی از راهکارهای دشمن برای پروژه نفوذ و سلطه فرهنگی، نفوذ در مدیریت و حاکمیت به‌ویژه در مراکز فرهنگی و آموزشی است که هدایت‌نخبگان و جوانان ما را در دست دارند. به‌عنوان مثال با نگاهی اجمالی به سند ۲۰۳۰ می‌توان فهمید این سند، نسخه‌ای بین‌المللی برای ترویج سبک زندگی غربی و پررنگ کردن ارزش‌های لیبرالیستی و سکولاریستی در نظام تعلیم و تربیت کشورهاست و اجزایی از آن، آشکارا علیه ارزش‌های اسلامی - ایرانی است.

سند آموزش ۲۰۳۰، در سال‌های گذشته با حضور وزرای آموزش و پرورش و علوم دولت وقت رونمایی شد و هدف آن، ترسیم سیاست‌های آموزشی کشورهای عضو یونسکو از جمله ایران، بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ بود. رهبر انقلاب با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران تسلیم سندهایی مانند ۲۰۳۰ یونسکو نمی‌شود، فرمودند: «به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی که تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می‌دهد برای ملت‌هایی با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند». (بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان؛ ۱۳۹۶/۲/۱۷)

همچنین ایشان در بخش دیگری از سخنانشان بار دیگر لزوم اجرای سند تحول

می‌توان موارد زیر را به‌عنوان اهداف و پیامدهای نفوذ بیان نمود:

۱. استحاله فرهنگی و فکری از طریق اطلاع‌رسانی هدفمند و کنترل‌شده رسانه‌های نظام سلطه که به انحراف افکار عمومی منجر می‌شود؛
۲. استحاله سیاسی با هدف ناکارآمد جلوه‌دادن نظام هدف و ارکان آن؛
۳. دامن‌زدن به ترس از جنگ و دامن‌زدن به جو بی‌اعتمادی و تشدید ناامنی روانی؛
۴. اختلاف‌افکنی در صفوف مردم و ایجاد تفرقه در راستای تجزیه سیاسی کشور؛
۵. ترویج روحیه یأس و ناامیدی به جای تقویت نشاط اجتماعی و احساس بالندگی از پیشرفت‌های کشور؛
۶. بی‌توجه کردن نسل جوان کشور هدف، در قبال مسائل مهم و حساس؛
۷. حرمت‌شکنی ارزش‌ها و باورهای دینی و هجمه به آنها؛
۸. ریزش نیروهای انقلاب و نظام؛
۹. ایجاد شکاف در بین نهادها و ملت‌ها؛
۱۰. تحمیل هزینه‌های اقتصادی؛
۱۱. زیر سؤال بردن نهادهای قانونی با انجام اقدامات غیرقانونی؛
۱۲. تلاش برای ایجاد نگرانی در حامیان و وفاداران به انقلاب اسلامی و نظام؛
۱۳. باج‌خواهی؛
۱۴. ساختارشکنی و القاء تشویش و تردیدهای ذهنی.

دو- نفوذ در مراکز فرهنگی و تربیتی در میان شیوه‌های استعماری و سلطه‌گری، آنچه از همه خطرناک‌تر و در عین



بنیادین آموزش و پرورش را به مسئولان نظام یادآوری و اظهار کردند: «من به طور جدی از وزیر محترم و مسئولان می‌خواهم که موضوع اجرایی شدن سند تحول را پیگیری کنند؛ زیرا آموزش و پرورش، نیازمند تحول عمقی و به‌دور از تغییرات ظاهری است». (همان)

رهبر فرزانه انقلاب با انتقاد شدید از کسانی که به دنبال اجرایی کردن سند ۲۰۳۰ یونسکو در ایران هستند، گفتند: «اگر چنانچه با اصل کار نمی‌توانید مخالفت کنید، صراحتاً اعلام کنید که جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش، دارای اسناد بالادستی است و احتیاجی به این سند ندارد». (همان)

بررسی سخنان رهبری بیانگر آن است که ایشان در مواجهه با سند ۲۰۳۰ یونسکو، به چهار مقوله توجه کرده‌اند: نخست: مخالفت کامل با این سند؛ دو: انتقاد از کسانی که اصرار بر اجرای این سند در ایران دارند؛ سه: تأکید بر اجرای طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش و چهار: گلایه از شورای عالی انقلاب فرهنگی در برخورد قاطع با سند.

سه - پیامدهای جبران‌ناپذیر و عمیق نفوذ فرهنگی

پیامدهای جبران‌ناپذیر و عمیق، یکی دیگر از ویژگی‌های مفهوم نفوذ در گفتمان فرهنگی امام خامنه‌ای است. ایشان عواقبی را که نفوذ فرهنگی در جامعه ایران به‌وجود خواهد آورد، بسیار عمیق‌تر از پیامدهای دیگر دانسته و می‌فرمایند: «با مسائل فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد، بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به‌وجود آمد، مثل رخنه‌ای اقتصادی نیست که بشود آن را جمع

کرد، پول جمع کرد یا سبد کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ اینجوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود، مشکلات زیادی دارد». (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)

ایشان نفوذهای فرهنگی را بسیار خطرناک دانسته، ایمان و اعتقاد قلبی مردم را هدف اصلی آن می‌دانند: «هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از: ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هشیار باشند». (بیانات در اولین روز سال جدید در جوار حرم امام رضا علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۱/۱)

رهبر معظم انقلاب راهکار و روش مقابله با نفوذ فرهنگی را تشخیص مسیر نفوذ و ممانعت از گسترش آن می‌دانند و می‌فرمایند: «دشمن سعی می‌کند رخنه ایجاد کند؛ چشم‌ها را باید باز نگه داریم؛ نقطه رخنه را ببینیم و مراقب باشیم این رخنه توسعه پیدا نکند. باید جلوی رخنه‌های فرهنگی و سیاسی را بگیریم». (بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲)

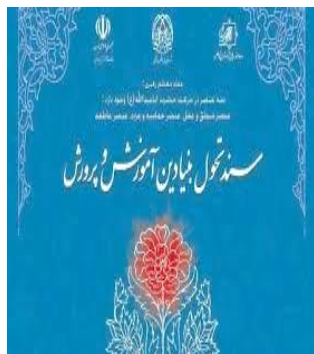
ایشان معتقدند: «ما اول چیزی که لازم است برای دانش‌آموز خودمان در نظر بگیریم، این است که در او هویت مستقل ملی و دینی به وجود بیاوریم؛ این اولین چیز؛ هویت مستقل و باعزت. جوانمان را جوری بار بیاوریم که دنبال سیاست مستقل باشد، دنبال اقتصاد مستقل باشد، دنبال فرهنگ مستقل باشد؛ وابستگی، رُکون به دیگران، اعتماد به دیگران و تکیه به دیگران در وجود او به‌عنوان



تصویب نهایی رسید. برای اجرای اهداف این سند، علاوه بر یونسکو از نهادهایی چون یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی و نهادهای ملی دیگر در سطح هر کشور استفاده خواهد شد و انتظار خواهند داشت که در تحقق هدف چهارم و اهداف ویژه دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ اهتمام داشته باشند. (محسن کاشانی؛ سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰؛ سندی برای نفوذ آرام و پایدار در برنامه آموزش کشور؛ <https://www.farsnews.ir/news/13960219002048>)

بررسی محتوا، رویکرد و اهداف این سند نشان می‌دهد نظام سلطه به دنبال تعمیق و تثبیت نفوذ همه‌جانبه خود در کشورهای جهان است و برای مداخله در الگوی سیاست‌گذاری آنها برای توسعه، یک راهبرد و رویکرد جامع و جدیدی را در پیش گرفته است تا بتواند جایگاه برتر خود را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و غیره حفظ کند.

۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تنها سند حاکم بر نظام آموزش و پرورش کشور



یک روحیه رشد نکند. ما از این جهت دچار آسیبیم». (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۲/۱۳)

۳. سند ۲۰۳۰ یا معبر نفوذ فرهنگی؟



رهبان کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس عالی‌رتبه این سازمان متعهد شدند اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را که نتیجه فرایند گسترده مشورتی در سطح جهانی است، در سیاست‌گذاری کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ اجرایی کنند. این دستور کار دارای هفده هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است. اجرای هدف چهارم توسعه که به‌سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر باکیفیت، برابر و فراگیر برای همه، مطابق «سند توسعه پایدار ۲۰۳۰» است، به عهده یونسکو، که نهادی بین‌المللی در امر آموزش است، نهاده شد. این سازمان سه نقش «هدایت و هماهنگی»، «نظارت و گزارش‌دهی»، و «ارتقای ظرفیت کارشناسی دولت‌ها» را در این سند مدنظر قرار داده است. این موضوع در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵ به



الف) سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور

یک - تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر:

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی اهداف زیر را دنبال می‌کند: رسیدن به حیات طیبه (زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی)، رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و ارتقاء کیفی در حوزه‌های بینش، دانش، مهارت، تربیت و سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان با تأکید بر ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و تربیت انسان‌های مؤمن، پرهیزکار، متخلق به اخلاق اسلامی، بلندهمت، امیدوار، خیرخواه، بانشاط، حقیقت‌جو، آزادمنش، مسئولیت‌پذیر، قانون‌گرا، عدالت‌خواه، خردورز، خلاق، وطن‌دوست، ظلم‌ستیز، جمع‌گرا، خودباور و ایثارگر.

دو- ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و عهده‌دار اجرای سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت بر آن (از مهد کودک و پیش‌دبستانی تا دانشگاه) به‌عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاه‌ها.

سه - به‌سازی و اعتلای منابع آموزش و پرورش به‌عنوان محور تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور و بهبود مدیریت منابع انسانی با تأکید بر:

- ارتقای کیفیت نظام تربیت معلم و افزایش مستمر شایستگی‌ها و توانمندی‌های علمی، حرفه‌ای و تربیتی فرهنگیان، روزآمدسازی برنامه‌های درسی مراکز و دانشگاه‌های تربیت معلم،

شیوه‌های یاددهی و یادگیری برای پرورش معلمان باانگیزه، کارآمد، متدین، خلاق و اثربخش؛

- بازنگری در شیوه‌های جذب، تربیت، نگهداشت و به‌کارگیری بهینه نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش و بسترسازی برای جذب معلمان کارآمد و دارای شایستگی‌های لازم آموزشی، تربیتی و اخلاقی بعد از گذراندن دوره مهارتی؛

- اعتلای منزلت اجتماعی معلمان و افزایش انگیزه آنان برای خدمت مطلوب با اقدامات فرهنگی و تبلیغی و خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی فرهنگیان؛

- توسعه مهارت حرفه‌ای و توانمندی‌های علمی و تربیتی معلمان با ارتقاء کیفیت آموزش‌های ضمن خدمت و برنامه‌ریزی برای روزآمد کردن اطلاعات تخصصی و تحصیلات تکمیلی معلمان متناسب با نیاز آموزش و پرورش؛

- استقرار نظام ارزیابی و سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای معلمان مبتنی بر شاخص‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تربیتی برای ارتقاء؛

- توسعه مشارکت معلمان در فرایند بهسازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی، تربیتی و فرهنگی؛

- استقرار نظام پرداخت‌ها براساس تخصص، شایستگی‌ها و عملکرد رقابتی مبتنی بر نظام رتبه‌بندی حرفه‌ای معلمان؛



- تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- پنج - اهتمام به تربیت و پرورش، مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ به‌ویژه در:
 - ارتقای معرفت و بصیرت دینی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و تلاش برای ارتقای معنوی خانواده‌ها؛
 - ارتقای سلامت جسمی و روحی معلمان و دانش‌آموزان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی؛
 - ارتقای تربیت عقلانی و رشد بینش دینی، سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان و اهتمام به جامعه‌پذیری برای تحکیم وحدت و همبستگی ملی، وطن‌دوستی و مقابله هوشمندانه با تهاجم فرهنگی و پاسداشت استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و منافع ملی؛
 - رشد و شکوفایی ذوق و استعدادها، فرهنگی و هنری و تقویت روحیه نشاط و شادابی در دانش‌آموزان؛
 - توسعه تربیت بدنی و ورزش در مدارس؛
 - تربیت و تأمین نیروی انسانی توانمند و واجد شرایط برای تحقق اهداف و برنامه‌های تربیتی و پرورشی.
- شش - تحول در ساختار مالی، اداری و نظام مدیریتی با تأکید بر:
 - بازمهندسی ساختار اداری در تمامی سطوح با رویکرد چابک‌سازی، پویاسازی همراه با ظرفیت‌سازی، فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای تقویت مشارکت‌های مردمی و غیردولتی، منطبق بر قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام اداری و آموزش و پرورش، به‌ویژه ایجاد زمینه

- چهار - ایجاد تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی با توجه به:
 - روزآمدسازی محتوای تعلیم و تربیت و تدوین برنامه درس ملی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و متناسب با نیازهای کشور و انطباق محتوا با پیشرفت‌های علمی و فناوری و اهتمام به تقویت فرهنگ و هویت اسلامی- ایرانی؛
 - توسعه فرهنگ تفکر، تحقیق، خلاقیت و نوآوری و بهره‌گیری از روش‌های یاددهی و یادگیری متنوع و مطلوب و ایجاد تفکر منطقی و منسجم برای تحلیل و بررسی موضوعی؛
 - تبیین اندیشه دینی- سیاسی امام خمینی (ره)، مبانی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و اصول ثابت قانون اساسی در مقاطع مختلف تحصیلی؛
 - توسعه فرهنگ و معارف اسلامی و یادگیری قرآن (روخوانی، روان‌خوانی و مفاهیم) و تقویت انس دانش‌آموزان با قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و گسترش فرهنگ اقامه نماز؛
 - تحول بنیادین شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان؛
 - رعایت رویکرد فرهنگی و تربیتی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی؛
 - تقویت آداب و مهارت‌های زندگی و توانایی حل مسائل و عمل به آموخته‌ها برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان؛



- مشارکت معلمان، خانواده‌ها، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و سایر نهادهای عمومی و دستگاه‌های اجرایی در فرایند تعلیم و تربیت؛
- رعایت اولویت در بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش در لویح بودجه سنواتی به‌منظور تحقق اهداف و مأموریت‌های مندرج در سیاست‌های کلی؛
- بهبود مدیریت منابع و مصارف با هدف ارتقای کیفیت و بهره‌وری نظام آموزش و پرورش.
- **هفت** - بهینه‌سازی فضا، زیرساخت‌های کالبدی و تجهیزات مدارس در مسیر تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر:
 - ضابطه‌مندسازی، به‌سازی، زیباسازی، مقاوم‌سازی و مصون‌سازی مدارس با رعایت اصول معماری اسلامی ایرانی؛
 - مکان‌یابی و توزیع فضا به تناسب نیازها، طراحی و ساخت مجتمع‌های آموزشی و تربیتی و توسعه مشارکت مردم و نهادهای مدیریت شهری در احداث و نگهداری مدارس؛
 - احداث واحدهای آموزشی و پرورشی جدید متناسب با افزایش جمعیت و الزام سازندگان شهرک‌ها به احداث واحدهای مورد نیاز آموزش و پرورش؛
 - ارائه الگو و ضابطه لازم‌الرعایه از طرف وزارت آموزش و پرورش برای ساخت مدارس؛
 - تجهیز مدارس به فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و فراهم‌آوردن زمینه استفاده بهینه از آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نو در مدارس.

هشت - ارتقاء نقش و اختیارات مدرسه در تحقق اهداف و مأموریت‌های مندرج در بند یک سیاست‌های کلی و تقویت مناسبات درست و سازنده آموزش و پرورش با خانواده‌ها، رسانه‌ها و جامعه.

نه - تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان این مناطق.

ده - تأمین ثبات مدیریت در آموزش و پرورش با رویکرد ارزشی و انقلابی و دورنگهداشتن محیط آموزش و پرورش از دسته‌بندی‌های سیاسی.

یازده - هماهنگی و انسجام بین اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها و محتوای تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، آموزش عالی و سایر دستگاه‌های مرتبط.

دوازده - ارتقای جایگاه آموزش و پرورش از نظر شاخص‌های کمی و کیفی در سطح منطقه و جهان به منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران.

سیزده - استقرار نظام جامع رصد، نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش و پرورش.

ب) نگاهی به اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
با تأکید مقام معظم رهبری و نیز کارشناسان فرهنگی منتقد سند ۲۰۳۰ بر لزوم اجرایی‌شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در این قسمت نگاهی اجمالی به این سند می‌اندازیم:



در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ تبیین شود. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی معطوف به چشم‌اندازی است که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین‌المللی باشد.

از هدف‌های کلان این سند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تربیت انسانی موحد و مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست و...
۲. ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، التزام به ارزش‌های اخلاقی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران و ...

یکی از راه‌های تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان، تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است؛ تعلیم و تربیتی که تحقق‌بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. روشن است که تحقق این هدف، نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. درک این ضرورت و نیز مشکلات جدی آموزش و پرورش در طراحی الگوی تعلیم و تربیت تراز جمهوری اسلامی ایران و نیز ضرورت پاسخگویی به تحولات محیطی و نیازهای جامعه سبب شد طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که به‌مثابه سند تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است در دستورکار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد. پس از شکل‌گیری حلقه‌های کارشناسی - پژوهشی و با مشارکت صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌های ذیربط، سرانجام سند مذکور ضمن پایبندی به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و نظریات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرادستی، از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، تدوین شد و در آذر ۱۳۹۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد.



۳. گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی.
۴. برقراری نظام اثربخش و کارآمد مدیریت و مدیریت منابع انسانی براساس نظام معیار اسلامی.
۵. افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به‌ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۶. بهسازی و تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، مالی و اداری و زیرساخت‌های کالبدی.
۷. ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۸. کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی.
- گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی که در این سند نام برده شده، عبارتند از:
 ۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام به‌ویژه امام زمان علیه السلام و ولایت‌مداری در تمام ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)؛
 ۲. تبصره: اقلیت‌های مذهبی مطرح در قانون اساسی براساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد.
 ۳. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به‌عنوان مهم‌ترین رسالت منتظران در عصر غیبت.
۴. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی علیه السلام، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه.
۵. فرایند تعلیم و تربیت در تمام ساحت‌ها، شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیست‌شناسی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین علیهم السلام و عقل) که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.
۶. زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه - با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.
۷. هویت شناخت‌مدار و واقع‌نمایی و معنای گسترده، جامع و منسجم معرفت (وحيانی، عقلانی، نقلی و تجربی).
۸. نقش معلم (مربی) به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۹. بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی - اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی.



۱۰. کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله: ایمان، تقوا، تولی و تبری، عمل صالح، خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری.
۱۱. سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده.
۱۲. تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق‌محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان.
۱۳. منزلت علم نافع، هدایت‌گر و توانمندساز و مقام و جایگاه عالم و معلم.
۱۴. پرورش، ارتقا و تعمیق انواع و مراتب عقلانیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت.
۱۵. ارتقاء جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
۱۶. نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه.
۱۷. عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی.
۱۸. جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن.
۱۹. توجه توأمان به منافع و مصالح فردی و اجتماعی در چهارچوب منافع و مصالح ملی.
۲۰. صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی - ایرانی.
۲۱. وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی- ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی.
۲۲. تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مشترک.
۲۳. استمرار فرهنگ اسلامی - ایرانی از طریق ارزیابی آگاهانه آن و تعامل نقادانه با سایر فرهنگ‌ها براساس نظام معیار اسلامی.
۲۴. مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه.
۲۵. روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه‌ساز کار مولد.
۲۶. ارج نهادن به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چهارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی جهان.
۲۷. نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به‌عنوان عامل اثرگذار اجتماعی و مولد نیروی انسانی و سرمایه فرهنگی و معنوی جهت رشد و تعالی همه‌جانبه و پایدار و اعتلای فرهنگ عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی.
۲۸. مدرسه به‌عنوان کانون تعلیم و تربیت رسمی عمومی و محل کسب تجربه‌های تربیتی.



۲۹. تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی ضمن مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضرور در بعد اجرا با رعایت اصل عدالت.

۳۰. آینده‌پژوهی و پایش تحولات مؤثر بر تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور ایفای نقش فعال در مواجهه با چالش‌های پیش رو در عرصه‌های مختلف.

۳۱. جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت‌های تعلیم و تربیت.

نکته حائز اهمیت این است که اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب از مسئولان وزارت آموزش و پرورش بوده است و معظم‌له در سال ۹۳ در دیدار خویش با فرهنگیان بر تدوین نقشه راه اجرای سند، زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کردند و در سال بعد نیز به مناسبت همین دیدار بیان داشتند که از ظرفیت برنامه ششم توسعه برای اجرایی شدن سند استفاده شود.

باوجوداین، برخی کارشناسان معتقدند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بسیار عالی و فاخر است، ولی برنامه عملیاتی ندارد. از فلسفه حیات و آدم و حوا شروع شده و گفته شده باید انسان عابد باشد و خلاق و ...، ولی اینکه چه باید کرد که این چنین شود، گفته نشده است. این نوع سندها در کشورهای غربی دارای برنامه‌های عملیاتی است و هر راهبرد کلان و سند تحول و بنیادین که نوشته می‌شود تمام زوایا و ابعاد اجرایی آن نیز از همان ابتدا طراحی و پیش‌بینی می‌شود.

ج) امتیازات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

تحقق همه‌جانبه ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی، اساس و بنیان اسناد بالادستی کشورمان (از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) را تشکیل می‌دهد. عرصه تعلیم و تربیت چه در سطوح و مقاطع پایین و چه در سطح آموزش عالی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. ازاین‌رو تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تعلیم و تربیتی را ارزشمند می‌داند که در مسیر تحقق تمدن اسلامی و ایرانی باشد تا در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی، جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را بیابد و در سایه آن، ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال برسد. از امتیازات سند تحول بنیادین آموزش و

پرورش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تنظیم بر اساس اسناد بالادستی قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز بیست ساله و فلسفه تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛

۲. بومی‌بودن؛



وجود دارد. برای مثال واژگان کلیدی در این اسناد به معانی معینی اشاره دارند و بسیار تفسیرپذیر هستند و ناآگاهی یا غفلت از این پیشینه و ادبیات می‌تواند به مشکلاتی منجر شود.

در سند ۲۰۳۰ در ظاهر، عبارت خوبی مانند آموزش و توسعه پایدار به کار برده شده، اما آنچه که از نتیجه عملی آن به دست می‌آید تغییر باورهای مردم و هماهنگ کردن نسل آینده با سیاست‌های نظام سلطه سرمایه‌داری با عنوان نظم جهانی است. توضیح آنکه این سند هفده هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی دارد که نگاه سکولار و لیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش، زن و خانواده پرداخته است. این عبارات اغلب به صورت «کلی»، با الفاظ «مثبت و انسانی» و لکن با توجه به تعریف مدنظر این سازمان‌ها و نه تعریف مدنظر ما بیان شده‌اند و همین موضوع، باعث شده، مدافعان سند، به انکار تعارض مفاد آن با اصول اسلامی و هویتی ما بپردازند. به عنوان مثال، در پاراگراف پنج متن سند، «اصل منع تبعیض» در مورد «افراد دارای سایر عقاید» یا «افراد آسیب‌پذیر» آمده که طبق تفسیر نهادهای حقوق بشری سکولار، شامل گروه‌های همجنس‌باز و... می‌شود.

یا در پاراگراف ده، موضوع «برابری جنسیتی با حق آموزش برای همه» مطرح شده که علی‌الظاهر به معنای حق آموزش برابر دختران و پسران است، اما در واقع، معنای

۳. انطباق با اصول و موازین دینی؛
 ۴. انطباق با فرهنگ و الگوهای ایرانی اسلامی؛
 ۵. هماهنگی با نیازها و باورها؛
 ۶. داشتن رویکرد جامعه‌گرایانه؛
 ۷. تربیت نسل جدید با روحیات دینی، مکارم اخلاقی، استکبارستیزی، مهارت‌آموزی و ...؛
 ۸. طی کردن روال قانونی و حقوقی؛
 ۹. داشتن تأیید کارشناسان آموزشی و پژوهشی.
- امتیازات اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:
 ۱. حفظ استقلال و عزت ملی؛
 ۲. فرهنگ‌سازی همگانی و یکپارچه؛
 ۳. توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴؛
 ۴. برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور.^۱

د) انواع نقدهای سند ۲۰۳۰

یک. نقد سند در نگاه کلان
چند اشکال کلان در تأیید یا امضای سند ۲۰۳۰ وجود دارد که برخی از آنها درباره همه اسنادی است که در سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن مفتوح می‌شوند:
نخست: این اسناد براساس پیشینه‌ای نوشته می‌شوند که ادبیات روشنی در آنها

۱. ر.ک: به گزارش خبرگزاری علم و فناوری از تقابل و پارادوکس دو منظومه آموزشی؛ بررسی مقایسه‌ای- تطبیقی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با سند ۲۰۳۰؛ <http://stnews.ir/1396/03/17>؛ برتری اخلاقی و علمی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ <http://www.rasanews.ir/detail/News/498166/206696/2/25>.



آن، آموزش دختران و پسران بدون توجه به تفاوت ویژگی‌های طبیعی آنها و نقش‌های متفاوت آنها در آینده در خانواده (پدر-مادر)، اختلاط در مراکز آموزشی و ... است.

یا آموزش بر مبنای تناسب نیازها و نقش‌های پسران و دختران، طبق پاراگراف بیست، «کلیشه‌های جنسیتی» خوانده می‌شود که باید حذف شود.

دو: در مورد شاخص‌سازی و بومی‌سازی‌ها در مواردی که حق تحفظ گرفته شده است. پس از اجلاس اینچئون بنا شد هر کشوری سند ۲۰۳۰ را به مقتضای معیارهای خودش بومی‌سازی و شاخص‌سازی کند. شصت شاخص در همین سندی که آذرماه رونمایی شد، وجود داشت، اما این شاخص‌ها اسناد بالادستی را نادیده گرفته یا درست ندیده است.

دو. نقد سند به لحاظ وقوع خطای استراتژیک و راهبردی در تدوین سند ملی ۲۰۳۰

خطای استراتژیک و راهبردی این بود که یک تعهد بین‌المللی، محور برنامه‌ریزی برای اقدام و عمل آموزشی کشور شد. یکی از سی کارگروهی که برای این برنامه‌ریزی تشکیل شد، کارگروه اقتصادی بود که بودجه را هم، مطابق دستور عمل پاریس باید توزیع می‌کرد. اسناد داخلی ما مثل سند تحول بنیادین آموزش و نهادهای داخلی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از جمله موانع یا فرصت‌هایی شدند که باید در برنامه‌ریزی لحاظ شوند.

دلیل خطاب‌بودن راهبرد فوق این است که تعهدات بین‌المللی از سنخ احکام حکومتی هستند و این احکام گرچه باید در

برنامه‌ریزی‌های داخلی در نظر گرفته شوند، ولی لحاظ کردن آنها به‌عنوان یک سیاست اولی و ارزش‌محوری در برنامه‌ریزی نیست. لحاظ‌کردن آنها بخشی از شرایط داخلی یا خارجی است. شرایطی که برای اجرای یک سیاست اصلی بومی و ملی وجود دارد، اعم از این است که فرصت یا تهدید باشد.

ما در حوزه آموزش، سیاست‌های آموزش خود را بر مبنای هویت اسلامی - ایرانی خود و ارزش‌ها و هنجارها و اسناد بالادستی نظام به‌صورت سندهای ملی تنظیم و تصویب کرده‌ایم. مثل سند تحول بنیادین آموزش، نقشه جامع علمی کشور و بخش‌هایی از نقشه مهندسی فرهنگی که مربوط به آموزش است. برخی از این اسناد بالغ بر ده سال زمان برده و بیش از چهل جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی را به خود اختصاص داده است. چهارچوب اقدام و عمل آموزش ما باید در ذیل این اسناد نوشته شود و البته در تدوین برنامه عمل باید وضعیت موجود و شرایط و موانع مورد نظر باشد و تعهدات بین‌المللی و از جمله سند توسعه پایدار سازمان ملل و بیانیه اینچئون، بخشی از این شرایط خواهد بود.

راهی که در تدوین سند ملی ۲۰۳۰ طی شد، عکس این مسیر بود. تعهدی که به‌عنوان یکی از شرایط مهم برنامه ملی آموزش، باید در نظر گرفته می‌شد، در کانون برنامه‌ریزی ملی قرار گرفت و اسناد ملی که سیاست‌های اصلی ملی را ارائه می‌کردند، به‌عنوان شرایط مساعد یا موانعی در نظر گرفته شدند که براساس آنها نسبت به سند اینچئون باید تحفظ می‌شد. در سند ملی ۲۰۳۰ حتی شورای



اشکال مهم دیگری سند ملی ۲۰۳۰ این است که نگارش این سند، مخالف مصوبه مجلس است. ما در برنامه ششم توسعه برای محور آموزش، مصوبه مجلس را داشتیم که محور برنامه‌ریزی برای بحث آموزش، فقط سند تحول آموزش و پرورش است و هیچ امر دیگری غیر آن نباید باشد؛ یعنی این عبارت در آن مصوبه وجود دارد که نباید در مسئله آموزش، امر دیگری غیر از سند تحول آموزش و پرورش محور برنامه‌ریزی باشد. بنابراین، اصل سند ۲۰۳۰ خلاف مصوبه مجلس هم به‌شمار می‌آید. در ماده ۶۳ برنامه ششم توسعه مصوب مجلس آمده است:

«سند بنیادین آموزش و پرورش به نحوی است که کلیه اقدامات وزارت آموزش و پرورش بر اساس این سند انجام شود و اقدامی مغایر با قانون و سند صورت نگیرد. آنچه در جلسه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشت بر اساس همین اشکال بود. در مصوبه شورا، سند ملی ۲۰۳۰ ملغی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دیگر اسناد تولیدشده داخل به‌عنوان مبنا برای برنامه‌ریزی معرفی شدند. کسی در باب اینکه ما با سازمان بین‌المللی تعامل داریم، اعتراضی ندارد. اعتراض از آنجا شروع شد که چرا اجرای آن به این شکل است. کسانی که متوجه این اشکال اساسی که در عین حال مخالفت با مصوبه مجلس نیز هست، نبودند، به پاسخ از اشکالاتی می‌پردازند که از ناحیه دو مرحله و بخش اول در سند ملی ۲۰۳۰ پیش آمده یا می‌تواند پیش آید و عمده پاسخ این دوستان این است که سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان

انقلاب فرهنگی به‌صورت یک فرصت برای عمل به بیانیه اینچئون دیده شده است و خواسته شده است شورا به‌دلیل جایگاه فراقوه‌ای خود، مواردی را که خارج از قوه مجریه است، برای اجرا هماهنگ کند و این راهی که در تدوین سند طی شده همان خطای راهبردی است.

آنچه بر دامنه حساسیت می‌افزاید این است که اسناد ملی آموزش برخلاف آنکه با مشارکت بخش‌های اجرایی کشور به شدت انعطاف‌پذیر و اجراشدنی نوشته شد، اما همواره یا ابلاغ نشدند یا بعد از ابلاغ اجرا نشدند یا کامل اجرا نمی‌شوند. مثل سند تحول بنیادین آموزش که چهارچوب اجرای آن هنوز تنظیم نشده است یا مانند اساسنامه دانشگاه فرهنگیان که دولت، کارگروه اقتصادی مناسبی را برای تأمین راهکارهای اجرایی شدن آن هرگز ایجاد نکرد. آموزش و پرورش بدون نیروی انسانی مناسب هرگز نمی‌تواند به اهداف خود برسد، با صرف نظر از اینکه چه اهدافی برای آن تعریف شده باشد.

به نظرم کارگروه‌ها می‌توانستند ابتدا چهارچوب اقدام و عمل در ذیل سند تحول بنیادین آموزش را حتی با نظر به فرصت‌ها یا موانعی که تعهد ما به بیانیه اینچئون ایجاد کرده است، تدوین کنند و آن‌گاه به این سؤال پاسخ دهند که ما چگونه می‌توانیم در ذیل برنامه‌های مربوط به خودمان به سازمان بین‌المللی گزارش بدهیم. نامه ارسالی به دستگاه‌ها، باید ناظر به تعیین چهارچوب عمل برای تدوین گزارش به یونسکو قرار می‌گرفت.



ملل و بیانیه اینچئون اولاً الزام‌آور نیست و ثانیاً در این دو سند حق تحفظ نسبت به این موارد، اجازه داده شده و اگر هم در مواردی از سند ملی ۲۰۳۰ حق تحفظ لازم در نظر گرفته نشده باشد، قابل تدارک است».

سه. نقد سند به لحاظ طی کردن مراحل قانونی

مجاری قانونی برای پذیرش سند ۲۰۳۰ طی نشد، اما مسئولان آموزشی ایران بدون اطلاع کمیسیون آموزش مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی، این سند را پذیرفتند و حتی این سند را با عنوان «اقدام و عمل» گسترش دادند و به‌عنوان سندی که باید تا ۱۵ سال آینده در آموزش و پرورش، ساری و جاری شود در دولت به تصویب رساندند.

این سند در ایران هیچ‌کدام از مجاری قانونی را طی نکرده؛ درحالی که اسناد بالادستی آموزشی متعددی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور، سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و... در ایران تعریف شده‌اند.

مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرجع تصمیم‌گیری برای پذیرش و اجرای این نوع اسناد محسوب می‌شوند، اما هیچ یک از این دو نهاد در جریان مراحل طی کردن این سند در کشور نیستند. براساس اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی هرگونه ایجاد تعهد برای کشور در مجامع بین‌المللی نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد که متأسفانه دولت تدبیر و امید، خودسرانه آن را قبول کرده و به اجرا گذاشت.

چهار. نقد سند به لحاظ سیاسی

سند ۲۰۳۰ از لحاظ سیاسی، موجب می‌شود که:

۱. استقلال سیاسی کشور نقض و برای نظام آموزش ایران از بیرون برنامه و راهبرد ارائه شود.

با توجه به محور بودن تساوی جنسیتی و حقوق بشر و سبک زندگی غربی در سند ۲۰۳۰، نگرانی این است که دادن این‌گونه تعهدات بین‌المللی بدون تصویب در مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری کشور، خود زمینه‌ساز فشارهای بین‌المللی و تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ملت ایران به بهانه‌های حقوق بشری خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «اینجا ایران و جمهوری اسلامی است و این ملت، ملت بزرگی است، چرا باید چند نفر در یونسکو یا سازمان ملل، نظام آموزشی ما را بنویسند؟» (بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷)

«من حرفم این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته شود ... اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است. نظام آموزشی ما را چهار نفر بنشینند در یونسکو بنویسند! چرا؟ این همان مسئله استقلال است.» (همان)

۲. ماهیت لیبرالیستی و سکولاریستی این سند، موجب تربیت دانش‌آموزانی با تفکرات غربی و سکولاریستی می‌شود که تهی از ارزش‌های اسلامی ایران خواهند شد و زمینه نفوذ سیاسی کشورهای سلطه‌گر را فراهم خواهند کرد.



سطح جهانی»؛ «تدوین راهبردهای خرد در سطح منطقه‌ای» و فقط «تدوین راهبردها و برنامه‌های اجرایی در سطح ملی» و همسو با سیاست‌های جهانی در این سند قرار داده شده که جالب توجه است؛ چراکه معنای آن این است که کشور ما باید سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و کلان خود را حتی اگر ریشه در مبانی فکری و اعتقادی خود داشته باشد و سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر اساس آن تنظیم کرده باشد، حذف و با برنامه‌های جهانی تطبیق کند.

به‌عنوان مثال طبق یکی دیگر از اهداف یونسکو که «تربیت نیروی انسانی مطابق با اولویت‌های جهانی» است متوجه می‌شویم اولویت ما باید تربیت نیروی انسانی کشور مطابق با اولویت‌های جهانی و با همفکری سازمانی بین‌المللی انجام شود، نه آرمان‌های انقلاب اسلامی. لذا این سند مطابق با مفاد قانون اساسی از جمله اصل ۱۵۳ که پذیرش اسنادی که با حاکمیت جمهوری اسلامی و صیانت از ارزش‌های آن را غیرقانونی و باطل اعلام می‌کند، سندی بی‌اساس و باطل است و باید برای رد آن اقدام کرد.

پنج . نقد سند به لحاظ تعارض فرهنگی و محتوایی با اسناد بالادستی

این سند به لحاظ دینی و اخلاقی با موازین فقهی حقوقی اسلام و هنجارهای سبک زندگی ایرانی در تعارض است. از مفاد اصلی این سند، برابری جنسیتی در امر آموزش است و درباره این اصل در این سند آمده است: «ما اهمیت برابری جنسیتی در

۳. با خصوصی‌شدن مدارس که در این سند بر آن تأکید شده است، عملاً و به تدریج، دخالت دولت در سیاست‌گذاری و امور اجرایی مدارس به حداقل خواهد رسید و دیری نخواهد پایید که همه چیز مدارس از دست دولت خارج خواهد شد. بنابراین تغییر دولت‌ها هیچ تأثیری در اجرای برنامه‌هایی که در مدارس اجرا می‌شود، نخواهد داشت.

۴. با اجرایی‌شدن این سند، ایران ملزم می‌شود اطلاعات مربوط به آموزش و پرورش و آمارها و اطلاعات مربوط به کودکان، نوجوانان و جوانان را مرتب به یونسکو ارسال کند. این مسئله زمینه جاسوسی را فراهم خواهد آورد. اغلب نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بازوهای اجرایی و اطلاعاتی آمریکا و کشورهای غربی هستند.

۵. با دقت در این سند می‌توان راهبرد طراحی‌شده برای تحقق اهداف غرب برای جهانی‌سازی را مشاهده نمود. چنان‌که در متن این سند آمده است که دولت‌ها موظف‌اند اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی و نیز در چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع ادغام کنند. اجرای پروژه در چندین سطح برنامه‌ریزی شده است: «تدوین برنامه‌های کلان در سطح جهانی»؛ «هدف‌گذاری کلان در سطح جهانی»؛ «هدف‌گذاری خرد در سطح منطقه‌ای»؛ «تدوین راهبردهای کلان در



دستیابی به حق آموزش برای همه را به رسمیت می‌شناسیم و به همین دلیل تعهد خود را به حمایت از سیاست‌ها، برنامه‌ریزی و محیط‌های آموزشی حساس به جنسیت، جریان‌سازی مسائل مربوط به جنسیت در برنامه درسی آموزش معلمان و ازبین‌بردن تبعیض و خشونت جنسیت‌محور در مدارس را اعلام می‌کنیم.» همچنین در برنامه ۲۰۳۰ درباره آموزش شهروندی برای توسعه پایدار به این مباحث اشاره شده است: «تضمین اینکه همه یادگیرندگان، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای توسعه پایدار را تا سال ۲۰۳۰ کسب کنند. در دنیای معاصر که با چالش‌های حل‌نشده در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه است، آموزش باید به استقرار صلح و شکل‌گیری جوامع پایدار کمک کند. بر این اساس، محتوای آموزش باید سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری فرصت‌های اجتماعی برای زنان و مردان، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ‌ها در تحقق توسعه پایدار را ترویج بخشد»^۱.

با توجه به اهداف و راهبردهای معین شده در این سند، همچون برابری جنسیتی، تربیت شهروند جهانی و ترویج توسعه پایدار می‌توان تضادهای موجود در این سند را با اهداف اسناد بالادستی کشور تعیین و مشخص نمود. در نگاه نخست می‌توان فهمید که در حقیقت با اجرای مفاد این سند، نظام فکری

لیبرالیستی غربی در ذهن فرزندان این سرزمین پایدار خواهد شد، نه مبانی فکری دینی اسلامی. چراکه این سند در راستای هدف کلی کشورهای سلطه‌طلب برای افزایش سلطه فکری و سیاسی خود بر کشورهای جهان، طراحی شده است؛ برنامه‌ای که غرب با جهانی‌سازی گسترده خود در تمام زمینه‌ها دنبال می‌کند و آن را در قالب تفاهم‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی کشورهای جهانی تحمیل می‌نماید و آنها را به اجرای آن ملزم می‌نماید. چنان‌که از برنامه توسعه پایدار - که در سال‌های گذشته جایگزین توسعه هزاره در سازمان‌های اقتصادی جهانی شده - که شعار «دگرگون‌ساختن جهان ما» را طرح می‌کند، مشخص است تغییر به سمت‌وسویی است که آرمان‌های کشورهای غربی را تأمین می‌کند و در حقیقت تغییر اساسی نظام جمهوری اسلامی به سوی الگوی مادی‌گرای غرب است. این سند با مدنظر قراردادن اصل برابری جنسیتی، تغییر مدنظر غرب را محقق می‌کند، اصلی که مقام معظم رهبری آن را یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله زن می‌دانند. درحالی‌که طبق آموزه‌های اسلامی، اصل تناسب حقوق و تکالیف برای زن و مرد که عدالت صحیح جنسیتی را محقق می‌نماید قابل‌تعریف است؛ اصلی که با درنظرگرفتن جایگاه ارزشی زن و نقش‌های مهم او در خانواده و اجتماع در نظر گرفته شده و شاکله نظام و شخصیت زن در اسلام را طراحی می‌نماید. اصلی که ارزش و کرامت زن مسلمان را در نظر گرفته و با توجه

۱. برای مطالعه اصل سند ۲۰۳۰ ر.ک: <http://fa.unesco.org/wp-content/uploads2016/07/Agenda2030FARSI-1.pdf>



وجود ندارد؟! آیا سندی ملی وجود دارد که مخالف آموزش همگانی باشد؟ مخالف سوادآموزی در همه سنین و مدرسه‌های مجهز و محیط زیست پاک و... باشد؟! ایران بدون پذیرفتن چنین تعهداتی، نرخ بی‌سوادی را تقریباً در کل کشور از بین برده، رشد و شتاب علمی ما در دنیا در برترین رده‌ها قرار گرفته، پس چه نیازی به چنین سندهایی است؟!

هفت. نقد سند به لحاظ عملکرد داخلی

برخی معتقدند مشکلات بیش از آنکه مربوط به اسناد سازمان ملل باشد، مربوط به داخل کشور است. گویی عده‌ای می‌خواهند اهدافی در کشور عملی شود و به دنبال بهانه‌هایی در اسناد سازمان ملل هستند تا عملی شدن این اهداف را به جبر به سازمان ملل مربوط کنند. این، مشکلی شدیدتر از خود سند است. به همین دلیل سند آموزش ۲۰۳۰ به‌عنوان کانون برنامه‌ریزی و اقدام و عمل آموزش جمهوری اسلامی قرار داده شده بود. حرکتی که از بسیاری کشورهای دیگر ندیدیم. پس از آن، اسناد داخلی که سیاست‌های اصلی آموزش کشور را مشخص می‌کنند، به‌عنوان اسناد حاشیه سند آموزش ۲۰۳۰ در نظر گرفته شده است تا فرصت‌ها و تهدیدهای اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ مشخص شوند. این اقدامات ربطی به سند ندارد و به اقدامات داخل کشور مرتبط است.

به این موضوع، حضور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وی و نیز برنامه آموزشی خاص برای زنان را تعریف می‌نماید تا جامعه اسلامی را از مخاطرات سودجویانه تفکر سکولاریستی غرب دور کند، اما طبق این سند از ما انتظار می‌رود ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی را خلاف مبانی فکری اسلامی در مورد زن و مرد در مسیر آموزشی‌مان اجرایی کنیم؛ برای نمونه ارزش‌هایی چون مادری را به‌عنوان کلیشه‌های منفی جنسیتی از کتاب‌های آموزشی خود حذف کنیم و درصدد مشابه‌سازی نقش‌های زن و مرد در عرصه‌های مختلف باشیم تا به برابری جنسیتی برسیم. حتی می‌توان انتظار داشت که به گروه‌ها و افراد هم‌جنس‌باز نیز حقوق و فرصت‌های برابر آموزشی اعطا شود. در مقابل نیز با پذیرفتن معیارها و متون آموزشی غربی، توقع دارند که ما آرمان‌های فکری و انقلابی و ارزش‌های دینی‌ای که انقلاب اسلامی بر اساس آن شکل گرفته و در عرصه‌های مختلفی همچون دفاع مقدس، تبلور یافته، از متون آموزشی‌مان حذف و ارزش‌های سکولار غربی جایگزین را کنیم.

شش. نقد سند به لحاظ فایده و کارکرد

برخی منتقدان معتقدند سند ۲۰۳۰ چه منفعتی برای ما دارد؟ با اجرای آن قرار است به چه اهدافی برسیم و چه آورده‌هایی داشته باشیم؟! وقتی هیچ نفعی برای ایران ندارد، چرا با دست خودمان، خودمان را به مهلکه بیندازیم؟! اگر دولت می‌گوید، این سند بی‌خطر و شفاف و منطبق با اسناد بالادستی نظام است، چه نکته و مطلب جدیدی در این سند وجود دارد که در اسناد ملی خودمان



هشت. انواع دفاع‌ها از سند ۲۰۳۰

۱. تأکید بر این مسئله که امضای این سند الزام‌آور نیست و ایران حق تحفظ دارد.

عمده استدلالی که موافقان سند ملی ۲۰۳۰ در دفاع از سند بیان کرده‌اند، به همین امور بازمی‌گردد. در نامه‌ای که برخی از وزرا به رهبری برای دفاع از سند نوشته‌اند بر همین امور تأکید کرده‌اند و استدلال‌هایی را که آقای ظریف و آقای فانی در صحن شورا بیان کردند بر همین مدار بود، و برخی از معاونان وزرا نیز در صحبت‌های عمومی‌تر خود که در فضای مجازی به صورت گسترده منتشر شد، در دفاع از سند بر همین نکات تأکید می‌کردند.

موافقان اجرای سند ۲۰۳۰ توسعه‌پایدار معتقدند که «سند ۲۰۳۰ یونسکو نه تنها هیچ تضاد آشکاری با مذهب و ملیت مردم ایران ندارد، بلکه اینها لازمه هر جامعه توسعه‌یافته است. اجرای سند ۲۰۳۰ یونسکو در قالب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران است و چیزی خارج از این سند تحول اجرا نمی‌شود. در سند ۲۰۳۰ یونسکو، موضوعاتی که از نظر شرعی و عرفی اشکال دارند و مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نباشد، اجرا نخواهد شد. از نظر سیاست‌گذاران کلان آموزش و پرورش، سند ۲۰۳۰ یونسکو یک سند زبردستی بوده و براساس اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش و برنامه‌های تحولی آموزش ایران (سند تحول بنیادین) اجرا می‌شود که مبتنی بر اصول تعلیم و تربیت اسلامی و متناسب با شرایط کشور و انقلاب اسلامی تهیه و تدوین شده است.

۲. منتقدان، اطلاعات کافی در زمینه سند ۲۰۳۰ ندارند.

مدافعان سند، معتقدند فضا سازی‌هایی که امروز در مسائل جزئی این سند و برخی تحلیل‌های آن، مغرضانه و غیرکارشناسی است. متأسفانه عمده اطلاعاتی که در مورد این سند در برخی رسانه‌ها مطرح شده، سیاسی و جناحی است و بخشی از آن نیز اصلاً وجود خارجی ندارد! چراکه هنوز جزئیات «سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران» منتشر نشده است و کارگروه خاصی برای اجرایی کردن آن تشکیل نشده است. قطعاً تمامی مباحث آموزش و پرورش و محتوای آموزشی در نظام آموزش و پرورش ایران از مقطع پیش‌دبستانی تا پایان متوسطه دوم بر اساس سند تحول بنیادین و در راستای اسناد بالادستی آموزش و پرورش اجرایی خواهد شد.

آقای روحانی در یک نشست خبری با تأکید عنوان کرد: «راجع به سند ۲۰۳۰ وزرای علوم و خارجه و آموزش و پرورش نامه‌ای به رهبری نوشتند و گفتند که ما تحفظ خودمان را از ابتدا حفظ کرده و گفته‌ایم هرچه که برخلاف ارزش‌های ملی باشد به آن توجه نمی‌کنیم. علی‌الظاهر گزارش‌هایی به ایشان داده بودند که نگرانشان کرده بود. اما من در سخنرانی‌هایم به ایشان اطمینان دادم و الان هم به مردم این اطمینان را می‌دهم که اصلاً نگران خدشه‌دار شدن ارزش‌ها نباشند».

(<http://www.khabaronline.ir>)



منابع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری Khamenei.ir.
۲. گزارش خبرگزاری علم و فناوری از تقابل و پارادوکس دو منظومه آموزشی؛ بررسی مقایسه‌ای- تطبیقی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با سند ۲۰۳۰؛ <http://stnews.ir/1396/03/17>
۳. برتری اخلاقی و علمی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ <http://www.rasanews.ir/detail/News/498166/2066>
۴. واکنش رئیس‌جمهور روحانی به شایعات درباره سند ۲۰۳۰؛ <http://www.khabaronline.ir>
۵. اصل سند ۲۰۳۰؛ <http://fa.irunesco.org/wp-content/uploads/2016/07/Agenda2030FARSI-1.pdf>
۶. محسن کاشانی؛ سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰؛ سندی برای نفوذ آرام و پایدار در برنامه آموزش کشور؛ <https://www.farsnews.ir/news/13960219002048>
۷. موسوی خمینی، <http://emam.com/posts/index/quote#quote221211357/8/4>

۵. فقدان سازوکار نظارت و ورود به

تعهدهای بین‌المللی

به‌طور ریشه‌ای ما عقبه ساختاری ناکارآمد داریم؛ چون بخش قابل توجه این تحفظ‌ها درباره اموری است که مخالف با دین ماست. مثلاً واتیکان برخلاف برخی عقب‌نشینی‌هایی که در برابر سند توسعه پایدار دارد، تحفظ کرده است و خیلی از کاتولیک‌های واتیکان به عقب‌نشینی‌هایی که کرده است معترض بودند. واتیکان برعکس ما موارد تحفظ خود را مشخص کرده است. کنوانسیون حقوق کودک را نزدیک به دو دهه قبل پذیرفتیم و در آن مورد نیز تاکنون موارد تحفظ خود را مشخص نکرده‌ایم. اینک پس از بیست سال عده‌ای از فضلای متخصص در حقوق و فقه شورای تخصصی حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جلسات متعدد درباره حقوق کودک بحث و گفت‌وگو می‌کنند تا موارد تحفظ را مشخص کنند. درباره تحفظ‌های دینی چه توقعی از وزارت امور خارجه یا کسانی داریم که تعهدات بین‌المللی را امضا می‌کنند. حوزه علمیه قم چه کارشناسانی درباره این امور تربیت کرده است و کدام بخش، مرجعیت لازم را راجع به این امور دارد.



گفتار سوم: تربیت جنسی و رسانه

جهت‌گیری محتوایی تربیت جنسی در رسانه ملی

عبدالله جلالی

این حوزه است، به شکل تخصصی و تفصیلی در این نشریه به آنها پرداخته شود. امید است که این بسته سیاستی، پاسخگوی یکی از دغدغه‌های خانواده‌های میهن اسلامی در زمینه تربیت جنسی فرزندان‌شان باشد.

۱. راهبردها

الف) مدیریتی

- توجه مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی به موازین و دستورهای شرع در تولیدات رسانه‌ای حوزه تربیت جنسی
- توجه مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی به اصول و ضوابط فرهنگ جامعه اسلامی ایران در برنامه‌سازی پیرامون تربیت جنسی

در شرایط کنونی جامعه ما که روابط و رفتارهای ناهنجار جنسی، روزبه‌روز گسترش و عمق بیشتری پیدا می‌کند، رسانه ملی، چاره‌ای جز واردشدن به حوزه مباحث تربیت جنسی و انجام‌دادن مسئولیت‌های مهم خود در این زمینه به‌ویژه آگاهی‌بخشی به جوانان و نوجوانان، در زمینه آسیب‌های روابط و رفتارهای ناهنجار جنسی و راه‌های درمان‌ماندن از این آسیب‌ها را ندارد.

ورود به این حوزه بدون در نظر داشتن مبانی اسلامی و بدون داشتن راهبردها، راهکارها و سیاست‌های دقیق و مشخص می‌تواند موجب دامن‌زدن به آسیب‌ها و ناهنجاری‌های بیشتری در این زمینه شود، از این رو ضروری است برای بهره‌گیری مدیران، برنامه‌سازان و شوراهای تصمیم‌ساز «جهت‌گیری محتوایی تربیت جنسی» که حاصل مطالعات اسلامی، پژوهش‌های علمی و مصاحبه با کارشناسان در



- آموزش دست‌اندرکاران و برنامه‌سازان خانواده درباره چيستی تربیت جنسی براساس مبانی اسلامی
 - تبیین حساسیت‌های پرداختن به این موضوع در رسانه ملی برای برنامه‌سازان و گرفتن مشاوره از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آشنا با مبانی دینی در این زمینه برای کمترکردن آسیب‌ها
 - توجه مدیران رسانه ملی به پیشینه‌های فکری و فرهنگی برنامه‌سازان فعال در حوزه تربیت جنسی
 - توجه برنامه‌ریزان رسانه ملی به اهمیت تربیت جنسی و نقش آن در سلامت یا شقاوت جامعه
 - پیگیری اهداف آموزشی در تربیت جنسی از سوی مدیران و برنامه‌ریزان رسانه ملی.
- (ب) سیاستی**
- پیش‌گرفتن سیاست و راهبرد واحد و جامع‌نگر در رسانه ملی درباره نحوه پرداختن به مسائل تربیت جنسی کودکان و نوجوانان و نقض‌نکردن آن از سوی برنامه‌ها و شبکه‌ها و همسویی و انسجام برنامه‌ها در این زمینه
 - تبیین هدف اصلی تربیت جنسی؛ یعنی هدایت گرایش جنسی به‌منظور آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده و قرارگرفتن در مسیر رشد و تعالی
 - طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازهای دختران و پسران و نحوه ارائه آن در رسانه ملی
 - استفاده حداکثری از بیانات کنایه‌ای و کلی
- پخش برنامه‌های مرتبط با این موضوع در ساعات کم‌بیننده تا کودکان و نوجوانان، مخاطب برنامه نباشند
 - اکتفا به بیان کلیات مباحث تربیت جنسی در رسانه ملی و معرفی کتاب‌هایی که تفصیل و جزئیات مباحث مرتبط با تربیت جنسی را مطرح کرده‌اند
 - پرهیز از به‌کارگیری دو رویکرد افراطی و تفریطی، یعنی رویکرد پرهیزمدارانه و سختگیرانه و آموزش جامع و آزادانه در توجه به مسئله تربیت جنسی در رسانه ملی و پیش‌گرفتن رویکرد معتدل همراه با رعایت اقتضائات و الزامات
 - توجه به اهمیت گزینه جنسی به‌عنوان یکی از غرایز مهم بشر و ضرورت پاسخگویی مناسب به آن در تولیدات رسانه‌ای درباره تربیت جنسی
 - توجه به اصل کنترل و تعدیل در تربیت جنسی در آموزش‌های رسانه‌ای
 - توجه به صحت و سلامت شیوه‌های به‌کارگرفته‌شده در آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی از رسانه
 - توجه به ویژگی‌های زیستی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی متربی در آموزش‌های رسانه‌ای مربوط به تربیت جنسی
 - ضرورت برنامه‌ریزی صحیح، همه‌جانبه و مدون در آموزش‌های رسانه‌ای مربوط به تربیت جنسی
 - توجه به ضرورت آموزش مهارت‌های مربوط به تربیت جنسی از سوی رسانه ملی



- توجه به ضرورت تناسب آموزش‌های رسانه‌ای در تربیت جنسی با ویژگی‌های گروه هدف
 - تلاش رسانه ملی برای تبدیل کردن تربیت جنسی کودکان و نوجوانان به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی والدین و نظام آموزشی کشور
 - ضرورت استفاده از همه ظرفیت‌های رسانه ملی برای ارائه آموزش‌های مربوط به تربیت صحیح جنسی
 - ضرورت تداوم گفت‌وگوهای تربیت جنسی آشکار از سوی رسانه ملی
 - ضرورت طراحی برنامه تربیت جنسی فرهنگ اسلامی‌محور از سوی رسانه ملی
 - ضرورت مطابقت شیوه‌های تربیت جنسی ارائه‌شده از سوی رسانه ملی با پیشینه فرهنگی و اجتماعی جامعه
- ۲. راهکارها**
- تهیه برنامه‌هایی به‌منظور آگاهی‌بخشی به والدین درباره چابستی تربیت جنسی و تفاوت آن با آموزش جنسی
 - دقت و رصد تیزبینانه در انتخاب و دوبله برنامه‌های کودک و نوجوان خارجی
 - تهیه برنامه‌هایی در جهت آموزش مهارت‌های لازم در تربیت جنسی به والدین
 - جانمایی پیام‌های غیرمستقیم در برنامه‌های مربوط به کودکان و نوجوانان با در نظر گرفتن ظرافت‌های هنری و سطح درک و فهم مخاطبان مانند آموزش خویشتن‌داری، مهارت نه گفتن، آموزش درباره بلوغ، مهارت‌های دوستیابی و...
- بیان احکام شرعی مربوط به تربیت جنسی فرزندان در برنامه‌های مربوط به خانواده
 - مطالبه‌گری از وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول درباره تربیت فرزندان در برنامه‌های مربوط به خانواده
 - آموزش کنترل فضای مجازی به والدین و استفاده ضابطه‌مند از گوشی‌های اندروید
 - هشدار به والدین در مورد محتوای کارتون‌های خارجی قابل بارگیری از اینترنت یا خرید از فروشگاه‌های آنلاین
 - آموزش به والدین درباره نحوه پاسخگویی به سؤالات فرزندان در زمینه مسائل جنسی
 - آگاهی‌بخشی به کودکان و نوجوانان در زمینه اعتماد به افراد ناشناس و لزوم مطلع کردن والدین از همه چیز به‌عنوان مهربان‌ترین و معتمدترین افراد
 - نقد اسناد و رویکردهای بین‌المللی در بحث آموزش جنسی به کودکان
 - نقد مهم‌ترین دیدگاه‌های انحرافی غرب درباره عبور از جنسیت، فراجنسیت، سپردن تشخیص جنسیت به خود فرزند و...
 - برجسته کردن موضوع حریم خصوصی والدین و آموزش رعایت آن در برنامه‌های کودک و نوجوان
 - توجه اصحاب رسانه ملی به راهکارهای دین مبین اسلام به‌عنوان مناسب‌ترین راهکارهای ارضای نیازهای جنسی و محوریت این راهکارها در تربیت جنسی و تبیین و بازتاب آن در برنامه‌های تولیدی حوزه تربیت جنسی



- توجه به مؤلفه‌های سلامت جنسی در آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی از رسانه ملی
- توجه به تربیت جنسی به‌عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای افزایش آگاهی، نگرش و توانایی نوجوانان در محافظت از خود و تأکید بر آن از سوی رسانه ملی
- توجه به تربیت جنسی به‌عنوان یکی از عوامل مهم شکل‌گیری شخصیت، افکار، عواطف و رفتارهای نوجوانان و تأکید بر آن از سوی رسانه ملی
- تأکیدات رسانه ملی بر نقش و اهمیت نهادهای حکومتی در تربیت صحیح جنسی
- توجه برنامه‌سازان رسانه ملی بر اهمیت و محوریت خانواده در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان
- تأکید بر تربیت جنسی فرزندان، پیش از ازدواج والدین آنان با یکدیگر در آموزش‌های رسانه‌ای
- توجه به ویژگی‌های سنی و جنسی متربی در برنامه‌سازی‌های حوزه تربیت جنسی
- توجه به عوامل مختلف انحرافات جنسی و تلاش رسانه‌ای به‌منظور رفع و محو این عوامل در راستای تربیت صحیح جنسی
- توجه به تجربیات تاریخی رسانه‌ها در پرداختن رسانه ملی به موضوع تربیت جنسی با هدف جلوگیری از تکرار آسیب‌ها
- توجه به الگوهای موفق رسانه‌ای در زمینه تربیت صحیح جنسی
- ضرورت توجه برنامه‌سازان رسانه ملی به ساختارهای فرهنگی - اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی در تولیدات برنامه‌ای پیرامون تربیت جنسی
- تبیین رسانه‌ای فلسفه ضرورت تربیت جنسی به‌صورت رسمی و عمومی در کشور
- ضرورت تدوین محتواهای آموزش تربیت جنسی از سوی رسانه ملی، مبتنی بر توافق علم و آموزه‌های دینی
- استفاده از متخصصان توانمند و آموزش‌دیده برای ارائه آموزش‌های تربیت جنسی از رسانه
- ضرورت تناسب آموزش‌های رسانه‌ای تربیت جنسی با ویژگی‌های سنی و ادراکات ذهنی مخاطبان
- ضرورت تدریجی‌بودن آموزش‌های رسانه‌ای در تربیت جنسی
- نقش رسانه ملی در غلبه والدین بر تابوهای فرهنگی فاقد مبنای اسلامی در حوزه تربیت جنسی
- نقش رسانه ملی در غلبه والدین بر دیدگاه‌های سنتی و متعصبانه در زمینه تربیت جنسی
- تأکید بر اهمیت تربیت جنسی به‌عنوان سازوکاری برای پیشگیری از انحرافات جنسی و مهار غریزه جنسی در تولیدات رسانه‌ای
- توجه برنامه‌سازان رسانه ملی به مهم‌ترین اصول روان‌شناسی در ارائه آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی
- توجه برنامه‌سازان رسانه ملی در تولید برنامه‌های حوزه تربیت جنسی، به تفاوت فرهنگ‌ها در ارضای نیازهای جنسی



- بهره‌برداری هوشمندانه دست‌اندرکاران رسانه ملی از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی داخلی در ارائه آموزش‌های تربیت جنسی
- تقویت رسانه‌ای مهارت‌های زندگی با هدف تصحیح فرایند تربیت جنسی
- توجه برنامه‌سازان رسانه ملی به نقش و اهمیت هویت جنسی در تربیت جنسی
- تأکید رسانه‌ای بر نقش عزت نفس در تربیت صحیح جنسی
- تبیین رسانه‌ای نقش حجاب و عفاف در تربیت صحیح جنسی
- تبیین رسانه‌ای رابطه بهداشت جنسی با تربیت جنسی
- نقد و بررسی اسناد بین‌المللی در حوزه تربیت جنسی از سوی رسانه ملی
- نقد و بررسی رسانه‌ای سند تحول بنیادین با هدف فرهنگ‌سازی برای رفع کاستی‌ها و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی
- تبیین رسانه‌ای جایگاه تربیت جنسی در اسناد بالادستی
- نقد و بررسی رسانه‌ای دیدگاه سازمان بهداشت جهانی به تربیت جنسی
- تأکید بر تربیت جنسی به‌عنوان لازمه سلامت جنسی در برنامه‌های آموزشی رسانه
- تبیین رسانه‌ای آسیب‌های رسانه‌های مجازی بر تربیت جنسی
- تبیین رسانه‌ای آثار مدرنیته بر تربیت صحیح جنسی
- تبیین آثار جهانی‌شدن و فرصت‌ها و تهدیدات آن بر تربیت جنسی از سوی رسانه ملی
- ضرورت ارائه راهکارهایی به والدین به‌ویژه مادران از سوی رسانه ملی، جهت افزایش سطح آگاهی و نگرش و توانمندسازی آنان در پاسخگویی به سؤالات جنسی فرزندان
- ضرورت آموزش و توانمندسازی والدین و مرتبطان تربیت جنسی با استفاده از تمامی ظرفیت‌های رسانه‌ای
- توجه برنامه‌سازان رسانه ملی به عوامل تأثیرگذاری همچون تغذیه، فعالیت‌های ورزشی و ... در تربیت جنسی.



خشونت جنسی، مسئله‌ای ساختاری در جامعه آمریکا

(نگاهی به مؤلفه‌ها و عناصر فیلم «تلما و لوییز» اثر ریڈلی اسکات محصول ۱۹۹۱)

رسول صادقی^۱

چکیده

خشونت جنسی در همه جوامع وجود دارد، اما بر اساس آمار، جامعه آمریکا، گوی سبقت را از دیگر کشورهای جهان ربوده است. از این رو، «ریڈلی اسکات» با ساخت فیلم سینمایی *تلما و لوییز* در سال ۱۹۹۱ سعی کرده نگاه خودش را در مورد این موضوع به تصویر بکشد. به همین دلیل، در این پژوهش کوشیده‌ایم تا بازنمایی فیلم *تلما و لوییز* از خشونت جنسی در جامعه آمریکا تحلیل شود. بر اساس نتایج به دست آمده، فیلم یادشده، علت خشونت جنسی در جامعه آمریکا را ساختارهای نظام مردسالارانه جامعه آمریکا دانسته که دیدگاه جنسی به زن دارند. این برداشت از فیلم، کاملاً مطابق دیدگاه فمینیسم لیبرال، برای توضیح خشونت جنسی علیه زنان است.

کلیدواژگان: تلما و لوییز، خشونت جنسی، آمریکا، مردسالاری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما، قم، ایران؛
(sadaghii@chmail.ir)



مقدمه

خشونت جنسی علیه زنان مسئله‌ای است که همواره در تمام جوامع کمابیش وجود داشته، اما در برخی جوامع مانند آمریکا به مرحله بحرانی رسیده است؛ به طوری که در این کشور هر ده ثانیه به یک زن تجاوز می‌شود (بی‌نا، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸) و بیشترین آمار تجاوز را بین کشورهای جهان داراست (همان، ص ۱۶۴)، اما از آنجایی که سینما، رسالت اجتماعی نیز دارد و سینماگر مؤلف، لایه‌های زیرین جامعه خود را می‌بیند، ریدلی اسکات^۱ با ساخت فیلم *تلما و لوییز*^۲ در سال ۱۹۹۱ نگاهی عمیق به مسئله خشونت جنسی کرده و دیدگاه خودش را به تصویر کشیده است. از این رو در این مقاله در صدد هستیم تا با کمک رویکرد نئوفرمالیستی و تحلیل عناصر روایی و تکنیکی فیلم سینمایی *تلما و لوییز* و بازنمایی این اثر از خشونت جنسی در جامعه آمریکا و راه حل فیلمساز برای این مشکل را بیابیم. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش عبارتست از اینکه: بازنمایی فیلم سینمایی *تلما و لوییز* از خشونت جنسی در جامعه آمریکا چیست؟

بر اساس جست‌وجوی انجام‌شده، پژوهشی در مورد چگونگی بازنمایی فیلم *تلما و لوییز* از خشونت جنسی در جامعه آمریکا یافت نشد، ولی نقد و تحلیل ژورنالیستی این فیلم به دلیل شهرتش وجود داشت. ناگفته نماند اعظم راودراد و کبری الهی‌فر (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تماشگری زن و لذت زنانه در سینما: خوانشی زنانه از فیلم‌های تلما و

لوییز و واکنش پنجم» فیلم مذکور را نقد کرده‌اند، اما رویکرد آن فمینیستی و مسئله‌اش خوانش زنانه از فیلم برای دریافت لذت زنانه از آن است. همچنین مائولا دارگیس (۱۳۷۷) در مقاله «تلما و لوییز و سنت فیلم‌های جاده‌ای مردانه» از منظر ژانر جاده‌ای به این فیلم نگریسته و توضیح می‌دهد چگونه این فیلم سنت‌های مردسالارانه ژانر جاده‌ای را تغییر داده است. با توجه به پژوهش‌های ذکرشده و پژوهش‌های مشابه، در این مقاله درصددیم بازنمایی فیلم سینمایی *تلما و لوییز* را از خشونت جنسی در جامعه آمریکا تحلیل کنیم.

روش پژوهش

نویسنده این پژوهش ابتدا با روش کتابخانه‌ای، مفهوم خشونت جنسی را کاوید. سپس با توجه به اینکه رویکرد نئوفرمالیستی، زمینه مناسبی را برای تحلیل انواع گونه‌ها و سبک‌های مختلف فیلم‌سازی به‌ویژه فیلم‌های سینمای کلاسیک، فراهم آورده که مشحون از اشارات ایدئولوژیک و انواع معانی است، (مهرز و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۸) از روش نقد نئوفرمالیستی برای تحلیل فیلم *تلما و لوییز* استفاده کرده است. از منظر نئوفرمالیست‌ها پنج اصل کارکرد، تشابه و تکرار، تفاوت و تنوع، بسط و وحدت و پراکندگی را بیننده می‌تواند در سیستم فرمال فیلم درک کند (بوردول و تامسون، ۱۳۸۵، ص ۶۲). از این رو،

1 . Ridley Scott
2 . Thelma & Louise



در مورد چرایی وقوع تجاوز جنسی، پنج نظریه به شرح ذیل وجود دارد:

الف) فمینیسم، تجاوز را عملی فردی و اتفاقی نمی‌داند که گاهی اوقات مردی بیمار و مسئله‌دار انجام می‌دهد، بلکه آن را ناشی از تسلط نظام مردسالاری می‌داند. بر اساس این دیدگاه، نظام مردسالاری به مردان اجازه می‌دهد که به زنان به‌عنوان موجوداتی ضعیف‌تر و موجوداتی صرفاً جنسی، تجاوز نمایند. بنابراین بر اساس این دیدگاه، تجاوز، نتیجه نوعی نظام فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مسلط به نام مردسالاری است.

ب) دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی معتقد است که هرگاه در جامعه‌ای آشفتگی و درهم‌ریختگی ارزش‌ها و هنجارها رخ دهد و جامعه نتواند از سازوکارهای معمول کنترل بی‌هنجاری به شیوه کارآمدی استفاده کند، احتمال وقوع هر آسیب اجتماعی و کج‌رفتاری از جمله آسیب جنسی پدید می‌آید.

ج) دیدگاه آسیب‌شناسی روانی، علت تجاوز را در اختلالات و بیماری‌های روانی متجاوز جست‌وجو می‌کند و دیدگاه بدبینانه‌ای به قربانی دارد؛ زیرا معتقد است نوع رفتار قربانی، آگاهانه یا ناآگاهانه سبب تحریک متجاوز به برقراری رابطه جنسی می‌شود.

د) بخشی از نظریه‌های اجتماعی بر نقش فشارهای اجتماعی تأکید می‌کنند. در واقع از نظر ایشان، فشارهای اجتماعی بیش از ناکامی، فرد را به‌سوی خشونت سوق می‌دهد. برای مثال مرتون معتقد است، زمانی که فرد نتواند بین اهداف مقبول اجتماعی و وسایل

فیلمی، اثر هنری شناخته می‌شود که عناصر فرمی‌اش این ویژگی‌ها را داشته باشد. عناصر روایی که در این پژوهش تحلیل شده‌اند عبارتند از: ساختار، کشمکش، شخصیت‌پردازی و فضاسازی. همچنین عناصر سبکی یا تکنیکی که مورد نقد قرار گرفته‌اند شامل تصویربرداری، تدوین، دکوپاژ، رنگ و میزانشن است.

خشونت جنسی

خشونت جنسی یا آزار جنسی عبارت است از: هر نوع کوششی برای نزدیک شدن، اعم از اشاره‌ای، زبانی یا اشاره‌های تحقیرآمیز؛ به‌طوری که شخصی که این‌گونه رفتارها متوجه اوست، توهین‌آمیز بداند و در نتیجه این رفتار، شخص احساس کند که مورد تحقیر یا تهدید یا مزاحمت واقع شده است. به‌طور کلی هر نوع تلاش برای نزدیکی به شخصی که طالب این نزدیکی نیست، «آزار جنسی» یا «خشونت جنسی» نامیده می‌شود. (آبوت و والاس، ۱۳۸۵، ص ۳۰۵)

تجاوز جنسی و مزاحمت جنسی از مهم‌ترین مصادیق خشونت جنسی هستند. (گروسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷) تجاوز جنسی عبارت است از: یورش جنسی یک نفر یا چند نفر به فرد یا افرادی دیگر که ممکن است زن یا مرد باشند. معمولاً اصطلاح تجاوز در مورد برقراری رابطه جنسی با فردی به‌کار می‌رود که توانایی مقاومت در برابر فشار وارده برای ایجاد رابطه جنسی را ندارد. این رفتار، معمولاً منجر به استرس، اضطراب، کابوس و فقدان امنیت برای زنان می‌شود.



دستیابی به آنها تعادل و هماهنگی ایجاد کند، تحت فشار قرار می‌گیرد و برای رفتارهای انحرافی، آمادگی پیدا می‌کند. در چنین شرایطی پیدایش رفتار خشونت‌آمیز دور از انتظار نیست. مثلاً کسی که برای دستیابی به درآمد در جامعه امروزی درس نخوانده، سعی می‌کند از ابزارهای جایگزین که مقبول جامعه نیست برای دستیابی به هدف استفاده کند. همچنین اگر مردی از راه‌های مشروع و پذیرفته‌شده اجتماع نتواند نیازهای جنسی یا نیاز به قدرت‌نمایی خود را برآورده کند، به راه میانبری مثل تجاوز برای به‌دست‌آوردن اهداف خود متوسل می‌شود. (همان، ص ۱۴۰-۱۴۲)

ه) بر اساس نظریه منابع، شوهرانی که فاقد منابع قدرت از قبیل درآمد، تحصیلات و اشتغال هستند از خشونت علیه زنان به‌عنوان ابزاری برای کسب قدرت استفاده می‌کنند. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸)

همان‌طور که بیان کردیم یکی دیگر از مصادیق خشونت جنسی، مزاحمت جنسی است. مزاحمت جنسی، هر نوع اشاره با سوگیری جنسی یا اظهار نظر با سوگیری جنسی و تماس جنسی پوشیده و پنهان با هدف حمله و تعرض به دیگری گفته می‌شود. مزاحمت جنسی انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مزاحمت جنسیتی، رفتارهای اغواگر و بهره‌برداری جنسی.

مزاحمت جنسیتی شامل تمام رفتارها، اشارات، کلمات و سخنانی می‌شود که نه به‌منظور عمل جنسی، بلکه برای نشان‌دادن نگرش‌های جنس‌گرایانه به زنان استفاده

می‌شود. مزاحمت جنسیتی بیشتر با هدف آزار روانی فرد انجام می‌شود. مانند کلماتی مثل ضعیفه و غیره. رفتارهای اغواگرانه شامل رفتارهای نامناسبی می‌شود که برخلاف میل طرف مقابل، به‌منظور پیشروی در حیطة روابط جنسی انجام می‌دهد. بهره‌برداری جنسی نیز به تمام رفتارهای جنسی گفته می‌شود که به‌عنوان نوعی تنبیه و مجازات آن را به‌کار می‌برند. معمولاً رفتارهایی مثل متلک‌گفتن، تعقیب، بیان کلمات و جملات سکسی، چشم‌چرانی، ژست‌های سکسی، دادن پیام‌های جنسی، برقراری تماس بدنی با هر نقطه از بدن، سدکردن راه و غیره؛ نمونه‌های رایجی از مزاحمت جنسی شناخته می‌شود. (گروسی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵-۱۴۶)

یافته‌ها

برای نقد و تحلیل هر اثر نمایشی از جمله فیلم، ابتدا مناسب است خلاصه‌ای از داستان آن را بیان کنیم و سپس به سراغ تحلیل اثر نمایشی برویم.

خلاصه داستان

فیلم *تلما و لوییز* روایتی خطی از سفر دو دوست به نام تلما و لوییز است که در همان ابتدای سفر، لوییز، مردی را به قتل می‌رساند که قصد تجاوز به تلما را دارد. آنها فرار می‌کنند و با نقشه لوییز قصد دارند به مکزیک بروند، اما در مسیر خود با پسر جوانی آشنا می‌شوند که قصد همراهی با آنها را دارد، ولی لوییز مخالف است. تلما که فریب ظاهر زیبایی پسر را می‌خورد، اصرار می‌کند و با او همسفر



کشمکش با ساختارهای مردانه

کشمکش در ساختار کلاسیک، بیرونی است. به همین دلیل کشمکش اصلی تلما و لوییز با پلیس، به‌عنوان نماینده حاکمیت و با سایر مردان، به‌عنوان جهان مردانه اطرافشان است. آنها با مردهای اطرافشان و در نهایت ساختار مردانه جامعه در کشمکش هستند. نمود ساختار مردانه‌ای که تلما و لوییز در فیلم با آن در کشمکش هستند، دستگاه پلیس، سیستم قانون‌گذاری، مردانی که علیه آنها دست به خشونت جنسی زدند و فرهنگ مردانه حاکم بر جامعه آمریکاست. البته لوییز کشمکش درونی و ذهنی دارد و آن هم تجاوزی است که در گذشته برایش رخ داده است. این کشمکش درونی را همین جامعه بر او تحمیل کرده است. تلما نیز کشمکشی شخصی با همسرش دارد؛ زیرا داریل، همسرش، مرتب او را تحقیر می‌کند و به همین دلیل، تلما از او می‌ترسد و بدون اجازه‌اش با لوییز همسفر می‌شود. به‌طور خلاصه از ابتدای فیلم، آنها با همسر تلما، مرد متجاوز، پلیس، پسر ولگرد و راننده کامیون در کشمکش و جدال هستند و تلما و لوییز از همه آنها به جز پلیس، خشونت جنسی می‌بینند.

شخصیت‌پردازی

تلما: تلما در ابتدای داستان، زنی بسیار ساده و چشم‌وگوش بسته است که در یک خانواده سنتی (در جامعه آمریکا) بزرگ شده و زندگی می‌کند. به گفته خودش تاکنون با مردی غیر از همسر خودش رابطه نداشته و

می‌شوند، ولی در ادامه، همین پسر جوان، تمام پولی را که نامزد لوییز برای فرار آنها به مکزیک آورده بود، پس از رابطه جنسی با تلما، می‌دزدد. تلما و لوییز، بی‌پول، راهی مرز مکزیک می‌شوند که با یک راننده کامیون مواجه می‌شوند. راننده کامیون با جملات و حرکات جنسی، آنها را آزار می‌دهد. تلما و لوییز هم کامیون او را آتش می‌زنند. پلیس در تعقیب تلما و لوییز است و آنها را مقابل یک دره محاصره می‌کند، اما تلما و لوییز قصد رفتن به زندان را ندارند و با ماشین، خود را به دره می‌اندازند.

در ادامه، عناصر روایی و تکنیکی فیلم *تلما و لوییز* نقد و تحلیل می‌شود.

قهرمان زنانه

فیلمنامه این اثر، ساختاری کلاسیک دارد. تلما و لوییز، شخصیت اصلی و قهرمان و افراد پلیس ضد قهرمان هستند. برخلاف سنت فیلم‌های جریان اصلی آمریکا، قهرمان در این فیلم، دو زن هستند. تلما و لوییز برای فرار از آمریکا و مقابله با نگاه جنسی جامعه خود، با مردان مختلفی دست به تقابل می‌زنند و در نهایت تسلیم ضد قهرمان، که نماینده حاکمیت و جامعه مردسالار است، نمی‌شوند. هر کدام از آنها برای رسیدن به آرزوی خود و حل مسئله دراماتیک داستان، با مردان متعددی روبه‌رو می‌شوند که همگی به جز نامزد لوییز، مانع آنها هستند و آنها را به‌نوعی در این مسیر آزار جنسی می‌دهند. البته بازرس هال، در جایگاه ضد قهرمان است، ولی خشونت جنسی از او دیده نمی‌شود.



همواره همسرش او را کنترل، محدود و تحقیر می‌کند. تلما در دیالوگی درباره همسرش این‌گونه می‌گوید: «خب اون به من اجازه نمی‌ده؛ اجازه نمی‌ده که من اصلاً تفریح کنم. فقط دوست داره که من همیشه تو خونه باشم؛ درحالی‌که فقط خدا می‌دونه خودش بیرون از خونه چی کار می‌کند.» تلما در دیالوگی دیگر که در اواخر فیلم است، هنگام کشیدن اسلحه روی پلیس می‌گوید: «رفتار الان من نتیجه بد رفتاری شوهرمه». همان‌طور که از دیالوگ‌های محدود تلما و همسرش مشخص است، او مرتب از طرف داریل آزار جنسی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر از بین انواع خشونت‌ها که ذکر شد، تلما در مقابل همسرش، دچار مزاحمت جنسیتی است. در این‌گونه مزاحمت، زن با الفاظ و اعمال مختلف تحقیر می‌شود. به عنوان مثال داریل در همان دیالوگ ابتدایی به تلما می‌گوید: «مگه نگفته بودم نمی‌خوام دادزدنت رو بشنوم».

از طرفی همین محدودیت تلما باعث شده او در جامعه و تعامل با جنس مخالف، مرتب دچار اشتباه شود، اما نکته قابل توجه، لباس تلما است. لباس تلما در صحنه تجاوز، با توجه به فرهنگ آمریکایی پوشیده است. او رفتاری خارج از عرف در رستوران بین راهی انجام نمی‌دهد، اما باز هم به او تجاوز می‌شود. مؤلف با این‌گونه شخصیت‌پردازی از تلما، نظریه «آسیب‌شناسی روانی»، که قربانی را هم به خاطر نوع پوشش و رفتار مقصر می‌داند، رد می‌کند. البته در ادامه داستان و رویارویی رئیس پلیس با

پیش‌خدمت رستوران، واکنشی از طرف رئیس پلیس می‌بینیم که نشان می‌دهد با فرض رفتار محرک از طرف زن‌ها، مردها موظف به خویشتن‌داری هستند.

پس از دزدی پول‌ها توسط پسر جوان (برد پیت)، تلما نیز کمی از احساسات دور می‌شود و حتی دست به سرقت می‌زند و در پایان فیلم، تلما، لوییز را راهنمایی می‌کند. در حقیقت پس از خشونت جنسی از طرف مردان متعدد، تلما و لوییز تصمیم می‌گیرند شبیه مردان شوند و این را آشکارا در دیالوگی می‌گویند. در مجموع می‌توان گفت مجموع اتفاقاتی که برای تلما می‌افتد از حادثه تجاوز در رستوران تا برخورد زشت همسرش، رفتار پسر ولگرد، آزارهای کلامی راننده کامیون و ارتباطی که با لوییز و دانستن درد مشترک‌شان؛ یعنی تجاوز داشت؛ سبب تحول شخصیت تلما و تبدیل شدن به شخصیتی شبیه لوییز می‌شود. شخصیتی که دیگر ویژگی‌های زنانه قبلی را ندارد و با نوع پوشش مردانه، مؤلف می‌گوید تلما اکنون خشن شده است. در همین مرحله است که تلما، پلیس را داخل صندوق ماشینش حبس می‌کند و ماشین راننده کامیون را با کمک لوییز آتش می‌زنند. همه این وقایع، نتیجه برخورد خشن جامعه مردانه با آنهاست. دیالوگ ذیل در اواخر فیلم نشان‌دهنده تغییر شخصیت تلما است. «کاملاً هوشیارم. یادم نمی‌آد هیچ وقت تا این حد هوشیار بوده باشم. همه چیز فرق کرده. می‌فهمی که چی می‌گم. می‌دونم که می‌فهمی. انگار همه چیز تازه شده. تو هم همین احساس رو داری؟ انگار یه چیزی هست که ما با اشتیاق منتظرش هستیم».



جنسی به کار می‌برد. در نتیجه از منظر این فیلم، نظریه منابع نمی‌تواند علت خشونت جنسی در جامعه آمریکا باشد.

مرد متجاوز: این شخصیت در حد تیپ است؛ زیرا فرصتی برای شخصیت‌پردازی او نیست. آنچه ما از مرد متجاوز می‌دانیم، این است که او فردی سفیدپوست و آمریکایی اصیل است. مرد متجاوز سابقه تجاوز دارد و این امر از گفته‌های پیش‌خدمت رستوران مشخص می‌شود. نکته مهم درباره او، متأهل‌بودنش است. این ویژگی باعث می‌شود نظریه فشارهای اجتماعی که علت تجاوز و خشونت جنسی را محرومیت جنسی معرفی می‌کند، رد شود.

هال، بازرس پلیس: هال که از ابتدای فیلم به دنبال تلما و لوییز است، درستکار می‌باشد. او برخلاف سایر نیروهای پلیس، تا آخر داستان، قصد کمک به تلما و لوییز را دارد، اما موفق نمی‌شود.

هیچ یک از شخصیت‌های فرعی این فیلم که شامل همسر تلما و لوییز، پلیس، مرد متجاوز، پسر ولگرد و راننده کامیون می‌شوند، به شخصیت تبدیل نمی‌شوند و در حد تیپ هستند. هرکدام از این مردها، نماینده بخشی از جامعه مردان هستند. بازرس پلیس، نماینده مردان دلسوز برای زنان. همسر تلما مردی خودخواه و تحقیرکننده زنان. همسر لوییز مردی مهربان. مجموع نیروهای پلیس، نماد اقتدار مردانه و حاکمیت جامعه آمریکا. مرد متجاوز، راننده کامیون و پسر جوان نیز همگی خشونتگر جنسی هستند.

لوییز: لوییز در حکم استاد برای تلماست. نگرش او از ابتدا تا انتهای فیلم تقریباً یکسان است و رفتارهایی کاملاً سنگین و پخته دارد. در اواخر فیلم، متوجه می‌شویم در گذشته به او تجاوز شده است. این تجاوز، دیدگاه او به مردان را تغییر داده و محتاط‌تر عمل می‌کند. به‌عنوان مثال لوییز چند بار به نوع نشستن تلما ایراد می‌گیرد و در هیچ جای فیلم، او را مقابل مردان، نیمه‌برهنه نمی‌بینیم. البته این احتیاط، از یک سو مطلوب فرهنگ غربی نیست و از سوی دیگر برخی مواقع تبدیل به استرس و اضطراب می‌شود. مؤلف با نشان دادن اضطراب و عصبانیت لوییز در برخی صحنه‌ها و دیالوگ‌ها، مانند مواجهه عصبی او با تلما برای عبور نکردن از تگزاس، آثار روانی تجاوز روی زنان را نیز به تصویر کشیده است.

داریل: داریل همسر تلماست. او مردی پولدار، سفیدپوست، آمریکایی‌الاصول و در عین حال ابله است. داریل در دیالوگ‌ها و کنش‌های مختلف برای تلما، مزاحمت جنسیتی ایجاد و تلما را تحقیر می‌کند. مثلاً داریل در مکالمه تلفنی به تلما توهین می‌کند و درحالی‌که او مشغول صحبت است، گوشی را کنار می‌گذارد و فوتبال می‌بیند.

نکته مهم در شخصیت‌پردازی داریل، ثروت اوست. همان‌طور که بیان شد بر اساس نظریه منابع، مردانی که از منابع قدرت کمتری مانند ثروت و منزلت بهره‌مندند، از خشونت علیه زنان برای کسب قدرت بهره می‌گیرند، اما مؤلف، داریل را شخصیتی معرفی می‌کند که برخلاف داشتن قدرت اقتصادی و اجتماعی، علیه تلما، خشونت



فضا و فضا سازی

در بسیاری از حکایت‌ها مشخص نمی‌شود که رویداد در کجا اتفاق می‌افتد. در حالی که در روایت فیلم معمولاً فضا یک عامل مهم است (بوردول و تامسون، ۱۳۸۵، ص ۸۱). نویسندگان این اثر از عناصری تکراری مانند جاده، ماشین، کامیون، رستوران و بیابان استفاده کرده است. معنایی که از این فضا سازی به ذهن متبادر می‌شود، حضور دو زن در یک جامعه و محیط خشن و مردانه است. در محیطی بی‌رحم که هر لحظه ممکن است برای آنها حادثه‌ای به وجود آید. ماشین بدون سقف آنها استعاره‌ای از بی‌پناهی و رهایی آنهاست و قرار گرفتن این ماشین کوچک در کنار کامیون‌های گول‌پیکر که بارها دیده می‌شود، ضعف آنها را بیشتر نشان می‌دهد.

همان‌طور که از تحلیل عناصر روایی این فیلم مشخص شد، نظریات فشار اجتماعی، آسیب‌شناسی روانی و منابع رد می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند نظریه بی‌سازمانی اجتماعی و فمینیسم لیبرال است، اما روایت این فیلم نشان می‌دهد علت خشونت جنسی نظام مردسالار، جامعه آمریکا است؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، ضد قهرمان، مقابل تلما و لوییز، مجموعه‌ای از مردان آمریکایی و پلیس این کشور هستند که اکثر آنها به نوعی مرتکب خشونت جنسی علیه دو شخصیت اصلی و زن فیلم می‌شوند. در پایان نیز تلما و لوییز که به دنبال رهایی و آزادی از دست مردان هستند، مجبور به خودکشی می‌شوند.

تکنیک در خدمت روایت

«ریدلی اسکات» تمام عناصر تکنیکی کارگردانی را در خدمت مضمون و روایت فیلمش آورده است. او اصلاً نخواسته با استفاده از عناصر تکنیکی مانند دکوپاژ و میزانشن کاری اضافه‌تر از آنچه نیاز است، انجام دهد. به همین دلیل فیلم، کاملاً رئالیستی و فارغ از هر نوع عنصر تکنیکی بیانگرایانه یا اکسپرسیونیستی است. دوربین، بازی‌ها، گریم، نور، میزانشن و دکوپاژ معنای خاصی را جز در موارد معدود که به برخی از آنها اشاره می‌شود، منتقل نمی‌کند و فقط برای به تصویر کشیدن آنچه هست، استفاده شده‌اند. به عنوان مثال در تمام تصاویر داخلی، مخاطب احساس می‌کند اصلاً نورپردازی وجود ندارد و هر آنچه هست، نور پشت پنجره یا نور چراغ‌های داخل اتاق است و به اصطلاح از نورپردازی عملی استفاده شده است.

کارگردان در همان پلان ابتدایی، جاده‌ای بیابانی را به ما نشان می‌دهد که نشان‌دهنده ژانر جاده‌ای بودن فیلم است. این همان جاده‌ای است که در انتهای فیلم، تلما و لوییز به سمت مرگ پیش می‌روند. تصویر در ابتدای این پلان، سیاه و سفید است و سپس رنگی می‌شود. گویا مؤلف می‌گوید این داستان ریشه در گذشته‌های جامعه آمریکا دارد. عمده میزانشن‌های این فیلم از جمله صحنه آغازین و پایانی این فیلم، بیابان است. به نظر می‌رسد علت آن اشاره به دو مطلب باشد. یکی خشن بودن بیابان و استعاره قرار گرفتن دو زن در محیطی خشن و دیگری ارجاع



نتیجه‌گیری

مضمون اصلی فیلم سینمایی *تلما و لوییز*، نقد نظام مردسالار و زن‌ستیز آمریکاست. خشونت جنسی در این فیلم وجوه مختلفی مانند آزارهای کلامی، اشاره‌ای، تجاوز و غیره دارد که البته مهم‌ترین مسئله تجاوز است. کارگردان به مسئله تجاوز به زنان پرداخته و عواقب آن را که می‌تواند سال‌های زیادی در ذهن زنان باشد، به تصویر کشیده است. علت این همه خشونت جنسی به زن در فیلم چیست؟ مؤلف با خلق شخصیت‌های داریل، مرد متجاوز و تلما نشان می‌دهد نظریه‌های فشار اجتماعی، آسیب‌شناسی روانی و منابع، توضیح مناسبی برای علت تجاوز نیست، بلکه علت تجاوز، جامعه مردسالار آمریکاست که به مردان اجازه می‌دهد به زنان به‌عنوان موجوداتی ضعیف‌تر و موجوداتی صرفاً جنسی تجاوز کنند. به همین دلایل، تلما و لوییز در پایان فیلم، چاره‌ای جز حذف خود نمی‌بینند؛ زیرا زندگی در این جامعه را ناامن می‌دانند. در حقیقت، آنها نیستند که مقابل این دره ایستاده‌اند، بلکه مردهای جامعه هستند که آنها را به این پرتگاه کشانده‌اند و این مضمون، هم به شکل ظاهری از سوی پلیس که همگی مردند و مقابل دره، آنها را محاصره کرده‌اند و هم به شکل استعاری از ابتدای فیلم تا آخر، بیان شده است. به بیان ساده‌تر تلما و لوییز قصد قتل نداشتند و هیچ‌گاه نمی‌خواستند به مکزیکی بروند، بلکه ساختار جامعه مردسالارانه آمریکا که زن را فقط وسیله شهوت مرد می‌داند، باعث شد آنها به این پرتگاه کشیده شوند. خود پرتگاه نیز بیان

تصویری به ژانر وسترن (دارگیس، ۱۳۷۷) که بیان‌کننده تاریخ آمریکا در آن مقطع زمانی است. این ارجاع دلایل دیگری هم دارد. مانند وجود عناصری مثل قطار، گله گاوها، دوئل بین تلما و لوییز و خودروهای پلیس و کلاه کابویی.

به‌نظر می‌رسد ریدلی اسکات با این ارجاع به ژانر وسترن می‌خواسته وضعیت فرهنگی جامعه کنونی آمریکا را به دوران مردسالاری و خشونت جنسی در ژانر وسترن تشبیه کند. گویا ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه آمریکا هنوز تغییری نکرده است. همان‌طور که بیان شد سیاه و سفیدبودن ابتدای پلان اول فیلم نیز شاهد این ادعاست که مؤلف، ریشه مضمون و محتوای این فیلم را در ساختارهای گذشته جامعه آمریکا می‌داند. طراحی لباس در این فیلم، معانی متعددی را با خود منتقل می‌کند. در فضا سازی بسیار آشکار، راننده کامیونی که مرتب تلما و لوییز را با اشاره‌های جنسی آزار می‌دهد، از کلاهی استفاده می‌کند که منقش به پرچم آمریکاست و نمادی برای این تفکر است. همچنین تلما و لوییز با لباس‌های زیبا و آرایشی جذاب مسافرت خود را شروع می‌کنند، ولی در ادامه سفر این ظاهر زیبا و زنانه به ظاهری مردانه، خشن و زشت تبدیل می‌شود، به‌طوری‌که در پایان سفر، تلما کلاه راننده کامیون را برمی‌دارد و لوییز کلاه یک پیرمرد را می‌خرد و بر سر می‌گذارد. شاید کارگردان با این تفاوت گریم و طراحی لباس می‌خواهد نشان دهد که خشونت جنسی بر زنان، آنها را تبدیل به موجوداتی خشن و مردانه می‌کند.



استعاری زیبایی از موقعیت پایانی زندگی تلمای و لوییز است.

روایت فیلم تلمای و لوییز دوگانه‌های متعددی را پیش روی ما می‌گذارد. دوگانه جنسیت مردانه و زنانه؛ دوگانه اسارت و آزادی. دوگانه خامی و تجربه و در نهایت دوگانه شهر یا تمدن و بیابان. تلمای و لوییز در ابتدای فیلم از جامعه و محیط سلطه‌گر مردانه به‌نوعی (موقت) فرار می‌کنند و به دامن جهان زنانه خود می‌روند. همین‌طور آنها از اسارت به‌سوی آزادی حرکت می‌کنند؛ اسارت در جامعه مردانه و آزادی مطلق که هنگام خودکشی و رهایی بین زمین و آسمان خودش را نشان می‌دهد. از شهر و تمدن حرکت می‌کنند و به بیابان می‌رسند. البته این مسئله دارای کنایه است. بدین معنی که زنان، بودن در بیابان را به تمدنی که مردسالار باشد، ترجیح می‌دهند و در نهایت حرکت از خامی و جهل به تجربه و دانایی نسبت به جامعه مردسالار. این فیلم به‌خاطر مضمون جنجالی و گزنده خود و همچنین کارگردانی بی‌نقص ریدلی اسکات از فیلم‌های برتر و ماندگار جهان به‌شمار می‌رود که منتقدان و مخاطبان به آن توجه ویژه‌ای دارند.

منابع

۱. ابوت، پاملا؛ کلر، والاس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.

۲. بوردل، دیوید؛ تامسون، کریستین (۱۳۸۵)، *هنر سینما*، ترجمه: فتاح محمدی، تهران: نشر مرکز.
۳. جمعی از نویسندگان شورای اجتماعی کشور، انجمن جامعه‌شناسی ایران، (۱۳۹۳)، *آسیب‌های اجتماعی خانواده*، نابسامانی، خشونت و طلاق (ج ۱)، تهران: آگاه.
۴. راوودراد، اعظم و الهی‌فر، کبری (۱۳۹۲)، «تماشاگری زن و لذت زنانه در سینما: خوانشی زنانه از فیلم‌های تلمای و لوییز و واکنش پنجم»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۳.
۵. جمعی از نویسندگان، *فمینیسم؛ شکست افسانه آزادی زنان* (۱۳۸۸)، تهران: معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه.
۶. گروسی، سعیده (۱۳۹۵)، *جنسیت، جامعه و جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. مهروز، جلیل؛ ندایی، امیرحسین و صفورا، محمدعلی (۱۳۹۹)، «تحلیل نئوفرمالیستی فیلم سینمایی سفیر»، *میدان مشق هنر*، سال اول، ش ۳.
۸. مانولا، دارگیس (۱۳۷۷)، «تلمای و لوییز و سنت فیلم‌های جاده‌ای مردانه»، ترجمه: مهشید زمانی، *فارابی*، ش ۲۹، ص ۱۰۸.



تربیت جنسی؛ چیستی، راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای آن

ابراهیم شفیعی سروستانی^۱

چیستی تربیت جنسی^۲ و تفاوت آن با آموزش جنسی^۳
 واژه «تربیت جنسی» نیز چون «آموزش جنسی» در جامعه ما تا حدودی ناشناخته است و به همین دلیل حساسیت‌هایی درباره آن وجود دارد، اما باید توجه داشت صاحب‌نظران تعلیم و تربیت از دیرباز در کنار دیگر حوزه‌های تربیت؛ چون تربیت اخلاقی و عقلی به این موضوع نیز توجه داشته و به‌ویژه با آغاز تغییرات بلوغ در نوجوانان آن را ضروری دانسته‌اند.

فیض کاشانی^۳، فقیه، فیلسوف، عارف، محدث و استاد برجسته اخلاق و تربیت اسلامی در قرن یازدهم هجری، در کتاب *الحقائق فی محاسن الاخلاق* درباره ضرورت تربیت جنسی می‌نویسد:
 «شهوة و تمایل جنسی، برای ایفای لذت جنسی و بقای نسل در آدمی به ودیعت نهاده شده است، اما بدون تردید این تمایل نیرومند و سرکش، به تعدیل و هدایت نیاز دارد و

مقدمه

در شرایط کنونی جامعه ما که روابط و رفتارهای ناهنجار جنسی، روزبه‌روز گسترش و عمق بیشتری پیدا می‌کند، رسانه ملی چاره‌ای جز وارد شدن به حوزه مباحث تربیت جنسی و انجام دادن مسئولیت‌های مهم خود در این زمینه به‌ویژه آگاهی‌بخشی به جوانان و نوجوانان، در زمینه نحوه تربیت جنسی و آسیب‌های روابط و رفتارهای ناهنجار جنسی و راه‌های درمان‌ماندن از این آسیب‌ها را ندارد.

ورود به این حوزه بدون در نظر داشتن مبانی دینی و آموزه‌های فقهی و اخلاقی اسلام و بدون تبیین دقیق تربیت جنسی و داشتن راهبردها و سیاست‌های دقیق و مشخص، می‌تواند موجب دامن‌زدن به آسیب‌ها و ناهنجاری‌های بیشتری در این زمینه شود. از این رو نویسنده این مقاله تلاش دارد با تبیین دقیق تربیت جنسی از منظر اسلام، راهبردها و راهکارهایی را برای استفاده برنامه‌سازان رسانه ملی ارائه نماید.

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم؛ (shafie.e@qhu.ac.ir)

2. Sexual education.

3. Sexuality education.



در صورتی که مهار نگردد و به افراط و تفریط گراید و به اعتدال نباشد، دین و دنیای آدمی را تباه می‌سازد؛ زیرا در صورت افراط، سه پیامد خطرناک در پی دارد: یک - غریزه جنسی بر عقل چیره می‌گردد و آن را اسیر خود می‌سازد. در این صورت، هوسبازی و شهوت‌رانی، اساسی‌ترین هدف زندگی شخص به‌شمار می‌رود و از کمال و سعادت باز می‌ماند. دو - تمایل جنسی، دین و دینداری را مقهور خود می‌سازد. در این صورت، حلال و حرام برای آدم شهوت‌ران بی‌معنا خواهد بود و رفته‌رفته به انحراف جنسی تن می‌دهد. سه - آسیبی که تمایل جنسی هدایت‌ناشده به بار می‌آورد، شهوت‌پرستی است؛ یعنی شهوت جنسی ممکن است آدمی را به عشق‌بازی حیوانی بکشاند. در آن صورت، از عقل و دین به‌طور کلی برکنار خواهد ماند و غلام حلقه به گوش شهوت جنسی خواهد شد». (فیض کاشانی، ۱۴۲۳، ص ۵۹)

بنابراین، اگر تمایل جنسی به افراط باشد آدمی را به سقوط حتمی می‌رساند. البته چنان‌که افراط، زیانبار است، تفریط، نیز مشکل‌ساز است و اختلال‌ها، ناهنجاری‌ها و بیماری‌های جسمانی و روانی پدید می‌آورد. بنابراین، باید ارضای تمایل جنسی با هدایت و تعدیل همراه گردد و به دور از افراط و تفریط، غریزه جنسی از تسهیلات ارضای معقول و مشروع بهره‌مند گردد. (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱)

فیض در جای دیگر چنین آورده است:

«امام، اسوه و الگو در زمینه تربیت و عفاف جنسی، حضرت یوسف علیه السلام است. او امام کسانی است که می‌خواهند تمایل جنسی خود را مهار سازند و با انحراف‌ها و ناهنجاری‌های جنسی مبارزه کنند». (همان)

موریس دُپس،^۱ روان‌شناس و صاحب‌نظر برجسته علوم تربیتی، در این زمینه می‌نویسد: «تغییرات بلوغ به معنی اخص کلمه، مستلزم تربیت جنسی است، ولی هنوز نه در خانواده به این تربیت اهمیت کافی داده می‌شود، نه در مدرسه. اغلب اوقات پدر و مادر از به‌جا آوردن وظیفه خود، شانه خالی می‌کنند و دبیران نیز خود را به کوری می‌زنند، در صورتی که باید این نکته را خوب به‌خاطر داشت که تربیت جنسی جزو لاینفک وظایف مربیان است. اگر ما مسئله جنسی را از لحاظ اهمیت در ردیف دیگر فعالیت‌های انسانی قرار دهیم و آن را موضوع جداگانه و امری نشماریم که گفت‌وگو از آن گناه است، بسیاری از مشکلاتی که امروز ظاهراً وجود دارد از میان خواهد رفت» (موریس دپس، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰). این صاحب‌نظر، در ادامه دو وظیفه مربیان در زمینه تربیت جنسی را چنین برمی‌شمارد:

اول اینکه باید نوجوانان را از وقوع این تغییرات که آنان را غافلگیر و غالباً نگران می‌کند، آگاه سازد؛ دوم اینکه باید از ظهور برخی انحراف‌های معمول غریزه جنسی در نوجوانان جلوگیری کند و هرگاه به چنین انحراف‌هایی برخورد، آنها را به راه راست بازآورد. جهالت و شتابزدگی جنسی در واقع

1. Maurice debesse



میان‌سالی، ادامه می‌یابد. یکی دیگر از صاحب‌نظران، در این زمینه چنین می‌نویسد:

«تربیت جنسی یکی از انواع تربیت است که در کنار دیگر تربیت‌ها همچون تربیت اجتماعی، تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی، تربیت مدنی و تربیت سیاسی قابل طرح است. تربیت جنسی، ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی درباره مسائل جنسی مربوط به هر فرد است یا تربیت جنسی در اختیارگذاشتن اطلاعات لازم درباره مسائل می‌باشد که به‌نوعی با گزینه جنسی انسان مرتبط است یا می‌توان گفت تربیت جنسی شامل همه اطلاعاتی است که از دوران اولیه زندگی در جهت رشد متعادل و مناسب گزینه جنسی صورت می‌گیرد. تربیت جنسی، معنای وسیع‌تری از آموزش جنسی دارد و فراتر از احساس جنسی، به رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی افراد نیز نظر دارد. در مفهوم تربیت جنسی مهم این است که غرض از تربیت جنسی از دیدگاه ما پرورش، تعدیل و جهت‌دهی است نه پروردن و اوج‌دادن.» (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۶، ص ۱)

برخی از پژوهشگران نیز تربیت جنسی را این‌گونه معنا کرده‌اند:

«منظور ما از تربیت جنسی، این است که زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی طوری فراهم شود که استعدادها و شخصی برای رسیدن به کمال اختیاری فرد شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری کند. از این رو، می‌توان گفت هدف از تربیت جنسی، دستیابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و

دو خطر بسیار بزرگ در این مرحله از رشد آدمی است. (همان)

برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی و تربیت درباره مفهوم تربیت جنسی می‌نویسند:

«در کتاب‌های پزشکی همگانی، تربیت جنسی، اغلب در مفهوم آموزش جنسی است، ولی تربیت جنسی، مفهوم وسیع‌تری دارد؛ زیرا نه تنها احساس جنسی را دربرمی‌گیرد، بلکه دارای خصوصیت رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است.» (کوچتکف و لاپیک، ۱۳۶۹، ص ۵-۶)

صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه تربیت، تعریف‌های متعددی برای تربیت جنسی ارائه داده‌اند که از آن جمله می‌توان به این تعریف‌ها اشاره کرد:

مقصود از تربیت جنسی این است که طفل را به‌گونه‌ای بی‌پروانیم که چون به سن بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد و به وظایف زناشویی و همسری آگاه باشد و از لایبالی‌گری بپرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی، خُلق و خوی او باشد و در وادی شهوت سرگردان نشود. برای مثال در هفت تا ده سالگی، باید آداب اذن‌گرفتن برای ورود بر والدین و احکام نگاه برای او بیان شود. در ده تا چهارده سالگی باید او را از تحریکات جنسی دور سازیم و از سن چهارده به بعد، باید [مسائل] بلوغ و به‌تدریج مسائل ازدواج و عفاف را برای او بیان کنیم. (عبدالله ناصح علوان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۶۵)

بر اساس این تعریف، تربیت جنسی، از آغاز کودکی شروع می‌شود و تا سن جوانی و



آدابی درباره چگونگی اعمال و ارضای غریزه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب آن یاری کند». (ثابت، ۱۳۹۰، ص ۴۴)

یکی از صاحب نظران حوزه تربیت جنسی پس از نقل تعریف‌های موجود در این زمینه چنین می‌نویسد:

«تعریف‌های پیش گفته، از ابهام برخوردارند. به نظر می‌رسد که تربیت جنسی عبارت است از اینکه فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به گونه‌ای پرورده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با هم‌جنس و جنس مخالف را فرا گیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط همسر آشنا گردد و در سایه آن به آرامش برسد؛ به گونه‌ای توانمند شود که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله و جلب خشنودی خداوند، به کار گیرد». (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

این صاحب نظر پس از ارائه این تعریف می‌نویسد:

«با توجه به این تعریف، تربیت جنسی، حوزه وسیعی را در برمی‌گیرد و شامل فعالیت‌های تربیتی‌ای است که از آغاز زندگی، مرحله به مرحله در جهت رشد متعادل و

متناسب غریزه جنسی صورت می‌گیرد تا فرد، با وظایف و رفتارهای جنسی آشنا شود و به اهداف تربیتی جنسی از قبیل مودت و رحمت و آرامش در زندگی و سلامت روان برسد و نسل هم تداوم پیدا کند». (همان)

از آنچه بیان شد، معلوم گردید که تربیت جنسی، تنها آموزش جنسی یا انتقال دانستنی‌های جنسی یا پروردن و اوج دادن غریزه جنسی نیست. پس نمی‌توان تربیت جنسی را تنها به انتقال اطلاعات و آگاهی‌ها در ساحت مسائل جنسی یا فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی تعریف کرد، بلکه مقصود از تربیت جنسی، تربیت بر محور اخلاق جنسی است. بنابراین، مجموعه آموزش‌ها، ایجاد موقعیت‌ها و زمینه‌سازی‌هایی که متربی را با ارضای هدایت و تعدیل غریزه جنسی آشنا می‌سازد و زمینه رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی او را فراهم می‌آورد و او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می‌دارد و سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی‌اش را رقم می‌زند، تربیت جنسی نام دارد. (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱)

در کشور ما متأسفانه تصویر درستی از آموزش جنسی وجود ندارد و به دلیل وجود برخی باورهای نادرست، آگاهی‌بخشی درباره موضوعات جنسی، آن‌طور که شایسته است اشاعه پیدا نکرده و در این زمینه آشفتگی بسیاری مشاهده می‌شود که باید اقدامات اساسی در این زمینه صورت بگیرد.

برای «آموزش جنسی» یا به تعبیر برخی نویسندگان، «آموزش موضوعات جنسی»،^۱ در تعریف نسبتاً کامل‌تری چنین آمده است:

1. Sexual education.



درست از غریزه جنسی می‌باشد که با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ابهام‌های ذهنی دختران و پسران، آشنا کردن آنها با وظایف و تکالیف بهداشتی و شرعی خود، جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده جنسی از کودکان و انحراف جنسی نوجوانان و جوانان و در نهایت، زمینه‌سازی برای ازدواج و تشکیل خانواده و انجام‌دادن درست وظایف زناشویی انجام می‌شود.

باید توجه داشت آموزش جنسی به مفهومی که از دهه شصت میلادی به این سو، در غرب رواج یافت، آثار و پیامدهای منفی فراوانی داشته است. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران غربی نیز با آن به مخالفت برخاسته‌اند.

برای جلوگیری از آثار منفی آموزش جنسی، در ارائه این‌گونه آموزش‌ها به گروه‌های مختلف سنی و جنسی باید به نکات ذیل توجه شود:

۱. نقش اصلی و محوری خانواده در آموزش جنسی؛
 ۲. نیازهای متفاوت آموزشی دختران و پسران؛
 ۳. تفاوت اهداف آموزش جنسی در سنین مختلف؛
 ۴. رعایت کامل مرزهای حیا و عفت؛
 ۵. پرهیز از تحریک زود هنگام غریزه جنسی؛
 ۶. رعایت کامل موازین فقهی و اخلاقی اسلام در ارائه آموزش‌ها. (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳)
- مراحل مختلف تربیت جنسی را می‌توان به این شرح برشمرد:

منظور از آموزش جنسی، ارائه اطلاعات کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها در این سن، نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات. (شرفی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳)

بر این اساس، آموزش جنسی باید مستقیم و غیرمستقیم و با هدف پرورش نسل سالم و جامعه صالح انجام شود. صلاح و فساد هر جامعه بر اساس صلاح و فساد افراد و روابط آنها با یکدیگر و از جمله روابط جنسی شکل می‌گیرد. اگر همه یا بیشتر افراد جامعه، سالم باشند و روابط آنها با یکدیگر، با ارزش‌ها و هنجارهای دینی منطبق باشد، آن جامعه، جامعه‌ای سالم است. آموزش مسائل جنسی، به‌صورت صحیح و کامل در هر دوره و فراگیری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و عملکردهای افراد در هر مقطع سنی، افراد را به‌سوی صلاح و پرهیز از فساد می‌کشاند و سلامت روان را برای آنان به‌دنبال دارد و در نتیجه، نسل جامعه، سالم پرورش می‌یابد و جامعه، سالم می‌شود. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۲)

با توجه به مطالب یادشده، مراد از آموزش جنسی، بیان اطلاعات و آموزش‌های لازمی است که متناسب با سن، جنس و نیاز مخاطب در زمینه جنسیت، هویت جنسی، اندام‌های جنسی، چگونگی تولید مثل، تغییرات جسمی و روانی دوران بلوغ و احکام و دستورهای شرعی و بهداشتی مرتبط با آن، بایسته‌های تعامل و ارتباط با جنس مخالف، چگونگی خویش‌داری جنسی و استفاده



اول. دوره کودکی

تربیت جنسی از اوان طفولیت موضوعیت می‌یابد، ولی از زمان ورود به سن تمییز (حدوداً شش سالگی) وارد مرحله حساس‌تری می‌شود. در این مقطع، هدف اصلی پیشگیری از بروز احساس جنسی قبل از موعد، کم کردن زمینه‌های سوءاستفاده جنسی از کودکان و پیشگیری از بروز عادت‌هایی است که در آینده، اخلاق جنسی آنان را مختل می‌کند. برخی آموزه‌های تربیتی ناظر به این مقطع سنی است.

از سوی دیگر، در این مقطع سنی، فرزند رفتارهای عفیفانه و حیاءآمیز را در پوشش سلوک خانوادگی و اجتماعی فرامی‌گیرد و مرز میان حریم شخصی، خانوادگی و عمومی، مرز میان محرم و نامحرم و هم‌جنس و ناهم‌جنس را تشخیص می‌دهد. رفتار عملی والدین بیش از توصیه‌های گفتاری در پیدایش عادت‌های پسندیده در این مقطع و شکل‌گیری اخلاق جنسی، مؤثر است. (همان)

به اعتقاد برخی کارشناسان، مهم‌ترین اهداف رفتاری تربیت جنسی در دوره کودکی عبارتند از:

۱. ایجاد عادت‌های مطلوب جنسی یا در واقع، پیشگیری از عادت‌های نامطلوب جنسی؛
۲. پاسخ‌های متناسب و درخور فهم کودکان به سؤالات جنسی آنها؛
۳. کمک به شکل‌گیری هویت جنسی متناسب با جنسیت کودک؛
۴. پیشگیری از بیداری جنسی پیش از موقع.

صاحب‌نظر دیگری، اهداف یادشده را

این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویت جنسی؛
۲. پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی؛
۳. پاسخ‌دادن به پرسش‌های جنسی کودکان. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵)
- برخی از کارشناسان، برای دوره کودکی با توجه به جنسیت و با توجه به سطح فهم و درک دختران و پسران، این محتوای آموزشی را توصیه می‌کنند:
۱. مباحث مربوط به دوران بلوغ و علایم آن (به‌ویژه برای دختران)؛
۲. احکام طهارت (بدون ذکر مستحبات و مکروهات)؛
۳. خلاصه‌ای از احکام غسل و انواع آن؛
۴. احکام وضو (با استفاده از تصویرها، بدون ذکر مستحبات)؛
۵. احکام تیمم در حد ضرورت؛
۶. بیان مسائل مربوط به حجاب و اهمیتی که اسلام به رعایت حجاب، به‌ویژه برای دختران می‌دهد؛
۷. خلاصه‌ای از مسائل مربوط به محارم؛
۸. آگاهی از نقش جنسی و اینکه دختر از دختر بودن خود و پسر از پسر بودن خود احساس مباهات کند؛
۹. آگاهی مختصر از ساختمان و کار اعضای جنسی گیاهان و حیوانات.

دوم. دوره نوجوانی

با ورود به مقطع بلوغ و بروز احساس جنسی در پسران و دختران، تربیت و آموزش، شکلی جدید به خود می‌گیرد. تغییرات



با توجه به مطالب یادشده، مهم‌ترین اهداف رفتاری تربیت جنسی در دوران نوجوانی عبارتند از:

۱. آگاهی‌دادن درباره تغییرات جسمی بلوغ؛
۲. آشناسازی از طبیعی‌بودن تحولات نوجوانی؛
۳. تعدیل حالت‌های روانی؛
۴. پرورش هویت جنسی نوجوان؛
۵. توجه به نیاز جنسی و جهت‌دهی مطلوب به آن. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰)

برخی از صاحب‌نظران مهم‌ترین وظایف پدران و مادران در زمینه تربیت جنسی پسران و دختران را در دوران یادشده به شرح ذیل برشمرده‌اند:

۱. دادن آگاهی‌های لازم به دختران درباره عادت ماهانه و آماده‌کردن آنها برای رعایت بهداشت در دوران قاعدگی؛
۲. سفارش به پسران نوجوان در زمینه ضرورت رعایت عفت، پاکی، نزاکت و ادب به‌ویژه در رابطه با دختران؛
۳. دادن آگاهی‌های لازم به پسران نوجوان درباره تغییرات و اتفاقات دوره بلوغ جنسی و علایم این تغییرات از قبیل نعوظ، احتلام، تغییر صدا و...؛
۴. ارائه آگاهی‌ها و هشدارهای لازم به پسران در زمینه خودارضایی؛
۵. ارائه آگاهی‌ها و هشدارهای لازم به دختران درباره رعایت مرزهای حیا، عفاف و حجاب در ارتباط با جنس مخالف.

سوم. دوره جوانی

شخصیتی در سنین نوجوانی به‌ویژه درباره دختران به‌گونه‌ای است که اگر رفتار عاطفی و اطلاعات صحیح، راهنمایی‌های سازنده و نظارت عاقلانه از مجاری صحیح خود جریان نیابد، نوجوان در دام اظهار محبت‌های ساختگی گرفتار می‌شود یا به مسیرهای دیگر کسب اطلاعات مراجعه می‌کند و فرصت بلوغ به تهدید بدل می‌گردد. سیر اطلاع‌رسانی به وی برحسب سن و شرایط جسمی و روحی، از اجمال و کنایه به تفصیل و تصریح است و در هر صورت، در فضایی کاملاً عفیفانه انجام می‌شود. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰)

در دوره نوجوانی، تأثیر نیرومند احساسات مربوط به تمایلات جنسی، جای بسیاری از تصورها و مفاهیم ذهنی را می‌گیرد، آثار دل‌بستگی جنسی در رفتار آنان آشکارا منعکس می‌شود و طبیعت نوجوانان در دوره بلوغ جنسی تغییر می‌کند. آنها بیشتر عصبانی و سرکش می‌شوند و این تغییرات با ظهور میل جنسی اعم از امیال ارضاشده یا نشده در برخی از آنها آشکار است.

مهم‌ترین نگرانی‌های دوره اول بلوغ عبارتند از: نگرانی درباره عادی‌بودن؛ نگرانی درباره ویژگی‌های جنسی؛ نگرانی درباره اندازه؛ نگرانی درباره وزن؛ نگرانی درباره آلت تناسلی؛ نگرانی درباره ویژگی‌های ثانوی جنسی (مثل رشد سینه در دختران و رشد ریش و سبیل در پسران). در این زمینه، والدین و مربیان با دادن آگاهی‌های مناسب باید منشأ این نگرانی‌ها را از نوجوان بزدایند.



در میان انبوه مشکلاتی که جوانان امروز با آن روبه‌رو هستند، هیچ‌کدام به اندازه مشکل جنسی مهم نیستند. باید اعتراف کرد متأسفانه این مشکل با ماشینی‌شدن هرچه بیشتر زندگی، افزایش مدت تحصیل و دوره‌های تخصصی، راه‌یافتن تجمل به همه خانواده‌ها و تزلزل پایه‌های اعتماد دختران و پسران به یکدیگر، روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. ازدواج تنها راه مشروع و سالم برای رفع این مشکل است. همه ادیان الهی به‌ویژه دین مبین اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را توصیه کرده‌اند.

ازدواج به زن و مرد آرامش می‌بخشد و آنان را از انحراف و رفتارهای جنسی پر خطر و غیر اخلاقی باز می‌دارد. متأسفانه به علت فراهم‌نبودن شرایط ازدواج، جوانان در دام انواع انحرافات جنسی از جمله خودکام‌جویی‌های جنسی یا استمنایافتند. خطر و زیان این انحراف انکارناپذیر است؛ زیرا به‌زودی شکل «اعتیاد» به خود می‌گیرد؛ اعتیادی ریشه‌دار و کشنده تا آنجا که گاه در یک روز، چندین بار دامان مرتکبان خود را آلوده می‌سازد و ممکن است نوعی احساس کنترل‌ناپذیری نیز در افراد مبتلا ایجاد کند. (همان، ص ۲۶)

مهم‌ترین توصیه‌هایی که در این دوران می‌توان به جوانان داشت، چنین است:

۱. اجتناب از هرگونه تحریک مصنوعی؛
۲. تهیه برنامه فشرده و تمام‌وقت برای خود؛
۳. توجه مخصوص به ورزش؛

۴. جانشین‌کردن عادت مناسب به جای عادت نامطلوب؛
۵. پرهیز از تنهایی؛
۶. ازدواج در نخستین فرصت؛
۷. پرهیز از معاشرت و هم‌نشینی با افراد مبتلا به عادت‌های نامناسب؛
۸. تقویت عمومی بدن و داشتن رژیم غذایی کامل و سالم؛
۹. استمداد از نیروی ایمان و عقاید مذهبی. (همان، ص ۲۷-۲۹)

اهداف تربیت جنسی

برخی از صاحب‌نظران، بر مبنای دیدگاه فیض کاشانی^۱ اهداف تربیت جنسی را پاسخ متعادل به غریزه جنسی، تکمیل و تکامل انسان، بقا و حفاظت نسل، آسایش و صفای زندگی و ایجاد جامعه سالم برمی‌شمارد. (نک: همان، ص ۱۹۰-۱۹۴)

یکی دیگر از صاحب‌نظران، هدف‌های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام را به دو دسته هدف نهایی و اهداف واسطه‌ای تقسیم کرده و درباره هدف نهایی تربیت جنسی می‌نویسد:

«هدف نهایی تربیت جنسی، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی؛ یعنی قرب الی‌الله و وصول به کمالات شایسته و رضوان الهی است. تربیت جنسی، زیرمجموعه نظام تعلیم و تربیت است، لذا همه مبانی، اصول، روش‌ها و فعالیت‌های مربوط به جنسیت زن و مرد، باید در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی خداوند است.» (همان، ص ۲۴)

صاحب‌نظر یادشده اهداف واسطه‌ای تربیت جنسی را چنین بیان می‌کند:



ویلیام گاردنر در کتاب خود در این زمینه می‌نویسد:

جرج گیلدر در کتاب بسیار جالب خود با نام *انسان و ازدواج*، بر اساس مستندهای پژوهشی چنین بیان می‌کند: «مردان و زنان از زمان تولد بسیار با هم متفاوت هستند، ولی مردان در حوالی سن بلوغ، دیگر کاملاً با زنان متفاوت می‌شوند. از این زمان به بعد، مرد فقط پر از انرژی تعریف نشده است و همه این انرژی‌ها نیازمند هدایت فرهنگی هستند. زنان البته با چنین آشفتگی‌های بیولوژیکی روبه‌رو نمی‌شوند؛ زیرا خیلی زود آگاه می‌شوند که دارای ظرفیت معجزه‌آسایی برای به‌دنیا آوردن انسان زنده دیگری هستند.

اگر وجود برخی فشارهای اجتماعی برای هدایت مردان و انرژی‌های آنان به سوی اهدافی والاتر از خودشان و میل نفسانی‌شان نباشد، در بسیاری از جوامع انسانی، مردان به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر آماده اعمال پست و غیر مسئولانه شهوانی هستند. همچنین آنها به میزان فراوانی مستعد ارتکاب جرم هستند». (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۸۷)

بر اساس مطلب یادشده، والدین و نهادهای آموزشی که بار اصلی آموزش و تربیت جنسی کودکان، نوجوانان و جوانان را بر عهده دارند، باید به تفاوت‌های جنسی دختران و پسران توجه کنند و متناسب با نیاز آنان، اطلاعات و آموزش‌های لازم را در اختیارشان قرار دهند و توانمندی‌های لازم برای مهار و استفاده مناسب از گزینه جنسی را در آنها ایجاد کنند.

«منظور از هدف‌های واسطه‌ای، وضعیت‌های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه‌ساز رسیدن به هدف نهایی‌اند. این هدف‌ها دو دسته‌اند: هدف‌های کلی و هدف‌های رفتاری. اهداف رفتاری، خود، زمینه تحقق و دستیابی هدف‌های کلی را فراهم و تسهیل می‌کنند». (همان، ص ۲۶)

این صاحب‌نظر در ادامه، اهداف کلی تربیت جنسی را این‌گونه برمی‌شمارد:

۱. فراهم کردن بستر مناسب برای رشد سالم جنسی؛
 ۲. شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود؛
 ۳. ارضای صحیح و بهنجار گزینه جنسی؛
 ۴. پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاک‌دامنی در جامعه؛
 ۵. آماده‌سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی. (همان، ص ۲۶-۲۹)
- وی پس از تبیین و توضیح اهداف کلی، به تفصیل، اهداف رفتاری تربیت جنسی را در دو مقطع پیش از ازدواج و پس از ازدواج بررسی می‌کند. (همان، ص ۱۰۵-۱۰۶)

ضرورت توجه به تفاوت‌های جنسی دختران و پسران

نکته اساسی در تربیت جنسی، توجه به ویژگی‌های جنسی و آثار متفاوت بلوغ بر هر یک از دو جنس است. توجه به این تفاوت‌ها، می‌تواند پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌های ما در مورد تفاوت عملکرد دختر و پسر، از جمله افت تحصیلی پسران نسبت به دختران در مقطع راهنمایی و بالاتر باشد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳)



مبانی نظریه جنسی اسلام

از دید بسیاری از صاحب نظران، «حکمت عملی» یا «ایدئولوژی» هر مکتب، به «حکمت نظری» یا «جهان بینی» آن مکتب وابستگی زیادی دارد و مباحث حوزه معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی که معمولاً در حکمت نظری یا جهان بینی هر مکتب مطرح می شود، بر مباحث هنجاری، اخلاقی و حقوقی مطرح در حکمت عملی یا ایدئولوژی تأثیر بسیاری دارد.

به بیان دیگر، مسائل عقل عملی، جدا و بدون ارتباط با مسائل حیطه نظر نیست. بایدهایی که فیلسوف در مورد واقعیت جهان، انسان، غایتمندی و عدم غایتمندی جهان و انسان دارد، جهت گیری او را در اخلاق و بایدهایی تعیین می کند که درباره چگونه زیستن انسان است. بدون شک، پایه هایی که یک فیلسوف طبیعت گرا عنوان می کند، متفاوت است با پایه هایی که یک فیلسوف الهی برمی شمرد. به همین دلیل، در تبیین مسائلی که در فلسفه اخلاق یک فیلسوف وجود دارد، توجه به نظام فکری او درباره هستی و انسان ضروری است. در حقیقت، حکمت عملی هر مکتب به حکمت نظری آن وابسته است. (طاهریور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۵۴) استاد شهید مرتضی مطهری در این باره چنین می نویسد:

«ایدئولوژی هر مکتبی مبتنی است بر جهان بینی آن و جهان بینی آن مبتنی است بر نظریه اش درباره معرفت و شناخت. مترقی بودن هر ایدئولوژی بستگی دارد به مترقی بودن جهان بینی اش و مترقی بودن

جهان بینی اش بستگی دارد به مترقی بودن شناخت شناسی اش. در حقیقت، حکمت عملی هر مکتب وابسته است به حکمت نظری آن و حکمت نظری اش وابسته است به منطق آن مکتب. پس هر مکتب در درجه اول باید منطق خود را مشخص نماید». (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۲۸)

با توجه به مطالب یاد شده، نمی توان دیدگاه های یک مکتب درباره اصول اخلاقی حاکم بر حوزه ای خاص مانند روابط جنسی را بدون توجه به مبانی نظری آن مکتب، بررسی و مطالعه کرد که توجیه کننده ضرورت رعایت آن، اصول اخلاقی است. بنابراین، برای شناخت نظریه جنسی اسلام و تفاوت ماهوی آن با دیگر نظریه های جنسی به ویژه نظریه های مطرح در مغرب زمین، باید مبانی هستی شناسانه و انسان شناسانه این نظریه را مطالعه و نقد کرد.

در آموزه های اسلامی، هر نوع ارضای جنسی خارج از محدوده ازدواج زن و مرد، انحراف جنسی از مسیر طبیعت و امری ناهنجار است که مستوجب کیفر دنیوی است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۹)

شاهد بر این مطلب، آیه شریفه ذیل است که در آن کسانی که برای لذت جویی به غیر از همسران و کنیزان خود روی می آورند، متجاوز معرفی شده اند:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ به راستی که مؤمنان رستگار شدند ... و کسانی که پاک دامند مگر در مورد



که در محیط محرک، تحریک می‌شود و به رفتارهای ناهنجار اقدام می‌کند. (همان، ص ۳۰۱)

«مبانی» ناظر بر «اوصاف وجودی انسان، جهان و آفریدگار انسان و جهان هستند که از متون اسلام، استخراج و به یکی از دو شکل بسیط، یعنی مفاهیم یا مرکب، یعنی گزاره‌های اخباری یا توصیفی بیان می‌شوند و شالوده استخراج و تدوین اهداف اصول، برنامه‌ها و روش‌ها به شمار می‌آیند». (همان)

الف) مبانی هستی‌شناسانه

هستی به منزله بدیهی‌ترین بدیهیات، نخستین چیزی است که در مباحث فلسفی درباره آن بحث می‌شود. فلسفه اسلامی، به دلیل برخورداربودن از ماهیت دینی، مباحث خداشناسی، قانون‌مند و هدفمندبودن هستی و منحصرنبودن هستی به عالم دنیا و توجه به عالم آخرت، از محوری‌ترین مباحثی است که در این نظام فلسفی مطرح می‌شود و هدف آن، حصول تعالی و تقرب انسان به خداوند است، اما منظور از مبانی هستی‌شناسانه، گزاره‌های توصیفی است که بیان‌کننده دیدگاه اسلام در مورد هستی است (طاهرپور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۵۸). برخی پژوهشگران کشورمان در آثار خود، به تفصیل، مبانی هستی‌شناسانه اخلاق جنسی اسلام را بررسی و بر اساس این مبانی، اصول^۱ حاکم بر اخلاق جنسی این مکتب را بررسی کرده‌اند (همان) که خلاصه آن به این شرح است:

همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هرکه فراتر از این جوید آنان از حد درگذرند گانند». (مؤمنون: ۷۱)

در تفسیر **مجمع البیان** در ذیل این آیه شریفه چنین آمده است: «کسانی که به غیر از همسران و کنیزان خود روی می‌آورند، ظالم و متجاوزند». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۸)

همچنین در روایتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده است، آن حضرت در پاسخ به این پرسش که «یا بن رسول الله، در کجای کتاب خدا از عمل خودارضایی نهی شده است؟» به آیه یادشده استناد کرده و می‌فرماید:

«فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَهُوَ مِمَّا وَرَاءَ ذَلِكَ؛ ... این سخن خداوند که می‌فرماید: «پس هر که فراتر از این [ازدواج یا ملک یمین] جوید آنان از حد درگذرند گانند» و این عمل، از مصادیق، فراتر از این است.

با توجه به این روایت می‌توان هرگونه رفتار جنسی فراتر از موارد ذکرشده در آیه مذکور را رفتاری ناهنجار و از مصادیق انحراف جنسی به‌شمار آورد.

نکته قابل توجه این است که از دیدگاه اسلامی، همه رفتارهای ناهنجار جنسی، گناه محسوب می‌شوند؛ زیرا با آگاهی و اراده فرد صادر می‌گردد و هیچ اجباری بر آن نیست، بلکه این تمایل و هوای نفس خود فرد است

۱. مقصود از «اصول»، گزاره‌های تجویزی است که از مبانی هستی‌شناسی با رویکرد توصیفی - تحلیلی استنباط می‌شود و معیار عمل قرار می‌گیرد؛ تحقق این اصول نیز در گرو قبول مبانی هستی‌شناسی اسلام است که ناظر بر واقعیت هستی می‌باشند.



با توجه به نگاهی که دین اسلام در قالب کلام وحی به هستی دارد و همچنین مبانی هستی‌شناسانه آن، بینش، ملاک‌ها و معیارهای جدیدی برای شکل‌گیری شخصیت انسان در ابعاد مختلف وجودی وی از جمله شأن جنسی ارائه می‌دهد. بر این اساس، کلام وحی با لحاظ کردن مبانی هستی‌شناسانه‌ای همچون خدامحوری، هستی تجلی نظام احسن، هستی اعم از دنیا و آخرت و هدفمندی و زوجیت، اصول اخلاق جنسی خاصی را پایه‌ریزی می‌کند که مبتنی بر قداست، مرزشناسی، رضایت، حکمت، تمهید، پاک‌ی و طهارت، مصونیت، هدفمندی، جذابیت جنسی و تناسب است. (همان، ص ۷۲)

بی‌تردید، نوع نگاه انسان به هستی و مبدأ و منتهای آن، آثار گسترده‌ای بر چگونگی عملکرد او در همه حوزه‌های حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد. انسانی که به خداوند یکتا ایمان و باور دارد و او را شاهد و ناظر بر خود می‌داند، اوامر و نواهی پروردگارش را پذیرفته و در برابر آنها تسلیم محض است، هستی را هدفمند و نه پوچ و بیهوده می‌بیند، به جهان آخرت و روز رستاخیز اعتقاد دارد و معتقد است که باید روزی پاسخ‌گوی افکار، رفتار و گفتار ناپسند خود باشد، همه مناسبات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود، از جمله روابط جنسی را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که خداوند راضی و در مسیر احکام الهی باشد تا فردای قیامت مؤاخذه نشود. برخلاف انسانی که ربوبیت خداوند و حاکمیت او بر عالم تکوین و تشریح

را نپذیرفته و خود را مقید به هیچ چهارچوبی نمی‌داند؛ هستی را پوچ و بیهوده می‌پندارد و تنها در پی لذت‌جویی بیشتر است؛ به معاد و بازخواست روز رستاخیز اعتقادی ندارد و هیچ مسئولیتی در برابر خالق خود احساس نمی‌کند.

ب) مبانی انسان‌شناسانه

مراد از مبانی انسان‌شناسانه، مفاهیم یا گزاره‌های توصیفی است که دیدگاه اسلام را در مورد انسان بیان می‌کند. مفاهیم یا گزاره‌هایی که بر نظریه جنسی اسلام اثرگذارند (همان، ص ۵۷). یکی از پژوهشگران حوزه اخلاق جنسی، با توجه به این تعریف، مبانی انسان‌شناسانه نظریه جنسی اسلام را با استفاده از متون دینی به‌ویژه قرآن کریم استخراج کرده که برخی از آنها به این شرح است:

۱. به رسمیت شناختن غریزه جنسی؛
۲. آفرینش انسان بر اساس فطرت الهی؛
۳. کرامت‌داشتن انسان؛
۴. اندیشه‌ورزی انسان؛
۵. اصالت نفس و روح انسان. (همان، ص ۵۸-۷۰)

پژوهشگر یادشده، پس از بررسی تفصیلی مبانی انسان‌شناسانه نظریه جنسی اسلام می‌نویسد:

«اسلام برخلاف اخلاق جنسی کهن که غریزه جنسی را پلید می‌داند، بر عدم پلیدی غریزه جنسی و ارضای مشروع آن در چهارچوب خانواده تأکید می‌کند. همچنین برخلاف رویکرد لیبرال است که مبتنی بر مبانی اومانستی و سکولار به انسان، قوانین



اخلاق و نفی همه محدودیت‌های برخاسته از تعالیم دینی ثمره‌ای نداشت.

سوم - سکولاریسم^۳ یا دنیاگرایی که پیامد آن، بی‌توجهی به حیات اخروی و تمرکز نگاه بر سعادت دنیوی انسان، از یک سو و نفی حاکمیت دین در عرصه قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی از سوی دیگر بود.

چهارم - هدونیسیم^۴ یا لذت‌گرایی که غایت فعالیت انسان را رسیدن به لذت بیشتر می‌دانست و هرگونه هدف متعالی را نفی می‌کرد.

بر اساس این مبانی، نمودهای مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان تنها جنبه مادی، این‌جهانی، لذت‌طلبانه و سودگروانه یافتند و از هرگونه تقدس، معنویت و اهداف متعالی، اخروی و کمال‌طلبانه خالی شدند و صرفاً در خدمت ساختن بهشتی بریده از خدا در عرصه خاک قرار گرفتند. روابط زناشویی و جنسی زن و مرد نیز بر اساس همین مبانی، تعریفی متفاوت یافتند.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان به عمق و گستره تفاوت مبانی نظریه جنسی اسلام با مبانی نظریه جنسی حاکم بر مغرب‌زمین دست یافت؛ زیرا چنان‌که گفته شد، نظریه جنسی اسلام برخلاف نظریه جنسی غربی بر اساس باور به حاکمیت خداوند بر عالم تکوین و تشریح، مسئولیت انسان در برابر خداوند، اعتقاد و التزام به

اجتماعی و اخلاق جنسی است که نوعاً به‌دلیل عدم وجود یک نگاه جامع‌نگر از منظر دین دچار خلل است. به این معنا که در اسلام، غریزه جنسی در ارتباط با ابعاد الهی و ارزش‌های اخلاقی دینی لحاظ شده و افزون بر رعایت حدود آزادی دیگران، گرایش‌های عالی دینی-انسانی و احکام الهی نیز آزادی انسان را محدود می‌کند. در ضمن، اخلاق جنسی اسلامی اخلاقی صرفاً مبتنی بر تمتع و کام‌گیری جنسی نیست؛ زیرا از نگاه اسلام، نیاز جنسی صرفاً نیاز فیزیولوژیکی نیست، بلکه نیازی عاطفی و روانی است. بر این اساس، چیزی که مایه سکون بین زوجین است، همان مودت و رحمت الهی است که جاذبه‌ای معنوی میان زن و مرد ایجاد می‌کند و رابطه جنسی را الهی‌تر و انسانی‌تر می‌کند.» (همان، ص ۷۰-۷۱)

برای روشن‌تر شدن تفاوت مبانی نظریه جنسی اسلام با مبانی نظریه جنسی غربی توجه به این نکات ضروری است:

تفکری که پس از رنسانس و عصر روشنگری در مغرب‌زمین حاکم شد، بر چند پایه قرار داشت:

اول - اومانیسیم^۱ یا انسان‌گرایی که انسان را موجودی مستقل، بریده از آسمان و بی‌نیاز از هدایت‌های الهی معرفی می‌کرد.

دوم - لیبرالیسم^۲ یا اصالت‌بخشیدن به آزادی‌های فردی و انکار اصول و ارزش‌های ثابت اخلاقی که جز اباحی‌گری، نسبی‌شدن

1. Humanism.
2. Liberalism.
3. Secularism.
4. Hedonism.



ارزش‌ها، هنجارها و احکام برخاسته از تعالیم وحی، محدودنشدن زندگی انسان به عالم دنیا و ضرورت حرکت در مسیر رشد و کمال معنوی و نفی لذت‌گرایی غیرمسئولانه و بی‌حد و حصر شکل گرفته است.

رویکردهای جنسی

در طول تاریخ، رویکردهای متفاوتی به این غریزه وجود داشته است. در این باره می‌توان از سه رویکرد اصلی سخن گفت که عبارت‌اند از:

۱. رویکرد مبتنی بر رهبانیت (دیدگاه تفریطی)
اخلاق مبتنی بر رهبانیت که از آن با عنوان «اخلاق جنسی کهن» نیز یاد می‌شود، برگرفته از برخی آیین‌ها و مکتب‌ها در دوره‌های گذشته است. از جمله این آیین‌ها و مکتب‌ها می‌توان به آیین برهمایی (۸ تا ۹ ق.م)، آیین جایی (۶ ق.م) و آیین بودایی (۶ ق.م) در هند، آیین تائویزم در چین، آیین مانی (۲۴۰م) در ایران باستان، کلیبان در یونان، اسنیه^۱ (۲ ق.م) در میان یهودیان و مسیحیت در میان پیروان مسیح اشاره کرد.
پایه همه این آیین‌ها در اخلاق جنسی، مبتنی بر پلیدی غریزه جنسی، ریاضت‌طلبی و رهبانیت، دوری از ازدواج و تشکیل خانواده، طرد تمتع‌ها و لذت‌های دنیوی و تحریم آگاهی‌های جنسی است. (طاهریور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۵۵)

طرفداران این رویکرد بر این باورند که آمیزش جنسی هرگز با تکامل روحی سازگار نیست و امکان ندارد کسی بتواند هم به تکامل معنوی و روحی برسد و هم آمیزش جنسی داشته باشد و از لذت جنسی بهره ببرد. برای نمونه، برهمنان آیین بودا معتقدند کسی می‌تواند به مقامات بالای معنوی دست یابد که از همه تعلقات مربوط به غریزه جنسی، آزاد باشد. حتی علاقه به فرزند را با معنویت بیگانه می‌دانند. اصولاً ایشان زندگی درون خانه را اسارت و بردگی و امری پلید و ناپاک می‌شمارند و معتقدند انسان آزاد، کسی است که خانه و خانواده را ترک گوید. (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۶۸)

۲. رویکرد مبتنی بر آزادی روابط جنسی (دیدگاه افراطی)

از این رویکرد با عنوان «اخلاق نوین جنسی» نیز یاد می‌شود. نقطه شروع این رویکرد از دوره رنسانس به بعد است و در نهایت، این جریان در قرن بیستم به اوج خود رسید. از بنیان و متفکران این اخلاق جنسی می‌توان از مارکس^۲ (۱۸۱۸-۱۸۸۳م)، انگلس^۳ (۱۸۲۰-۱۸۹۵م)، فروید^۴ (-۱۹۳۹) ۱۸۵۶م، راسل^۵ (۱۹۷۰-۱۸۷۲م) و کینزی^۶ (۸۹۴-۱۹۷۰م) نام برد. این متفکران با بیان دیدگاه‌های خود در حیطه مسائل و مشکلات جنسی، پایه‌های علمی، اخلاقی و

1. Esniah.
2. Karl Marx.
3. Friedrich Engels.
4. Sigmund Freud.
5. Bertrand Russell.
6. Alfred Kinsey.

شهید مرتضی مطهری با استفاده از گفته‌ها و نوشته‌های طرفداران رویکرد یادشده، اصول و پایه‌های آن را چنین برمی‌شمارد:

۱. آزادی هر فردی مطلقاً محترم است و باید محفوظ بماند، مگر آنجا که مزاحم آزادی دیگران باشد، به عبارت دیگر: آزادی را جز آزادی، نمی‌تواند محدود کند.

۲. سعادت بشر در گرو پرورش استعدادهایی است که در نهاد خود دارد، خودپرستی‌ها و ناراحتی‌های روحی ناشی از آشفتگی غرایز به‌ویژه غریزه جنسی است و آشفتگی غرایز از ارضا و اشباع شئون آنها ناشی می‌گردد.

۳. آتش میل و رغبت بشر بر اثر منح و محدودیت، فزونی می‌گیرد و مشتعل‌تر می‌گردد و با ارضا و اشباع، کاهش می‌یابد و آرام می‌گیرد. برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری از عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که هرگونه قید و ممنوعیتی در این راه از جلو پایش برداشته شود. چنان‌که ملاحظه می‌شود، اصل اول از اصول بالا، فلسفی و اصل دوم، تربیتی و اصل سوم، روانی است. (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۶۴۵)

۳. رویکرد اسلامی (دیدگاه معتدل)

رویکرد اسلامی به مسائل جنسی، رویکرد اعتدالی و عبادی است. این رویکرد در آرای متفکران مسلمان همچون ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق)، غزالی (۵۰۵-۵۰۵ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵-۱۳۵۸ق) و شهید مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) مشهود است. (طاهرپور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۵۶)

فلسفی آزادی روابط جنسی را پی‌ریزی کردند. (طاهرپور و شرفی، ۱۳۹۰، ص ۵۵)

در دوران جدید، پس از طرح گسترده مسائل روان‌شناسی و روان‌کاوی و پیشرفت نسبی روان‌شناسی، دیدگاهی کاملاً مخالف با دیدگاه پیشین، درباره غریزه جنسی مطرح شد؛ دیدگاهی کاملاً افراطی و البته با تبلیغات فراوان. طراح اصلی این دیدگاه، زیگموند فروید، روان‌شناس و روان‌کاو مشهور اتریشی بود. اینان ریشه همه مشکلات اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی را در سرکوبی غریزه جنسی می‌دانستند. پیروان این دیدگاه توصیه می‌کنند: «محدودیت‌ها را بردارید تا ریشه مردم‌آزاری و کینه‌ها و عداوت‌ها کنده شود. عفت را از میان بردارید تا دل‌ها آرام بگیرد و نظم اجتماعی برقرار گردد. آزادی مطلق اعلام کنید تا بیماری‌های روانی رخت بربندد.» به تعبیر شهید مطهری، آنان میان اشباع غریزه و سرکوب‌نکردن آن از یک طرف و آزادی جنسی و رهاکردن بی‌قید و شرط آن از سوی دیگر خلط کرده‌اند. چنین نگرشی به انسان، به معنای انحطاط مقام انسانی در حد حیوانی سراپا جنسی است. این امر در حقیقت، اندیشه‌ای یک‌سونگرانه و تک‌بعدی درباره انسان است. البته به نظر می‌رسد ابتدال‌های جنسی که امروزه در جهان روی می‌دهد، ناشی از تغییر نگرش افراد و جوامع به مسائل اخلاقی به‌ویژه اخلاق جنسی است؛ امری که با عنوان «نسبیت اخلاق» شناخته می‌شود. (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۷۰)



از دیدگاه اسلام، گزینه جنسی، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی و حکیمانه‌ترین وسیله‌ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسانی را تضمین می‌کند. اسلام نه تنها میان «معنویت» و «بهره‌مندی از لذات جنسی» منافاتی نمی‌بیند، بلکه بهره‌مندی مشروع از این گزینه را شرط تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین اسباب و وسایل وصول به سعادت واقعی می‌داند. قرآن کریم با امرکردن به ازدواج، جواز و قبیح نبودن اخلاقی آمیزش جنسی را در صورت رعایت شرایط آن بیان کرده و دور نگه‌داشتن دامن از حرام و آمیزش با همسران و کنیزان را جزو صفات مؤمنان برشمرده است که در این صورت، نکوهشی بر انسان نیست. (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۷۱)

در ادامه دیدگاه اسلام را درباره مسائل جنسی و چگونگی سامان‌دهی روابط جنسی در جامعه بیشتر بررسی خواهیم کرد. با توجه به تفاوت‌های گسترده و عمیق دیدگاه اسلامی و دیدگاه غربی در زمینه چگونگی برخورد با گزینه جنسی انسان و همچنین آثار فراوان تبیین این تفاوت‌ها درپیش‌گرفتن سیاست‌ها و راهکارهای عملی مواجهه با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی، در این فصل جوانب مختلف نظریه جنسی اسلام و تفاوت‌های آن با نظریه‌های جنسی غربی را تبیین می‌کنیم. برخی از نویسندگان، «نظریه» را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«یک نظریه مجموعه‌ای از سازه‌ها (مفاهیم)، تعاریف و گزاره‌های به هم مرتبط است که از طریق مشخص‌ساختن روابط بین

متغیرها، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، دید نظام‌یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند».

(کرلینجر، ۱۳۷۷، ص ۲۹)

بر اساس این تعریف، مراد از «نظریه جنسی اسلام»، مجموعه‌ای از سازه‌ها (مفاهیم)، تعاریف و گزاره‌های به هم مرتبط برگرفته از آموزه‌های اسلامی است که از طریق مشخص‌ساختن روابط بین متغیرها، دید نظام‌یافته‌ای از گزینه جنسی انسان ارائه می‌کند.

قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام برای سامان‌دهی گزینه جنسی در جامعه، یک نظام به هم‌پیوسته معنایی را ارائه داده‌اند که از مجموع آنها می‌توان به‌عنوان «نظریه جنسی اسلام» یا «اندیشه سازمان‌یافته اسلام در باب نیاز جنسی انسان» یاد کرد. در این نظریه، گزینه جنسی به‌عنوان یکی از غرایز طبیعی انسان که ارضای به‌موقع، مناسب و کامل آن، نقش مهمی در رشد و کمال انسان دارد، به رسمیت شناخته شده است و برخلاف تفکر برخی ادیان، انسان‌ها به سرکوب و به‌فراموشی سپردن این گزینه دعوت نشده‌اند. همچنین در این نظریه، با ارائه تصویر درستی از جایگاه گزینه جنسی در رشد و تعالی فرد و جامعه، راهکارهای مناسب و متعادل برای ارضای درست این گزینه و جلوگیری از طغیان آن داده شده است. برای شناخت بهتر نظریه جنسی اسلام و درک تفاوت نظریه‌های موجود در این زمینه، باید به چند مطلب توجه کرد: نخست، میانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه نظریه جنسی اسلام؛ دوم، جنبه‌های گوناگون این نظریه و سوم، اصول نظریه یادشده.



از تحریک» و «ارضای متعادل». یکی از روشن‌ترین خطاهای فرویدیسم، بی‌توجهی به تحریکات جنسی و نقش آن در افزایش اضطراب و ناتوانی انسان در خویشتنداری است. حال آنکه خویشتنداری از خواهش‌های نفسانی می‌کاهد و نفس را در برابر عقل آدمی، تسلیم و سرانجام به کاهش تنش‌های روانی کمک می‌کند». (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۷۴)

با توجه به نکات یادشده، مهم‌ترین اصول نظریه جنسی اسلام را می‌توان چنین برشمرد:

ارضای متعادل

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، ارضای نظام‌مند نیازهای جنسی از جمله مهم‌ترین کارکردهای خانوادگی است. اسلام با مشروع دانستن ارضای نظام‌مند تمایلات جنسی و تأکید بر استحباب آن، ازدواج و تشکیل خانواده را راهکاری درست برای تأمین این نیاز می‌داند. به باور اندیشوران دینی، اسلام با مظاهر رهبانیت به معنای پرهیز از ازدواج، مخالف است و آن را موجب رواج فساد اخلاقی می‌داند، چنان‌که بی‌بندوباری در برقراری روابط نامشروع را نیز نپذیرفته و به پاک‌دامنی و نیالودن به حرام و دوری از تمامی مظاهر تحریک‌کننده آن سفارش کرده است. همچنین قرآن در موارد گوناگون، تأثیر پیروی از شهوات در انحراف جامعه و دوری از تعالیم انبیا را یادآور شده است. در این پیوند، استفاده از تعبیری چون لباس، به‌عنوان پوشش‌دهنده عیوب و بازدارنده از طغیان غرایز یا به‌کاربردن واژه «محسنات» از ماده «حصن» به‌معنای دژ و قلعه درباره کسانی که

اصول نظریه جنسی اسلام

نظریه جنسی اسلام بر اصولی مبتنی است که آن را از نظریه‌های غربی به‌ویژه نظریه فروید متفاوت می‌سازد. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند تنها راه آرام‌کردن غرایز، ارضا و اشباع بی‌حد و حصر آنهاست. اینها فقط متوجه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها و عواقب سوء آنها شده‌اند و مدعی هستند که قید و ممنوعیت، غریزه را عاصی و منحرف و سرکش و ناآرام می‌سازد. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این غریزه باید به آن، آزادی مطلق داد، آن هم بدین معنی که به زن اجازه هر جلوه‌گری و به مرد اجازه هر تماسی داده شود. اینها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رهاکردن و تسلیم‌شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن، آن را دیوانه می‌سازد و چون امکان ندارد همه خواسته‌های بی‌پایان یک فرد برآورده شود، غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به‌وجود می‌آید. به عقیده ما، برای آرامش غریزه، دو چیز لازم است: یکی، ارضای غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری، جلوگیری از تهییج و تحریک آن». (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۴۶۰)

یکی از پژوهشگران کشورمان، اصول نظریه جنسی اسلام را این‌گونه برمی‌شمارد:

«در اسلام برای حل مسئله غریزه جنسی، سه راه حل اساسی توصیه شده است که به اختصار عبارتند از: «خویشتنداری»، «پرهیز



با ازدواج، خود را از انحرافات جنسی باز می‌دارند، بیانگر آثار ارزشمند تشکیل خانواده در جلوگیری از کژروی‌هاست.

از سوی دیگر، اسلام به تفاوت‌های موجود در فرایند ارضای تمایلات جنسی زن و مرد توجه داشته و برای استحکام بنیان خانواده، ارضای درست آنها را خواسته است. بر اساس روایات، وجود شهوات در زنان، افزون‌تر از مردان توصیف شده، هرچند که بردباری و حیای آنان نیز افزون‌تر است. همچنین اسلام با توجه به انگیزش زود هنگام مردان در آمیزش، ملاعبه و نوازش زن را برای زمینه‌سازی در رسیدن وی به اوج لذت جنسی، ضروری می‌داند. احکام مربوط به نشوز نیز، به‌عنوان تخلف زن از وظایف جنسی خود در مقابل مرد به‌منظور تأمین سلامت جنسی مردان مقرر شده است. البته نشوز درباره مردان نیز جاری است، چنان‌که برخی مفسران، نشوز مرد را به معنای سرپیچی مرد از وظایف جنسی مربوط به همخوابی با همسر خود دانسته‌اند. بر این اساس، اسلام در مواردی چون بیم‌آلوده شدن زن به گناه، آسیب و ضرر زن به خاطر ترک همبستری و سپری شدن چهار ماه از آخرین همبستری زن و شوهر، مرد را به تأمین نیاز جنسی زن موظف می‌داند. حتی برخی فقیهان، مواردی را که زن تمایل یا درخواست به برقراری رابطه جنسی دارد، بر فرض‌های پیش‌گفته افزوده‌اند. به گفته مفسران، تحریم آمیزش در دوران قاعدگی که باعث آسیب، تولید بیماری یا ایجاد نفرت در برخی زنان می‌شود، از دیگر نکات درخور توجه اسلام در فرهنگ آمیزش جنسی است. (رشاد، ۱۳۹۳، ص ۲۹۸-۲۹۹)

با این مقدمه، با بهره‌گیری از آیات و روایات، مهم‌ترین مؤلفه‌های نخستین اصل نظریه جنسی اسلام را بررسی می‌کنیم:

• نکوهش رهبانیت

چنان‌که گفته شد، اسلام با مظاهر رهبانیت به معنای پرهیز از ازدواج و نزدیکی با همسر، مخالف است و آن را موجب رواج فساد اخلاقی می‌داند. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، در این زمینه چنین می‌خوانیم:

«جَاءتِ امْرَأَةٌ عُثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عُثْمَانَ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَشُومُ اللَّيْلَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُغَضَّباً يَحْمِلُ نَعْلَيْهِ حَتَّى جَاءَ إِلَى عُثْمَانَ فَوَجَدَهُ يَصَلِّي فَأَنْصَرَفَ عُثْمَانُ حِينَ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ يَا عُثْمَانُ لِمَ يَرِسُنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ أَصُومُ وَأُصَلِّي وَأَلْبَسُ أَهْلِي فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَسْتَنَّ بِسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ؛ همسر عثمان بن مطعون، نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! عثمان، روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها در عبادت است! پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با عصبانیت، کفش‌هایش را برداشت و بیرون رفت تا نزد عثمان آمد. دید که مشغول نماز است. عثمان، با دیدن پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمازش را قطع کرد. پیامبر به او فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت نفرستاده؛ بلکه مرا با آیین یکتاپرستی سهل و ساده‌گیر، فرستاده است. من، هم روزه می‌گیرم و هم نماز می‌خوانم و



• خویشتن‌داری جنسی

چنان‌که گفته شد، نظریه جنسی اسلام دارای جنبه‌های ایجابی و سلبی است. جنبه ایجابی این نظریه ناظر به ارضای درست، کامل، متعادل و همراه با صفا و صمیمیت نیاز جنسی و جنبه سلبی آن ناظر به جلوگیری از طغیان و سرکشی غریزه جنسی و محدود کردن آن به چهارچوب خاص ارتباط مشروع دو جنس است. یکی از ابعاد مهم این جنبه سلبی، خویشتن‌داری جنسی است.

خویشتن‌داری، در لغت به معنای عفاف، زهد، کفّ نفس، حلم، بردباری، تمالک نفس، خودداری از شهوات، پرهیز، پرهیزکاری، تماسک نفس و ورع آمده (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۰۱۶۹) و خویشتن‌داری جنسی به معنای پرهیز از هرگونه رفتار جنسی مغایر با آموزه‌های اسلامی است.

یکی از نویسندگان کشورمان درباره جایگاه خویشتن‌داری در نظریه جنسی اسلام می‌نویسد: «نظام اخلاق جنسی اسلام، به انسان‌ها، درس خویشتن‌داری، کفّ نفس، غلبه عقل بر نفس و تقوا و خود نگه‌داری می‌دهد. بدین معنی که آدمی، نه زیر فشار هنجارهای اجتماعی، بلکه با تحول و انقلاب درونی بتواند نفس خویش را کنترل کند و جز در زمان مناسب به ارضای جنسی نیندیشد». (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۷۷)

در آیات و روایات فراوانی بر ضرورت خویشتن‌داری جنسی و چشم‌پوشی از هرگونه لذت جنسی حرام تأکید شده و برای آن، فضیلت‌های بی‌شماری بیان شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

هم با همسر آمیزش می‌کنم. پس هرکه آیین مرا دوست دارد، باید از سنت من پیروی کند و از جمله سنت من، ازدواج کردن است». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۳۲۹)

آن حضرت در روایت دیگری، به برخورد پیامبر گرامی اسلام با مظاهر گوناگون رهبانیت و ترک لذت‌های دنیا اشاره کرده و می‌فرماید:

«إِنَّ ثَلَاثَ نِسْوَةٍ أَتَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ إِنَّ زَوْجِي لَا يَأْكُلُ اللَّحْمَ وَقَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَشْمُ الطَّيِّبَ وَقَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّ زَوْجِي لَا يَقْرُبُ النِّسَاءَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجُزُّ رِدَاءَهُ حَتَّى صَعِدَ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَا بَالُ أَقْوَامٍ مِنْ أَصْحَابِي لَا يَأْكُلُونَ اللَّحْمَ وَلَا يَشْمُونَ الطَّيِّبَ وَلَا يَأْتُونَ النِّسَاءَ أَمَا إِنِّي أَكَلْتُ اللَّحْمَ وَأَشَمْتُ الطَّيِّبَ وَآتَى النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ سه زن، نزد پیامبر خدا ﷺ آمدند. یکی از آنان گفت: شوهرم گوشت نمی‌خورد. دومی گفت: شوهرم بوی خوش استشمام نمی‌کند. سومی گفت: شوهرم با زنان، نزدیکی نمی‌کند. پیامبر خدا ﷺ درحالی‌که ردایش را می‌کشید، بیرون آمد و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد. سپس فرمود: «چه شده است که گروهی از یارانم گوشت نمی‌خورند، بوی خوش نمی‌بویند، و با زنان، هم‌بستر نمی‌شوند؟! به‌درستی که من گوشت می‌خورم، بوی خوش می‌بویم و با زنان، هم‌بستر می‌شوم. پس هرکه از راه و رسم من روی بگرداند، از من نیست.» (همان، ص ۳۳۱)



قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را پاک‌دامنی و خویشتن‌داری جنسی معرفی کرده و می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ به‌راستی که مؤمنان رستگار شدند ... و کسانی که پاک‌دامند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هرکه فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند». (مؤمنون: ۷۱)

در سوره معارج نیز همین مضامین تکرار شده است، با این تفاوت که در این سوره، پاک‌دامنی و خویشتن‌داری جنسی از ویژگی‌های نمازگزاران برشمرده شده است. (۳۱:۲۹)

همچنین قرآن کریم، کسانی را که پاک‌دامنی و خویشتن‌داری جنسی پیشه می‌کنند، در شمار مؤمنان، راست‌گویان، شکیبایان، صدقه‌دهندگان، روزه‌داران و ذاکران یاد کرده و به آنان وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مردان و زنان مسلمان و مردان و

زنان باایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راست‌گو و مردان و زنان شکیبایان و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاک‌دامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است». (احزاب: ۳۵)

خدای متعال در آیه‌ای دیگر، به کسانی که امکان ازدواج برای آنها فراهم نیست، سفارش می‌کند تا زمان فراهم‌شدن این امکان، عفت ورزند و خود را از آلودگی حفظ کنند:

«وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ و کسانی که [وسيله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند». (نور: ۳۳)

در آیاتی دیگر از قرآن، مردان و زنان مؤمن به پاک‌دامنی و حفظ چشمان خود از نگاه به نامحرم فراخوانده شده‌اند:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ به مردان باایمان بگو که دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است. و به زنان با ایمان بگو که دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاک‌دامنی ورزند». (نور: ۳۰-۳۱)

از پیامبر گرامی اسلام در زمینه فضیلت خویشتن‌داری جنسی و آثار و برکات مترتب بر آن چنین نقل شده است:



دوری کند، خداوند، آتش را بر او حرام می‌گرداند و او را از آن هراس سهمگین (روز قیامت)، ایمن می‌دارد و آنچه را در کتاب خود در آیه «و برای آنکه از مقام و عظمت پروردگارش بترسد، دو بهشت خواهد بود»، به او وعده داده، برایش عملی می‌سازد.» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۴)

افزون بر روایات یادشده، با مراجعه به زندگینامه کسانی که در گذشته و در دوران معاصر به مراتب عالی اخلاقی و عرفانی رسیده‌اند، می‌توان به روشنی به آثار چشم‌پوشی از گناه در نجات و رستگاری انسان‌ها پی برد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶، ص ۱۵)

جنبه‌های گوناگون نظریه جنسی اسلام

۱. نابسامانی در تربیت فرزندان

مقالات و تحقیقات فراوانی، تأثیر محیط امن و آرام خانه و خانواده را بر رشد و تکامل کودکان نشان داده است. به عبارت دیگر، سلامت روانی و حتی جنسی کودکان در گرو ارتباط صمیمانه و متعهدانه پدر و مادر با یکدیگر است. بهرام پیراسته در تحقیقی روی جوانان و نوجوانان بزهکار نشان داد که ناسازگاری والدین و نبود محبت از علل مهم بزهکاری در این گروه سنی است. بر اساس نتایج این تحقیق، ۴۷/۳۸ درصد جوانان بزهکار از محبت لازم اعضای خانواده محروم بوده‌اند. این محقق بر اساس مطالعه خود معتقد است که ناسازگاری در محیط خانواده، کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر اختلافات والدین به طلاق و جدایی

«سَبْعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ جَمَالٍ إِلَى نَفْسِهَا فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ هفت گروه در سایه عرش الهی قرار دارند، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نیست ... و مردی که زنی زیباروی او را به‌سوی خود فرا می‌خواند، ولی او می‌گوید: من از پروردگار جهانیان بیمناکم.» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۴۳)

آن حضرت، در روایت دیگری در زمینه آثار چشم‌پوشی از لذت حرام می‌فرماید:

«غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ؛ چشمان خود را [از حرام] فرو بندید تا شگفتی‌ها را ببینید.» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰۱، ص ۴۱)

امام صادق علیه السلام نیز در بیانی مشابه، در این زمینه می‌فرماید:

«مَا اغْتَصَمَ أَحَدٌ بِمِثْلِ مَا اغْتَصَمَ بِغَضِّ الْبَصَرِ فَإِنَّ الْبَصَرَ لَا يَغُضُّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ إِلَّا وَقَدْ سَبَقَ إِلَى قَلْبِهِ مُشَاهَدَةُ الْعُظْمَى وَ الْجَلَالِ؛ هیچ‌کس وسیله نجاتی چون فروپوشاندن چشم از نگاه حرام نیافت. همانا نگاه از حرام الهی پوشانده نمی‌شود، مگر آنکه قلب به مشاهده عظمت و جلال الهی می‌پردازد.» (همان)

همچنین از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«مَنْ عَرَضَتْ لَهُ فَاحِشَةٌ أَوْ شَهْوَةٌ فَاجْتَنَبَهَا مِنْ مَخَافَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ آمَنَهُ مِنَ الْفُرْعِ الْأَكْبَرِ وَ أَنْجَرَ لَهُ مَا وَعَدَهُ فِي كِتَابِهِ فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ؛ هر کس [موقعیتی] فحشایی یا شهوت‌رانی برایش پیش بیاید و از ترس خدای عزوجل، از آن



بینجامد و طفل از محبت و توجه والدین یا یکی از آنها محروم شود، این وضع، او را به انحراف، لغزش و بزهکاری می‌کشاند.

سعید رضایی هم در تحقیق علل فرار دختران نوجوان از خانه نشان داد که نابسامانی و آشوب خانواده و سردی روابط عاطفی والدین از جمله مهم‌ترین عوامل برانگیزنده تمایل به فرار در دختران است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که تقریباً بیشتر دختران فراری، وضعیت خانواده خود را آشفته و نابسامان ذکر کرده‌اند، ضمن اینکه میزان رضایت‌مندی زناشویی در خانواده‌های دختران فراری در بیشتر موارد، متوسط، کم و خیلی کم بوده است.

۲. زمینه‌ها و عوامل بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی

ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای محصول مجموعه‌ای از زمینه‌ها و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. از این رو، نمی‌توان به راحتی، موضوع یا موضوع‌های خاصی را علت یا علل اصلی بروز و گسترش یک آسیب و ناهنجاری اجتماعی مطرح کرد.

بر این اساس، رشد و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در دهه سوم و چهارم انقلاب اسلامی نیز در مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ریشه دارد که از آغاز دهه دوم انقلاب به این سو در پیش گرفته شد. پذیرش بی‌چون و چرای برنامه توسعه و اصل قراردادن توسعه اقتصادی بر اساس الگوهای بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و

صندوق بین‌المللی پول، از یک سو و بی‌توجهی به هشدارهایی که در همان زمان بسیاری از دل‌سوزان انقلاب و نظام اسلامی مطرح می‌کردند، از جانب دیگر، کشور ما را با چنین بحران اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی درگیر کرد که با ورود به دهه سوم و چهارم انقلاب اسلامی نه تنها از بار مشکلات آن کاسته نشد، بلکه بر حجم آن نیز افزوده شد. با نگاهی اجمالی می‌توان مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل بروز و گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در ایران را این‌گونه برشمرد:

الف) تهاجم فرهنگی گسترده غرب

یکی از مهم‌ترین عوامل فرهنگی - تربیتی گسترش ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی در چند دهه گذشته، تهاجم فرهنگی گسترده غرب و تلاش بی‌وقفه آن برای استحاله نظام جمهوری اسلامی و رواج فرهنگ و ارزش‌های منحط خود در میان همه اقشار این کشور به‌ویژه جوانان و نوجوانان بوده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین ماه‌های رهبری خود در این باره فرمودند: «در حال حاضر، یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست و صنعت و پول و انواع و اقسام پشتوانه‌ها همراه است، مثل سیل، راه افتاده تا با ما بچنگد. جنگ هم جنگ نظامی نیست. بسیج عمومی هم هیچ تأثیری ندارد. آثارش هم به‌گونه‌ای (است) که تا به خود بیاییم، گرفتار شده‌ایم». (بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۹/۷).



عنوان برای جهانیان مخابره کرد: «نتانیاهاو: آمریکا باید با تلویزیون به ایران حمله کند.» این خبر، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام سلطه را برای گسترش فساد و تباهی در کشور اسلامی ایران با بهره‌گیری از رسانه‌ها، به خوبی روشن می‌سازد. متن خبر یادشده به شرح زیر است:

نخست‌وزیر سابق اسرائیل^۱ از آمریکا خواست تا تغییر رژیم را در دو کشور عراق و ایران پی بگیرد و این کار را در عراق با حمله نظامی و در ایران با پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای با محتوای هرزه انجام دهد. وی گفت: جریان فرهنگ عامیانه غربی به داخل ایران می‌تواند منجر به براندازی جمهوری اسلامی شود.^۲ گفت که آمریکا می‌تواند با پخش سریال‌های شبکه فاکس که «افراد زیباروی جوان را در وضعیت‌های متنوعی از برهنگی نشان می‌دهد که زندگی‌های فریبنده و مادی‌گرایانه دارند و رابطه‌های بی‌قید جنسی برقرار می‌کنند، یک انقلاب را علیه حکومت این کشور برانگیزد».^۳ «کمیته خطر جاری»^۴ که اعضای آن را برجسته‌ترین عناصر سیاسی و نظامی آمریکا تشکیل می‌دهد،^۵ در اکتبر ۲۰۰۵م (مهر ۱۳۸۴)

ویلیام گاردنر، نویسنده و پژوهشگر کانادایی، در کتاب خود درباره دلیل توجه نظام سلطه به تغییر رفتار جنسی ملت‌های زیر سلطه می‌نویسد:

«در دوران ما، سکس برای شکست کسانی به کار می‌رود که در مقابل طراحی اجتماعی جامعه مقاومت می‌کنند و خلاصه آنکه وسیله‌ای برای دست‌کاری در حالات و ارزش‌های مردم است.» (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸)

هشدارهای مقام معظم رهبری که به‌ویژه در یک دهه گذشته، بسیار بر آنها تأکید و در سخنرانی‌های متعدد ایشان تکرار کرده‌اند، از طرح و برنامه گسترده و حساب‌شده غربیان برای گسترش فساد، تباهی و بی‌بندوباری در جوامع اسلامی، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌گیری از جاذبه‌های جنسی زنان و دختران خبر می‌دهد. طرح و برنامه‌ای که از اوایل دهه هشتاد با ورود شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به عرصه کارزار فرهنگی با نظام اسلامی، گستردگی و پیچیدگی بیشتری یافته است.

خبرگزاری یونایتدپرس در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ (۲۱ شهریور ۱۳۸۱)، خبری را با این

۱. او در آن زمان هنوز دوباره نخست‌وزیر نشده بود.

۲. یک نهاد دولتی در آمریکا.

۳. «نتانیاهاو: با سریال‌های سکسی به ایران حمله کنید» در:

منبع خبر: خبرگزاری یونایتدپرس (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲):

<http://alef.ir/1388/content/view/69843>

Netanyahu:us. should attack iran with tv.

http://www.upi.com/top_news.2002/09/12/netanyahu_us.

4. The committee on the present danger.

۵. کمیته خطر جاری عنوان کمیته‌ای است که در دهه ۱۹۷۰ و در اوج جنگ سرد، گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسئولان ارشد وزارت خارجه، استادان برجسته علوم سیاسی، مؤسسه مطالعاتی «امریکن اینترپرایز» و گروهی از مدیران باسابقه سیا و پنتاگون تأسیس کردند. هدف از تأسیس این کمیته، خروج از بن‌بستی بود که در دوران جنگ سرد میان دو ابرقدرت آن زمان؛ یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در توازن هسته‌ای به‌وجود آمده بود. به‌گونه‌ای که کارشناسان ارشد نظامی آکارا اعلام کرده بودند در صورت وقوع جنگ هسته‌ای میان دو ابرقدرت، هر دو طرف، بازنده نهایی خواهند بود؛



با توجه به استحکام نظام جمهوری اسلامی و شکست دهها استراتژی نظام سلطه در مقابل ملت ایران در طول سالهای گذشته، «جنگ سخت» را بیفایده دانست و خواستار توجه بیشتر دولت ایالات متحده به پروژه نرم‌افزاری «براندازی از درون» شد.

مهم‌ترین موضوع‌هایی که در این شبکه‌ها دنبال می‌شوند، عبارتند از: ترویج سبک زندگی غربی، عادی‌سازی روابط نامشروع، قبح‌زدایی از پدیده‌هایی چون خیانت زن به شوهر، دوستی با جنس مخالف، رابطه جنسی قبل از ازدواج، بارداری قبل از ازدواج، فرزند نامشروع، سقط جنین، هم‌جنس‌بازی و...

در حال حاضر، دهها شبکه ماهواره‌ای فارسی‌زبان با رویکردها و برنامه‌های مختلف در ایران دست‌یافتنی هستند که از میان آنها، ۳۵ شبکه فیلم و سریال، ۱۴ شبکه هرزه‌نگاری، ۳۲ شبکه خبری، تحلیلی و سیاسی، ۱۹ شبکه دینی و مذهبی، ۱۵ شبکه موسیقی و ۲۴ شبکه عمومی و سرگرمی است.

بی‌تردید، در سال‌های اخیر درباره تهاجم فرهنگی بسیار سخن گفته و نوشته شده، ولی آنچه کمتر ملت ما شاهد آن بوده است، مقابله جدی، عملی و هوشمندانه با این تهاجم است و قطعاً تا زمانی که این روند ادامه داشته باشد، باید شاهد گسترش روزافزون فساد و تباهی در کشور باشیم.

ب) بی‌توجهی به فرهنگ و تحقق‌نیافتن انقلاب فرهنگی

با وجود ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، رهنمودهای فراوان حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در زمینه ضرورت توجه به فرهنگ، تأکید «اصول سیاست فرهنگی کشور»، مصوب ۱۳۷۱/۰۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی بر «تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزش‌های مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی و نگاه‌بانی از آنها و استمرار حرکت فرهنگی برای رسیدن به جامعه مطلوب» به‌عنوان یکی از «اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی»، متأسفانه در هیچ یک از دولت‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی روی کار آمدند، به‌گونه‌ای شایسته و درخور، به موضوع فرهنگ توجه نشد و در نتیجه، ارزش‌ها، الگوها، هنجارها و مفاهیم اسلامی در جامعه نهادینه نشدند و پس از مدتی، بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای پیش از انقلاب اسلامی دوباره به جامعه بازگشتند.

ج) بی‌توجهی به نهاد خانواده

در چند دهه اخیر، با وجود تأکید فراوان قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی بر اهمیت خانواده به‌عنوان «واحد بنیادین جامعه اسلامی» و ضرورت «آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از

زیرا تسلیحات اتمی در اختیار دو قطب بلوک شرق و غرب برای نابودی کامل موجودات زنده کره زمین برای ۲۵۰ بار کفایت می‌کند. اعضای این کمیته با منفی‌دانستن «جنگ سخت» بین دو ابرقدرت، تنها راه به زانو درآوردن رقیب را «جنگ نرم» و «فروپاشی از درون» دانستند.

بر همین اساس، «جنگ نرم» با درپیش گرفتن راهکارهای «دکترین مهار»، «نبردهای رسانه‌ای» و «سامان‌دهی نافرمانی مدنی» علیه دولت شوروی طراحی و اجرا شد. این استراتژی زودتر از آنچه تصور می‌شد، به ثمر نشست و منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد. (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

<http://www.Irdc.ir/fa/content/8130/defaule.aspx>)



آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه دانست و زن به‌عنوان عنصری پرورش‌دهنده و فرهنگ‌ساز، مهم‌ترین عامل در تحقق این آثار شگرف است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۴۷)

با وجود تأکید آموزه‌های اسلامی بر کارکردهای اساسی خانواده به‌ویژه در زمینه گسترش فرهنگ دینی، کنترل اجتماعی و جلوگیری از انحرافات ناهنجاری‌ها، در چند دهه اخیر، به دلیل توسعه اقتصادی و رشد روزافزون شهرنشینی، شوربختانه جامعه شاهد سست شدن روابط خانوادگی و از بین رفتن بسیاری از کارکردهای خانواده بوده است.

راهبردها و راهکارهای رسانه‌ای تربیت جنسی در جامعه اسلامی

۱. راهبردها

سامان‌دهی روابط جنسی در جامعه و اصلاح ناهنجاری‌های موجود در این حوزه، اقدامی مقطعی، کوتاه‌مدت و زودبازده نیست. از این‌رو، برای تحقق اهداف کلان رسانه ملی در این زمینه، باید برنامه‌ای جامع، مستمر و درازمدت با استفاده از ظرفیت واحدهای مختلف آموزشی، پژوهشی، تولیدی و نظارتی سازمان صداوسیما، از یک سو و بهره‌گیری از توان‌مندی‌های دیگر سازمان‌ها و نهادهای مسئول کشور، از سوی دیگر، تهیه و اجرا شود. نخستین گام در این زمینه، تدوین راهبردهای رسانه ملی است.

«راهبردها» یا «استراتژی‌ها»^۱ راهکار لازم برای دستیابی به اهداف کلان را نشان

قداست آن و استواری روابط خانوادگی»، متأسفانه چنان‌که باید و شاید، به این موضوع توجه نشده و اقدام‌های جدی و عملی در این زمینه انجام نشده است.

د) کم‌رنگ شدن کارکردهای اساسی خانواده

آنچه خانواده را در نگاه دین از جایگاهی رفیع برخوردار کرده، کارکردهای منحصر به فردی است که از خانواده، بنیانی مقدس و از ازدواج، پیمانی الهی می‌سازد. در این نگرش، خانواده از یک سو اعتبار همیشگی خویش را از خداوند می‌گیرد و از سوی دیگر، حلقه اتصال میان حیات جسمانی و معنوی و تعادل بخش به زندگی بشری است. به همین دلیل نه صرفاً سرپناهی برای هم‌سفره‌بودن که پایگاهی برای امنیت، آرامش و رشد است و باید آن را مهم‌ترین پایگاه فرهنگی هر جامعه دانست.

کارکرد زیستی خانواده، ضامن بقای جامعه انسانی است و کارکرد پرورشی آن، زمینه‌ساز تربیت فرزندان است که برای ساختن جامعه فردا آماده می‌شوند. تعادل روانی، استحکام شخصیتی و قوت اراده، دیگرگرایی، قدرت رویارویی با مشکلات و صبر بر ناملایمات، میل به تلاش و تمایل به سازندگی و ابتکار، ارتباط با خداوند و میل به عبودیت، همگی صفاتی‌اند که خانواده در شکل‌گیری و تقویت آنها مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. در یک کلام می‌توان خانواده سالم را بهترین بستر رشد فرهنگی و سلامت جسم و روان و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها و پرورش عاطفی و مهم‌ترین عامل کاهش

1. strategy.



می‌دهند. راهبردها در مقایسه با «تدبیرها» یا «تاکتیک‌ها» طولانی‌مدت‌تر بوده، حوزه وسیع‌تری را در برمی‌گیرند.^۱

با این مقدمه، به بررسی مهم‌ترین راهبردهای رسانه ملی در زمینه سامان‌دهی روابط جنسی در جامعه و اصلاح ناهنجاری‌های موجود در این زمینه می‌پردازیم:

الف) گفتمان‌سازی در زمینه مسائل و مشکلات جنسی

یکی از موانع مهم شناسایی، ریشه‌یابی و حل و فصل مسائل و مشکلات جنسی در ایران، تاب‌بودن موضوعات جنسی و درآمیختن این موضوعات با شرم و حیای نابه‌جا و افراطی است. به همین دلیل، آمار و اطلاعات دقیقی هم از عمق و گستردگی مسائل و مشکلات جنسی در ایران در دست نیست و به‌طور طبیعی امکان ارزیابی و سنجش میزان موفقیت و کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، آموزشی، تبلیغی، بهداشتی، امنیتی و انتظامی نهادها و سازمان‌های مختلف در زمینه جلوگیری از گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی نیز وجود ندارد.

با توجه به مطالب یادشده، یکی از رسالت‌های مهم رسانه ملی که پیش‌نیاز حل مسائل و مشکلات جنسی نیز به‌شمار می‌آید، گفتمان‌سازی در زمینه ضرورت پرداختن به مسائل و مشکلات جنسی جامعه ایران و ایجاد وفاق اجتماعی در این زمینه است.

رسانه ملی می‌تواند سلسله نشست‌های تخصصی با حضور صاحب‌نظران حوزوی و

دانشگاهی در شبکه‌های تخصصی برگزار کند تا وجوه گوناگون فقهی، حقوقی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، پزشکی و بهداشتی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی بررسی و پرسش‌های مناسب در افکار عمومی جامعه در زمینه چرایی و چگونگی پرداختن به این ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها، طرح شود تا به تدریج یک وفاق اجتماعی در زمینه ضرورت پرداختن به مسائل و مشکلات جنسی جامعه ایران ایجاد کند.

ب) توانمندسازی خانواده‌ها برای انجام مسئولیت‌های خود

این راهبرد بر چند پیش‌فرض مبتنی است: نخست اینکه، بر اساس آموزه‌های اسلامی، خانواده مهم‌ترین نقش را در رشد و تربیت صحیح فرزندان و جلوگیری از انحراف و تباهی آنها دارد؛ دوم اینکه، محیط خانواده بهترین و سالم‌ترین محیط برای آموزش و تربیت جنسی متناسب با سن، جنس و نیاز کودکان و نوجوانان است و سوم اینکه رسانه ملی با وجود همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بی‌بدیلی که در زمینه رشد و ارتقای سلامت جنسی در جامعه دارد، به دلایل زیر نمی‌تواند به‌طور مستقیم در برخی از حوزه‌های مرتبط با این موضوع؛ از جمله سطوحی از آموزش و تربیت جنسی وارد شود:

یک. رسانه امکان انتخاب دقیق مخاطبان خود را ندارد. از این رو، ممکن است اطلاعات و آموزش‌هایی را بدهد که برای گروهی از مخاطبان کاملاً مفید و ضروری، ولی برای گروهی دیگر مضر و غیرضروری باشد؛

1. The Business Rules Group, *The Business Motivation Model*, p. 16.



سهم هر سازمان و نهاد در کاهش یا از بین بردن این عوامل و زمینه‌ها را به دقت بررسی کند و در معرض قضاوت عمومی قرار دهد.

دو. پدران و مادران

با توجه به جایگاه و نقش مهم پدران و مادران در هدایت و تربیت فرزندان، آگاهی آنها از عوامل و زمینه‌های ایجاد و گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی می‌تواند از بسیاری رفتارهای ناهنجار و انحراف‌های جنسی دختران و پسران جلوگیری کند. به همین دلیل رسانه ملی باید آگاهی‌بخشی به والدین در این زمینه را در اولویت قرار دهد. در این میان، چند موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار است:

- توجه دادن به والدین در زمینه نقش شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی در ایجاد و گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در میان نوجوانان و جوانان؛
 - ضرورت نظارت بیشتر پدران و مادران بر استفاده فرزندانشان از این شبکه‌ها، فناوری‌ها و رسانه‌ها؛
 - ضرورت مراقبت بیشتر والدین از فرزندانشان به‌ویژه در زمینه ارتباطات و دوست‌یابی‌های آنها؛ چه در جهان واقعی و چه در فضای مجازی.
- با توجه به این موضوع، شایسته است که مدیران و برنامه‌سازان صداوسیما جمهوری اسلامی، آگاهی‌بخشی به همسران جوان در زمینه نقش مخرب شبکه‌های ماهواره‌ای و

دو. ارائه آموزش‌های نامتناسب با سن، جنس و نیاز مخاطب، ممکن است منجر به بروز مشکلات جدی مانند اضطراب، ترس، وسواس و بروز ناهنجاری‌های جنسی شود.

بنابراین، مهم‌ترین راهبرد رسانه ملی در زمینه تحقق اهداف کلان یادشده توان‌مندسازی خانواده‌ها برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود در این زمینه است.

ج) آگاهی‌بخشی درباره عوامل و زمینه‌های ایجاد ناهنجاری‌های جنسی

در سال‌های اخیر، عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ساز ایجاد و گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در کشور شده‌اند. بی‌تردید، آگاهی‌دادن دقیق‌تر مردم و مسئولان از آسیب‌ها می‌تواند از گسترش بیش از پیش این ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها و گرفتارشدن جمع بیشتری به تباهی، فساد و فحشا جلوگیری کند. از این رو، ضروری است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رسانه ملی، آگاهی‌بخشی درباره عوامل و زمینه‌های ایجاد ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی را در دستور کار خود قرار دهند. مخاطبان این آگاهی‌بخشی عبارتند از:

- یک. مدیران و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط رسانه ملی می‌تواند با برگزاری میزگردهای تخصصی با حضور صاحب‌نظران و کارشناسان حوزوی و دانشگاهی از یک سو، و مدیران و مسئولان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از سوی دیگر، عوامل و زمینه‌هایی ایجادکننده یا گسترش‌دهنده ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در جامعه ایران و همچنین نقش و



شبکه‌های اجتماعی در ایجاد و گسترش ناهنجاری‌های جنسی و فروپاشی کانون خانواده را در اولویت‌های برنامه‌سازی خود قرار دهند.

د) تبیین پیامدهای ناگوار الگوی غربی روابط جنسی

بی‌تردید، ویژگی غفلت‌زایی گزینه جنسی و تصاویر جذاب و دل‌نشینی که شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی مروج فساد، فحشا و بی‌بندوباری جنسی، از روابط جنسی نامشروع و خارج از سیاست‌های سلامت و عرف جامعه ما ارائه می‌دهند، موجب می‌شود مخاطبان این شبکه‌ها و سایت‌ها به‌ویژه جوانان و نوجوانان بی‌توجه به پیامدهای ناگوار رفتارهای ناهنجار جنسی به‌تدریج به این‌گونه رفتارها خو بگیرند و رفته‌رفته الگوی روابط جنسی در جامعه به‌طور کلی دستخوش تغییر و دگرگونی شود. از این‌رو، رسانه ملی باید با رصد دائم فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن و با آگاهی کامل از شیوه‌ها و ترفندهایی که آنان برای تغییر سبک زندگی جامعه اسلامی ایران؛ به‌ویژه در حوزه روابط جنسی در پیش‌گرفته‌اند، به مخاطبان خود، اعم از نوجوانان، جوانان، پدران و مادران، پیامدهای ناگوار فردی، خانوادگی و اجتماعی گسترش آسیب‌ها و ناهنجاری جنسی را در جامعه هشدار دهند و اطلاعات و آگاهی لازم را برای مصونیت‌بخشی به آنها در مقابل موج رسانه‌ای گسترش فساد و تباهی در ایران، در اختیار ایشان قرار دهند.

ه) هشیارسازی جوانان و نوجوانان در زمینه پیامدهای ناهنجار جنسی

چنان‌که پیش از این به تفصیل بیان شد، یکی از پیامدهای مهم ناشی از گسترش ناهنجاری‌های جنسی در ایران، اعم از روابط جنسی پیش از ازدواج، فرار دختران و روسپی‌گری، افزایش آمار مبتلایان به بیماری‌های آمیزشی (بیماری‌های مقاربتی) مانند کلامیدیا، سوزاک، سفلیس، زگیل‌های تناسلی، ایدز و همچنین هپاتیت است. این افزایش در شرایطی رخ می‌دهد که تعداد چشمگیری از جوانان و نوجوانان از پیامدهای روابط ناهنجار جنسی بی‌خبرند و اطلاع چندانی از این بیماری‌ها ندارند.

بنابراین، شایسته است رسانه ملی با آموزش مؤثر و بهره‌گیری از روش‌های جذاب و اثرگذار، جوانان و نوجوانان را از پیامدهای رفتارهای ناهنجار جنسی؛ به‌ویژه بیماری‌های آمیزشی آگاه سازد.

و) افزایش سواد رسانه‌ای مردم در زمینه اهداف رسانه‌ای

«سواد رسانه‌ای»^۱ در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از: یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن، می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد.

این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است مصرف چه موادی مناسب است و چه موادی مضر؛ چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه و یا اینکه

1. Media Literacy.



و نیاز مخاطب در پی دارد. از این رو، شایسته است رسانه ملی با هماهنگی دیگر نهادها و سازمان‌های مسئول، برنامه‌هایی را برای پخش از طریق دیگر رسانه‌های موجود، تولید کند و آنها را در اختیار مخاطبان خاص، به‌ویژه جوانان در آستانه ازدواج قرار دهد.

۲. راهکارها

الف) توجه به آثار و پیامدهای رواج ناهنجاری‌های جنسی در جامعه
چنان‌که گفته شد، شارع مقدس اسلام با وضع مجازات‌های سنگین برای زنا و دیگر ناهنجاری‌های جنسی، اهتمام فراوان خود را به پاک‌شدن فرد و جامعه از این اعمال ناشایست نشان داده است. در فرهنگ اسلامی برای زنا، افزون بر مجازات دنیوی و عذاب دردناک قیامت، آثار و پیامدهای زیان‌باری نیز ذکر شده که در همین دنیا گریبان‌گیر فرد زناکار و جامعه‌ای می‌شود که در آن زنا رواج یافته است.

ب) توجه به خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه
در قانون اساسی جمهوری اسلامی از خانواده به‌عنوان «واحد بنیادین جامعه»، یاد و پاسداری از قداست آن بر عهده حکومت اسلامی گذاشته شده است. در بخشی از مقدمه این قانون، زیر عنوان «زن در قانون اساسی»، نگرش قانون‌گذار جمهوری اسلامی به خانواده چنین بیان شده است:
خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که

میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد از حالت انفعالی و مصرفی خارج و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شود که در نهایت به نفع خود آنان باشد. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا هوشمندانه و مفید از سفره رسانه‌ها بهره‌مند شویم.

با توجه به هجوم رسانه‌ای گسترده‌ای که در سال‌های اخیر با محوریت شبکه‌های ماهواره‌ای فیلم و سریال و با هدف تغییر سبک زندگی اسلامی، ایرانی؛ به‌ویژه در زمینه ارتباط زن و مرد و روابط جنسی شکل گرفته است، یکی از راهکارهای مهم مصونیت‌بخشی به مخاطبان در برابر پیام‌های نامناسب و غیر اخلاقی این‌گونه شبکه‌ها، افزایش سواد رسانه‌ای مردم در زمینه اهداف، طرح‌ها و برنامه‌های رسانه‌های وابسته به نظام سلطه و دادن هشدارهای لازم به آنها درباره پیام‌های نادرست القاشده از سوی این رسانه‌هاست.

ز) بهره‌گیری از رسانه‌های مکمل
چنان‌که پیش از این نیز بیان شد، صداوسیما جمهوری اسلامی به دلایل مختلف زیر نمی‌تواند به سطوحی از آموزش و تربیت جنسی و همچنین بیان روشن و بی‌پرده مسایل و مشکلات جنسی بپردازد، از جمله: گستردگی، فراگیری و عمومیت برنامه‌های آن، ناممکن یا دشواربودن محدودکردن مخاطبان یک برنامه به گروهی ویژه و بازداشتن دیگران، به‌ویژه کودکان و نوجوانان از تماشای آن برنامه و همچنین مسائل و مشکلات فراوانی که ارائه آموزش‌های نامتناسب با سن، جنس



زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات به‌منظور رسیدن به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

ج) توجه ویژه به آموزش و تربیت جنسی اقشار گوناگون

در نظام جمهوری اسلامی به آموزش و پرورش جامعه و افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها توجه خاصی شده و بر همین اساس در اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است برای دستیابی به اهداف یادشده در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به‌کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با تمام مظاهر فساد و تباهی؛

۲. افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت نظام جمهوری باید با استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای رسمی آموزشی و پرورشی و همچنین مطبوعات و رسانه‌های گروهی، آموزش و تربیت جنسی اقشار گوناگون جامعه را بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی در دستور کار خود قرار دهد تا در آینده شاهد بنیان‌های محکم خانواده و نسلی پویا و سالم باشیم.

د) توجه به نقش پژوهش در مقابله با ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی

متأسفانه در جامعه ما بر اساس یک سنت رایج، به تحقیق و پژوهش به‌عنوان مقدمه برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و اجرا، کم‌توجهی یا بی‌توجهی می‌شود و مسئولان نهادها و سازمان‌های مختلف اجتماعی فقط زمانی به سراغ پژوهش و تحقیق می‌روند که اقدام‌های اجرایی، قانون‌گذاری یا برنامه‌ریزی‌های آنها به بن‌بست رسیده باشد. پرداختن به موضوع افزایش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در جامعه ما نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. متأسفانه باید اذعان داشت که اگرچه با تأخیری چند ساله به این موضوع توجه شده، ولی در زمینه عوامل و زمینه‌های گسترش این ناهنجاری‌ها و آسیب‌ها و راهکارهای مقابله با آنها پژوهش‌های جامع و کاملی انجام نشده است.

۳. سیاست‌های برنامه‌سازی

سیاست‌ها و تدبیرهایی که بر اساس اصول و مبانی یادشده برای جلوگیری از گسترش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی در ایران باید به آنها توجه شود، به این شرح است:

الف) توجه دقیق به آموزه‌های اسلامی در ارائه راهکارها

نکته مهمی که در زمینه سامان‌دهی به مسائل جنسی جامعه، مقابله با ناهنجاری‌های موجود در این زمینه و همچنین هرگونه کار فرهنگی و رسانه‌ای آگاهی‌بخش و رفتارساز باید به آن توجه داشت، رعایت دقیق آموزه‌های اسلامی در ارائه راهکارهاست.

مذهبی و اقشار متدین جامعه به طرح مباحث جنسی در رسانه‌های همگانی اهمیت بسزایی دارد. البته این سخن به معنای سکوت و بی‌تفاوتی در برابر مسائل و مشکلات جنسی جامعه به بهانه حفظ مرزهای حیا و عفاف نیست؛ زیرا این روش خلاف سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) است. بلکه منظور این است که در پرداختن به این مسائل و مشکلات، دقت و مراقبت کامل را در انتخاب شبکه رادیویی یا تلویزیونی، مخاطب، ساختار برنامه‌سازی، جنس و سن و سال مشاور و کارشناس، ساعت پخش برنامه، نوع و چگونگی بیان به کار برد تا ضمن بیان دقیق مسائل و مشکلات و ارائه راهکار برای برطرف کردن آنها، از پیامدهای منفی برنامه نیز تا حد امکان کاسته شود.

د) بهره‌گیری مناسب از همه ظرفیت‌های علمی و پژوهشی کشور

افزون بر مدیریت متمرکز سیاست‌گذاری، طراحی و تولید برنامه‌های مرتبط با سلامت جنسی، موضوع دیگری که می‌تواند موجب اتقان و اثربخشی این‌گونه برنامه‌ها شود، بهره‌گیری مناسب از همه ظرفیت‌های علمی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی در مراحل مختلف تولید این برنامه‌هاست.

بی‌تردید، برنامه‌ای که بدون داشتن پشتوانه مناسب پژوهشی و بدون بهره‌گیری از کارشناسان و مشاوران متخصص و متعهد ساخته شود، افزون بر اینکه اثر مطلوب را نخواهد گذاشت و مشکلی از مشکلات گوناگون حوزه سلامت جنسی را حل نخواهد کرد، چه بسا موجب بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جنسی تازه‌ای در جامعه نیز شود.

چنان‌که گفته شد، در آموزه‌های اسلامی، هر نوع ارضای جنسی خارج از محدوده ازدواج زن و مرد، ناهنجاری جنسی، گناه و فعل حرام شمرده شده و حتی برای بسیاری از آنها مجازات - اعم از حد یا تعزیر- در نظر گرفته شده، ولی متأسفانه در سال‌های گذشته شاهد بوده‌ایم برخی با نادیده‌گرفتن این موضوع و به بهانه جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی به فکر سامان‌دهی و قانونی‌کردن پدیده روسپی‌گری در جامعه اسلامی ایران افتادند و طرح‌ها و برنامه‌هایی نیز برای این موضوع ارائه دادند که با بازتاب‌های منفی مراکز و نهادهای مذهبی کشور روبه‌رو شد. (شفیعی سروسناتی، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

ب) شناسایی و اولویت‌بندی اختلال‌های جنسی

ورود عالمانه، کاربردی و اثرگذار رسانه ملی به حوزه مسائل و مشکلات جنسی جامعه ایران، نیازمند شناسایی و اولویت‌بندی مصادیق اختلال‌های جنسی بر اساس آمار و اطلاعات موجود و دیدگاه کارشناسان و طراحی برنامه‌ای دقیق و مشخص برای پرداختن به آنها متناسب با نیازهای مخاطبان مختلف است.

ج) توجه به مرزهای حیا و خودداری از دامن‌زدن به مسائل جنسی

در پرداختن به مسائل و مشکلات جنسی جامعه باید بسیار مراقب بود که طرح این مباحث موجب از بین رفتن مرزهای حیا و عفاف و دامن‌زدن به مسائل جنسی در جامعه نشود. این موضوع به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های جامعه ایران و حساسیت نهادهای



در پایان آرزو می‌کنیم مدیران و برنامه‌سازان رسانه ملی بتوانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارزشمند علمی، پژوهشی و کارشناسی کشور، در زمینه ازبین‌بردن ناهنجاری‌های موجود در حوزه روابط جنسی و اصلاح و ارتقای فرهنگ روابط جنسی جامعه اسلامی ما گام‌های مؤثری بردارند.

منابع

۱. بستان، حسین (۱۳۹۳)، «خانواده»، در: *دانش‌نامه فاطمی*، علی‌اکبر رشاد (زیرنظر)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۹۸-۲۹۹.
۲. بهشتی، محمد (۱۳۸۷)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن: فیض کاشانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۹/۷ به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2228>
۴. ثابت، حافظ (۱۳۹۰)، *تربیت جنسی در اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه* (ج ۷)، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۱۰۱۶۹.
۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳)، *تحلیلی بر مهم‌ترین مسایل زن و خانواده در ایران*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

۷. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۵)، *مراحل رشد و تحول انسان*، به ضمیمه مقدمه‌ای بر دیدگاه اسلام در مورد رشد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۳.
۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «نظام اسلامی و ناهنجاری در روابط جنسی»، در: *نظام اسلامی و مسئله روسپی‌گری (مجموعه مقالات و گفت‌وگوها)*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۲۶۲۳.
۹. شیخ صدوق (۱۳۶۲)، *کتاب الخصال* (ج ۲)، قم: انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ص ۳۴۳، ح ۸.
۱۰. ----- (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه* (ج ۴)، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۱۴.
۱۱. طاهرپور، محمدشریف و شرفی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ص ۵۶.
۱۲. فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۶)، *تربیت جنسی*، تهران: البرز.
۱۳. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (ج ۷)، تهران: ناصر خسرو.
۱۴. فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۷)، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث*، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.

۱۵. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی و عقیل، محسن (۱۴۲۳ق)، *الحقائق فی محاسن الأخلاق* (ج ۱)، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۶. کرلینجر، فردریک نیکلز (۱۳۷۷)، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه: حسن پاشا شریفی و جعفر حقیقی زند، تهران: آوای نو، ص ۲۹.
۱۷. کوچتکف و لاپیک (۱۳۶۹)، *روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان*، ترجمه: محمدتقی‌زاده، تهران: بنیاد.
۱۸. گاردنر، ویلیام (۱۳۹۶)، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه: معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۹. مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *بحارالانوار* (ج ۱۰۱)، تهران: اسلامیه.
۲۰. حر عاملی، محمدبن حسن و ماحوزی، احمد (۱۳۹۶)، *تفصیل وسائل الشیعة* (ج ۲۸)، تهران: موسسه زین العابدین (ع).
 ۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۶)، *کیمیای محبت*، قم: دارالحدیث.
۲۲. ----- (۱۳۸۹)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، قم: دارالحدیث.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، «مسأله حجاب»، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (ج ۱۹)، تهران: صدرا.
۲۴. ----- (۱۳۶۴)، «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب»، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (ج ۱۹)، تهران: صدرا.
۲۵. ----- (۱۳۶۴)، «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»، در: *مجموعه آثار استاد شهید مطهری* (ج ۲)، تهران: صدرا.
۲۶. موریس، دبس (۱۳۷۴)، *مراحل تربیت*، ترجمه: علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. مؤمن، رقیه السادات (۱۳۹۲)، *جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۸. ناصح علوان، عبدالله (۱۳۷۰)، *اسلام و تربیت کودکان* (ج ۱)، ترجمه: احمد بهشتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.



موضوعات و محورهای پیشنهادی برنامه‌سازی

سیده‌مریم چاوشی^۱



- ادله شرعی، عقلی و روایی تربیت جنسی
- جایگاه اصول و ارزش‌های ذاتی و ثابت اخلاقی در تربیت جنسی
- تربیت جنسی کودکان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد فرزندپروری

رویکردهای مختلف به تربیت جنسی

- نظام تربیت جنسی در رویکرد اسلامی
- تربیت جنسی در دیدگاه جامعه‌شناسان غربی و تفاوت آن با دیدگاه‌های اسلامی در این زمینه
- تفاوت مطالعات جنسیت در ایران با مطالعات جنسیت در جوامع غیراسلامی

چیستی تربیت جنسی

- معنا و مفهوم تربیت جنسی
- تربیت جنسی به‌عنوان پیش‌نیازی برای سلامت جنسی
- معنا و مفهوم تربیت جنسی در اصطلاح علمی و اسلامی
- ضرورت تربیت جنسی
- متولیان تربیت جنسی
- تفاوت‌های دختران و پسران در حوزه مسائل جنسی
- اقتضائات هویت جنسیتی (پسران و دختران) در تربیت جنسی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی رسانه؛ (minoo_my@yahoo.com)



- دیدگاه اسلام به تفاوت نقش‌های زنانه و مردانه و فلسفه این تفاوت‌ها
- نقدهای وارده از سوی دیدگاه‌های غیردینی به دیدگاه‌های جنسیتی اسلام و پاسخ کارشناسانه به این نقدها
- نقد اسلامی دیدگاه‌های سنتی درباره نقش‌های جنسیتی زنانه
- رویکردهای اخلاقی به تربیت جنسی
- دیدگاه صاحب‌نظران علوم تربیتی درباره تربیت جنسی
- دیدگاه صاحب‌نظران روان‌شناسی به تربیت جنسی
- **اسلام و تربیت جنسی**
- نظام تربیت جنسی در رویکرد اسلامی
- مفهوم و مؤلفه‌های تربیت جنسی از نگاه اسلام
- مبانی تربیت جنسی و آموزش‌های جنسی از دیدگاه اسلام
- تربیت جنسی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه
- تربیت جنسی در سیره تربیتی امام سجاد (ع)
- اهداف تربیت جنسی از دیدگاه اسلام
- راهبردهای تربیت جنسی در اسلام
- ضرورت مراجعه به آیات و روایات در تربیت جنسی فرزندان
- ضرورت تناسب آموزش‌های جنسی با فطرت انسانی و کرامت نفس، از دیدگاه اسلام
- چهارچوب‌های اخلاقی در تربیت جنسی از دیدگاه اسلام
- احکام شرعی و موازین فقهی اسلام در تربیت جنسی
- مسئولیت فقیه و کارکرد فقه اسلامی در تربیت جنسی
- بررسی فقهی تربیت جنسی و مطابقت آن با سند ۲۰۳۰
- ادله فقهی تربیت جنسی
- الگوی اسلامی تربیت جنسی در عصر جهانی‌شدن
- شیوه‌های اسلامی تعاملات بین فردی و نقش آن در تربیت جنسی
- مصون‌سازی مبتنی بر تهذیب، راهبرد اساسی اسلام در تربیت جنسی
- حدود و ثغور حریم خصوصی از دیدگاه اسلام
- حکم بوسه‌زدن و بغل‌کردن کودکان نامحرم
- تفاوت دیدگاه اسلام و غرب به تربیت جنسی
- اسوه‌ها و الگوهای برجسته در زمینه تربیت و عفاف جنسی
- تبیین ارزش‌های بنیادین سند ۲۰۳۰ با نظام معرفتی اسلامی در تربیت جنسی
- **تربیت جنسی و آموزش**
- جایگاه آموزش‌های جنسی در تربیت جنسی
- مبانی آموزش‌های جنسی در تربیت جنسی از دیدگاه اسلام
- نیازهای متفاوت آموزشی دختران و پسران در آموزش‌های مربوط به تربیت جنسی
- تفاوت اهداف آموزش جنسی در سنین مختلف



- تأثیر برابری‌های تحصیلی پسران و دختران بر نقش‌های جنسیتی آنان در خانواده و جامعه
 - تبیین نقش‌های مردانه از سوی سیستم‌های آموزشی به فرزندان پسر
 - تبیین نقش‌های زنانه از سوی سیستم‌های آموزشی به فرزندان دختر
 - آموزش شیوه‌های مناسب پیشگیری از سوءاستفاده‌های جنسی احتمالی به کودکان و نوجوانان
 - آموزش شیوه‌های مناسب مواجهه با سوءاستفاده‌های جنسی به کودکان و نوجوانان
 - ویژگی‌های یک فضای آموزشی مناسب برای تربیت جنسی کودکان و نوجوانان
 - ضرورت ایمن‌بودن فضای آموزش مسائل جنسی از سوی والدین به کودکان و نوجوانان
 - شیوه‌های مراقبت کودکان از بدن خود
 - ضرورت آموزش‌های رسانه‌ای متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران
 - معرفی مکان‌های خصوصی در منزل به کودکان
- تربیت جنسی و رسانه**
- ضرورت آموزش‌های رسانه‌ای متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران
 - ملاحظات طرح مسائل مربوط به تربیت جنسی از رسانه ملی
 - متولیان طرح مسائل مربوط به تربیت جنسی از رسانه ملی (به لحاظ شبکه، گروه برنامه‌سازی و ...)
- سیاست‌های جنسیتی دنبال‌شده از رسانه ملی
 - سیاست‌های جنسیتی دنبال‌شده از رسانه‌های غربی
 - سیاست‌های جنسیتی دنبال‌شده از رسانه‌های معاند فارسی‌زبان
 - سیاست‌های جنسیتی دنبال‌شده در رسانه‌های مکتوب
 - سیاست‌های جنسیتی دنبال‌شده در فضاهای مجازی
 - آسیب‌های نمایش رسانه‌ای نقش‌های زنانه به‌عنوان نقش‌های فرودست‌تر از نقش‌های مردانه
 - آسیب‌های نمایش رسانه‌ای نقش‌های مردانه به‌عنوان ایدئال‌ترین نقش‌ها
 - نقد برنامه‌های طنز تلویزیونی در بازنمایی نقش‌های جنسیتی زنان
 - نقش سلبریتی‌ها و گروه‌های مرجع در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان جامعه
- عوامل تأثیرگذار در تربیت جنسی**
- تأثیر تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بر فرایند صحیح تربیت جنسی
 - نقش تربیت جنسی بر سلامت جنسی
 - رابطه تربیت دینی با تربیت جنسی
 - نقش تربیت صحیح جنسی کودکان و نوجوانان در شکل‌گیری هویت اسلامی - ایرانی افراد جامعه
 - تأثیر رعایت حلال و حرام در مسائل جنسی بر فرایند تربیت صحیح جنسی
 - تأثیر برابری‌های تحصیلی پسران و دختران بر نقش‌های جنسیتی آنان در خانواده و جامعه



- نقش مذهب، فرهنگ، قومیت، نژاد و حتی باورهای خرافی در کیفیت تربیت جنسی کودک و نوجوان
- نقش کنجکاو جنسی کودکان در فرایند تربیت جنسی آنان
- نقش تربیت جنسی در جنبه‌های مختلف رشد انسان
- جایگاه خانواده و مشارکت اثربخش آن در فرایند تربیت جنسی
- رابطه عدالت تربیتی با فرایند صحیح تربیت جنسی
- نقش تربیت صحیح جنسی در حفظ شأنیت انسانی
- تأثیر رعایت وظایف زناشویی بر تربیت صحیح جنسی فرزندان
- تأثیر تربیت صحیح جنسی بر سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده
- نقش تربیت صحیح جنسی در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها
- نقش تربیت جنسی در ارتقای شخصیت فرد
- نقش اصلی و محوری خانواده در تربیت صحیح جنسی
- نقش خانواده در فرایند اجتماعی‌شدن جنسی فرزندان
- نقش گروه همسالان در فرایند اجتماعی‌شدن جنسی کودکان و نوجوانان
- آثار منفی جهانی‌شدن بر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ایرانی
- نقش باورهای دینی و مذهبی در تربیت صحیح جنسی
- تأثیر آشنایی کودکان و نوجوانان با احکام دینی بر تربیت صحیح جنسی آنان
- نقش آگاه‌سازی والدین از خطرهای فضای مجازی در تربیت جنسی فرزندان
- نقش خودمراقبتی در تربیت جنسی
- تأثیر تقویت نقش‌های جنسیتی و هویت جنسی فرزندان بر تربیت صحیح جنسی آنان
- آثار منفی تشبّه نوجوانان به جنس مخالف بر تربیت جنسی آنان
- نقش مهارت‌های ارتباطی در حیات خانوادگی و اجتماعی بر فرایند تربیت جنسی
- نقش ورزش و تفریحات سالم در تربیت صحیح جنسی
- تأثیر تغذیه سالم در تربیت صحیح جنسی
- نقش اعتماد به نفس در تربیت صحیح جنسی
- نقش سخنرانی‌ها و محافل مذهبی در تربیت صحیح جنسی
- اسوه‌گزینی در زمینه اخلاق جنسی و تأثیر آن در تربیت جنسی
- تأثیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تصحیح فرایند تربیت جنسی
- تأثیر تربیت جنسی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان
- نقش رعایت کامل مرزهای حیا و عفت در تربیت صحیح جنسی
- جایگاه بهداشت در تربیت جنسی
- نقش تربیت جنسی در مدیریت بدن



راهکارهای تربیت جنسی

- مهارت تبیین نقش‌های مردانه از سوی والدین به فرزندان پسر
- مهارت تبیین نقش‌های زنانه از سوی والدین به فرزندان دختر
- مهارت کودکان و نوجوانان در آشنایی با حریم خصوصی در محیط خانواده
- ضرورت اجازه گرفتن کودک هنگام ورود به خلوتگاه والدین
- معرفی مکان‌های خصوصی در منزل به کودکان
- مهارت‌های کودکان در استفاده ایمن از مکان‌های خصوصی مانند حمام و دستشویی و اتاق خواب
- مهارت‌های کودکان در شناخت محل‌های مناسب برای تعویض لباس یا استراحت
- مهارت‌های کودکان در مواجهه با بحث‌های جنسی مطرح‌شده بین دوستان
- مهارت‌های کودکان در مواجهه مناسب با کنجکاوی سایر کودکان درباره اندام‌های جنسی آنان
- مهارت والدین در پاسخگویی به سؤالات کودکان و نوجوانان در مورد مسائل جنسی
- مهارت والدین در تقویت قدرت نه گفتن به کودکان برای مقابله با سوءاستفاده‌های جنسی
- نقش والدین در آگاهی‌دادن درست کودکان از خصوصی بودن برخی از اعضای بدن
- تأثیر مهارت والدین در تنظیم خواب کودکان بر تربیت جنسی آنان
- نقش والدین در تقویت اراده و روحیات معنوی فرزندان و نقش آن در تربیت جنسی آنان
- نقش آگاهی به موقع والدین از بیماری دستگاه تناسلی کودکان در پیشگیری از اعتیاد آنان به لمس این اندام‌ها
- تأکید بر ضرورت ازدواج به عنوان پاسخی به غریزه جنسی
- تبلیغ و ترویج ازدواج آسان به عنوان یکی از راهکارهای تربیت جنسی
- تبیین تقدس ازدواج و تشکیل خانواده
- تقویت مقوله عفاف و حجاب
- راهکارهای کنترل نگاه و خویشتن‌داری در برابر گناه
- شیوه‌های ایجاد هماهنگی بین ابعاد مختلف تربیت از سوی والدین
- شیوه‌های ایجاد هماهنگی بین ابعاد مختلف تربیت از سوی نهادهای آموزشی و تربیتی
- تأکید بر هدفمندبودن آمیزش جنسی از دیدگاه دین
- ضرورت خویشتن‌داری والدین در مقابل فرزندان در مسائل جنسی
- توجه به ویژگی‌های دوران بلوغ کودکان و نوجوانان ضمن توجه به هویت مشترک آنان
- شیوه‌های تقویت هویت جنسی و رفتارهای مناسب جنسیت
- تقویت مهارت‌های جلوگیری از سوء استفاده جنسی از سوی دیگران
- چگونگی آشناسازی کودکان و نوجوانان با تفاوت‌های فیزیولوژیکی زن و مرد



- آشنایی والدین با مناسبترین مقطع سنی برای تربیت جنسی فرزندان
- آشنایی والدین با مراحل تربیت جنسی کودکان و نوجوانان
- طبقه‌بندی و متناسب‌سازی موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و ویژگی‌های کودک و نوجوان
- **تربیت جنسی و آسیب‌ها**
- آسیب‌های نمایش رسانه‌ای نقش‌های زنانه به‌عنوان نقش‌های فرودست‌تر از نقش‌های مردانه
- آسیب‌های نمایش رسانه‌ای نقش‌های مردانه به‌عنوان ایدئال‌ترین نقش‌ها
- آسیب‌های ناشی از انتخاب نامناسب شغل از سوی زنان و مردان بر ویژگی‌های جنسیتی آنان
- مهم‌ترین علل تقابل نقش‌های زنان و مردان در جامعه
- لیبرالیسم جنسی به‌عنوان یکی از چالش‌های فراروی تربیت صحیح جنسی
- تبعات مخرب لیبرالیسم جنسی بر ساختارهای زندگی در جوامع غربی
- آسیب‌های ناشی از شناخت موضوعات جنسی از راه‌های نامناسب بر کودک و نوجوان
- آسیب‌های ناشی از دریافت اطلاعات پیرامون مسائل جنسی در فضاهای دوستانه بر کودکان و نوجوانان
- آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی به فرزند و رهاکردن وی در بین بزرگسالان
- آسیب‌های ناشی از خوابیدن کودکان و نوجوانان در محل‌های غیرایمن
- آسیب‌های ناشی از عدم تفکیک جنسی برای انتخاب محل خواب فرزندان
- آسیب‌های ناشی از عدم رعایت حریم بین محرم و نامحرم برای انتخاب محل خواب فرزندان
- آسیب‌های عدم رعایت موازین شرعی پوشش بر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان جامعه
- آسیب‌های آرایش‌های محرک زنان و دختران جامعه بر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان جامعه
- آسیب‌های عدم رعایت پوشش مناسب زن و مرد در مقابل محارمی غیر از همسر خود
- آسیب‌های عدم رعایت پوشش مناسب مادر و پدر در مقابل فرزندان غیرهم‌جنس خود
- آثار نامطلوب برهنه‌شدن در مقابل کودک و نوجوان بر تربیت جنسی وی
- آثار نامطلوب برهنه‌کردن کودک در مقابل دیگران بر تربیت جنسی وی
- نقش روابط آزاد دختر و پسر در محافل خانوادگی و اجتماعی بر انحرافات جنسی
- آسیب‌های اختلاط زن و مرد در مهمانی‌های خانوادگی و طایفگی بر تربیت جنسی فرزندان
- آسیب‌های اختلاط زن و مرد در محیط کار بر تربیت جنسی
- آسیب‌های ناشی از پاسخ‌های غیرعلمی و نادرست به کنجکاوی‌های جنسی کودکان
- پیامدهای منفی تساوی جنسیتی بر تربیت جنسی



- مهم‌ترین رفتارها و آسیب‌های پرخطر جنسی
- مهم‌ترین زمینه‌های انحرافات جنسی در شرایط کنونی و شیوه‌های امحاء این زمینه‌ها
- مهم‌ترین علل بلوغ زودرس کودکان و آثار منفی آن بر فرایند تربیت صحیح جنسی
- اختلال در تربیت صحیح جنسی با تحریک زودهنگام غریزه جنسی کودک و نوجوان
- تأثیر تربیت نادرست جنسی بر عقل و زوال زودهنگام آن
- رابطه تک‌فرزندی با اختلال در فرایند تربیت صحیح جنسی
- رابطه تک‌والدی با اختلال در فرایند تربیت صحیح جنسی
- آثار سوء شکاف نسلی بر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان
- تأثیر مکاتب و دیدگاه‌هایی چون فمینیسم بر اختلال در فرایند تربیت جنسی
- اصالت‌بخشی به آزادی‌های فردی و تأثیر مخرب آن بر تربیت جنسی
- تأثیر تربیت نادرست جنسی بر دین و دین‌داری فرد
- آسیب‌های راهبردهای غربی در تربیت جنسی
- آسیب‌های مادی‌گرایی بر تربیت جنسی

سؤالات تربیت جنسی

سیده مریم چاوشی



جنسی غیرمستقیم از سوی دیدگاه‌های اسلامی مورد تأیید است؟
چه رابطه‌ای بین تربیت جنسی با تربیت بر محور اخلاق جنسی وجود دارد؟

تربیت جنسی از دیدگاه اسلام

- مقصود از تربیت جنسی اسلامی چیست؟
- در آموزه‌های شرعی تأکید بر تربیت جنسی است یا آموزش جنسی؟ چرا؟
- از دیدگاه اسلام هدف نهایی از تربیت جنسی چیست؟
- مؤیدات قرآنی و روایی و عقلی تربیت جنسی کدام‌اند؟
- فقه اسلامی چه دیدگاهی در مورد تربیت جنسی دارد؟ الگوی ارائه‌شده مبتنی بر این دیدگاه باید چه ویژگی‌هایی داشته

چیستی تربیت جنسی

- تربیت جنسی به چه معناست و چه تفاوت‌هایی با آموزش جنسی دارد؟
- آیا تربیت جنسی تنها به معنای آموزش جنسی یا انتقال دانستنی‌های جنسی و پروراندن غریزه جنسی است؟
- رابطه تربیت جنسی با تربیت جسمانی و عقلانی، تربیت دینی و اخلاقی و تربیت اجتماعی را تبیین کنید؟
- شیوه‌های تربیت و آموزش جنسی در دوره کودکی، به چند دسته تقسیم می‌شود؟
- تربیت جنسی مستقیم چه نوع تربیتی است؟ آیا شیوه‌های تربیت جنسی مستقیم را دیدگاه‌های اسلامی تأیید می‌کند؟
- تربیت جنسی غیرمستقیم چه نوع تربیتی است؟ آیا شیوه‌های تربیت



- باشد؟ (برنامه و الگوی فقه اسلامی برای تربیت جنسی کودکان و نوجوانان چیست؟)
- مسئولیت فقهای اسلامی در تعیین حکم شرعی در فرایند تربیت جنسی را تبیین کنید؟
- به لحاظ شرعی، آموزش‌های جنسی و کم و کیف آن دارای چه احکامی است؟
- خودارضایی به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟
- هم‌جنس‌گرایی به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟
- والدین و نهادهای فرهنگی اجتماعی با چه شیوه‌های شرعی و قانونی می‌توانند آثار نامطلوب ناشی از افزایش فاصله بین بلوغ جنسی و ازدواج جوانان جامعه را کاهش دهند؟
- با توجه به اینکه جامعه اسلامی باید بر اساس نظام تربیتی اسلام تعیین و مدیریت شود، مهم‌ترین شیوه‌های آموزشی و تربیت جنسی هماهنگ با مبانی، اهداف و اصول به‌دست‌آمده از متون دینی کدام‌اند؟
- از دیدگاه امیرمؤمنان، علی علیه السلام بهترین ادب چه نوع ادبی است و چگونه موجب بازداشته‌شدن فرد از گناه می‌شود؟ این نوع ادب چه تأثیری بر تربیت صحیح جنسی خواهد داشت؟
- جایگاه تربیت جنسی در سیره تربیتی امام سجاد علیه السلام را تبیین کنید؟
- دیدگاه اسلام درباره سرمایه‌های جنسی زنان و شیوه‌های جهت دهی صحیح این سرمایه‌ها را تبیین کنید؟ (راهکارها و تدابیر اسلام برای هدایت سرمایه جنسی به سمت تربیت جنسی مطلوب برای زنان چیست؟)
- چگونه می‌توان به تدوین برنامه‌های تربیت جنسی بر مبنای فلسفه اسلامی متناسب با عصر جهانی‌شدن و تعیین محتوای مشخص در این زمینه پرداخت؟
- چه تفاوت‌هایی بین نگاه اسلام با نگاه غرب در حوزه تربیت جنسی وجود دارد؟
- رعایت‌نکردن آداب اسلامی به هنگام آمیزش از سوی زوجین، چه نقشی در انحرافات جنسی فرزندان آنان خواهد داشت؟
- در تدوین الگوی نظری بومی تربیت جنسی با رویکرد اسلامی ایرانی باید به چه ملاک‌ها و شاخصه‌هایی توجه داشت؟
- چگونه می‌توان با رویکردی اسلامی به بازشناسی تربیت جنسی در کودکان و نوجوانان پرداخت؟
- حکم تکلیفی مترتب بر آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان در خصوص والدین و مربیان چیست؟
- انواع نگاه و حکم مترتب بر آن کدام‌اند؟ چگونه می‌توان با تبیین انواع نگاه‌ها و آموزش احکام آنها به کودکان و نوجوانان، در پیشگیری از بسیاری از انحرافات جنسی آنها مؤثر واقع شد؟
- آیا دیدگاه‌های اسلامی شیوه‌های تربیت جنسی مستقیم را تأیید می‌کند؟
- چه ارتباطی بین آشنایی کودکان و نوجوانان از وظایف و تکالیف شرعی با تربیت صحیح جنسی وجود دارد؟



- نقش نهادها و سازمان‌های دینی در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان را به چه میزان ارزیابی می‌کنید؟

زمان و مراحل تربیت جنسی

- بهترین زمان برای آموزش‌های لازم در راستای تربیت جنسی کودکان چه هنگامی است؟
- زمان تربیت جنسی کودکان و نوجوانان را چه عواملی تعیین می‌کنند؟
- کودکان در چه سنینی درباره مسائل جنسی کنجکاو می‌شوند؟ شیوه‌های مناسب مواجهه والدین با این کنجکاوی‌ها چیست؟
- موقعیت‌های تصادفی و واقعی مناسب برای آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان چه زمانی است؟
- چگونه می‌توان به اصلاح برنامه‌های آموزشی و تربیتی و ایجاد برنامه‌ای مشخص و مدون در زمینه زمان، شیوه و متولی آموزش‌های جنسی به کودکان و نوجوانان پرداخت؟
- مهم‌ترین تغییرات فیزیکی و روانی در نوجوانان به هنگام رسیدن آنان به بلوغ کدام است؟ والدین چگونه می‌توانند در مورد این تغییرات به فرزندان خود آگاهی دهند تا موجب اختلالات جنسیتی در آنان نشود؟
- چگونه می‌توان دختران نوجوانی را که در آستانه بلوغ هستند برای قاعدگی آماده کرد؟

- از دیدگاه اسلام مقدمات پاکدامنی چیست؟
- تنظیم حقوق متقابل زن و مرد که از سوی اسلام مورد تأیید قرار گرفته است، چه تأثیری بر کنترل غرایز نامشروع جنسی خواهد داشت؟
- حجاب و پوشش اسلامی چه نقشی در تربیت صحیح جنسی افراد جامعه خواهد داشت؟
- نقش امر به معروف و نهی از منکر در تربیت جنسی افراد جامعه را بیان کنید؟

متولیان تربیت جنسی

- کدامیک از والدین (پدر یا مادر) نقش مهم‌تر و موثرتری در تربیت جنسی کودک و نوجوان دارند؟ (مسئول تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در خانواده کیست؟)
- مهم‌ترین نقش در آماده‌سازی کودکان برای رویارویی با تنش‌ها و ابهامات زندگی جنسی را چه کسانی دارند؟ چرا؟
- منابع معتبر و مورداعتماد آموزش جنسی کدام‌اند؟ آیا این منابع از دیدگاه اسلامی مورد تأیید هستند؟
- چگونه می‌توان به اصلاح برنامه‌های آموزشی و تربیتی و ایجاد برنامه‌ای مشخص و مدون در زمینه زمان، شیوه و متولی آموزش‌های جنسی به کودکان و نوجوانان پرداخت؟
- مهم‌ترین نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی متکفل امر تربیت جنسی کودکان و نوجوانان جامعه کدام‌اند؟



- چگونه می‌توان پسرانی را که در آستانه بلوغ هستند برای احتلام آماده کرد؟
- شیوه‌های تربیت و آموزش جنسی در دوره کودکی، به چند دسته تقسیم می‌شود؟
- تربیت جنسی مستقیم چه نوع تربیتی است؟ آیا شیوه‌های تربیت جنسی مستقیم را دیدگاه‌های اسلامی تأیید می‌کند؟
- تربیت جنسی غیرمستقیم چه نوع تربیتی است؟ آیا شیوه‌های تربیت جنسی غیرمستقیم را دیدگاه‌های اسلامی تأیید می‌کند؟

مزایای تربیت جنسی

- تربیت جنسی چه نقشی در مقابله با بیماری‌های مقاربتی به‌ویژه بیماری ایدز خواهد داشت؟
- تربیت صحیح جنسی چه آثاری بر بلوغ به‌هنگام فرزندان خواهد داشت؟
- نقش تربیت صحیح جنسی در بقای نسل را تبیین کنید؟
- نقش تربیت جنسی در شکوفاسازی اقتصادی، سیاسی و... جوامع از جمله جامعه اسلامی ایران را تبیین کنید؟

اصول تربیت جنسی

- مهم‌ترین اصول گفت‌وگو در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان کدام‌اند؟
- صحبت‌کردن والدین با فرزندان کودک و نوجوان خود درباره مسائل جنسی باید در چهارچوب چه اصولی صورت گیرد تا

- موجب ازبین‌رفتن حجب و حیا در فرزندان یا شکسته‌شدن حرمت والدین نشود؟
- چگونه می‌توان بین جنبه‌های مختلف تربیت (تربیت جسمی، روانی، اخلاقی، جنسی، اجتماعی و...) هماهنگی ایجاد کرد؟
- چرا در تربیت جنسی ضرورت دارد که خانواده، محور آموزش‌های لازم در این زمینه باشد؟
- آیا لازم است برای تربیت جنسی به تقویت همه ابعاد به‌هم‌پیوسته تربیت در سطوح فردی و خانوادگی و اجتماعی پرداخت؟ چرا؟
- ضرورت توجه به تربیت جنسی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی تربیت در عصر جهانی‌شدن را تبیین کنید؟
- در تدوین الگوی نظری بومی تربیت جنسی با رویکرد اسلامی ایرانی باید به چه ملاک‌ها و شاخصه‌هایی توجه داشت؟

عوامل تأثیرگذار بر تربیت جنسی

- نقش صداقت والدین در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان را تبیین کنید؟
- نقش صبوری والدین در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان را تبیین کنید؟
- نقش نظارت اجتماعی در بحث تربیت صحیح جنسی و پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های جنسی را تبیین کنید؟
- نقش مراقبه‌های فردی در بحث پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های جنسی را تبیین کنید؟



- توجه کافی به شرایط روحی کودکان و نوجوانان در سنین بلوغ و دادن مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آنها از سوی مدارس و مؤسسات آموزشی، چه تأثیری بر فرایند تربیت صحیح جنسی خواهد داشت؟
- رابطه بین نگرش والدین به لزوم تربیت جنسی به کودکان با بروز رفتار پرخطر جنسی در آنان را تبیین کنید؟
- انجام وظایف زناشویی از سوی زوجین چه تأثیری در تربیت صحیح جنسی خود آنان و فرزندانشان خواهد داشت؟
- باورها و ارزش‌های اخلاقی و مذهبی والدین چه نقشی در تربیت صحیح جنسی فرزندان خواهد داشت؟
- نقش عدالت تربیتی در ابعاد کمی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی در تحقق فرایند تربیت صحیح جنسی را تبیین کنید؟
- ارتقای مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی نوجوانان از سوی والدین، چه تأثیری در فرایند تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟
- چگونه می‌توان با ارائه تصویری مناسب از بدن به فرزندان، به تربیت صحیح جنسی آنان پرداخت؟
- نبود برخی فشارهای اجتماعی جهت هدایت انرژی و امیال نفسانی کودکان و نوجوانان در سطح جامعه، چه آثاری بر کاهش میزان جرم در جامعه دارد؟
- نقش فعالیت‌های ورزشی و هنری در تربیت صحیح جنسی کودکان و نوجوانان را تبیین کنید؟
- عدالت اجتماعی چه نقش و جایگاهی در تصحیح فرایند تربیت جنسی کودکان و نوجوانان جامعه خواهد داشت؟
- تأکید بر فطرت کودکان و نوجوانان چه نقشی در تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟
- توسعه صنعت طراحی پوشش اسلامی در تربیت صحیح جنسی کودکان و نوجوانان جامعه چه نقش و تأثیری خواهد داشت؟
- متناسب‌سازی فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی با نیازهای ویژه و تفاوت‌های جنسیتی دانش‌آموزان در مدارس و مراکز آموزشی، چه نقشی در تربیت صحیح جنسی خواهد داشت؟
- رعایت اقتضائات هویت جنسیتی پسران و دختران و ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی، چه تأثیری در تربیت جنسی آنان خواهد داشت؟
- توجه به تفاوت‌های شهری و روستایی و همچنین تفاوت‌های بین پایتخت‌نشینی و زندگی در سایر شهرها چه تأثیری بر تشکیل صحیح هویت جنسیتی کودکان و نوجوانان جامعه خواهد داشت؟
- نقش ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در تربیت صحیح جنسی فرزندان را تبیین کنید؟
- چگونه ابراز احساسات و عواطف والدین به فرزندان خود، موجب آشکارشدن ارزشمندی و عزت فرزندان و به تبع آن تعیین هویت جنسی آنان خواهد شد؟



- چه ارتباطی بین آشنایی کودکان و نوجوانان از وظایف و تکالیف بهداشتی و شرعی با تربیت صحیح جنسی وجود دارد؟
- آیا لازم است زوجین پیش از ازدواج با یکدیگر برای تربیت صحیح جنسی فرزندان خود برنامه‌ریزی کنند؟ چرا؟
- تنظیم حقوق متقابل زن و مرد که از سوی اسلام مورد تأیید قرار گرفته است، چه تأثیری بر کنترل غرایز نامشروع جنسی خواهد داشت؟
- نقش حجاب و پوشش اسلامی در تربیت صحیح جنسی افراد جامعه را تبیین کنید؟
- نقش امر به معروف و نهی از منکر در تربیت جنسی افراد جامعه را بیان کنید؟
- تربیت صحیح جنسی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی فطرت و استعداد های کودکان و نوجوانان جامعه شود؟
- تربیت صحیح جنسی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی ایرانی کودکان و نوجوانان جامعه شود؟
- هماهنگی بین جنبه‌های مختلف تربیت جسمی، روانی، اجتماعی و ... با یکدیگر چه تأثیری در فرایند تربیت صحیح جنسی خواهد داشت؟
- **رویکردهای مختلف به تربیت جنسی**
- دیدگاه اسلام درباره تربیت جنسی را تبیین کنید؟
- از دیدگاه اسلام هدف نهایی از تربیت جنسی چیست؟
- نگرش نرمال به رابطه جنسی چگونه است؟
- نظریه‌های مطرح در مورد تربیت جنسی کدام‌اند؟
- چه تفاوت‌هایی بین نگاه اسلام با نگاه غرب در حوزه تربیت جنسی وجود دارد؟
- نظریه‌های مطرح در مورد نقش‌های جنسیتی را تبیین کنید؟ در این میان نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای کدام‌اند؟
- تفاوت خانواده‌های هسته‌ای با خانواده‌های گسترده در تربیت جنسی فرزندان را تبیین کنید؟
- **راهکارهای تربیت جنسی**
- والدین چگونه می‌توانند از ابتلاء فرزندان به خودارضایی پیشگیری کنند؟ در صورت ابتلاء فرزندان به خودارضایی، والدین با چه شیوه‌هایی می‌توانند این اختلال جنسی را در فرزند خود درمان کنند؟
- فرد مبتلا به خودارضایی با چه شیوه‌هایی می‌تواند به ترک این فعل حرام بپردازد؟
- والدین با چه شیوه‌هایی می‌توانند از بروز اختلال هم‌جنس‌گرایی در فرزند خود پیشگیری کنند؟ در صورت ابتلاء فرزند به اختلال هم‌جنس‌گرایی، والدین چگونه می‌توانند به درمان آن مبادرت ورزند؟
- فرد مبتلا به اختلال هم‌جنس‌گرایی چگونه می‌تواند بر این اختلال جنسی خود فائق آمده و خود را درمان کند؟
- والدین چگونه می‌توانند طبیعی یا غیرطبیعی بودن رفتار جنسی کودک خود را تشخیص دهند؟



تقویت عزت نفس فرزندان از سوی والدین چه نقشی در تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟

تربیت جنسی و آسیب‌ها

- به هنگام ظهور نشانه‌های بلوغ در نوجوانان، والدین لازم است فرزندان خود را از چه آسیب‌هایی آگاه کنند؟
- مهم‌ترین اشتباهاتی که والدین در حوزه تربیت جنسی فرزندان مرتکب می‌شوند، چیست؟
- انواع اختلالات جنسی را نام ببرید؟
- خودارضایی بیماری است یا اختلال؟ چرا؟
- آیا شاغل بودن مادر می‌تواند در انحرافات جنسی فرزند تأثیر گذار باشد؟ چرا و چگونه؟
- عدم رعایت آداب اسلامی به هنگام آمیزش از سوی زوجین، چه نقشی در انحرافات جنسی فرزندان آنان خواهد داشت؟
- ناپاک و ترسناک جلوه‌دادن رابطه جنسی بین همسران برای فرزندان، چه آثار سویی بر آنان خواهد داشت؟ این تأثیرات را به لحاظ علمی و اخلاقی تبیین کنید؟
- کودک‌آزاری به چه معناست و مصادیق آن چیست و روش‌های پیشگیری از آن کدام‌اند؟
- چه کودکانی بیشتر در معرض کودک‌آزاری و سوءاستفاده جنسی از سوی دیگران خواهند بود؟
- چه عواملی موجب می‌شود کودکان و نوجوانان برای یافتن پاسخ به سوالات

- با چه روش‌هایی می‌توان کودک و نوجوان را به هویت جنسی‌اش راهنمایی کرد که نه سبب تبعیض جنسیتی شود و نه سبب انحراف جنسی؟
- با چه شیوه‌هایی می‌توان برای کودک و نوجوان تبیین کرد که ارضای نیاز جنسی هدف نیست و فقط مسیری برای تحقق انسانیت اصیل و رسیدن به رستگاری حقیقی است؟
- تعاملات خویشاوندی باید با چه ملاحظات صورت گیرد که نه تنها موجب تحریکات جنسی در کودکان و نوجوانان نشود؛ بلکه این تعاملات بستری برای تربیت صحیح جنسی آنان شود؟
- چگونه می‌توان از خیال‌پردازی‌های جنسی کودکان و نوجوانان به‌ویژه هنگام قرارگرفتن در رختخواب جلوگیری کرد؟
- گاهی برخی از کودکان در سنین خردسالی به‌صورت مرض‌وار به لمس اندام تناسلی خود اعتیاد پیدا می‌کنند. چگونه و با چه شیوه‌هایی می‌توان آنان را به ترک این عمل واداشت؟
- مناسب‌ترین شیوه‌های مواجهه والدین با ظهور نشانه‌های بلوغ در فرزندان را بیان کنید؟
- درگیرکردن فرزندان کودک و نوجوان در امور منزل از سوی والدین چه نقشی در تربیت صحیح جنسی کودک و نوجوان خواهد داشت؟
- چه ارتباطی بین سطح سواد والدین به‌ویژه مادر با تربیت جنسی فرزندان وجود دارد؟



- خود در مورد مسائل جنسی، به دوستان و یا منابعی غیرمطمئن روی آورند؟
 - ندادن پاسخی علمی و درست به کنجکاوی‌های جنسی کودکان، چه آسیب‌های جسمی و روانی را برای آنان در پی خواهد داشت؟ (پرده‌پوشی و پاسخ‌های خلاف واقع به سؤالاتی که کودکان در مورد مسائل جنسی مطرح می‌کنند، چه عوارضی را به دنبال خواهد داشت؟)
 - تبدیل‌شدن فرهنگ سکوت در مدیریت رفتارهای جنسی کودک، چگونه موجب تعارض میان ارزش‌های سنتی خانواده و بروز رفتارهای جنسی کودک گردیده است؟
 - استانداردهای غیرممکن زیبایی و جذابیت‌های جنسی ناشی از تبلیغ مدل‌ها و کالاها با محوریت زنان، چه آسیب‌های فردی و خانوادگی را در جوامع مختلف از جمله جامعه ایران به وجود آورده است؟ چگونه می‌توان با تربیت جنسی افراد جامعه، به رفع این آسیب‌ها مبادرت کرد؟
 - تبلیغ زیاد سرمایه‌های جنسی در جامعه آثار نامطلوبی بر عزت نفس، تصویر بدن و درک زیبایی زنان خواهد گذاشت. چگونه می‌توان با تربیت صحیح جنسی از بروز چنین آسیب‌هایی جلوگیری کرد؟
 - کاربست سرمایه جنسی در جوامع غربی، این جوامع را با چه بحران‌های روحی و چه آسیب‌های جسمی مواجه ساخته است؟ چه عواملی موجب می‌شود کودکان و نوجوانان به سمت اختلالات جنسی گرایش پیدا کنند؟
 - چگونه اعمال تبعیض‌های جنسیتی در کلام و رفتار والدین در بین فرزندان دختر و پسر، موجب بروز اختلالات جنسی در فرزندان می‌شود؟
 - چگونه خشونت علیه زنان و عدم حمایت‌های قانونی از زنان آسیب‌پذیر موجب اخلال در تربیت صحیح جنسی کودکان و نوجوانان جامعه خواهد شد؟
 - نقش انحرافات اجتماعی والدین در انحرافات جنسی فرزندان را تبیین کنید؟
 - چنانچه نکات مربوط به تربیت جنسی از سوی والدین یا گروه همسالان بدون رعایت ملاحظات لازم و ضروری صورت گیرد، چه پیامدها و آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت؟
- تربیت جنسی و رسانه**
- چگونه می‌توان تحریکات جنسی فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان را از بین برد؟ (چگونه می‌توان نوجوانان را از آسیب‌های پورنوگرافی در اینترنت مصونیت بخشید؟)
 - طرح نکات مربوط به تربیت جنسی از سوی رسانه ملی باید با رعایت چه ملاحظات و چهارچوب‌هایی صورت گیرد؟
 - چنانچه نکات مربوط به تربیت جنسی از سوی رسانه‌ها بدون رعایت ملاحظات لازم و ضروری صورت گیرد، چه پیامدها و آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت؟
 - رسانه ملی چگونه می‌تواند طرح مسائل پیرامون تربیت جنسی را با آموزش‌های



تربیت جنسی و آموزش

- نیازهای کودکان و نوجوانان در سنین مختلف به فراگیری امور مربوط به مسائل جنسی چیست؟ چگونه می‌توان اطلاعات لازم را در هر یک از این مقاطع سنی به آنان ارائه داد؟
- مدرسه و سایر نهادهای آموزشی چه نقشی در مدیریت رفتارهای جنسی کودکان و نوجوانان دارند؟
- آیا در کتاب‌های درسی محتوای مناسب برای تربیت جنسی کودکان و نوجوانان ارائه شده است؟ برای ارائه این‌گونه مطالب باید چه ملاحظاتی را در نظر داشت؟
- چگونه می‌توان فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی را با نیازهای ویژه و تفاوت‌های جنسیتی، متناسب کرد؟
- با توجه به شرایط روحی کودکان و نوجوانان در سنین بلوغ، چه مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آنان باید ارائه شود؟ این مشاوره‌ها و آموزش‌ها باید از سوی چه افراد و نهادهایی صورت گیرد؟
- چگونه می‌توان همزمان با ایجاد فضایی امن برای کودکان و نوجوانان جهت طرح آسان سؤالات جنسی خود با والدین، به آنان آموزش داد که مسائل جنسی، اموری سرّی و مخفی هستند و نباید با هر کسی مطرح شوند؟
- آیا زمانی که کودکان و نوجوانان در مورد مسائل جنسی سؤالی مطرح نمی‌کنند، والدین برای آموزش این‌گونه مسائل باید پیش‌قدم شوند؟ چرا و چگونه؟
- ارائه‌شده از سوی خانواده‌ها هماهنگ کند تا در راستای تربیت جنسی فرزندان تعارضاتی به وجود نیاید؟
- رسانه ملی چگونه می‌تواند پیش از اهتمام به آموزش‌هایی در راستای تربیت جنسی، به ارتقای سواد رسانه‌ای والدین اقدام کند؟
- با توجه به شرایط روحی کودکان و نوجوانان در سنین بلوغ، لازم است رسانه ملی چه مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آنان ارائه نماید؟
- تقویت مهارت‌های ارتباطی کودکان و نوجوانان در حیات خانوادگی و اجتماعی متناسب با اصول و معیارهای اسلامی چگونه می‌تواند از سوی رسانه ملی صورت گیرد؟
- تفاوت‌های فردی در حوزه هویت جنسی کودکان و نوجوانان کدام‌اند و چگونه باید از سوی رسانه ملی مورد توجه قرار گیرد؟
- رسانه ملی در تبیین تعارضات مبنایی سند ۲۰۳۰ با دیدگاه اسلام در مورد تربیت جنسی چه نقش و جایگاهی دارد؟
- رسانه ملی چگونه می‌تواند نقش و جایگاهی اثرگذار در تبیین و تعمیق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش داشته باشد؟
- جایگاه تربیت جنسی در برنامه‌های رسانه ملی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برای اصلاح این وضعیت چه پیشنهادهایی دارید؟



- چگونه می‌توان به کودکان آموزش داد تا در بازی‌های کودکان خود از تعرض به حریم خصوصی یکدیگر یا لمس برخی از اندام‌های خصوصی یکدیگر پرهیز کنند؟
 - چگونه می‌توان شیوه‌ها و مهارت‌های شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود را به کودکان و نوجوانان آموزش داد؟
 - آگاهی‌دادن به کودکان و نوجوانان در مورد تعامل صحیح با جنس مخالف، چه نقشی در تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟
 - تقویت مهارت‌های ارتباطی کودکان و نوجوانان در حیات خانوادگی و اجتماعی چه تأثیری در فرایند تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟ تقویت این مهارت‌ها باید با رعایت کدام یک از اصول و معیارهای اسلامی صورت گیرد؟
 - تفاوت‌های فردی در حوزه هویت جنسی کودکان و نوجوانان کدام‌اند و چگونه باید از سوی مراکز آموزشی مورد توجه قرار گیرند؟
 - آموزش‌های اخلاقی و مذهبی به فرزندان از سوی والدین، چه نقشی در تربیت صحیح جنسی آنان خواهد داشت؟
 - آیا جنسیت کودکان و نوجوانان تأثیری در میزان و کیفیت آموزش‌های ارائه‌شده به آنان در تربیت جنسی دارد یا خیر؟ چگونه؟
 - چگونه می‌توان به اصلاح برنامه‌های آموزشی و تربیتی و ایجاد برنامه‌ای مشخص و مدون در زمینه زمان، شیوه و
 - متولی آموزش‌های جنسی به کودکان و نوجوانان پرداخت؟
- تربیت جنسی و اسناد بین‌المللی**
- تربیت جنسی از منظر سند ۲۰۳۰ به چه معناست و به لحاظ مبنایی چه تعارضاتی با دیدگاه اسلام در مورد تربیت جنسی دارد؟
 - سند ۲۰۳۰ در زمینه تربیت جنسی چه تعارضاتی با اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
 - سند ۲۰۳۰ در زمینه تربیت جنسی چه تعارضاتی با اسناد بالادستی نظام از جمله سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور دارد؟
 - تحلیل‌های انتقادی و سازنده بر اساس مبانی و فرهنگ اسلامی ایرانی درباره ضرورت یا ممنوعیت التزام به سند ۲۰۳۰ در حوزه تربیت جنسی کدام‌اند؟
 - اجرای آموزش‌های جامع جنسی ارائه‌شده از سوی سند ۲۰۳۰ در جامعه اسلامی ایران، چه تبعات زیانباری را بر جای خواهد گذاشت؟ با چه شیوه‌ها و برنامه‌هایی می‌توان از بروز این تبعات جلوگیری کرد؟
 - چگونه می‌توان به شناسایی نکات مثبت و مفید سیاست‌های فرهنگی و تربیتی پیشنهادی از سوی مجامع بین‌المللی و بهره‌مندی از تجارب موفق دیگر کشورها در حوزه تربیت جنسی پرداخت؟
 - آیا نکات مثبت و سازنده سند ۲۰۳۰ در حوزه تربیت جنسی توسط منتقدان



پرورش می‌تواند در راستای تصحیح این وضعیت مؤثر واقع شود؟

■ در زمینه تربیت جنسی چه ایرادهایی به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش وارد است؟ چه سازمان‌هایی متکفل رفع این ایرادها هستند و با چه شیوه‌هایی می‌توانند به مرتفع کردن این ایرادها بپردازند؟

■ در فصل هفتم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ذیل عنوان «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» نکات مهمی ذکر شده که می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نظام آموزشی کشور در موضوع آموزش و تربیت جنسی باشد. این هدف‌های عملیاتی و راهکارها را تبیین کنید؟

به‌طور منصفانه شناسایی و نکات ضعف آن شناسایی گردیده است؟

■ در فرایند سیاست‌گذاری کلان فرهنگی و تربیتی، چگونه باید با معاهدات بین‌المللی در حوزه تربیت به‌ویژه تربیت جنسی مواجهه شویم تا استقلال فرهنگی ما حفظ شود؟

■ شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم است در مواجهه هوشمندانه با اسناد بین‌المللی در مورد تربیت جنسی چه رویکردی پیش گیرد؟

تربیت جنسی و اسناد رسمی کشور

■ جایگاه تربیت جنسی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برای اصلاح این وضعیت چه پیشنهادهایی دارید؟ آیا سند تحول بنیادین آموزش و

گفتار چهارم: تربیت جنسی در آثار علمی

گزارش اجمالی از تحقیقات علمی در مسائل مربوط به تربیت جنسی کودکان و نوجوانان

فریده پیشوایی

جنسی کودک را براساس شیوه تحلیل محتوا گردآوری، تنظیم و نگارش کنند و احکام شرعی آنها را با تکیه بر آیات و روایات اهل بیت: بیان نمایند. نتایج حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد:

- تربیت جنسی به این معناست که فرد در دوره‌های رشد به‌گونه‌ای پرورنده شود و آموزش ببیند که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد، قردردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند. نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را بیاموزد و احکام و آداب دینی را درباره مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با هم‌جنس و جنس مخالف فراگیرد، آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل

در این بخش مهمترین محورهای جدیدترین تحقیقات علمی مربوط به موضوع تربیت جنسی کودکان و نوجوانان که در مجلات معتبر منتشر شده‌اند، برای استفاده برنامه‌سازان محترم رسانه ملی تقدیم می‌شود:

۱. مؤلفه‌های تربیت جنسی کودک از منظر فقه تربیتی

محمدی‌پناه، شیرین؛ کهساری، رضا و آقایی
بجستانی، مریم (۱۴۰۰)، مجله پژوهش‌های
اخلاقی، ش ۴.

نویسندگان این پژوهش سعی نموده‌اند با توجه به منابع غنی فکری و احکام اسلامی، دستاوردهای فقهی در حوزه تعلیم و تربیت





اقدامات مراقبتی و تربیتی خود را پیش از بلوغ فرزندان ترتیب دهند؛ در این باره آموزش اجازه گرفتن هنگام ورود کودکان نابالغ به اتاق خصوصی والدین متسحب است.

- براساس روایات هرگونه ارتباط و تماس جنسی والدین در برابر فرزندان نابالغ مکروه است.
- وظیفه وجوبی یا استجابی جداسازی بستر کودکان فقط وظیفه والدین نیست و هر شخص دیگری که ارتباط تربیتی بیشتر با کودک دارد، چنین وظیفه‌ای بر عهده اش است.

۲. روان‌شناسی تربیتی؛ تربیت جنسی کودک و نوجوان

احمدی، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، مجله رشد آموزش مشاور مدرسه، ش ۴۷.

- در این مطالعه با نگاه روان‌شناسی و بر اساس نمونه‌های مراجعه‌شده، شکل‌گیری بیماری‌های روحی در جوانی و بزرگسالی را علت‌یابی می‌کند. یافته‌های مقاله عبارتند از:
- رفتار جنسی انسان محصول تمامی اجزا و عناصر شخصیت اوست و شکل بروز و تحقق آن نیز تابعی از تحول شخصیت فرد می‌باشد. تربیت به‌دنبال آن است که این رفتار را در عالی‌ترین سطح تحول شخصیت محقق کند نه در نازل‌ترین مرتبه آنکه صرفاً ارضای نیازهای فیزیولوژیکی است.

خانواده را پیدا کند؛ به‌گونه‌ای که عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الی‌الله و جلب خشنودی خداوند به‌کارگیرد.

- تربیت جنسی در اسلام هدفدار است؛ برخلاف اندیشه غرب در واقع پرورش، تعدیل و جهت‌دهی صحیح به این غریزه الهی در کودک است؛ به‌گونه‌ای که بهداشت و سلامت جسمی و روحی او تأمین گردیده و از دیگر سو، زمینه رشد شخصیت فردی اخلاقی و اجتماعی وی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی فراهم گردد.
- برخی والدین غافل از نقش الگویی در کانون خانواده، درک و شناخت صحیح و کافی از رفتارهای کودکان ندارند، کاملاً از موضوع تربیت جنسی فرزندان بی‌اطلاع بوده یا مهارت‌های کافی برای برخورد با این‌گونه موارد را کسب نکرده‌اند.
- والدین موظف‌اند باید و نبایدهای شرعی را به فرزندان خود بپردازند تا در نهایت به تأمین سلامت جامعه و دستیابی به سعادت اخروی منجر گردد.
- تربیت جنسی فرزندان و قراردادن غریزه جنسی در مسیر صحیح کنترل و ارضاء، بر والدین واجب است و این مسئولیت، به‌صورت واجب عینی بر عهده پدر و مادرگذارده شده است.
- گرچه پیش از بلوغ، فرزندان تکلیفی در مسائل جنسی ندارند، اما والدین برای تثبیت و نهادینه‌شدن آموزش، باید



- در این مقوله تربیت جنسی و نگاه فرهنگی به تعیین شاخص‌های بهنجاری و نابهنجاری رفتار جنسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسلام، آخرین دین الهی، رفتار جنسی را سنت الهی می‌داند؛ درحالی‌که مسیحیت، با ناپسندش مردن آن، شرط رسیدن به عالی‌ترین مراتب تقوی و رهبری دینی را ترک هرگونه رفتار جنسی دانسته است.
- در جهان غرب، با حذف نگاه الگویی، به‌ویژه تحت تأثیر نفوذ هم‌جنس‌گرایان، در مراکز تصمیم‌گیری در مورد رفتارهای بهنجار و نابهنجار، بعد از حذف هم‌جنس‌گرایی از فهرست انحراف‌های جنسی، سایر انحراف‌های جنسی نیز به تدریج معنای دیگری یافتند.
- عوامل به‌وجودآورنده آسیب‌های جنسی، کودکی نایمن است. عوامل زیر می‌تواند ایمنی محیط و در پی آن دلبستگی ایمن کودک و نوجوان را تهدید کند:
 - غفلت و رهاشدگی؛
 - رفتارهای تکانشی و فضایی که در آن، رفتارهای ناگهانی، پرخاشگرانه، خشونت‌آمیز و غیرمعقول زیاد باشد؛
 - حاکمیت ترس که در حساس‌ترین وهله‌ها ممکن است موجب تنها و بی‌پناه ماندن او شود و وی را با آسیب‌های مختلف از جمله آسیب جنسی روبه‌رو کند؛
 - تجربیات جنسی نابجا و نامناسب؛
 - خودتحریکی کودکانه؛
 - قرارگرفتن در معرض سوءرفتارهای جنسی؛
- نبود چهارچوب‌های شناختی هدایتگر و آموزش‌های منظم و سازمان‌یافته تا کودکان بتوانند از آنها هنگام مواجه‌شدن با موقعیت‌های جدید، به‌عنوان یک چهارچوب هدایتگر ذهنی استفاده کنند؛
- هدف غایی در تربیت رفتار جنسی کودک و نوجوان، سوق‌دادن فرد به سمت رفتار جنسی متعادل و متعالی است، ازاین‌رو مهم‌ترین آسیب‌ها در این زمینه شامل بدکارکردی‌های جنسی (بدکارکردی‌های پیش از رفتار جنسی، حین و بعد از آن) و همچنین انحراف‌های جنسی (انحراف در اهداف، انحراف در فرم یا شکل رفتار جنسی) است.
- کسانی که مسئولیت مراقبت و تربیت کودکان و نوجوانان را برعهده دارند باید توجه کنند که افراد پدوفیلیک (دارای میل جنسی به کودکان) قیافه یا ظاهری متفاوت از آنچه که ما هر روزه در کوچه و خیابان و یا در اطراف خود می‌بینیم، ندارند.
- مواجه‌شدن کودک با محرک‌های جنسی غیرمترقبه و بالاتر از ظرفیت پردازشی او، موجب آشفتگی‌های خودآگاه و ناخودآگاهی می‌شود که بازبایی تعادل او را ممکن است تا مدت‌ها مختل کند. مشاهده روابط خصوصی والدین، مطلع‌شدن از وجود رابطه بین پدر و مادر، مشاهده تصاویر هرزه‌نگارانه و مسائلی از این دست می‌تواند برای کودک و نوجوان تکان‌دهنده باشد.



دارند، تعاملات مثبت بیشتری را با کودکان گزارش می‌کنند و توصیف‌های مثبت بیشتری از کودکان دارند، کودکانشان مسائل رفتاری کمتری دارند و مسائل رشدی را زودتر تشخیص می‌دهند. مداخلات آموزشی والدین می‌تواند با موفقیت، نگرانی‌های جنسی در میان کودکانی که سابقه رفتارهای جنسی دارند، کاهش دهد.

والدین باید مؤلفه‌های جنسی و لوازم تربیت آن را بدانند. این موارد عبارتند از: آناتومی و بهداشت جنسی؛ هویت و نقش‌های جنسی؛ روابط جنسی؛ عشق و عاطفه؛ تصور بدنی؛ قوانین فرهنگی اجتماعی ناظر بر رفتارهای جنسی؛ تشخیص رفتار جنسی طبیعی از غیرطبیعی؛ زمان مناسب آموزش جنسی؛ چگونگی شکل‌گیری هویت جنسی؛ کنترل منابع اطلاعاتی کودکان؛ نحوه ارتباط با همسالان و ...

کودکان و نوجوانان خواهان این هستند که یادگیری مسائل جنسی از طریق والدین صورت گیرد، این امر در مورد دختران بیشتر از سوی مادران صورت می‌گیرد و پسران برای مطلع شدن، از گروه همسالان و اینترنت استفاده می‌کنند.

۳. بررسی تأثیر آموزش جنسی بر افزایش دانش جنسی والدین و احساس کفایت آنان

رشید، خسرو و حسینی اصل نظرو، مریم (۱۳۹۶)، *مجله آموزش و ارزشیابی*، ش ۳۷.

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش جنسی بر افزایش دانش تربیت جنسی و احساس کفایت والدین انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش نیمه تجربی، کلیه والدین شهر ارومیه بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. گروه آزمایش، تحت آموزش تربیت جنسی کودک قرار گرفتند و به گروه کنترل، هیچ‌گونه آموزشی داده نشد. بر اساس نتایج مطالعه:

- میانگین نمره دانش والدین و احساس کفایت بعد از آموزش، نسبت به میانگین نمره قبل از آموزش، در گروه آزمایش، افزایش را نشان داد، درحالی‌که میانگین نمره دانش و احساس کفایت والدین گروه گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون ثابت بود.
- یافته‌ها نشان داد بسته آموزشی طراحی‌شده، بر افزایش دانش والدین درباره تربیت جنسی کودک و احساس کفایت والدین مؤثر است؛ به این معنا که مداخله آموزشی بر مبنای آموزش جنسی می‌تواند سبب افزایش دانش تربیت جنسی و احساس کفایت و صلاحیت والدین گردد.
- دانش فرزندپروری ممکن است شیوه‌های تربیت کودک را آگاهانه سازد. مادرانی که درباره رشد کودک اطلاعات بیشتری



۴. تربیت و آموزش جنسی مرتبط با اعضای جنسی کودک در اسلام

امامی‌راد، احمد و مشهدی علیپور، مریم (۱۳۹۹)، *مجله مطالعات فقه تربیتی*، ش ۱۳.

تربیت جنسی یکی از ساحت‌های مهم تربیتی است. تعامل‌های تربیتی مرتبط با اعضای جنسی متربی از مهم‌ترین مسائل آن به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه ممکن است والدین به این مسئله در دوران کودکی توجه کافی نکنند، نویسنده پژوهش حاضر با هدف استخراج مسائل فقهی مرتبط با آن در حیطه تربیت و آموزش جنسی، با روش کیفی آیات و روایات مورد نظر را تحلیل مفهومی کرده و به این نتیجه رسیده است که:

- وقتی سخن از آموزش جنسی به میان می‌آید، به معنای این نیست که همین محتوا به کودک آموزش داده شود، بلکه مقصود این است که چنین محتوایی برای آموزش کودک مناسب است، هرچند به‌صورت غیرمستقیم مثل روش قصه‌گویی، نمایش و ... باشد و کودک هم علت آن را نداند.
- از روش‌های تربیت جنسی پوشاندن اندام جنسی از دیده‌شدن است. بنا بر ادله دینی، نگاه کردن به اعضای جنسی متربی ممیّز جایز نیست و اعضای جنسی خود را نیز باید از دید او پوشاند. آموزش این امر در دوران کودکی نیز مطلوب اسلام است. منظور از این پوشاندن در همه حال و همه زمان‌ها به‌صورت مطلق است.
- در لزوم پوششش، فرقی در جنسیت نگاه‌کننده و نگاه‌شونده نیست و

مشمول این می‌شود که هر دو زن، یا هر دو مرد یا یکی مرد و دیگری زن باشد. این مسئله به‌نوعی آموزش جنسی برای کودک نیز به‌شمار می‌آید و آموزش عملی نیز می‌باشد و در پیشگیری از تصویربرداری و ارتکاب گناهان دخیل است.

۵. اثربخشی برنامه آموزشی تربیت جنسی کودکان بر نگرش مادران دارای کودک ۳ تا ۶ سال

دولت‌آبادی، شیوا؛ ساکی، سهیلا؛ کوچک انتظار، رؤیا و جوادی، محمدجعفر (۱۳۹۹)، *مجله خانواده و بهداشت*، ش ۲۵.

هدف این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه آموزشی تربیت جنسی کودکان بر نگرش مادران دارای کودک ۳ تا ۶ سال و طرح تحقیق این پژوهش از نوع نیمه‌آزمایشی (پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) و جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از: تمام مادران دارای کودک ۳ تا ۶ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹. مطابق یافته‌ها:

- کنجکاوی‌های جنسی کودکان از سه تا پنج سالگی شروع می‌شود. کودکان خودشان می‌خواهند، متوجه شوند که اعضای بدنشان چه کاری انجام می‌دهند. این موضوع برای آنها بسیار جالب است؛
- آموزش و تربیت جنسی، فرایند تغییر یا شکل‌دهی رفتار محسوب می‌شود که دربرگیرنده یک جریان درازمدت کسب اطلاعات درباره زندگی خصوصی، هویت جنسی و روابط مرتبط با آن است.



در تبیین اثربخشی بسته آموزشی بر نگرش مادران می‌توان گفت، مادر از بدو تولد کودک با او همراه است و مهم‌ترین نقش را در پرورش توانایی‌های روانی، عاطفی، احساسی و نگرش کودک دارد. به همین دلیل برای تربیت جنسی مناسب و صحیح در کودکان، آموزش به مادران اهمیت زیادی می‌یابد. نگرش مثبت مادر و نداشتن احساس گناه درباره تربیت جنسی و آموزش آن سبب می‌شود مادر بتواند آموزش درست را به کودک بدهد و در نتیجه سبب افزایش سلامت روان کودک می‌گردد. با کمترین هزینه و حفظ حریم خانواده و کودک، آموزش‌های لازم در مورد تربیت جنسی به کودک داده می‌شود.

بزرگسالان معمولاً از نگرش‌های تثبیت‌شده خود پیروی می‌کنند، اما با آموزش می‌توان نگرش آنان و به تبع آن رفتار را نیز تغییر داد. با افزایش دانش و آگاهی مردم، نگرش مثبت درباره تربیت جنسی کودک به‌وجود می‌آید.

داشتن آگاهی، دانش و همزمانی شناخت احساسات مرتبط با این موضوع و اطلاع از چگونگی آموزش عملی و نه کلامی، انجام بازی‌های مرتبط با آموزش تربیت جنسی برای کودک، علاوه بر ایجاد حس توانمندی و شایستگی، اعتماد به نفس را در مادر افزایش می‌دهد و سبب آموزش اصولی تربیت جنسی کودک می‌شود.

مهم‌ترین هدف این آموزش‌ها، توسعه رفتارهای مثبت جنسی، اتخاذ رویکردی محترمانه برای خود و دیگران، دوری از تجاوز و خشونت جنسی، داشتن تجارب جنسی سالم، برنامه‌ریزی برای پدر و مادرشدن، پیشگیری از بارداری‌های دوره نوجوانی، سقط جنین و بیماری‌های آمیزشی است.

تربیت جنسی جامع می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند تا چهارچوبی از موضوعات بهداشتی و اجتماعی پیچیده و بحرانی را در ذهن ایجاد کند. در تبیین اثربخشی بسته آموزشی بر نگرش مادران می‌توان گفت مادر از بدو تولد کودک با او همراه است و مهم‌ترین نقش را در پرورش توانایی‌های روانی، عاطفی، احساسی و نگرش کودک دارد، به همین دلیل آموزش به مادران برای تربیت جنسی مناسب و صحیح در کودکان، اهمیت زیادی می‌یابد.

نتایج نشان داده تربیت جنسی آموزش داده‌شده از طریق عادت، تصاویر و صحبت‌کردن (معلمان با فرزندان) و با رعایت ارزش‌های اسلامی و همچنین مطرح‌کردن مباحثی مانند: خودمراقبتی، شناسایی بخش‌هایی از بدن که می‌توان به دیگران نشان داد یا نباید نشان داد، آموزش توالت‌رفتن، نقش جنسیت در محیط اجتماعی و محدوده‌های امن و ناامن برای کودکان، می‌تواند از آنان در برابر خطرهایی مانند پیامدهای ناگوار غفلت از آموزه‌های جنسی مسائل نظیر سوء استفاده و کودک آزاری جنسی از کودک، حفاظت کند.



۶. واکاوی پدیدارشناسانه تعارضات جنسی نوجوانان

فرجیان، حدیث و هنرپرووران، نازنین (۱۳۹۸)،
مجله راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم
تربیتی، ش ۳.

این پژوهش با پیش‌گرفتن رویکرد پدیدارشناسی و با هدف تبیین تعارضات جنسی نوجوانان، انجام شده است. روش این پژوهش کیفی است که با ۱۴ نفر از نوجوانان شهر شیراز در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین انجام شد. روش نمونه‌گیری هدفمند و منطبق بر منطق، اشباع نظری بوده تا به واکاوی پدیدارشناسانه تعارضات و تعاملات جنسی نوجوانان بپردازد. نتایج این تحقیق عبارتند از:

- در جامعه ما، مطرح کردن مباحث جنسی در موضع رسمی و عمومی، مسئله عرفی نیست. درکنار این واقعیت، متأسفانه طرح مباحث جنسی در قالب شوخی، در محافل غیررسمی بسیار متداول است. رواج لطایف، طنزها و حتی هزلیات جنسی در میان افراد صمیمی، یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی است. این خصیصه موجب شده است دانش جنسی در ایران با باورهای غلط و غیرجدی و ریاکارانه آمیخته شود که همین امر، زمینه را برای سوءبرداشت‌های گوناگون فراهم کرده است.
- در جامعه ایران به دلایل فرهنگی و نه مذهبی، اکثر نوجوانان و به‌ویژه دختران اطلاعات درست و مناسبی در ارتباط با

تغییرات بدنی و روانی در دوران بلوغ ندارند و چه بسا به دلیل کسب این اطلاعات از منابع ناآگاه و نامطمئن در زندگی خانوادگی خود، دچار مشکلات جدی جسمی و روانی می‌شود.

- مصاحبه‌ها نشان می‌دهد حیطه اصلی تعارضات جنسی نوجوانان شامل زیرمجموعه‌های ذیل است:
 - تمایلات جنسی، کنجکاو و تخیلات جنسی، فضای مجازی و دیدن فیلم پورن، عشق و رابطه جنسی، بلوغ، ازدواج، دوستی با جنس مخالف، دوشیزگی و خودارضایی.
 - یافته‌ها بر تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی جنسی در درجه اول و بعد از آن دوستان و همسالان در افزایش تعارضات جنسی و رفتارهای پرخطر جنسی تأکید دارد.
 - نتایج این پژوهش بیانگر تشدید روابط دوستی با جنس مخالف و روابط جنسی پیش از ازدواج به علت عدم آگاهی از پیامدهای آن و نیز گماشتن فضای مجازی جنسی به‌عنوان منبع یادگیری مسائل جنسی و تقلید از آن بوده است.
 - در پی این ناآگاهی، نوجوانان ناخواسته به انجام‌دادن رفتارهای جنسی پرخطر گرایش پیدا می‌کنند، بدون اینکه بدانند خطرهایی مانند بیماری‌های مقاربتی، آنها را تهدید می‌کند و در نتیجه چالش‌هایی مانند شکست عشقی، بارداری ناخواسته، طردشدن، ترس از تنبیه و تلاش برای مخفی نگه‌داشتن روابط دوستی، آنها را درگیر می‌کند.



چهارچوب آموزش‌های رسمی در سه مرحله، توانمندسازی خانواده، معلمان و دانش‌آموزان و در آموزش‌های غیررسمی با استفاده از رسانه‌های آموزشی و طرح بوم مدرسه در برنامه‌های درسی گنجانده شود.

از جمله این روش‌های پیشنهادی: یاددهی - یادگیری، پرسش و پاسخ، اندرزگویی، روش آموزش مستقیم (تشویق و تنبیه)، روش دعوت به مشورت و تعمق، روش سیر و سیاحت در طبیعت، روش قصه‌گویی و تمثیل، روش تذکر و یادآوری، روش عبرت، روش گفت‌وگو، روش‌های پرورش هویت جنسی کودکان، روش دعا و نیایش، روش موعظه و پند و اندرز، روش صبوری، روش اسوه‌گزینی، تربیت جنسی دختران و پسران از طریق افراد هم‌جنس، غنی‌سازی اوقات فراغت و روش تقویت حیاست.

در برنامه تربیت جنسی و آموزش‌های مداخله‌گرایانه، می‌توان به خویش‌داری، مهارت نه گفتن، آموزش درباره بلوغ، مهارت‌های دوستیابی، چگونگی واکنش‌های روانی به موضوعات جنسی و آشنایی با رفتارهای پرخطر اشاره کرد.

بر اساس یافته‌ها، به دست‌اندرکاران آموزشی توصیه می‌شود، به ساحت تربیت جنسی در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی توجه لازم را داشته باشند.

۷. واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چهارچوب آموزشی

عباسی، عفت؛ قدیریان‌پور، سمانه و کیان، مرجان (۱۴۰۰)، *مجله نوآوری‌های آموزشی*، ش ۷۹. هدف این پژوهش، بررسی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چهارچوبی برای آموزش آن است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی و مطالعه موردی بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد:

- امروزه سن بلوغ در کودکان با ورود به دنیای اینترنت کاهش یافته و در مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه، شاهد بلوغ زودرس کودکان هستیم و متأسفانه، تابوهای فرهنگی و سیاسی در کشور باعث شده است به حوزه تربیت جنسی کمتر توجه شود.
- کتاب‌های درسی ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های تربیت جنسی وضعیت مطلوبی ندارند و فقط به برخی از مؤلفه‌های مهارتی در پایه ششم ابتدایی توجه شده است و از دیگر مؤلفه‌های دانشی، نگرشی و مهارتی تربیت جنسی در پایه‌های مختلف غفلت شده است.
- به دلیل دارا بودن همه‌جانبه نقش آموزشی و پرورشی و در راستای ارتقا و تثبیت جایگاه مدرسه، متخصصان، توجه به تربیت جنسی در این دوره را لازم دانسته‌اند که هدف آن، تن‌آگاهی، هویت‌یابی و حفظ بهداشت و ایمنی است. بنابراین لازم است تربیت جنسی در



۸. آموزش مسائل جنسی به کودکان ابتدایی

معزی، زهرا (۱۳۹۸)، *مجله مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران)*، ش ۴.

پژوهش حاضر با این هدف که یک تربیت ایدئال جنسی در اسلام بر چه مبنا و مستنداتی استوار است و آموزش جنسی بر عهده چه فرد، افراد، ارگان یا سازمانی است، انجام شده است. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و نحوه جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای (اطلاعات و مدارک موجود) و میدانی بوده است. نتایج این پژوهش حاکی است:

- در دوران ابتدایی بین ۷ تا ۱۲ سال شخصیت کودک سازمان‌یافته‌تر می‌شود و کودک به‌صورت فردی مستقل درمی‌آید و تغییرات شگرف و رشد سریعی از نظر جسمانی، ذهنی و اجتماعی در او به‌وجود می‌آید، به همین دلیل تربیت جنسی در این دوره حائز اهمیت می‌شود.
- غفلت و اهمال در تربیت کودکان می‌تواند دربردارنده زیان‌ها و خسارت‌هایی باشد که بر زندگی فردی و اجتماعی‌شان اثر می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که برخی از این زیان‌ها و خسارت‌ها به دنبال انحراف و ناهنجاری‌های جنسی، حادث شده که به آنها «آسیب جنسی» اطلاق می‌شود. در ادامه به هر تمایل جنسی غیرطبیعی و انحرافی که به شیوه‌ای به سلامت جسمی روانی معنوی و اجتماعی فرد آسیب برساند و او را از تعالی و رشد انسانی بازدارند، «جاری جنسی» می‌گویند.

- شکی نیست که مدرسه به‌عنوان خانه دوم درباره تربیت، به‌ویژه تربیت جنسی، نقش مکمل دارد و مسئولیت اصلی تربیت جنسی کودک و نوجوان به عهده والدین است؛ اما معلمان به علت داشتن رابطه عاطفی همیشگی و انکارناپذیر با دانش‌آموز، مخصوصاً در مقطع ابتدایی، برای تبدیل‌شدن به منبعی قابل اعتماد، توانایی بالقوه‌ای دارند تا اطلاعاتی درباره تربیت جنسی به کودکان بدهند و برای کودکان آسیب‌دیده پایگاهی امن شوند.
- دو اصل مهم در راهکارها و پیشگیری‌ها از آسیب‌های جنسی کودک:

- شناخت و رشد مهارت‌های زندگی در فضای عاطفی خانواده
- حفظ عفت در رشد و پرورش غریزه جنسی در تمام گفتارها و رفتارها

- همان‌گونه که صحبت از خدا و دین و مذهب و سیاست و اجتماع چیزی نیست که مختص به چهاردیواری خانه باشد، در مورد مسائل جنسی نیز نمی‌توان این انتظار را داشت که تنها در محیط خانه بحث شود.

- فضای مدرسه مناسب‌ترین مکان برای طرح پرسش‌های کودکان است؛ زیرا همه بچه‌ها در یک گروه سنی هستند و می‌توانند ایده‌های همدیگر را بشنوند و در عین حال می‌پذیرند که باید به مسائل، با دیدی انتقادی بنگرند، از سوی دیگر پرداختن یکپارچه در سیستم آموزش و پرورش به این موضوع ممکن است



به‌گونه جداگانه در حد تربیت جنسی می‌دانیم که این دو، چهارچوب تعریف خاص خودش را دارد؛ چهارچوبی که میزان آشنایی آنها را با موضوعات و مسائل جنسی تعیین می‌کند.

در دوره‌های تربیت جنسی، موضوعات و مسائل زیادی باید مدنظر مربیان و والدین قرار گیرد تا در ساختار تربیتی استفاده شود. برای مثال، نوجوانان شانزده سال به بالا به مطالبی باید آشنا باشند که نوجوانان زیر این سن لازم نیست آنها را بدانند و چه بسا برایشان گاهی مضر باشد.

موضوعاتی مانند حرمت تن یا حیا در دوره‌های مختلف رشد کودک و حتی بزرگسالان به شکل‌های مختلف قابل طرح است که در این‌باره متولیان امر از والدین و مربیان گرفته تا دولتمردان در سطح برنامه‌ریزی کلان و طراحی ساختار اجتماعی مسئولیت دارند. والدین هم وظایف خاص خود را دارند که با وظایف معلمان در مدرسه ممکن است متفاوت باشد. یک خانم معلم در مدرسه، مطالبی را می‌تواند به دختران آموزش دهد که مادران یا نمی‌دانند یا نمی‌توانند آموزش دهند.

برعکس آن، در مدارس مطالبی نباید آموزش داده شود و در خانه باید آموزش داده شود؛ چون اگر آن مطلب در مدرسه گفته شود، اثر مخرب دارد، اما اگر همان مطلب را پدر خانواده، در ارتباط پدر - فرزندی و با پیگیری و کنترل

اطلاعاتی را به کودکان بدهد که با آن درگیر نبوده‌اند. بنابراین مربیان مدارس لازم است پیش از اجرای پروژه تربیت جنسی با والدین همفکری کنند و طی جلسات مشترک از طرز تلقی یکدیگر در مورد تربیت جنسی و وضعیت متربی آگاهی پیدا کنند.

۹. رفتارشناسی جنسی و مسئولیت امروز ما

پای صحبت حجت‌الاسلام دکتر مهدی عباسی (۱۳۹۵)، مجله رشد معلم، ش ۳۰۲.

از دیدگاه قرآن کریم و منابع اسلامی، مسیر طبیعی برای تحقق هدف مهم تولید نسل و بهره‌مندی از احساس شغف و لذت زناشویی، از سوی خالق، دستگاه جنسی است. اگر با دید سلامت انسان‌ها از منظر قرآن به این موضوع نگاه کنیم، برای ارتقای آگاهی باید به چه نکاتی پرداخته شود؟ برای پاسخ به این پرسش با دکتر مهدی عباسی، روان‌شناس، مصاحبه‌ای انجام شده که خلاصه آن به شرح زیر است:

به‌طورکلی همه افراد باید با رفتارشناسی جنسی آشنا باشند؛ اما در چهارچوب مناسب با سن، موقعیت و نقش خودشان. حتی کودکی که می‌تواند رفتار جنسی یا لوازم آن را بفهمد نیز باید آشنا باشد، اما میزان و چهارچوب شناخت هر کس متناسب با سن و موقعیت زندگی و نقش او فرق می‌کند؛ به‌عنوان مثال، چهارچوب و میزان آشنایی هر یک از گروه‌های کودکان زیر شش سال و شش تا یازده سال را



آموزش دهد، راه برای کنجکاوی‌های لذت‌جویانه بسته می‌شود.

دوره کودکی را بر اساس روان‌شناسی رشد و تحول کودک، به سه مرحله تقسیم می‌کنند. مرحله قبل از دو سالگی که احتمالاً تربیت جنسی کودک شامل مراقبت‌هایی است که از سوی والدین در رفتار خودشان باید صورت بگیرد. این اقدامات در مرحله دوم، یعنی دو تا شش سالگی، تداوم خواهد داشت و به علاوه آموزش‌هایی نیز در حوزه مسائل جنسی در سطحی رقیق اضافه می‌شود، اما در مرحله سوم، یعنی هفت تا دوازده سالگی، کودکان وارد نهفتگی در میل جنسی می‌شوند، اما دو موضوع اهمیت دارد: اول - تربیت جنسی در برابر آثار ناهوشیار و پایداری که در این مرحله معمولاً وجود دارد و دوم - مراقبت‌های بهداشتی که در اواخر این مرحله، زمانی که کودکان، در آستانه بلوغ هستند، باید انجام گیرد. بخشی از این مراقبت‌ها شامل آموزش دختران است که از نظر ویژگی‌های بلوغ و رفتارهای اجتماعی جنسی نسبت به پسران سرعت بیشتری دارند.

۱۰. مقایسه مبانی تربیت عفیانه در مسیحیت با اسلام

رحیم‌پور ازغدی، طاهره و عبدی، ولی (۱۳۹۸)، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲۱.
 گزینه جنسی به‌عنوان یک سرمایه الهی، نقش مثبتی در رشد و سلامت انسان دارد، اما در صورت کنترل‌نکردن، آثار جبران‌ناپذیری

را در جامعه به‌دنبال خواهد داشت؛ ازاین‌رو، ادیان توحیدی برای مدیریت این گزینه، سازوکارهای متفاوتی پیش‌بینی کرده‌اند. اکنون این پرسش مطرح است که مسیحیت و اسلام، چه تدابیری برای کنترل این میل درونی اندیشیده‌اند؟ این پژوهش با مطالعه دیدگاه‌های بین‌ادیانی، شیوه‌های مهار شهوت جنسی را برای وصول به حیاتی پاک و سالم ارائه می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

- تربیت جنسی در تعالیم مسیحیت، فارغ از هویت جنسی و سن، متأثر از رهبانیت و زهدپیشگی بوده است؛ اما اسلام، با اعتقاد به عاملیت جنس و سن در تربیت، دارای راهکارهای نظری و عملی، از دوره جنینی تا انتهای حیات انسانی می‌باشد.
- کاربرد تربیت جنسی به معنای آموزش جنسی صحیح نیست؛ زیرا تربیت جنسی معنای وسیع‌تری دارد و نه تنها احساسات جنسی، بلکه شامل رشد شخصیت فرهنگی - اجتماعی و اخلاقی نیز می‌شود و چون باید بین امور احساسی و عقلانی و عرفی و شرعی و غریزی ارتباطی متعادل و متوازن برقرار کند امری پیچیده است.
- با وجود تفاوت در آموزه‌های جنسی مسیحیت و اسلام، هر دو بر پرورش و تقویت فضیلت اخلاقی عفت تأکید دارند و خویش‌داری، غایت تربیت جنسی این ادیان توحیدی است.
- مسیحیت در گذر تاریخ برای برون‌رفت از ناهنجاری‌های جامعه، تفاسیر گوناگونی از عفت و مصادیق آن دارد، اما تفاوت



۱۱. معرفی الگوی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد و سنجش اثربخشی آن بر دانش، نگرش، مهارت و سبک‌های تربیت جنسی متخصصان حوزه کودک

اصغری نکاح، سیدمحسن و صمیمی، زبیر (۱۴۰۰)، *مجله پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ش ۱.

تربیت جنسی یکی از حوزه‌های مورد نیاز و چالش‌برانگیز برای توانمندسازی متخصصان کودک است و نیازمند الگوهای علمی - تخصصی متناسب با بافت فرهنگی می‌باشد. بر این اساس، هدف این پژوهش، معرفی الگوی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد و سنجش اثربخشی آن بر دانش، نگرش، مهارت و سبک‌های تربیت جنسی متخصصان حوزه کودک است. نتایج نشان می‌دهد:

- به‌صورت کلی در تربیت جنسی دو رویکرد کلی وجود دارد: ۱. رویکرد پرهیزمدارانه ۲. آموزش جامع. در رویکرد اول، فقط پرهیز یا پرهیز تا زمان ازدواج توصیه می‌شود و دیدگاه دوم آموزش جامع و همه‌جانبه جنسی، و هرکدام هم، دلایل خود را دارند.
- پژوهشگران نشان دادند برنامه آموزش جامع جنسی در مدارس ایالات متحده آمریکا، بی‌تأثیر بوده و نتایج منفی زیادی به‌دنبال داشته است.
- برای تحقق تربیت جنسی مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی باید یک مجموعه معنادار و هماهنگ و منسجمی از نگرش و دانش و مهارت را در هم آمیخت و در قالب یک الگو ارائه کرد.

گفتمانی اسلام تنها ناظر به شرایط زیستی فرد، اعم از جنسیت، سن و نیازهای روحی است.

- آثار مسیحیان در سده‌های نخست میلادی حاکی از آن است که بیشتر بزرگان و متکلمان مسیحی رویکرد مثبتی به شهوت جنسی نداشته و خواستار حذف آن شده‌اند. بدین ترتیب رهبانیت و عزلت‌گزینی به‌عنوان ویژگی غالب بر جهان مسیحیت تا مدت طولانی حاکم بود، اما بعدها بزرگان مسیحی با استناد به کتاب مقدس و حفظ عفت‌گریزه جنسی، آن را به رسمیت شناختند.
- در مجموع در جهان مسیحیت از همان ابتدا نگاه منسجمی به مسائل جنسی وجود نداشته، گاهی آن را سرکوب و گاهی تأیید می‌کردند و زمانی که با مشکل جمعیت مواجه شدند، مدعی بودند مردم عوام می‌توانند عفت خود را حفظ کنند.
- اسلام‌گریزه جنسی را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را منافی معنویت نمی‌داند. تربیت جنسی در اسلام امری الهی - انسانی است و در فرایندی تدریجی و مستمر با رویکردی واقع‌گرایانه شکل می‌گیرد. به همین دلیل راهکار اسلام در پیشگیری از عوارض جنسی، کنترل شهوت پیش از بلوغ و هدایت آن به ازدواج بعد از بلوغ است. در این فرایند مراقبت‌ها از دوران جنینی شروع می‌شود، ولی در کودکی اهمیت بیشتری می‌یابد و مباحث نظری و راهکارهای عملی به تفصیل در منابع دینی بیان شده است.



- یکی از الگوهای جدید تربیت جنسی مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی، الگوی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد است که به‌صورت پیوستار رشدی و خانواده‌محوری تربیت جنسی را بررسی کرده است.
- پیش‌فرض‌های این الگو عبارت‌اند از:
 - میل و ظرفیت‌های جنسی، کاملاً طبیعی و موهبتی الهی هستند؛
 - تربیت جنسی مقطعی نیست، بلکه فرایندی است که در طول سالیان رشد شکل می‌گیرد؛
 - در این فرایند دوران کودکی و نوجوانی اهمیت خاصی دارند؛
 - خانواده بنیادی‌ترین نهاد تربیتی است و تربیت جنسی بدون نقش‌آفرینی خانواده ناکام خواهد ماند؛
 - تربیت جنسی مسئله‌ای منفرد نیست؛ بلکه به‌صورت تلفیقی و آمیخته با سایر ابعاد زندگی مانند بهداشت، مهارت‌های زندگی، استقلال، قابلیت‌های هیجانی و رشد معنوی است؛
 - خاستگاه این الگو، آموزه‌های دینی و اصول اساسی علم روان‌شناسی است.
- این الگو درصدد نفی نقش سایر نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی مانند نهاد تعلیم و تربیت، رسانه‌ها، نهادهای قانون‌گذار و نهادها و محافل مذهبی نیست، بلکه نقش اصلی آنها را در

- توانمندسازی والدین، آموزش خانواده اصیل و غنی‌سازی مهارت‌های تربیت جنسی والدین می‌داند.
- هدف نهایی تربیت جنسی خانواده‌محور مبتنی بر رشد آن است که ضمن شناخت اهمیت سن کودک در تربیت جنسی و لحاظ کردن آن، خانواده و فرزندان را برای هویت‌یابی موفق و ایفای نقش همسری مؤثر در آینده کمک کند و با آموزش‌های مؤثر مانع سواستفاده جنسی از کودکان شود.
- این الگو سبب می‌شود متخصصان تربیت جنسی، تمایل بیشتری به سبک‌های تربیت جنسی مقتدرانه داشته باشند و از سبک‌های سختگیرانه و آزادانه بپرهیزند.

۱۲. هرزه‌نگاری: چالشی فراروی تربیت جنسی از دیدگاه اسلام

- فیاض، ایراندخت و بختیاروند، مریم (۱۳۹۷)، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۳۹.
- در تربیت اسلامی همیشه به پرورش عاقلانه نیاز جنسی توجه شده است، در صورتی‌که پدیده هرزه‌نگاری باعث برانگیخته‌شدن نیاز جنسی می‌شود. در نظام تربیت جنسی اسلام، هرزه‌نگاری عملی زشت و قبیح است و انسان را به نابودی می‌کشاند.
- هیجان جنسی شدیدی که پورنوگرافی در پی دارد، باعث می‌شود فرد معتاد به آن، هر روشی را برای تماشای این‌گونه محتواها به‌کار گیرد و بیشتر وقت و زمان

زندگی باکرامت را نقض کرده، دنیای سرشار از شادی و رو به تکامل کودکان را به نابودی کشانده و سودی سرشار برای عاملان آن فراهم می‌آورد. هرزه‌نگاری معضلی جدی برای کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌رود و علاوه بر اتلاف وقت، مهم‌ترین پیامد آن، بلوغ زودرس جنسی است.

■ راهکارهای پیشگیری از هرزه‌نگاری مطابق با اصول اسلامی را می‌توان در دو حوزه قرار داد:

- روش‌های مربوط به تقوای حضور عبارتند از: کنترل حواس، آگاه‌سازی، عبرت‌آموزی، حیا و افزایش ایمان، اعمال عبادی؛
- روش‌های مربوط به تقوای پرهیز عبارتند از: غنی‌سازی اوقات فراغت، فراهم‌آوردن زمینه ازدواج، کنترل دوستی و معاشرت.

۱۳. مروری بر آموزش سلامت جنسی کودکان از دیدگاه اسلام

پاشا، هاجر و بختیاری، افسانه (۱۳۹۸)، مجله *اسلام و سلامت*، ش ۲.

هدف مطالعه حاضر بررسی محتوا، شیوه‌ها و فواید آموزش‌های مناسب جنسی در این گروه سنی از نظر فرهنگ اسلامی است. این مطالعه مروری با بررسی منابع علمی و مقالات چاپ‌شده در پایگاه‌های علمی معتبر از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۶ و نیز با استفاده از قرآن کریم و احادیث انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که:

خود را صرف تماشای آن کند و در بیشتر مواقع، ترجیح می‌دهد تنها باشد تا اینکه به تدریج منزوی می‌شود و در صورت دسترسی‌نداشتن به این‌گونه محتویات، احساس استرس و نگرانی می‌کند.

■ در حال حاضر کانال‌ها و سایت‌هایی در فضای اینترنت وجود دارد که بلافاصله با عضویت افراد در آنها، محتویات مستهجن را به‌صورت روزانه برای اعضای خود می‌فرستند و این امر باعث می‌شود دیدن این‌گونه مطالب برای اعضای آنها به‌صورت عادت درآید و اگر فردی در ابتدا به‌خاطر کنجکاوی وارد چنین کانال یا سایتی شده است، به تدریج به این‌گونه محتویات اعتیاد پیدا کند.

■ باتوجه به رشد روزافزون پدیده مخرب هرزه‌نگاری اینترنتی در جامعه، نوجوانان و جوانان جهان و به تبع آن، ایران، لازم است تا در آموزه‌های دینی، مطابق با تغییرات جهان امروز، بازنگری و بازخوانی صورت بگیرد و برای پرداختن به این موضوع باید تربیت جنسی را از دیدگاه اسلام، بررسی کرد.

■ پژوهشگران بر این باورند که تنها دیدن یک بار تصاویر پورن برای ابتلا به اعتیاد کافی است؛ چراکه کاربر به تمایلات جنسی انحرافی که از آن بی‌اطلاع بوده پی می‌برد.

■ هرزه‌نگاری دارای آثار منفی بر پسران نوجوان و مردان جوان است؛ به‌طوری‌که آنها در معرض خطر افزایش رفتار پرخاشگرانه هستند. هرزه‌نگاری حق





- مفهوم تربیت جنسی در اسلام از نظر عالمان دین مانند فیض کاشانی، تنها آموزش دانستنی‌های جنسی نیست، بلکه آشناسازی انسان با هدایت درست گزینه جنسی و رفتار جنسی هنجار و هماهنگ با هدف خلقت است تا زمینه لازم برای سلامت جسمی، روانی و روحی و رشد شخصیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی او را فراهم آورد.
- از نظر اسلام، دوران بلوغ، دوران افزایش هدایت و کنترل است؛ نه دوران آغاز تربیت جنسی؛ لذا آموزش جنسی باید از سنین کودکی شروع شود و تعویق آن ممکن است موجب انحراف از رشد طبیعی شود.
- استراتژی‌های آموزش جنسی در دوران کودکی شامل دادن اطلاعات متناسب با سن کودک، پاسخ مناسب به پرسش‌های جنسی کودک، آموزش غیرمستقیم، آموزش حدود روابط دختر و پسر، پیشگیری از بلوغ زودرس، جداسازی بستر خواب کودکان و حد بوسیدن و نوازش بچه‌ها می‌باشد.
- سایر رفتارهای والدین که به نحوی بر رفتارهای جنسی کودک تأثیر می‌گذارد، شامل محبت به کودک، ارضای نیازهای روانی، پرورش فضایل اخلاقی و رشد باورهای دینی و مذهبی می‌باشند.
- در اسلام، والدین موظف‌اند تا از بدو تولد، زمینه رشد و تربیت طبیعی از جمله رشد و تربیت جنسی کودک را فراهم سازند. لذا توجه به ارتقای آگاهی والدین در خصوص

آموزش و تربیت جنسی کودکان و ایجاد نگرش مثبت در آنها ضرورت دارد.

۱۴. اثربخشی آموزش تربیت جنسی بر دانش، نگرش و عملکرد والدین

محمدکریمی، آزیتا و میرشجاعی، زهراسادات (۱۴۰۰)، *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ش ۳۹.

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش شامل والدین دارای فرزندان شش تا دوازده سال می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس است. به این صورت که از میان مدارس مقطع ابتدایی، دو مدرسه به صورت در دسترس و از میان والدین دانش‌آموزان این مدارس، ۸۰ نفر (۴۹ نفر گروه آزمایش و ۳۱ نفر گروه گواه) به تصادف انتخاب شدند. گروه آزمایش، برنامه آموزش تربیت جنسی را در ۱ جلسه به مدت ۴ ساعت دریافت کردند، درحالی‌که به گروه کنترل این آموزش داده نشد. یافته‌ها نشان داد که:

- دانش و نگرش والدین گروه آزمایش و کنترل درباره تربیت جنسی و سواستفاده جنسی از کودکان تفاوت معناداری داشتند. نتایج حاکی از آن بود که برنامه آموزش تربیت جنسی سبب افزایش دانش و بهبود نگرش جنسی والدین شده است.
- با توجه به اهمیت موضوع تربیت جنسی و نیاز خانواده‌ها به این امر، پیشنهاد می‌شود متخصصان با اجرای برنامه



نتایج یک مطالعه نشان داد که درصد کمی از مادران قادر به پاسخگویی صحیح به سؤالات جنسی فرزندانشان هستند.

دوران قبل از بلوغ زمان مناسبی است تا والدین قبل از آغاز رفتارهای جنسی، پیام‌های پیشگیری از خطر جنسی را به فرزندان منتقل کنند.

بررسی‌ها نشان داد بیشتر والدین، برای دادن آموزش‌های جنسی به دانش‌آموزان، آمادگی نسبی دارند و این آموزش باعث افزایش آگاهی و نگرش آنها خواهد شد، اما منوط به این است که والدین نگرش خود را درباره سؤالات و کنجکاو‌های فرزندان خود به‌طور جدی تغییر دهند.

آگاهی اندک دختران نوجوان در مورد تغییرات جسمی-روانی دوران بلوغ، دریافت اطلاعات ناقص و از منابع نامطمئن، باعث ایجاد مشکلات جسمی-روانی متعددی در زندگی خانوادگی آنان می‌شود. از طرفی آگاهی‌رسانی مناسب موجب نشاط، شادی، تندرستی، امید به استقلال، و رشد اجتماعی آنان می‌شود و دختران نوجوان را در مقابل بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از این ناآگاهی ایمن می‌کند.

مهم‌ترین عامل مؤثر در موفقیت اجرای برنامه‌های تربیت جنسی نوجوانان در ایران از نگاه مربیان عبارت‌اند از:

- مشکلات سیاسی مانند پیش‌نگرفتن راهبرد مشخص از طرف دولت؛
- مشکلات فرهنگی و اجتماعی مانند تابوها؛

آموزش تربیت جنسی، دانش، نگرش و عملکرد والدین را در زمینه تربیت جنسی ارتقا بخشند تا بتوان کودکانی سالم‌تر برای جامعه آینده تربیت کرد.

۱۵. تأثیر آموزش تربیت جنسی بر آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در پاسخ به سؤالات دختران

گلی، فاطمه و محمدی احمدآبادی، ناصر (۱۳۹۸)، *مجله سلامت روان کودک*، ش ۲.

تربیت جنسی مقوله بسیار مهم تربیتی است و در این میان میزان آگاهی، نوع نگرش و عملکرد مادران، بیشترین نقش را در تربیت رفتارهای جنسی سالم فرزندان دارد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر پاسخگویی مادران به سؤالات جنسی دختران پایه ششم انجام شد. نتایج نشان داد:

- اهمیت عامل تربیت جنسی از ابعاد تربیتی، از آنجا ناشی می‌شود که همواره به دلیل وجود پاره‌ای از ابهام‌ها، سوء تفاهم‌های نظری، فکری و نیز موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده و همین، زمینه‌ساز ایجاد بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحرافات رفتاری میان نسل جوان شده است.
- دو مشکل موجود در مسیر تربیت جنسی کودکان، نداشتن آگاهی و حجب و حیای کاذب است. این دو عامل مانع ارتباط بین والدین و فرزندان برای بیان حقایق به روش اصولی و صحیح می‌شود.



- مشکلات ساختاری و اجرایی مانند ساختار نامناسب نظام سلامت و استفاده نکردن از پتانسیل بالقوه مذهب؛

- سؤالات جنسی فرزندان در خانه باید به تدریج و دائمی بیان شود، به طوری که نیازهای مادرانه را مادر و نیازهای پدرانه را پدر پاسخ دهند. در این میان احترام به فرزند، جدیت و ایجاد رابطه صمیمانه و معتمدانه با فرزند ضروری است.

۱۶. آسیب‌شناسی تربیت جنسی دانش‌آموزان بر مبنای فقه اسلامی و تطبیق آن با هدف پنجم سند ۲۰۳۰

پورمنوچهری، سیدعلی، آبان‌گاه ازگمی، هادی (۱۴۰۰)، *مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ش ۲.

نویسنده این پژوهش به دلیل حساسیت تربیت جنسی و ارتباط تنگاتنگی که این مسئله با ارتکاب گناه دارد، درباره این مسئله بحث کرده و راه‌های کاربردی هدایت آن را در مسیر صواب بیان نموده و خطرهای سند ۲۰۳۰ یا همان برنامه آموزش فراگیر را گوشزد کرده است؛ ۲۰۳۰ سندی است که یونسکو تعبیه و دولت‌ها را ملزم به اجرای آن نموده است.

- تربیت جنسی اسلامی به کارگیری شیوه‌هایی مبتنی بر الزامات شرعی است، به منظور ایجاد رفتارهای جنسی سالم، به گونه‌ای که عفت، خلق و خوی انسان باشد.

- فرزند در محیط خانوادگی در سه بُعد تربیت می‌شود: دینداری، شنیداری و کرداری.

- آنچه ضروری است توجه به شیوه‌های کاربردی تربیت جنسی و عوامل پیشگیری از انحراف بر مبنای احکام اسلامی است تا دانش‌آموز با پیروی از دستورهای اسلامی از آسیب‌های فراوانی که او را تهدید می‌کند فاصله گیرد؛ زیرا اسلام بر تربیت جنسی تأکید دارد، برخلاف فرهنگ غرب که بر آموزش جنسی و آزادی تلذذ استوار است. سند ۲۰۳۰ در هدف پنجم و اسناد پشت دستی خود، بر مواردی چون آموزش جنسی در کتاب‌های درسی، تساوی جنسیتی و رسمیت‌شناسی حقوق دگرباش‌ها، تأکید دارد.

- قسمت‌های مربوط به آموزش جنسی و تساوی جنسیتی مذکور در سند، در تقابل با بحث تربیت جنسی مورد تأیید اسلام است که با ورود آن به چرخه افکار دانش‌آموزان، سبب تشوّت فکری دانش‌آموزان می‌گردد و به نوعی تبلیغ آزادی روابط نامشروع و دوستی با جنس مخالف را دنبال می‌کند.

- تعریفی که ما از تربیت جنسی داریم فراتر از آموزش جنسی است؛ زیرا ما سند تربیت جنسی داریم؛ از سنین پایین آغاز می‌شود و در سنین بالاتر و در زمان درست آن، به آموزش جنسی نیز از مسیر صواب آن پرداخته می‌شود. اینکه می‌گویند در سنین پایین، تربیت وجود دارد، نه آموزش به این دلیل است که آموزش در این سنین به حکم دین و عقل ضرورتی ندارد؛ بلکه آموزش‌ها در این حوزه باید متمرکز بر والدین باشد تا نحوه برخورد صحیح با



هم‌جنس‌بازی)، در معرض خشونت قرار بگیرند. یونسکو در ادامه تصریح می‌کند که خشونت اغلب بر پسران و دختران هم‌جنس‌گرا اعمال می‌شود. بنابراین وقتی در بند ۲۸ به «آموزش مهارت‌های اساسی زندگی مبتنی بر اچ آی وی و مسائل جنسیتی» اشاره نموده است، بدیهی است که ذهن خواننده به سمت آموزش‌هایی خواهد رفت که امروزه با پشتیبانی اسناد بین‌المللی و حقوق بشری، در مدارس غربی عرف شده است؛ جایی که به جای منع روابط جنسی نامشروع، به بهانه جلوگیری از بیماری اچ آی وی، روابط جنسی بهداشتی! به نوجوانان آموزش می‌دهد یا به بهانه پاسخ به پرسش کودکان در مورد نحوه تولد، به کودکان چهار ساله و بالاتر چیزهایی می‌آموزد که موجب بلوغ زودرس و گرایش آنان به سمت تجارب جنسی می‌گردد یا هم‌جنس‌گرایی را جزو حقوق بشر می‌دانند. در بندهای متعدد دیگری آشکارا به تساوی جنسیتی اشاره می‌کند. در این سند حمایت ویژه‌ای از LGBT (هم‌جنس‌گرایی) شده است؛ زیرا با ورود به اسناد پشت دستی، خشونت عمدتاً علیه LGBTها تعریف شده است. دولت‌ها موظف‌اند آمار آنها را جمع‌آوری و دسته‌بندی کنند؛ گویی به جای اصلاح، درمان و مشاوره، صرفاً صحبت از به رسمیت‌شناختن است و رسمیت‌نشناختن مساوی است با تبعیض. در این بین به دولت‌ها دستور داده شده تا تبعیض و کلیشه‌های

کودکان در این سنین را بدانند و این برخلاف بسیاری از جوامع است که آموزش جنسی را از سنین کودکی آغاز کرده‌اند و آثار مخرب آن را هم، اکنون به نظاره نشسته‌اند.

- بین آرمان‌ها و ارزش‌های بنیادین سند ۲۰۳۰ با نظام معرفتی و ارزش‌های اسلامی به‌ویژه در تربیت جنسی تباین وجود دارد. هدف نهایی در تربیت جنسی، همان هدف نهایی تعلیم و تربیت؛ یعنی قرب الی الله است.
- هدف آموزش غرب، مجهزکردن کودکان به دانش‌ها و مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که آنها را در برابر بیماری‌هایی مانند اچ آی وی واکسینه کند. پس آموزش جنسی مطرح‌شده در سند به معنای تربیت جنسی نیست، بلکه به معنای آموزش جنسی است. بنابراین داشتن حیا، رعایت حریم دیگران، پرهیز از شهوترانی، رسمی‌نبودن حقوق هم‌جنس‌گرایان، نداشتن ارتباط نامشروع و تربیت جنسی، نه آموزش این مسئله از جمله امتیازات مهم تربیت جنسی اسلامی بر سند است.
- یونسکو بر این عقیده است که هیچ کشوری نمی‌تواند هدف شماره پنج سند؛ یعنی آموزش جنسی در کتاب‌های درسی، تساوی جنسیتی و رسمیت‌شناسی حقوق دگرباش‌ها را تحقق بخشد، مگر اینکه دانش‌آموزان آن کشور به علت تمایل جنسی‌شان یا حدس دیگران در مورد تمایل جنسی آنها و همچنین هویت جنسی که برای خود در نظر گرفته (ازجمله



جنسیتی در مؤسسات آموزشی را حذف کنند تا ضمانتی برای تأثیر برابر آموزش بر همگان و حذف کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت و کمک به ترویج و پیشبرد برابری میان زنان و مردان باشد. دولت‌ها موظف‌اند سازوکاری تعیین کنند تا نظام‌های آموزشی هر کشور برای حذف تعصب مبتنی بر جنسیت و تبعیض ناشی از سوگیری‌های فرهنگی و اجتماعی تلاش کنند.

۱۷. بررسی تحلیلی سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران

سبحانی‌نژاد، مهدی؛ همایی، رضا و علیین، حمید (۱۳۸۶)، *مجله پژوهش‌های مشاوره، ش ۲۱*. پژوهش حاضر به بررسی سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران در سه حیطه رشد آگاهی‌های جنسی، اخلاق جنسی و آینده جنسی پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی و جامعه آماری نیز، شامل تمام خانواده‌های شهر تهران در سال ۱۳۸۴ بوده است. به‌منظور نمونه‌گیری، پس از برآورد آماری نمونه، تعداد ۸۵۰ خانواده از شهر تهران با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که:

- چنانچه تربیت جنسی در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی، که شور و اشتیاق نوجوانان برای کسب اطلاعات جنسی در اوج خود می‌باشد، به نحو مطلوب اتفاق بیفتد، نوجوان کنترل و ارضای هیجانات مذکور را بهتر درک خواهد نمود. باید اولیا، مسائل

جنسی را از سنین کودکی آغاز و سپس در دوره نوجوانی تکمیل کنند. زمان شروع درک جنسی توسط کودکان بین سال‌های ۹ تا ۱۱ سالگی است.

- بخش مهمی از برنامه تربیت جنسی مربوط به آینده جنسی است؛ یعنی آماده‌نمودن نوجوان برای زندگی مشترک همراه با عشق و تفاهم. احترام‌گذاردن به جنس مخالف، یادگیری سبک عشق‌ورزی، یادگیری سبک برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی مطلوب با جنس مخالف از زمینه‌هایی است که باید به آن توجه کرد تا نوجوان برای زندگی مشترک همراه با عشق و تفاهم آماده گردد. شواهد حاکی از آن است که در اغلب کشورها، تأکید آموزشی بر آگاهی‌های جنسی و همچنین اخلاق جنسی می‌باشد و از آینده جنسی غفلت می‌شود و همین امر موجب ناتوانی کودکان و نوجوانان در سنین بزرگسالی برای تشکیل زندگی مشترک شاد و خوشبخت خواهد شد.

- نکته مهم آنکه ارائه آگاهی‌های جنسی برای نوجوان باید اندکی زودتر از زمانی که وی با مسائل مذکور به‌شدت درگیر می‌شود، آغاز گردد. گفت‌وگو باید به‌صورت خصوصی و دو نفره باشد تا تأثیر مطلوب‌تری بر جای گذارد.

- نتایج پیمایش انجام‌شده نشان داد میزان توجه خانواده‌های تهرانی به تربیت جنسی فرزندان خود در حیطه آگاهی‌های جنسی پایین‌تر از گزینه متوسط بوده است؛ این یعنی آنان برنامه‌ای برای



- برخی عبارات کلیدی مرتبط با تربیت جنسی در سند تحول آموزش و پرورش عبارت است از:
 - آماده‌سازی دانش‌آموزان به‌منظور تحقق ابعادی از حیات طیبه؛
 - کسب شایستگی‌های پایه با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی خانوادگی و اجتماعی؛
 - کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا، عفت، کرامت ذاتی و عمل صالح؛
 - سلامت جسمانی و تقویت نشاط و اراده؛
 - رعایت احکام و مناسک و موازین اخلاقی؛
 - ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری و تعالی‌خواهی و برخوردار از مهارت‌های ارتباطی در حیات خانوادگی و اجتماعی با رعایت اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی؛
 - درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی؛
 - طبقه‌بندی و متناسب‌سازی مقولات و موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و ویژگی‌های دانش‌آموزان؛
 - طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران؛
 - متناسب‌سازی فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی با نیازهای ویژه و تفاوت‌های جنسیتی دانش‌آموزان با تأکید بر فراهم‌آوردن الزامات نهادینه‌سازی

- ارتباط صمیمی برای رشد آگاهی فرزندان درباره بیماری‌های مرتبط، ارگانیزم و علایم آن، اندام جنسی و نحوه رعایت بهداشت و ... ندارند.
- نتایج در زمینه توجه به اخلاق جنسی نشان داد توجه خانواده‌های تهرانی پایین‌تر از گزینه متوسط بوده است؛ یعنی معیارهای اخلاقی درباره پرهیز از رابطه پنهانی با جنس مخالف، آثار سو تمایلات جنسی کنترل‌نشده در زندگی فردی و اجتماعی، پرهیز از دوستی با افراد غیرمقید به اصول اخلاقی، توسعه خودکنترلی جنسی و... نداشته‌اند.
- میزان توجه خانواده‌های تهرانی به آینده جنسی فرزندان نیز پایین‌تر از گزینه متوسط بوده است.

۱۸. تعیین شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول، متناظر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

- سرمردی، محمدرضا؛ افشاری، محمد و ناطقی، فائزه (۱۴۰۱)، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۵۴.
- هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی در دوره اول متوسطه، متناظر با سند تحول بنیادین است. روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی، نوع داده‌ها، کمی و با توجه به روش اجرا، پیمایشی است. نتایج تحقیق نشان داده است:



- فرهنگ ایرانی و عفاف و پوشش و رعایت احکام محرمیت در محیط؛
- رعایت اقتضائات هویت جنسیتی و ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان؛
- کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی.
- نتایج برخی پژوهش‌ها بیانگر این است که اقدامات آموزش و پرورش به نیازهای دانش‌آموزان در دوره متوسطه پاسخگو نبوده و توجه کافی در فرایند تربیت جنسی دانش‌آموزان نشده است. همچنین تحقیقات نشان داد رویکرد والدین در مواجهه با فرزندان، اقتضایی است؛ بدان معنا که هنگامی که درگیر مشکل می‌شوند به فکر اقدام می‌افتند. همچنین نتایج پژوهش‌ها ضعف تربیت جنسی را در ایجاد مشکلات جنسی، عامل اصلی دانسته‌اند. افراد، عمده دانش خود را از طریق ماهواره و اینترنت و دوستان به دست آورده‌اند و نقش پدر و مادر و نظام آموزشی در این زمینه اندک بوده است.
- یافته‌های این تحقیق نشان داد:
 - بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول در مؤلفه‌های آشنایی با بلوغ و دوره نوجوانی، تقویت هویت جنسی و رفتارهای مناسب جنسیت، شناسایی تفاوت‌های دختر و پسر و محافظت از آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر جنسی، شکاف هست و نیاز به توجه جدی دارد؛
- در محتوای کتاب‌های دوره متوسطه اول، به آشناسدن دانش‌آموزان با مسائل بلوغ، توجه کافی صورت نگرفته است؛
- گفتمان حاکم بر تربیت جنسی آموزش و پرورش ایران، گفتمان مهار است و بیشتر به جنبه‌های سلبی توجه دارد و بیش از آنکه به فرصت‌های میل جنسی در زندگی سعادت‌مندانه متری نگاه کند به تهدیدهای غریزه جنسی توجه دارد؛
- والدین ایرانی بیشتر به مؤلفه‌های تربیت دینی، اخلاقی و اجتماعی توجه دارند و در برخی حیطه‌ها از قبیل تربیت عاطفی، جنسی، سیاسی و اقتصادی توجه اندکی می‌ذول داشته‌اند؛
- مباحث مربوط به مسائل بلوغ و نوجوانی در کتاب‌های درسی بسیار کم و متمرکز بر مسائل اجتماعی و تکالیف دینی و اخلاقی است. کتابچه‌های پیوست پایه هفتم و هشتم به ترتیب به مباحث بلوغ و نوجوانی دختران و پسران اشاره کرده‌اند، اما این اندازه آموزش برای آشنایی دانش‌آموزان با مسائل بلوغ و نوجوانی و روش‌های مناسب رویارویی و استفاده از این دوره مهم زندگی کافی نیست؛
- حساسیت‌های شدید در جلوگیری از طرح مسائل جنسی در مدارس و رسانه‌ها و برچسب‌زنی، غرب‌زدگی و فاصله‌گرفتن از فرهنگ اسلامی از سوی برخی افرادی که شناخت سطحی از مسائل تعلیم و تربیت دارند، مانع آموزش‌های لازم در این حوزه شده است؛



کیفی و با استفاده از روش تحقیق گراند تئوری انجام شده است. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی، متخصصان حوزه تربیت جنسی، برنامه‌ریزی درسی، روان‌شناسان تربیتی، معلمان و والدین دارای تخصص علمی یا تجربه عملی بودند که با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری نظری ۲۰ نفر به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند. نتایج تحلیل داده‌ها در قالب مدل الگوواره‌ای بیانگر آن است که:

- پدیده اصلی طرح‌ریزی تربیت جنسی، طرحی کارآمد بوده و مؤلفه‌های آن، شناخت عوامل علی، شناخت دقیق نوجوانان، شناخت ضرورت‌های تربیت جنسی و هدایت و جهت‌دهی به رفتار مناسب جنسی است.
- شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای در تربیت جنسی عبارت است از: تحصیلات مذهبی و اعتقادی نادرست، دیدگاه‌های اجتماعی-فرهنگی، سیاست‌های آموزشی - سازمانی و نبود سیاست‌های روشن و جسورانه، ناکارآمدی والدین و منابع اطلاعاتی نامعتبر.
- غلبه بر موانع فرهنگی، رعایت ملاحظات فرهنگی - اجتماعی، ظرفیت‌سازی در نظام آموزشی و والدین، همکاری بین بخشی، راهکارهای آموزش و آشنایی با اصول آموزش، ازجمله راهبردهای پیشنهادی در الگوی فرایند تربیت جنسی نوجوانان است.
- بر مبنای مدل ارائه‌شده، ضرورت و نیاز آموزش و ساختارهای فرهنگی - اجتماعی

- کمبود الگوهای رفتاری مناسب در بین هنرمندان و چهره‌های شاخص و محبوب نوجوانان و جوانان و نظارت‌نداشتن کافی بر محتوای فیلم‌های سینمایی و رفتارهای ورزشکاران و هنرمندان و عدم اقدامات کافی و مؤثر نهادهای مختلف فرهنگی در تقویت هویت جنسی نوجوانان، موجب بی‌هویتی جنسی برخی نوجوانان و جوانان شده است؛
- شناسایی تفاوت‌های دختر و پسر، ازجمله مباحثی است که طرح آنها در کلاس درس دوره متوسطه اول، به‌دلیل مصادف بودن با دوران بلوغ دانش‌آموزان از حساسیت بسیاری برخوردار است. ازاین‌رو به برنامه‌ریزی مناسب و عملکرد سنجیده، همراه با اقتدار منطقی مربیان نیازمند است. این مباحث باید به‌گونه‌ای مطرح شود که زمینه انحرافات اخلاقی را در دانش‌آموزان و سوء استفاده از اطلاعات در برخوردهای اجتماعی دختران و پسران ایجاد نکند.

۱۹. مطالعه فرایند تربیت جنسی نوجوانان ایرانی: نظریه داده‌بنیاد

طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود؛ عظیم‌پور، احسان؛ ایمان‌زاده، علی و عباس‌زاده، محمد (۱۴۰۰)، مجله پژوهش‌های برنامه‌درسی، ش ۲. هدف از این پژوهش، ارائه مدل نظریه برای مطالعه فرایند تربیت جنسی نوجوانان ایرانی است. پارادایم حاکم بر مطالعه حاضر،



حاکم بر جامعه ایرانی بر مؤلفه محوری (تربیت جنسی کارآمد در نوجوانان) تأثیرگذار است.

۲۰. تجربه زیسته مادران از تربیت جنسی کودکان پیش از دبستان

نادری، نگین؛ غلامزاده، مریم و سودانی، منصور (۱۴۰۰)، *مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۵۴*.

هدف این پژوهش بررسی تجربه زیسته مادران از تربیت جنسی کودکان پیش از دبستان خود بود. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد که در آن، یازده مادر صاحب یک تا سه فرزند حداقل سه تا شش ساله مصاحبه عمیق و اکتشافی شدند. از تحلیل ۲۰۵ شناسه اولیه نتایج زیر حاصل شد:

- در این پژوهش دو مضمون «بسترهای حفظ معصومیت» و «بسترهای پیشگیری از سوءاستفاده جنسی»، مضامین اصلی شناسایی شدند.
- مضامین فرعی به دست آمده عبارتند از: مراقبت‌های مادران مبتنی بر خود، مراقبت‌های مبتنی بر کودک، نظارت بر تماس با محتوای جنسی، پاسخ به سؤالات جنسی کودک، توجه به نیازهای کودک، احترام و توجه به خواسته‌های کودک، توجه به ارتباط کودک با دیگران و تقویت مهارت‌های خودمراقبتی.
- مراقبت‌های مادران مبتنی بر خود: این بخش شامل چهار نوع مراقبات بود: مراقبت بر روابط زناشویی و حریم

خصوصی خود، مراقبت از حریم خصوصی کودک، مدیریت پوشش و مراقبت در معاشرت کودک، خودداری از هرگونه گفت‌وگو و رفتار جنسی در حضور کودک.

مادران باتوجه به زمان خواب و بیداری کودک، با استفاده از مانع فیزیکی جلوی دید کودک و جداکردن محل خواب او، از روابط زناشویی و حریم خصوصی خود مراقبت کرده بودند. مراقبت از حریم خصوصی کودک، دغدغه‌ای بود که از طریق اختصاص اتاق جدا به کودک، خودداری لمس نامناسب اعضای بدن کودک و ... انجام شده بود.

برخی مادران، یکی از راه‌های حفظ معصومیت جنسی کودک را توجه به پوشش خود دانستند و از پوشیدن لباس‌های محرک و تعویض لباس، جلوی کودک خودداری کرده بودند. بعضی دیگر از مادران با این استدلال که کودکشان هنوز درکی از این مسئله ندارد و یا دختر است، پوشش راحتی اختیار کرده بودند. یکی دیگر از بسترها، معاشرت‌های مادران بود. تجربه آنها حاکی از شرکت در مهمانی‌های خلوت و کاستن زمان آن، قطع ارتباط با افراد بی‌ملاحظه و خودداری از گفت‌وگوی جنسی در معاشرت‌ها بود.

مراقبت‌های مبتنی بر کودک: مادران از سه راه نظارت بر بازی، نظارت بر معاشرت‌ها و مدیریت کنجکاوی‌های جنسی، مراقبت‌های خود را بر کودک اعمال کرده بودند. برخی از مادران برای نظارت بر بازی کودک به روش بازی کودکان با هم، توجه



بودند؛ بعضی هم برای یافتن علت پرسش کودک، سؤال او را با سؤال پاسخ داده بودند. برخی راه نجات خود را پاسخ صحیح دانسته و عده‌ای هم از پاسخ‌های نادرست، طولانی یا معنوی استفاده کرده بودند.

محققان در این پژوهش دریافتند مادران کودکان پیش از دبستان برای رسیدن به تربیت هدفمند جنسی، نیازمند بهره‌مندی از نگرش‌ها، بینش‌ها و روش‌هایی هستند که آنان را به هدف برساند که همان حفظ معصومیت جنسی و پیشگیری از سوءاستفاده جنسی از کودک است. در راستای تأمین نگرش جهت‌مند پیشنهاد می‌شود مادران ابتدا با آگاهی از ارزش‌های جامعه، ارزش‌ها و فلسفه حاکم بر زندگی خود را بازبینی، و در جهت عمل مطابق با آن ارزش‌ها اقدام کنند؛ سپس بینش و شناخت لازم برای تشخیص نیاز تربیتی کودک و اقدام به‌جا و به‌موقع با در اختیارگذاشتن محتواهای غنی همچون کتاب، فایل‌های صوتی و تصویری مناسب و طراحی دوره‌های آموزشی جامع و فرایندی برای خانواده، روش مناسب فراهم شود و در آخر، انتخاب روش مناسب از سوی مادران است که می‌تواند خلاقانه و با تکیه بر دو گام پیشین، متناسب با شرایط رشدی و بافت زمینه‌ای هر کودک تعیین و اجرا گردد. بنابراین انتظار می‌رود با اجرای درست این گام‌ها بتوان جامعه‌ای با مردان و زنانی با تمایلات و هویت جنسی سالم، بانشاط و مطمئن ساخت.

و برای آن قانون تعیین کرده بودند؛ مثل کشتی‌گرفتن ممنوع و قفل کردن در اتاق ممنوع؛ برخی نیز حوزه آسیب را دوستی‌های کودک دانسته و با روش‌های زیر نظرداشتن تعامل کودکان، جداکردن بسترهای خواب کودکان، فراهم کردن ارتباط با دوستان مطمئن، تنظیم خواب و بیداری مادر با کودک، مراقب کودکان خود بودند.

نظارت بر تماس با محتوای جنسی: برخی مادران برای حفظ معصومیت جنسی کودک خود، روش‌هایی مانند پرهیز از رویارویی با محتوای جنسی همچون لزوم تعیین شبکه‌ها و برنامه‌های مجاز برای کودک، تعیین قانون، حذف ماهواره و تلویزیون از زندگی و خودداری از تماشای ماهواره جلوی کودک و برخی دیگر از مادران به‌منظور حساس‌نکردن کودک در رویارویی ناگهانی با صحنه جنسی از روش‌هایی چون بی‌اعتنایی، همراهی با کودک در تماشا، انحراف توجه او از طریق صحبت با کودک، پرسش از کودک و صداکردن او و ... استفاده کرده بودند.

پاسخگویی به سؤالات جنسی کودکان: یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های مادران این بود که مبدا کودکشان با سؤال‌های پی‌درپی آنها را غافلگیر کند یا مسئله‌ای را بپرسد که مادران نمی‌دانند به آن چه پاسخی بدهند تا موجب کنجکاوی بیشتر او نشود. بنابراین در پاسخ به سؤالات کودک، برخی صرفاً سؤال را کنجکاوی دانسته و به آن پاسخ نداده



▪ ساختار نهایی تجربه شرکت‌کنندگان حاکی از چندبعدی بودن تربیت جنسی در سال‌های پیش از دبستان با استفاده از روش‌های مراقبتی و نظارتی، توجه، پاسخگویی و آموزشی بوده است.

۲۱. طراحی الگوی تربیت جنسی در عصر جهانی‌شدن با تأکید بر دیدگاه اسلام: با رویکرد نظریه داده‌بنیاد

شیریگی، مریم؛ اسماعیلی، زهره؛ سعیدی‌پور، بهمن و سرمدی، محمدرضا (۱۳۹۹)، *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ش ۲۴.

هدف این پژوهش، مطالعه اکتشافی برای کشف عناصر اصلی تربیت جنسی در عصر جهانی‌شدن با تأکید بر دیدگاه اسلام به‌منظور طراحی مدل بر اساس مدل داده‌بنیاد است. یافته‌ها و نتایج تحلیل داده‌ها در قالب مدل الگوواره‌ای بیانگر آن است که:

▪ همگام با عصر جهانی‌شدن، تربیت به‌معنای عام و به‌طور خاص تربیت جنسی دچار تغییراتی خواهد شد که در صورت استفاده نابه‌جا از مسائل مرتبط با تربیت جنسی، آسیب‌هایی در این زمینه بروز خواهد کرد.

▪ به‌طور کلی آسیب‌های جهانی‌شدن در دو مؤلفه می‌تواند بررسی شود: یکی جهانی‌شدن و بروز آسیب‌های اخلاقی، دیگری تهاجم فرهنگی مؤلفه جهانی‌شدن و بروز آسیب‌های اخلاقی شامل مفاهیم و مؤلفه‌هایی مانند تعارض ارزش‌ها (درج اطلاعات و تصاویر خصوصی و خانوادگی در محیط‌های مجازی)، تغییر سبک ازدواج

و همسرگزینی، آزادبودن روابط دختر و پسر، مدگرایی، شکاف نسل‌ها، انحرافات اخلاقی و جنسی (ترویج فرهنگ برهنگی، هرزه‌نگاری، هنر پلید شهوانی و رواج سرسام‌آور آن) و بازدارندگی (کمرنگ‌شدن کنترل اولیا و مدرسه) در فرایند تربیت است. از دیگر سو، جهانی‌شدن در جهت و همسو با تهاجم فرهنگی سبب بروز آسیب‌های اخلاقی مانند الگوپذیری، مدگرایی، فمینیسم، بی‌هویتی، دنیاگرایی، ترویج بی‌بندوباری، دین‌گریزی و روابط جنسی ناسالم و غیره می‌شود.

▪ در ایران دو دیدگاه کلی وجود دارد: سیاست‌های سلبی شامل سیاست‌ها و برنامه‌های حذف، کنترل و نظارت و همچنین سیاست‌های ایجابی فرهنگی و اجتماعی که شامل برنامه‌ها و سیاست‌هایی معطوف به تولید و مدیریت محتوا، برنامه‌های دیجیتال‌سازی اطلاعات و دسترس‌پذیرساختن اطلاعات و محتوا در شبکه اینترنت است.

▪ فرصت‌های رسانه‌های نوین در فرایند تربیت جنسی بر اساس سیاست‌های سلبی و ایجابی شامل راهبردهایی مانند اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی، توسعه تولیدات فرهنگی در فضای مجازی، تقویت باورهای دینی، برنامه‌های آموزشی در فضای مجازی، الگودهی و ترویج ارزش‌ها و هنجارها، آشناکردن با خطرهای فضای مجازی و نظارت والدین می‌باشد. به‌طور کلی فرصت‌هایی را که رسانه‌های



- با توجه به نتایج به دست آمده، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
 - ضرورت و نیاز به آموزش و تربیت جنسی با توجه به ویژگی‌های چالش‌برانگیز عصر جهانی شدن؛
 - ضرورت استفاده از اصول، مبانی و روش‌های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام در برنامه‌های آموزشی تربیت جنسی به دلیل همه‌جانبه‌بودن آموزه‌های دین مبین اسلام؛
 - توجه به تربیت جنسی مبتنی بر اخلاق، اعمال، ویژگی‌ها و رفتارهای اسلامی در عصر جهانی شدن؛
 - توجه به ساختارهای فرهنگی اجتماعی و باورها و اعتقادات نادرست درباره عملکرد جنسی و همچنین نگرش والدین در الگوی تربیت جنسی در عصر جهانی شدن و پیشنهاد راهکار در این زمینه بر اساس مبانی اسلام؛
 - توجه به ویژگی‌هایی مانند جامعیت، حمایت و مشارکت تمامی افراد ذی‌نفع، همچون والدین و دانش‌آموزان، متخصصان سلامت و متخصصان برنامه درسی و استفاده از جدیدترین موضوعات و محتوای مربوط به تربیت جنسی؛
 - استفاده کردن اولیا، معلمان و مربیان تربیتی در تربیت جنسی از این الگو در راستای بهبود و اثربخشی بیشتر یادگیرندگان؛
 - نکته کلیدی و حلقه مفقوده موجود در تربیت جنسی، آموزش است که تعدد
- نوین پدید می‌آیند، نمی‌توان انکار کرد، اما به نظر می‌رسد این فرصت‌ها در مقابل تهدیدها و چالش‌ها، بسیار ناچیز است و بیشتر راهکارهای معرفی شده در فرصت‌ها هم، شامل سیاست‌های سلبی و بازدارنده است. همچنین فرصت یا تهدیدهای جهانی شدن به مقدار زیادی به میزان توانمندی‌ها و ظرفیت گروه و کشورها فرهنگی‌های در کارآمد ساختن برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردهایشان بستگی دارد.
- شرایط علی (ضرورت تربیت جنسی)، مؤلفه محوری (فرصت‌ها و تهدیدهای تربیت جنسی در عصر جهانی شدن)، شرایط زمینه‌ای (آموزش)، شرایط مداخله‌گر (ساختارهای فرهنگی-اجتماعی)، راهبردها (اصول، روش و محتوای تربیت جنسی از دیدگاه اسلام و شاخص‌های آسیب و سلامت تربیت جنسی) و پیامدها (تقویت همه ابعاد به هم پیوسته تربیت در سطح فردی و جامعه) الگوی تربیت جنسی را در عصر جهانی شدن منعکس می‌نماید.
- مبنای مدل ارائه شده، آموزش و اصلاح ساختارهای فرهنگی-اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی بر مؤلفه محوری؛ یعنی فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن تأثیرگذار است. بنابراین برنامه‌های ارائه شده در راهبردها باید بر مبنای اصول، روش و محتوای تربیت جنسی از دیدگاه اسلام و شاخص‌های آسیب و سلامت تربیت جنسی باشد که به تقویت همه ابعاد به هم پیوسته تربیت در سطح فردی و جامعه منجر می‌شود.



و تقابل آرای کارشناسان در نحوه آموزش، بهترین سن آموزش و همچنین مبهم بودن متولی آموزش (که تاکنون متولی خاصی این مهم را برعهده نگرفته است) از موضوعاتی است که تاکنون حل نشده است.

۲۲. مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تأکید بر روابط میان فردی با والدین، مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران

تربیتی، سروناز؛ تاجیک اسماعیلی، سمیه و خسروی، نیکا (۱۳۹۸)، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، ش ۴۵.

هدف تحقیق حاضر، مطالعه تربیت جنسی نوجوانان شهر تهران و عوامل زمینه‌ساز آن با تأکید بر روابط میان فردی با والدین است. برای این منظور از روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. داده‌های به دست آمده نشان داد:

- تربیت جنسی، دادن سلسله‌ای از اطلاعات ضروری روان‌شناختی، جسمانی و دینی در زمینه‌های جنسی مرتبط با فرد به همراه دادن اطلاعات و آگاهی‌هایی به شخص در زمینه آشنایی بیشتر با خصوصیات جنس مخالف است.

- از پژوهش فوق، مقولات زیر حاصل شده‌اند:

- آگاهی از مسائل دینی درباره تربیت جنسی؛

- آگاهی والدین از مسائل جنسی و آثار جسمی و روحی آن؛
- ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین؛
- آگاهی و مسلط بودن والدین به یک سری از مهارت‌های ارتباطی در جهت ارتباط بهتر با کودکان، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس؛
- آموزش والدین و اجتماعی کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش‌های جنسیتی به فرزندان؛
- وجود ارتباط عاطفی در خانواده، نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین.

- این مفاهیم در سه دسته عوامل خانوادگی، یا برون‌خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی شدند.

- در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده، یکی از دلایل اصلی اثرگذار بر تربیت جنسی در این پژوهش، وجود آگاهی میان خانواده‌ها و در رأس آن میان والدین می‌باشد.

۲۳. تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی، بستری برای پیشگیری از جرایم و انحرافات

قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید و شمخانی، اژدر (۱۳۹۶)، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ش ۳۸.

تربیت جنسی یکی از ابعاد پیچیده و مهم تعلیم و تربیت است که در چگونگی



جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، اجرای وظایف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به رحمت، مودت و آرامش در زندگی است.

■ گستره موضوع تربیت جنسی، در برگرفته مسائل ریز و درشتی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- نگرش والدین، نسبت به جنسیت خود و فرزندانشان؛

- رفتار والدین با یکدیگر؛

- نگرش والدین به ازدواج و جنس مخالف؛

- آموزش حیا و فضایل اخلاقی؛

- بهنجارها و نابهنجاری‌های جنسی؛

- اهمیت تقوا و پرهیز از بی‌بندوباری جنسی؛

- آگاه کردن فرزندان از بیماری‌های مقاربتی (مانند ایدز و...)

- آموزش احکام شرعی، در مورد مسائل جنسی دوران بلوغ و ازدواج؛

- آگاه کردن فرزندان از تغییرات زمان بلوغ؛

- آماده کردن نوجوانان و جوانان برای ازدواج و آشناکردن آنها به وظایف همسررداری و فرزندپروری؛

- آگاه کردن فرزندان از طبیعی بودن نیاز جنسی و تمایل طبیعی به جنس مخالف.

- شیوه‌های تربیت جنسی کودک و نوجوان:

- آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویت جنسی؛

- پیشگیری از زمینه‌های تحریک جنسی؛

- خودداری از روابط جنسی در برابر فرزندان؛

شکل‌گیری شخصیت انسان نقش مهمی دارد و بر افکار، عواطف و رفتارهای وی اثر می‌گذارد. هدف از انجام‌دادن این پژوهش، بررسی نحوه تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی به‌منظور پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات و بیان شیوه‌های تربیت جنسی از منظر اسلام است. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد:

- یکی از حوزه‌های چالش‌برانگیز تعلیم و تربیت در جوامع مختلف، از جمله جامعه ما تربیت جنسی است که همواره به‌دلیل وجود پاره‌ای از ابهام‌ها و سوءتفاهم‌های فکری و نظری و نیز موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به‌گریبان بوده و همین امر، زمینه‌ساز ایجاد و بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحراف‌های رفتاری میان نسل جوان و به تبع آن، صرف هزینه‌های سنگین برای مقابله با این انحرافات است.

- در حوزه عمل نیز «تربیت جنسی» از موضوع‌های چالش‌برانگیز برای خانواده‌های ایرانی است.

- شیوه‌های تربیت جنسی کودک و نوجوان شامل:

- پرورش هویت جنسی؛

- پیشگیری از تحریک غریزه جنسی؛

- پاسخ‌دادن به پرسش‌های کودکان و نوجوانان؛

- پرورش فضایل اخلاقی.

- تربیت جنسی به همه اقداماتی اطلاق می‌شود که از دوران اولیه زندگی انسان برای رشد متعادل و مناسب انگیزه جنسی انجام شده و هدف آن اطلاع‌رسانی



- خودداری از عریان شدن در برابر کودکان یا عریان کردن آنها در مقابل همدیگر؛
- پاسخ دادن به پرسش‌های جنسی کودکان؛
- پرورش فضایل اخلاقی از جمله حیا، عفت و غیرت.

۲۴. تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب

حاجی‌پور، حامد؛ برخوردار، رمضان و کشاورز، سوسن (۱۳۹۷)، مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ش ۱.

- هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش اساسی است که زبان در ارتباط با امر جنسی چگونه به کار می‌رود و این چگونگی، چه تصویری از آن را ترسیم کرده و به کدام اصول و روش‌ها در تربیت جنسی گرایش بیشتری دارد. در این پژوهش، پیچیدگی‌های کاربرد زبان در تربیت جنسی و نیز ضرورت درک زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در تربیت جنسی، به‌ویژه اثر ساختار قدرت در این سبک از کاربرد زبان مدنظر قرار گرفته است. وضعیت موجود، ناظر به متونی است که همچنان از اعتبار قانونی برخوردار بوده و مستند می‌باشند. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر رویکرد نورمن فرکلاف بهره گرفته شد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که:
- گفتمان حاکم بر تربیت جنسی آموزش و پرورش ایران را باید «گفتمان مهار» نامید. از ویژگی‌های این گفتمان در تربیت جنسی

- توجه بیشتر به جنبه‌های سلبی تربیت جنسی می‌باشد.
- بازنمایی این گفتمان از واقعیت میل جنسی به‌گونه‌ای است که بیش از آنکه به فرصت‌های میل جنسی در زندگی سعادت‌مندانة مرتبی نگاه کند به تهدیدهای غریزه جنسی توجه دارد؛
- نگاه بدبینانه: علاقه جنسی به یک فرد، او را در حد شیء تنزل می‌دهد. اغفالگری جزو مقدمات رابطه جنسی محسوب می‌شود و فرد در یک رابطه جنسی، هویت انسانی خویش را از دست می‌دهد. لذت جنسی چون مقدمه تولید مثل است، مورد توجه قرار می‌گیرد. باید غریزه جنسی را به اجبار هدایت کرد؛
- نگاه خوش‌بینانه: رابطه جنسی موجب محکم‌تر شدن پیوند عاطفی بین دو طرف شده و لذت جنسی موضوعیت داشته و هدف است. بنابراین، ارضای جنسی، محدود به ازدواج نبوده و تولید مثل یکی از کارکردهای میل جنسی است.
- نگاه بدبینانه به‌طور کامل به دنبال نادیده‌انگاشتن امر جنسی و حذف و طرد آن است و فقط از حیث تولید مثل به آن نگاه می‌کند. در مقابل، نگاه خوش‌بینانه به‌صورت افراطی سعی در حذف محدودیت‌ها و ارضای کامل آن دارد و اساساً لذت‌محور است.
- حالت‌های میانه‌ای را نیز می‌توان در این طیف تصور کرد که یا گرایش بیشتر به سر بدبین طیف یا در مقابل گرایشی به سمت سر خوش‌بین طیف دارد. نگاه‌های میانه نیز بر این اساس که بیشتر محدودیت



گفتمان پست‌مدرن هیچ‌گونه حقیقتی فراتر از فرهنگ را نپذیرفته و هنجارهای جنسی موجود را میراث فرهنگ مردسالارانه و ضد هم‌جنس‌خواهانه معرفی می‌کند. از این دیدگاه، همه الگوهای مختلف رابطه جنسی هم‌عرض بوده و هیچ برتری نسبت به یکدیگر ندارند.

در مقابل این سه رویکرد بر اساس نظام اسلامی، نظام تربیتی چهارمی وجود دارد که خانواده‌گرایی در مرکز توجه آن قرار دارد و هرگونه رابطه جنسی خارج از خانواده، خواه قبل و خواه بعد از ازدواج رد می‌شود و تنها به همسر شرعی و قانونی و غیرهم‌جنس فرد محدود می‌شود.

در مجموعه هدف‌های آموزش و پرورش آنچه می‌تواند برای تربیت جنسی دلالت داشته باشد، به‌طور عمده حول محور حیا، عفاف و پوشش و آراستگی اسلامی و محرم و نامحرم از یک سو و توجه به سلامتی و بهداشت از سوی دیگر بوده است. در سند «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی» ضمن تأکید بر مفاهیم حیا، عفاف و حجاب، به موضوع‌هایی مانند «بلوغ و احکام خاص آن» و «گریزه جنسی، ازدواج و خانواده» نیز پرداخته شده است که دلالت‌های جزئی‌تری برای تربیت جنسی دارند.

جنسی را توصیه می‌کنند و آن را در اولویت قرار می‌دهند یا تسهیل ارضای جنسی را مدنظر قرار داده و به راهکارهای مبتنی بر آن اهمیت می‌دهند، باید تحلیل شوند. به‌عبارت‌دیگر، در این وضعیت‌ها با ترکیبی از اصول و روش‌های سلبی و ایجابی مواجه خواهیم بود. به‌طور نمونه، ممکن است در نظامی از تربیت جنسی، ضمن اینکه خانواده‌گرایی نفی نمی‌شود، داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج و حتی بعد از ازدواج با توجیه‌های مختلف پذیرفته شود. به‌طور مسلم، چنین نظامی ارضای جنسی را در مرکز اهمیت قرار داده و دیگر ارزش‌ها و اصول خود را پیرامون آن می‌بیند. در چنین نظامی، همسر شرعی و قانونی فرد، عضوی از مجموعه بزرگ‌تری است به نام شریک جنسی که لزوماً به مفهوم همسر شرعی و قانونی فرد نبوده و حتی لازم نیست غیرهم‌جنس باشد.

بر اساس گفتمان لیبرال که هدف آن، ایجاد زمینه کافی برای بروز فردیت و علائق شخصی متربی است، هر چیزی که انتخاب شخص را محدود کند، ضد تربیت مطلوب محسوب می‌شود. رابطه جنسی می‌تواند از دوگانه زن-مرد عبور کند و دستوره‌های مذهبی، محوریت ندارند و آمیزش امن و بی‌خطر مدنظر است. در گفتمان لیبرال است که خواسته‌های فرد در اولویت قرار می‌گیرد و لذت فردی در رابطه جنسی، حائز اهمیت ویژه می‌شود و انواع روابط جنسی در راستای تأمین خواسته‌های متربی مورد توجه قرار می‌گیرد.



۲۵. پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی در شبکه‌های اجتماعی

رضوی‌فرد، بهزاد؛ رباط جزئی، محمدتقی و عمرانی، گلسا (۱۳۹۷)، مجله حقوقی/دگستری، ش ۱۰۴.

در پژوهش حاضر بر پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار از بزه‌دیدگی جنسی در فضای سایبر تمرکز شده است. این‌گونه پیشگیری سعی در تغییر و بهبود اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارد که به‌نوعی زمینه‌ساز بزهکاری و بزه‌دیدگی هستند. نتایج این پژوهش عبارتند از:

- بزه‌دیدگی جنسی در شبکه‌های اجتماعی به تعبیری به روند قربانی‌شدن اشخاص از نوع جنسی، به‌وسیله ظهور، رشد، توسعه و به‌تبع آن استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بازمی‌گردد. این بزه می‌تواند در اشکال مختلف از جمله اذیت و آزار جنسی، اخاذی و پورنوگرافی تجلی نماید. استفاده‌نکردن درست از این شبکه‌ها می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را همچون به‌خطرافتادن حریم شخصی، ازبین‌رفتن روابط خانوادگی، افزایش خیانت زوجین و پدیده بزه‌دیدگی جنسی در پی داشته باشد.

- شناسایی بسترهای ایجاد این آسیب، چه در سطح اجتماعی و خانوادگی و چه در بطن شبکه‌های اجتماعی به ارائه برنامه‌ای کامل و جامع نیازمند است تا در پرتو آن، از یک سو امکان مهار طیف وسیعی از آسیب‌های جنسی در این فناوری ارتباطی فراهم شود و از سوی دیگر با شناسایی

طبقات گوناگون بزه‌دیدگان جنسی، تمام اشخاص آسیب‌دیده، تحت شمول اقدامات آن قرار گیرند.

- آنچه در رابطه با آموزش و تربیت در محیط خانواده موضوع بحث است از یک سو آموزش‌ها و تربیت‌های جنسی متناسب با سن و جنسیت کودکان است و از سوی دیگر، شامل تدابیر آموزشی لازم به‌منظور استفاده صحیح و محتاطانه از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی در فضای مذکور است.

- اغلب والدین در پاسخ به سؤالات جنسی کودکان با مشکلاتی نظیر شرم و حیا یا وحشت‌داشتن از بدآموزی برای کودکان و بالاخره ناآگاهی در شیوه پاسخ‌دادن به چنین سؤالاتی روبه‌رو هستند و این امر باعث می‌شود آنها از پاسخ‌دادن درست به این پرسش‌ها طفره روند؛ غافل از اینکه فرزندشان به هر طریق ممکن، جواب این سؤالات را خواهد یافت؛ زیرا خانواده نتوانسته است این نقش تربیتی خود را به‌خوبی ایفا کند و شاید بتوان گفت یکی از فراگیرترین این راه‌ها، جست‌وجوی پاسخ این پرسش‌ها در فضای مجازی و همچنین شبکه‌های اجتماعی است.

- برنامه‌ها و تدابیر آموزشی و تربیتی دیگر که در وظایف نهادهای مدرسه و دانشگاه قرار می‌گیرد، استفاده درست از فضای مجازی و همچنین همکاری با خانواده‌ها در پیشگیری از انحرافات و بزه‌دیدگی جنسی فرزندانشان در شبکه‌های اجتماعی است. مهم‌ترین اقدامات در این زمینه عبارتند از:



- به‌کارگیری ابزارهای نوین مدیریتی از جمله نرم‌افزارهای مدیریت هوشمند برای سامان‌دهی محیط مجازی مورد استفاده کودکان و نوجوانان؛
- از نمونه راهکارهای این نوع پیشگیری می‌توان به اقدامات و تدابیر آموزشی و تربیتی، اشتغال‌زایی، کمک به تشکیل خانواده و غیره اشاره کرد. از دیگر سو می‌توان به برخی نمونه اقدامات نظارتی که در چهارچوب نوعی پیشگیری‌های وضعیت‌مدار قرار می‌گیرند، اشاره نمود.
- پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌منظور افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرهای ناشی از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توییتر؛
- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب عضویت در شبکه‌های اجتماعی از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند؛

معرفی کتاب

سیده مریم چاوشی

هدف از این نوع تربیت فراهم کردن زمینه‌هایی است که فرزند را با چگونگی به‌دست آوردن بهداشت و سلامت جسمی و روحی خود آشنا سازد و زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی وی را به‌وجود آورد. این نوع تربیت، افراد را در نوجوانی و جوانی از انحراف و لغزش‌های جنسیتی، جنسی و اختلال هویت جنسی باز می‌دارد و سلامت و کامیابی دنیوی و اخروی وی را فراهم می‌کند.

اگر والدین در ایفای این وظیفه کوتاهی کنند، طبیعی است کودک از کنجکاو خود به‌راحتی دست نخواهد کشید. او سعی خواهد کرد از طریق اشخاص و منابع دیگر مانند همسالان، اینترنت و... این کنجکاو را برطرف کند. در چنین وضعیتی معلوم نیست اطلاعات دریافتی تا چه اندازه سالم و متناسب با سن رشد کودک است و عواقب مشکلات بعدی به عهده والدین خواهد بود.

کتاب **حرف‌های یواشکی** متنی کاربردی است که در اختیار والدین و مربیان قرار گرفته

حرف‌های یواشکی: مهارت‌های تربیت جنسی فرزندان



نویسندگان: رضا مهکام و لیلا عبادی
 موبد، نشر مهرستان، ۱۳۹۸

تربیت، ابعاد و ساحت‌های گوناگونی دارد و بدون تحقق تک‌تک این ساحت‌ها نمی‌توان انتظار داشت فردی که در حال تربیت شدن است، به تکامل و پختگی مناسب و درخور توجهی برسد. در کنار ساحت‌هایی مانند تربیت اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و دینی فرزندان، یکی از ساحت‌های مهم، تربیت جنسی آنان است.



در بخش پایانی این کتاب خلاصه‌ای از راهکارهای تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی به مخاطب داده شده است.

**پیشگیری از سوء استفاده جنسی از کودکان:
اصول برنامه‌ریزی، روش‌ها و فعالیت‌ها برای
کودکان پیش دبستانی و سال‌های اول
دبستان**

سوء استفاده جنسی از کودکان
پیشگیری از



نویسنده و مترجم: **فاران حسامی**، نشر
ساوالان، ۱۴۰۱.

این مجموعه ترجمه و تلخیصی از کتاب **پیشگیری از آزار جنسی: فعالیت‌ها و راهبردهایی برای کسانی که با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند** نوشته کارول ا. پلامر است که مباحث مناسب دیگری نیز به آن اضافه شده است. این کتاب با تأکید بر این نکته که توانمندسازی کودکان حداقل کاری است که برای ساختن دنیای مناسب و شایسته آنان می‌توان انجام داد، در ظاهر، معلمان مهدهای کودک و مدارس ابتدایی را مخاطب قرار می‌دهد؛ اما فعالیت‌ها و

است و آنان را از چگونگی آموزش و تربیت جنسی کودک آگاه می‌کند. در واقع این کتاب برای والدین طراحی شده است و سعی شده است محتوای ارائه‌شده بر اساس فرهنگ اسلامی و بومی کشورمان ایران و همچنین با استفاده از فنون روان‌شناختی طراحی و تبیین شود.

انتشارات «مهرستان» این اثر را در چهار بخش تدوین کرده است. در بخش اول علاوه بر تعریف دقیق تربیت جنسی و اهداف تربیت جنسی سالم، از تفاوت زمان در تربیت جنسی و اینکه لذت جنسی از چه سنی در کودک شروع می‌شود سخن گفته شده است.

در بخش دوم زمینه‌ها و عوامل مؤثر در تربیت جنسی مانند: فردی، خانوادگی و اجتماعی و محیطی بررسی شده است. در این بخش به عواملی که ممکن است در سه حیطه یادشده منجر به انحراف از تربیت جنسی سالم کودک شود، اشاره شده است.

در بخش سوم راهکارهای تربیت جنسی ذیل دو فصل درباره مدیریت روابط (در خانواده و بیرون از آن) نکاتی بیان شده است. در این بخش راهکارهایی برای مراقبت از فرزند در بین دوستان، اجتماع، رسانه و مواقعی که فرزندان در معرض آسیب‌های جنسی قرار می‌گیرند، ارائه شده است. موضوع بعدی این بخش از کتاب **حرف‌های یواشکی** آموزش و شیوه‌های مهارت‌افزایی فرزندان است و در پایان این بخش به چگونگی پاسخ‌دادن به سوالات جنسی کودکان نیز پرداخته شده است.



برنامه‌های آن به‌گونه‌ای طراحی شده است که در خانواده و حتی برای یک کودک نیز قابل اجراست.

تربیت جنسی کودکان: از تولد تا نه سالگی راهنمای والدین به زبان ساده



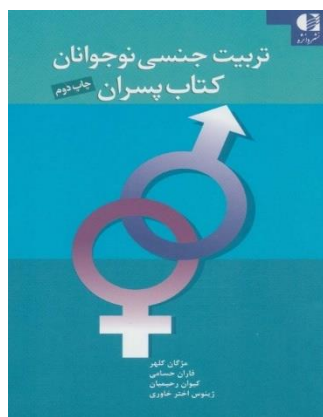
نویسنده: **فاران حسامی**، نشر دانژه، ۱۴۰۰.

با گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی، کانال‌های بسیاری هستند که کودکان با فشار یک دکمه می‌توانند از صفحه‌ها و کانال‌هایی با محتوای جنسی در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای اطلاعات کسب کنند. علاوه بر آن، از رسانه‌ها می‌شنویم که سن شروع بیماری‌های جنسی بسیار کاهش یافته است. بنابراین، طبیعی است که والدین بخواهند آموزش مسائل جنسی را در گروه موضوعات آموزشی به کودکان قرار دهند.

این کتاب، می‌تواند راهنمای مناسبی برای خانواده‌ها باشد؛ زیرا از شیوع بیماری‌های جنسی در میان کودکان و نوجوانان می‌گوید. این کتاب، در شش فصل درباره هویت

جنسی، تربیت جنسی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های جنسی، مطالب مفیدی را برای خانواده‌ها ارائه می‌کند.

تربیت جنسی نوجوانان؛ کتاب پسران



نویسنده: **مژگان کلهر**، **فاران حسامی**، **کیوان رحیمیان**، **ژینوس اختر خاوری**، نشر دانژه، ۱۴۰۰.

اگر دوره گذار نوجوانی به‌خوبی فهمیده و درک شود و متناسب با جهش‌های رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی، با نوجوان رفتار شود، نویدبخش ظهور صمیمیت، وفاداری و هویت پایدار در دوره جوانی و زاینده‌گی مؤثر در بزرگسالی است.

این کتاب اطلاعات دقیقی از بلوغ جنسی و روند رشد جسمانی در اختیار نوجوان قرار می‌دهد. در این کتاب نیز مانند نسخه دخترانه آن تغییرات اخلاقی، ذهنی، جسمی و اجتماعی نوجوان پسر از جنبه‌های مختلف توصیف و تحلیل می‌شود و با توجه به معیارهای دینی، اخلاقی و فرهنگی،

ناخوشایندی از موضوعی داشت، آن را قبل از هر کسی با پدر و مادر در میان بگذارد. اینکه چطور به کودک خود نه گفتن و مسائل جنسی را بیاموزیم، نیازمند مطالعه است. کتاب، تربیت جنسی کودکان را در هفت فصل با شعر و بازی و تمرین و راهنمایی‌های متعدد به والدین می‌آموزد که چطور کودکی قوی و آگاه تربیت کنند.

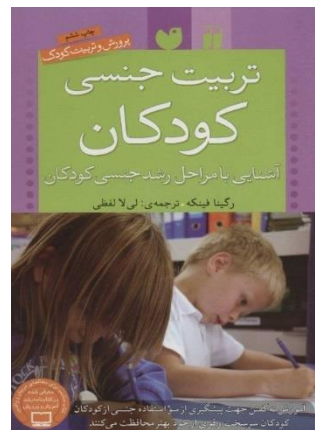
کتاب تربیت جنسی کودکان نوشته رگینا فینکه با موضوع آشنایی با مراحل رشد جنسی کودک و آگاهی‌بخشی به والدین در این خصوص است. در این کتاب نویسنده به والدین، اهمیت آموزش رفتار جنسی به کودکان را متذکر می‌شود و توضیح می‌دهد که به چه نحوی باید کودکان خود را حمایت کنیم و به آنها عشق بورزیم و تلاش کنیم تا کودکی قوی و آگاه تربیت کنیم؛ چرا که کودکی که به خود و والدینش اعتماد دارد می‌تواند با جسارت، نه گفتن را یاد بگیرد و به کسی اجازه سوءاستفاده ندهد.

والدین هیچ‌گاه قادر نیستند کودک خود را از همه مشکلات و خطرها دور کنند، اما می‌توانند کودک خود را به شکلی تربیت کنند که آنها بتوانند در مقابل خطرها و تهدیدها به بهترین شکل از خود دفاع کنند. بنابراین، این کتاب به والدین کمک می‌کند تا بتوانند با آگاهی بیشتر مراقب فرزند خود باشند تا آسیبی به وی نرسد.

راهکارهایی به‌منظور پیشگیری از ذهنیت‌ها و رفتارهای ناهنجار جنسی ارائه می‌شود.

در این کتاب بیان می‌شود که نوجوانی مرحله‌ای انتقالی بین کودکی و بزرگسالی است که در آن، نوجوان لازم است به مسئولیت‌های اجتماعی خود، آگاه شود. همچنین تفاوت نوجوان از ابعاد مختلف با کودکان از یک سو و با بزرگسالان از سوی دیگر بیان می‌گردد. این کتاب نیز با ارائه مطالبی پیرامون تربیت جنسی با حفظ و رعایت حیامندی، اطلاعات سودمندی به نوجوانان، والدین، معلمان و... ارائه می‌کند.

تربیت جنسی کودکان؛ آشنایی با مراحل رشد جنسی کودکان

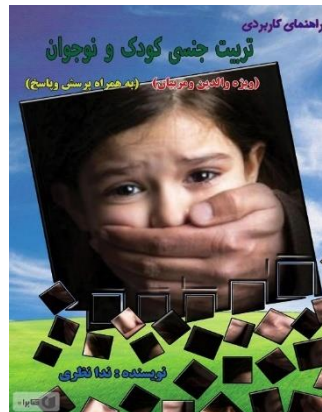


نویسنده: رگینا فینکه، مترجم: لی لا لفظی، نشر ذکر، ۱۴۰۰.

احساسات کودک در موقعیت‌های مختلف، نیازمند توجه و حمایت والدین است و لازم است کودک هر زمانی که احساس



راهنمای کاربردی تربیت جنسی کودک و نوجوان (ویژه والدین و مربیان) به همراه پرسش و پاسخ



نویسنده: ندا نظری، نشر آفتاب گیتی، ۱۳۹۸.

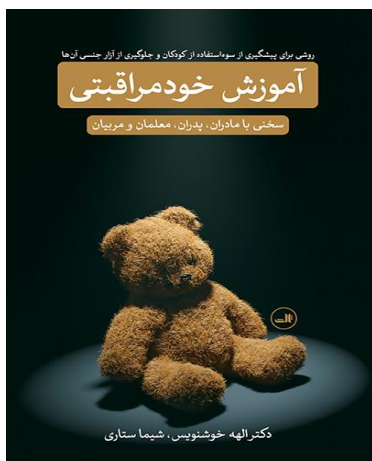
گریزه جنسی از جمله غرایز نیرومند و حساس انسان محسوب می‌شود که باید به آن توجه کرد و از همان دوران کودکی به خوبی پرورش یابد. این گریزه در زندگی روانی و جسمانی انسان بسیار اثرگذار است و به‌عنوان امانتی الهی در وجود انسان قرار داده شده که همچون لبه تیز چاقو وظایف دو بعدی دارد. گریزه جنسی، هم می‌تواند مسبب تعالی فرد باشد و هم تنزل در وی به‌وجود بیاورد.

از طرف دیگر پیچیدگی‌های روابط انسانی در دهه‌های اخیر، ورود تکنولوژی، ابزارهای مدرن ارتباطی مانند اینترنت و... زمینه را برای انتقال اطلاعات درست و نادرست جنسی و زناشویی فراهم کرده است. در این میان کودکان و نوجوانان در گروه آسیب‌پذیرترین قشر به‌عنوان مخاطبان این‌گونه ابزارهای مدرن ارتباطی محسوب می‌شوند که آگاهی و

اطلاعات بسیار اندکی درباره مسائل جنسی داشته و به‌صورت ناخودآگاه کنجکاوی‌های بسیاری در حوزه مسائل جنسی دارند.

ندا نظری در کتاب **راهنمای کاربردی تربیت جنسی کودک و نوجوان** در تلاش است تا به خواننده بیاموزد این گریزه را به‌درستی در کودکانشان پرورش دهند. او معتقد است کودک باید به‌گونه‌ای تربیت شود که گریزه جنسی را جزئی از زندگی خود محسوب کرده، از داشتن آن احساس شرم نکند و خود را در این رابطه گناهکار نبیند. نکته قابل توجه اینجاست که باید سعی کنید این گریزه بر اساس مقررات شرع اعمال شود.

آموزش خودمراقبتی؛ روشی برای پیشگیری از سوءاستفاده از کودکان و جلوگیری از آزار جنسی آنها



نویسندگان: الهه خوشنویس و شیما ستاری، نشر ثالث، ۱۳۹۸.

کتاب **آموزش خودمراقبتی**، راهنمایی مناسب برای والدین، مربیان و مدرسان مدارس

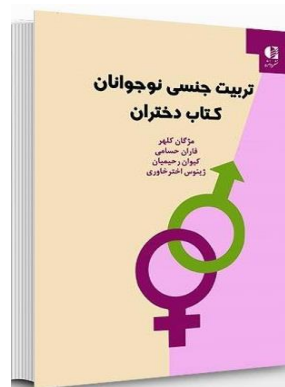
نویسندگان: مژگان کلهر، فاران حسامی، کیوان رحیمیان، ژینوس اختر خاوری، نشر دانژه، ۱۳۹۸.

تربیت جنسی باعث می‌شود نوجوان در تصمیم‌گیری‌هایش با اعتماد و اطمینان عمل کند و با انتخاب آگاهانه، جلوی لغزش‌های احتمالی‌اش را بگیرد. در کتاب **تربیت جنسی نوجوانان؛ کتاب دختران** به شکل نظام‌مند و همه‌جانبه‌ای تغییرات جسمی، ذهنی، اخلاقی، اجتماعی و جنسی نوجوان دختر توصیف و تحلیل شده و با در نظر داشتن زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و دینی، راه‌های پیشگیری از بدفهمی و کژرفتاری را نشان می‌دهد. اطلاعات دقیقی از بلوغ جنسی و روند رشد جسمانی در اختیار نوجوان دختر قرار می‌دهد و با توصیف و بررسی تغییرات جسمانی، روانی، ذهنی و عاطفی دختران نوجوان در طی دوران بلوغ و ارائه اطلاعات لازم درباره روابط جنسی و ارزش‌ها و چهارچوب‌های اخلاقی آن، زمینه شناخت تمامی جنبه‌های بدن و شخصیت را برای دختران فراهم می‌آورد و از این طریق آنها را از وارد شدن به روابط نادرست و لغزش‌های احتمالی باز می‌دارد.

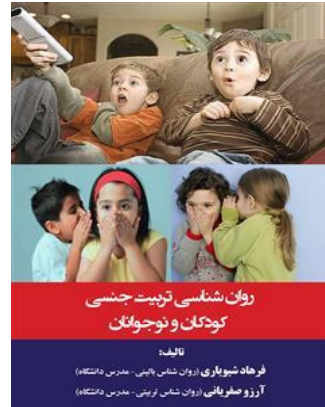
تأکید بر تربیت جنسی و رابطه آن با دیگر ابعاد شناختی، اخلاقی و معنوی با حفظ و رعایت حیامندی، بر سودمندی کتاب افزوده است. مطالعه این اثر به نوجوانان، والدین، معلمان و مشاورانی که با نوجوانان سر و کار دارند، توصیه می‌شود.

است که با هدف آموزش روش‌های پیشگیری از آزار جنسی کودکان نوشته شده است. این کتاب تألیفی متناسب و منطبق با تنوع فرهنگی و شرایط زیست در مناطق مختلف کشور ماست که در سه فصل اصلی تدوین شده است: فصل اول به ضرورت و اهمیت خودمراقبتی، ابعاد رشد و بلوغ جنسی و رویکردهای مختلف نسبت به آن، توصیه‌هایی درباره تربیت جنسی در سنین مختلف و راهکارهایی برای پیشگیری از بلوغ زودرس و شیوه پاسخگویی به سؤالات و کنجکاوی‌های جنسی کودکان می‌پردازد. در فصل دوم مصادیق کودک‌آزاری و کودک‌آزاری جنسی را مطرح کرده و شیوه‌های پیشگیری، نحوه مواجهه با کودک‌آزاری جنسی، نشانه‌های رفتاری کودک‌آزاری و ویژگی‌های افراد کودک‌خواه را آموزش می‌دهد. فصل سوم نیز به آموزش خودمراقبتی توسط والدین اختصاص دارد؛ اینکه چگونه مفهوم خصوصی و غیرخصوصی، قوانین مربوط به حریم خصوصی، مفهوم حس خوب و بد، مفهوم راز خوب و بد، تفاوت هدیه و رشوه و مهارت نه گفتن را به کودکانشان آموزش دهند.

تربیت جنسی نوجوانان؛ کتاب دختران



روان‌شناسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان



نویسنده: فرهاد شیویاری، آرزو صفریانی،
نشر آذرفر، ۱۳۹۶.

در کتاب *روان‌شناسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان* نوشته فرهاد شیویاری و آرزو صفریانی، به ماهیت تربیت جنسی کارآمد و اهمیت آن در سلامت روانی و جنسی کودک و نوجوان پرداخته شده است.

زندگی در عصر ما، آگاهی و مهارت‌های ظریف‌تری را نسبت به گذشته می‌طلبد که با مطالعه و تجربه به دست می‌آید. دسترسی به اطلاعات درست و کسب مهارت‌های لازم برای زندگی، در تربیت جنسی سهم عمده‌ای دارد. تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در دنیای مدرن امروزی، امری ضروری است و تاکنون کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های آموزشی بسیاری در این باره تولید شده است. کتاب مذکور هم بر این موضوع مهم تمرکز دارد. تعریف و ضرورت تربیت جنسی کودکان، انحرافات و لغزش‌های جنسی کودکان، نگرانی‌ها و ترس‌های والدین

در این باره، چگونگی پاسخ‌دادن به سؤالات جنسی کودکان، مراحل رشد جنسی دختران و پسران، شکل‌گیری هویت جنسی سالم و مراحل رشد جنسی از دیدگاه دانشمندان، مباحث اصلی این کتاب می‌باشد.

در این کتاب تأکید می‌شود که لازم است به تربیت جنسی کودکان بپردازیم؛ اما این به این معنی نیست که به کودکان آموزش جنسی دهیم و کیفیت عمل را به آنان بیاموزیم، بلکه در این رابطه سعی داریم زمینه‌ای را فراهم کنیم تا بر اساس ضابطه و مقررات شرع، کودک از همان زمانی که به سن تمیز می‌رسد، به‌طورکلی دریابد که باشد و چه کند و درباره حفظ شرف و عفت خود چگونه موضع بگیرد.

نه به من دست نزن: آموزش اصول تربیت جنسی فرزندان برای والدین



نویسنده: زهرا سعدی، نشر سیادت،
۱۳۹۶.

کتاب *نه به من دست نزن؛ آموزش اصول تربیت جنسی فرزندان برای والدین* به‌منظور

نویسنده: محمود مرویان حسینی، نشر دانشگاه علوم اسلامی، ۱۳۹۵.

یکی از ساحت‌های مهم و تأثیرگذار انسان، ساحت جنسی اوست. تمایل‌های جنسی در نهاد آدمی وجود دارد و به تناسب شرایط سنی و عوامل محیطی، بروز و ظهور می‌یابد. ادامه حیات بشر و روابط سازنده و عاطفی میان انسان‌ها نیز به همین تمایل وابسته است. نیازهای جنسی و روش‌های درست مواجهه با آن و همچنین کنترل و مدیریت رفتارهای جنسی، بخش قابل توجهی از آموزه‌های ادیان و مکاتب را به خود اختصاص داده است.

در سبک زندگی اسلامی، چه در قالب تحلیل و توصیه‌ها و چه در قالب رفتارهای پیشوایان دین، به این مقوله راهبردی توجه شده و در این زمینه، مرحله حد وسط و نقطه تعادلی ارائه شده است. از نظر اسلام گزینه جنسی تمایلی منفی و مذموم نیست، بلکه سرمایه‌ای است که باید به‌درستی پاسبانی شود تا در عرصه ازدواج و تشکیل نهاد خانواده کارکردهای اساسی خود را بروز دهد. در مقابل، انحراف‌های جنسی و اختلال‌های مربوط به آن، مشکلات روانی و اجتماعی و اخلاقی فراوانی را در مسیر رشد فردی و جمعی بشر پدید آورده و نهادهای اساسی کمال‌آفرین را دچار بحران کرده است.

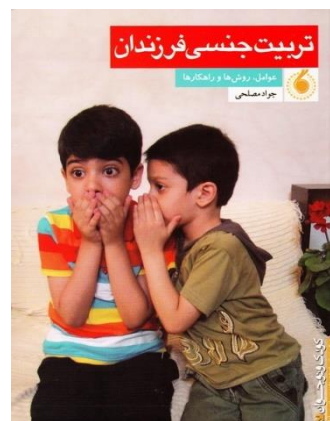
بازشناسی مبانی نظری و رفتاری اسلام و آموزه‌های قرآن و حدیث، در مقوله تربیت جنسی در دوره‌های گوناگون رشد (کودکی، نوجوانی، جوانی) و مرحله ازدواج، تلاش شایسته‌ای است که در کتاب حاضر صورت گرفته است.

به‌دست‌آوردن اطلاعات کافی و شناخت درست از رفتارهای طبیعی جنسی کودکان و نوجوانان را زهرا سعدی، تألیف کرده است. این شناخت باعث خواهد شد که والدین و معلمان، با اشراف کامل و آرامش به پرسش‌های کودکان در رابطه با مسائل جنسی پاسخ صحیح دهند و از بروز بسیاری از مشکلات جنسی، اضطراب‌ها و انحرافات اخلاقی در کودکان و نوجوانان جلوگیری کنند. بسیاری از والدین در مقابل سؤالات بی‌شمار فرزندانشان درباره مسائل جنسی، گیج، مبہوت و شرمسار می‌شوند. اینکه اولاً والدین به علت ناآگاهی یا اطلاعات ناقص‌شان، جواب بسیاری از سؤالات جنسی کودکان را نمی‌دانند، ثانیاً والدین نمی‌دانند حد و مرز پاسخ به سؤالات جنسی کودکان کجاست و تا چه اندازه باید فرزندشان را از موضوعات جنسی آگاه کنند و ثالثاً آیا دانستن مسائل جنسی باعث آرامش فرزندشان خواهد شد یا اینکه موجب گمراهی و انحراف او؟ آیا ارائه آموزش‌های جنسی به کودکان ضرورت دارد؟ و.... دغدغه‌های تربیتی والدین است که کتاب **نه به من دست نزن** آنها را راهنمایی می‌کند.

تربیت جنسی در اسلام؛ آموزه‌ها و راهکارها



تربیت جنسی فرزندان؛ عوامل، روش‌ها و راهکارها

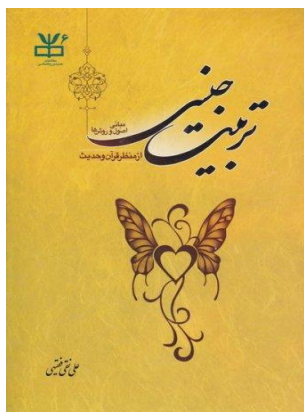


نویسنده: جواد مصلحی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.

با وجود اهمیت تربیت جنسی در دوران خردسالی، این مقوله در خانواده‌ها جزو مرزهای ممنوعه گفت‌وگو به‌شمار می‌آید و کودک به محض رسیدن به نوجوانی به شیوه‌ای نادرست از همسالان خود یا منابعی مانند پایگاه‌های اینترنتی غیراخلاقی مطالب نادرست و ناصحیح را یاد می‌گیرد. نویسنده این کتاب کوشیده است که والدین را تعلیم دهد به چه صورتی به سؤالات کودکان خود در مورد مسائل جنسی پاسخی صحیح دهند. فصل نخست اهمیت و پیامدهای تربیت جنسی را طرح می‌کند و در این فصل تعریف تربیت جنسی، ضرورت و آثار تربیت جنسی درست و زیان‌های غفلت از تربیت جنسی مطرح می‌شود. فصل دوم عوامل مؤثر در تربیت جنسی است که در این فصل، خانواده، عوامل اجتماعی و محیطی و عوامل جسمانی

و روانی با الگوهایی در زیرمجموعه این سه بحث تبیین می‌شود. همچنین به تربیت جنسی صحیح و شیوه‌های مستقیم و شیوه‌های غیرمستقیم اشاره می‌شود و در نهایت در انتهای فصل، زمینه‌های انحرافات جنسی تلویزیون و رایانه، اهتمام به امر ازدواج فرزندان و درمان‌های طبی از نکات مهمی است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

تربیت جنسی



نویسنده: علی نقی فقیهی، نشر سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۹۴.

دکتر علی نقی فقیهی در کتاب *تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث* با تحقیق در آیات و روایات، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی مبتنی بر آن مبانی و اصول را استخراج و تبیین کرده است. در این کتاب، معیار رفتارهای بهنجار جنسی و تمایز آن از رفتارهای نابهنجار مطرح شده و نمونه‌هایی از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب حاضر با توجه به تجربه‌های بشر و مشکلات جنسی امروز جوامع، سعی کرده



و پس از آن و در بخش سوم به بحث درباره انواع نابهنجاری‌های جنسی و عوامل این نابهنجاری‌ها پرداخته شده است. ویژگی مهم این کتاب این است که نویسندگان ضمن بحث و طرح مسئله با رجوع به روایات مربوطه، دایره‌المعارفی از دستورالعمل‌های روایی مربوط به ازدواج و تربیت جنسی از تغذیه تا احکام مربوط و زمان و مکان‌های مستحب را مدنظر قرار داده است. نویسندگان ضمن رجوع به مباحث حدیثی، در این کتاب، هم‌گنجینه خوبی برای محققان و هم مجموعه خوبی برای رجوع افراد در آستانه ازدواج و برای والدین و... فراهم آورده است.

است در پرتو آموزه‌های قرآنی و حدیثی، سمت‌وسوی تربیت جنسی را تبیین کند و آگاهی‌های مناسبی برای والدین و مربیان فراهم آورد. این کتاب با متنی ساده و مملو از رجوع به نظریات مختلف جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه، محتوایی غنی را با رجوع به آیات و احادیث در این حوزه فراهم کرده است. بخش اول این کتاب، مبانی تربیت جنسی است که در فصل‌های مبانی و کلیات، به طرح اصول مرتبط با مبنای وجود غریزه جنسی، تمایل به معنویت و فضیلت دوستی، نیاز به انسان همدم، زیبادوستی و نیاز به محبت پرداخته است. در بخش دوم به شیوه‌های آموزش و تربیت جنسی در قالب شیوه‌های تربیت جنسی پیش از ازدواج، در دوره ازدواج

معرفی کارشناس

در دوره جدید مدیریت سازمان، که سند تحول، محور فعالیت همه بخش‌های سازمان است، گروه‌های پژوهشی با توجه به ارتباطی که با متخصصان دارند می‌توانند سرعت گردش نخبگان را در رسانه ملی افزایش داده و با شناسایی و ارتباط، نخبگان خاموش را به رسانه ملی معرفی کنند و مرتبط سازند. گروه تربیت، خانواده و سبک زندگی این مرکز پژوهشی نیز بر اساس این رسالت بزرگ تلاش می‌کند در دوره تحولی با معرفی چهره‌های نو در هر شماره برای جذاب کردن برنامه‌ها به وظیفه خود عمل نماید. در این شماره تلاش کردیم تعدادی از کارشناسان در سه محور تربیت، خانواده و سبک زندگی را معرفی کنیم.

یکی از عناصر موفقیت برنامه جذاب در رسانه ملی، ظرفیت بزرگ کارشناسی است. از این رو حضور کارشناسان رشته‌های گوناگون در رسانه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه در طول دوران فعالیت خود، تلاش کرده است تا با شناسایی و معرفی کارشناسان مورد نیاز رسانه، برنامه‌سازان را یاری رساند. قطعاً همان گونه که تولید نشریات تخصصی نیازمند پشتیبانی فکری توسط کارشناسان متخصص است، تولید برنامه نیز برای رصد مستمر نظرات، نیازها و خواسته‌های مخاطبان و ایجاد فضای مطلوب برای بیان آزاد ایده‌ها و دیدگاه‌ها، نیازمند مشارکت نخبگان حوزوی و دانشگاهی است.

ردیف	نام و نام خانوادگی	تخصص	تحصیلات دانشگاهی	تحصیلات حوزوی
۱	 حجت‌الاسلام دکتر رضا مهکام	روان‌شناسی و مشاوره	دکتری روان‌شناسی	خارج فقه و اصول
۲	 حجت‌الاسلام دکتر مسعود نورعلیزاده	روان‌شناسی	دکتری روان‌شناسی	خارج فقه و اصول



۳		حجت الاسلام حسین مهدی زاده	تعلیم و تربیت اسلامی	علوم تربیتی	خارج فقه و اصول
۴		حجت الاسلام دکتر حسین بستان	جامعه شناسی سبک زندگی	دکتری جامعه شناسی	خارج فقه و اصول
۵		دکتر محسن فرمهبینی فراهانی	فلسفه تعلیم و تربیت	فلسفه تعلیم و تربیت	خارج فقه و اصول
۶		حجت الاسلام محمدباقر پورامینی	تعلیم و تربیت اسلامی	کارشناسی	خارج فقه و اصول
۷		حجت الاسلام حسین دهنوی	روان شناسی، تعلیم و تربیت	خارج فقه و اصول
۸		حجت الاسلام محمدرضا زیبایی نژاد	مطالعات زنان	خارج فقه و اصول
۹		حجت الاسلام شهاب مرادی	مشاوره جوان مشاوره ازدواج تعلیم و تربیت	خارج فقه و اصول

خارج فقه و اصول	خارج فقه و اصول	تعلیم و تربیت	حجت الاسلام علیرضا تراشیون		۱۰
خارج فقه و اصول	دکتری فلسفه دین، کارشناسی ارشد روان شناسی	فلسفه دین روان شناسی سبک زندگی اسلامی ایرانی	حجت الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی		۱۱
خارج فقه و اصول	دکتری روان شناسی	روان شناسی	حجت الاسلام دکتر محمد زارعی		۱۲
.....	دکتری مطالعات زنان از کانادا		خانم دکتر خدیجه ذوالقدر		۱۳
خارج فقه و اصول	دکتری تاریخ تمدن اسلامی	مشاوره خانواده سبک زندگی اسلامی ایرانی	خانم دکتر فهیمه فرهمندپور		۱۴
	دکتری جامعه شناسی از دانشگاه ناتینگهام		خانم دکتر عاصمه قاسمی		۱۵
خارج فقه و اصول	دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی		خانم دکتر لیلا ثمنی		۱۶